

صاحب امتیاز: محمدرضا زائری
مدیرمسئول: مرتضی وافی

تحریریه:

میثم غضنفری
دبیر سرویس تاریخ و اندیشه: حسین سخنور
دبیر سرویس ادبیات آیینی: امیر عیسی ملکی
دبیر سرویس جامعه: علی حقیقت
دبیر سرویس مردم‌شناسی: پیمان اسحاقی
دبیر سرویس هیئت: مجید رزازی
دبیر سرویس رسانه: مطهره آخوندی
دبیر بخش هنرهای نمایشی: هانیه خاکپور
سیدحجت سجادی‌زاده، داوود پهلوی
برهان محمودی، محمود مکتبی، زهرا قدیانی

همکاران این شماره: مجید سلیمان، الهام حسینی
جواد جواهری، سعید رضا غضنفری، جلال بیطرفان
محسن واحدی پور، جواد محمدی، فرامرز رحمانی
محمد علی بیطرفان، محمدجواد اسماعیلی‌نژاد
سلیمان جهان‌دیده، یدا... جباری، فاطمه ایدوست

ویراستاری و تصحیح: مریم گل‌باز
طراح نامواره: حمید عجمی
صفحه آرایی و طرح جلد: علی اکبر محمدخانی
عکس: پیام اکبری

مردم‌شناسی / ۵۹

- ۶۰ تابوتیک
- ۶۲ واژگان مردم‌شناسی شیعه
- ۶۵ نگاهی به زندگی و آثار دکتر علی بلوکباشی
- ۶۸ نگاهی به کتاب «حسی ترینیداد» نوشته دکتر فرانک کروم

رسانه / ۶۹

- ۷۰ انتشار مطالب عاشورایی در وبلاگستان؛ کمیت آری، نوآوری خیر!
- ۷۱ وبلاگ‌نویسی حسینی، چرا و چگونه
- ۷۲ واتیکان و دروازه‌های الکترونیکی آن
- ۷۳ فن‌آوری‌های نوین، راه‌های جدید به خدا رسیدن
- ۷۴ مراجع آن‌لاین
- ۷۵ رادیو و برنامه‌های مذهبی قبل از انقلاب اسلامی ایران
- ۷۶ خبر و گزارش

هیئت / ۳

- ۴ آنچه می‌گویم به عهده می‌گیرم
- ۶ بی‌معرفت مباش
- ۹ هیئت، مدرسه ما
- ۱۲ کتابخانه تخصصی امام حسین (ع)
- ۱۴ جمادی‌الثانی در گذر تاریخ

جامعه / ۱۵

- ۱۶ فخرفروشی ستاره‌ها در دستگاه اهل بیت (ع) چه توجهی دارد؟
- ۱۸ باید به پول مداحی به چشم تبرک نگریست
- ۲۴ گزارشی در خصوص پاکت‌های چند میلیون تومانی تعدادی از مداحان

هنر و ادبیات آیینی / ۲۹

- ۳۰ یک فاطمه غم
- ۳۱ دریای بیکرانه
- ۳۲ یاد حسین (ع)
- ۳۵ فاطمه زهرا (س) در شعر فارسی
- ۳۶ اندوه نیلی‌آه
- ۳۸ در بوته نقد
- ۴۰ دیگر هیچ تعزیه‌خوانی مشکل مالی نخواهد داشت
- ۴۳ هنرهای آیینی در تقابل با خودآیینی هنر
- ۴۴ محمل ز چشمم شد نهان

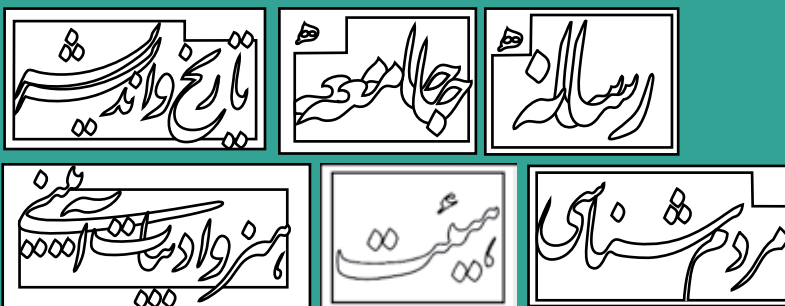
تاریخ و اندیشه / ۴۵

- ۴۶ دانشنامه امام حسین (ع)
- ۴۹ مفهوم‌شناسی نذر
- ۵۲ دعای ندبه
- ۵۵ ای فرزندانم...
- ۵۶ سرمشق معلی

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید.
خیمه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
برگشت دادن مطالب ارسالی امکان‌پذیر نیست.
بهتر است برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

چاپ: سه‌هنگ گرافیک / ۳۰۰۰۰ هزار نسخه

با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه
با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی





فرهنگ مظلوم، مظلومیت‌های فرهنگی! (۳)

مرتضی وافی

... در سرمقاله‌های گذشته با تأکید بر لزوم توجه به پایگاه‌های فرهنگی اعم از هیئات، مساجد، بقاع امامزادگان، حسینیه‌ها و ... آن هم توجهی همراه با حمایت، جهت‌دهی و هدایت به دور از تصدی‌گری و انحصارطلبی در جهت دیکته کردن تشخیص‌های فردی و جوزدگی‌های مقطعی و عجولانه، بر وضعیت نه چندان رضایت‌بخش نهادها و مؤسسات فرهنگی اشارتی رفت؛ اما ادامه ما چرا ...

■ نوع تعامل و ارتباط اشخاص حقیقی و حقوقی در فعالیت‌های فرهنگی به عنوان قطعه‌هایی از یک پازل - که در سند راهبردی و چشم‌انداز نظام بر آن تأکید شده است - ارتباطی پراکنده، گاه موازی و متداخل است. اصل تشکیل ستادها، کمیسیون‌ها و شوراهای فرهنگی گرچه فعالیت مبارکی است، اما چنانچه هدفمند و با برنامه‌ریزی نشود، بیم آن می‌رود که خود سبب اتلاف وقت منابع انسانی شده و مؤسسات و نهادها را تنها به حرکتی تشریفاتی در این راستا وادارد، به مصداق آنکه: نشستند و گفتند و برخاستند/پی‌مصلحت مجلس آراستند!

چندی پیش در مصاحبه با خبرگزاری مهر

در ایام شهادت علامه مرتضی مطهری (ره) که برخی روزنامه‌ها نیز منعکس کردند، بر این نکته پافشاری کردم که هیچگاه نهایت و جمع‌بندی این فعالیت‌های مصوب در ستادهای این گونه و میزان تأثیرگذاری خروجی این جلسات، همایش‌ها و تولید محصولات فرهنگی مشخص نمی‌شود و کسی نیست که سؤال کند، ثم ماذا؟! که این جمله را در جلسه‌ای مقام معظم رهبری پس از استماع گزارش برگزاری هزاران بوستان نماز و اقامه نماز جماعت و ... و در نقد فعالیت‌های فرهنگی در این جهت بیان کردند که «بسیار خوب چند نفر نمازخوان شدند؟»

گرچه پاسخ به این سؤال کار آسانی نیست، اما آنچه مهم است، توجه متولیان فرهنگی در حین فعالیت‌ها به پاسخ چنین سؤالی است که خود هدف اجرای این گونه برنامه‌هاست.

■ در سال‌های اخیر یکی از بحث‌های جذاب و به‌روز که دهان انسان را از شدت حلاوت آب می‌اندازد، مبحث «مهندسی فرهنگی» است. گرچه گاهی بر اساس ضرورت‌ها و مصلحت‌ها سرفصلی باب شده و سیل عظیم مشتاقان به دنبال آن به راه می‌افتد - البته بدون برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری و زمان‌بندی

لازم - و فضای بنرها، نشست‌ها، همایش‌ها و مجلات جامعه را رنگین می‌سازد، اما این عناوین که خود مقوله سهل‌ممتنع هستند، دچار سطحی‌نگری، جوزدگی و رفتارها و برنامه‌های عجولانه شده و گاه رهبری را نیز به تعجب وامی‌دارند.

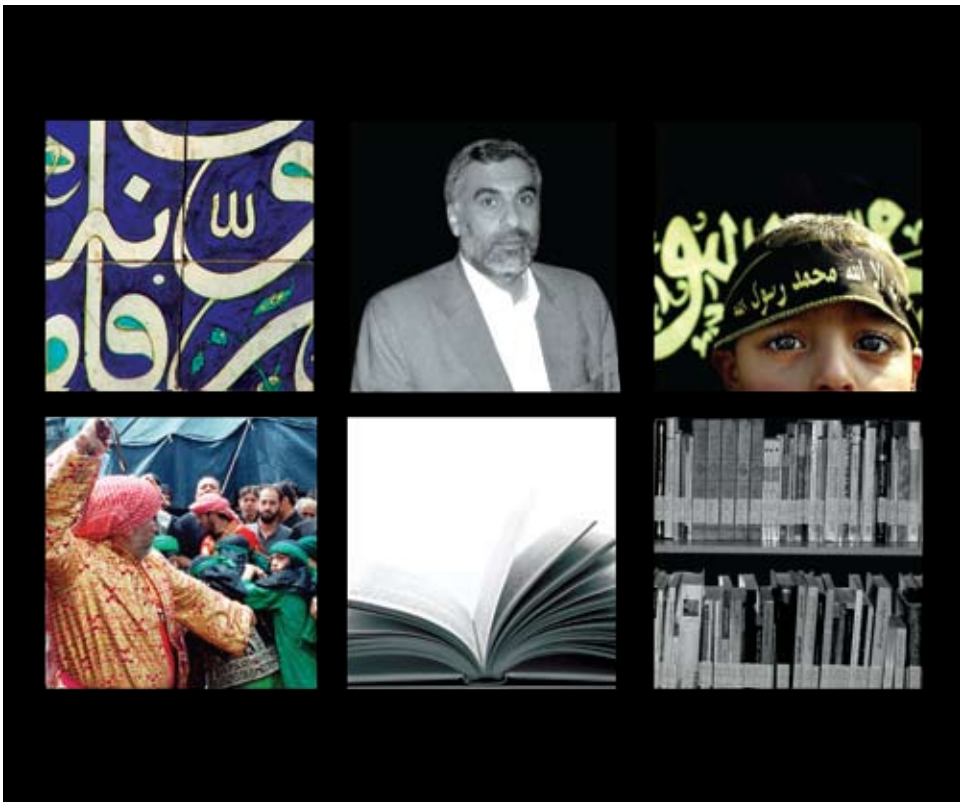
اتفاق افتاده است که ایشان خطاب به یکی از بالاترین مراکز تصمیم‌ساز فرهنگی نهیب زده‌اند که چرا باید حدود دو سال از وقت این نهاد در بحث مهندسی فرهنگی و دعوای لفظی و بی‌فایده بگذرد؟ در جایی دیگر سالی که باید مبدأ برای حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف باشد - که برنامه‌ای حداقل پنج ساله را می‌طلبد - در هیاهو و هیجان‌زدگی برخی مسئولان، تصمیم به اصلاح یک باره الگوی مصرف در مدت یک سال گرفته می‌شود! کاری که نه مورد نظر رهبری است و نه امکان‌پذیر! بحث «مهندسی فرهنگی» از این مقوله بوده که خود لبه تیغ و مصداق پل صراط است. خدا کند نه از این طرف بیفتیم و نه از آن سو بغلتیم که توجه به این مهم خود عین عدالت است و عدالت طلبی...

ادامه دارد
مدیرمسئول

خیلیا

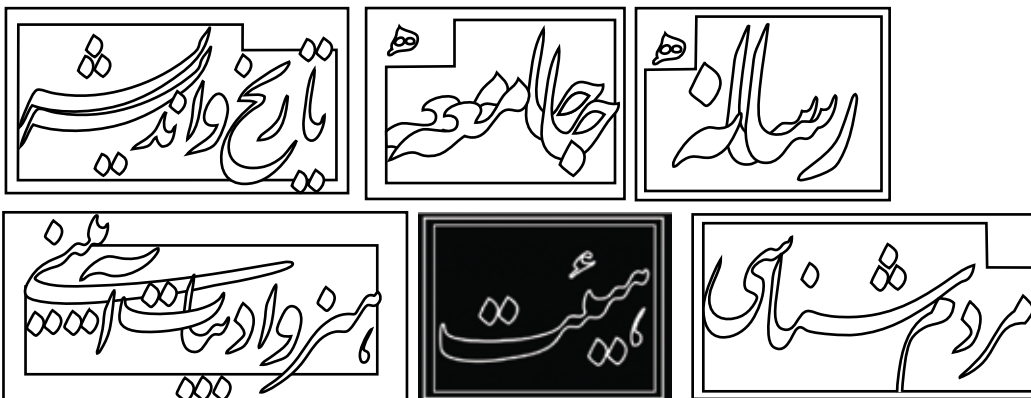
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خپیمه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



تردیدی نداریم که مهم‌ترین رسالت هیئات که به آنها هویتی مستقل و مجزا از سایر اجتماعات می‌دهد، تأکید بر «آموزش و پرورش» و «معرفت‌بخشی» در این اجتماعات است. در این بخش با گفت‌وگویی که با حجت‌الاسلام والمسلمین «علی صدوقی» داشتیم، با توجه به هیئت به عنوان مکانی برای تشخیص و فهم «فاصله» بین آنچه که هستیم و آنچه که باید باشیم» سعی بر ارائه راهکاری برای رسیدن به یک الگوی مناسب داشتیم. توجه به جوانان و جوان‌گرایی در سیستم اجرایی هیئت، نکته‌ای است که در گفت‌وگو با «سیدحسین موسوی رابطنی»، مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک قم، به آن اشاره شده است. در این شماره کتابخانه تخصصی امام حسین (ع) را نیز معرفی کرده‌ایم.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



آنچه می‌گوییم به عهده می‌گیرم

گزیده‌ای از نهج البلاغه

مجنوب کند که نه خدا تواندش خواند، نه بشر تواندش گفت.

«مرا واگذارید و دیگری را به دست آرید.

زیرا ما به استقبال حوادث و اموری می‌رویم که رنگارنگ و فتنه‌آمیز است و چهره‌های گوناگون دارد و دل‌ها بر این بیعت ثابت و عقل‌ها بر این پیمان استوار نمی‌ماند. چهره‌افق حقیقت را (در دوران خلافت سه خلیفه) ابرهای تیره فساد گرفت و راه مستقیم حق ناشناخته ماند. آگاه باشید! اگر دعوت شما را بپذیریم، بر اساس آنچه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنش‌کنندگان، گوش فرا نمی‌دهم. اگر مرا رها کنید، چون یکی از شما هستیم که شاید شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشیم، در حالی که من وزیر و مشاوران باشم، بهتر است که امیر و رهبر شما شوم.»^۱

خب اگر این جماعت نباشد، چه کسی بار امانت را بر دوش بکشد.

«سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علماء عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و اگر خلافت را با کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است.»^۲
حالا روز دوم خلافت است؛ سال ۳۵ هجری،

«رعیت اصلاح نمی‌شود جز آن که زمامداران اصلاح شوند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند، جز با درستکاری رعیت.

و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر (ص) پایدار شود. پس، روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌شود. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌شود و راه گسترده سنت پیامبر (ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماری‌های دل فراوان شود.

مردم از اینکه حق بزرگی فراموش می‌شود، یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند! پس در آن زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کیفی الهی بر بندگان، بزرگ و دردناک خواهد بود. پس بر شماست که یکدیگر را نصیحت کنید و نیکو همکاری کنید.»^۳

«آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده آن بپردازم و با همه شما به گونه‌ای مساوی رفتار کنم.»^۴

تعجب دارد که صاحب این سخنان وسعتی به پهنای قلب و وجدان آگاه تاریخ را آنچنان

«آنچه می‌گوییم به عهده می‌گیرم.»^۱ بعضی‌ها این گونه‌اند، هر چه می‌گویند، به عهده می‌گیرند؛ یعنی می‌گویند به گفتار و کردار من نگاه کنید. اینها نماینده شعور و ادراکات من هستند. این گونه که عمل می‌کنم، احساس می‌کنم، می‌اندیشم؛ این، خود واقعی من است. اما بعضی‌ها طور دیگری هستند؛ ادا و اطوارشان هم کم نیست. به قول دوستم بعضی‌ها گفتار و کردارشان به مثابه تیری است که باری به هر جهت پرتاب می‌شود. اگر مقبول طبع رفقا نیفتاد که خدا لعنت کند فلانی و بهمانی را و اگر افتاد دایره‌ای به دور آن تیر می‌کشند و می‌گویند زدیم بر هدف؛ من آنم که ...

«حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید، هرگاه شما را فرا خواندم، اجابت کنید و هرگاه فرمان دادم، اطاعت کنید.»^۲ البته حضرت پیش‌تر از حق مردم می‌گوید: «حق شما بر من، آنکه از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.»^۳ یعنی نوع تربیت شما و راه و رسم زندگی شما به من مربوط می‌شود و من مسئول آن هستم.

آقا محمدخان آدم ظاهر الصلاحی بود و پایبند به شریعت؛ گفته می‌شود آقامحمدخان به فتحعلی‌شاه وصیت کرده: «اگر می‌خواهی در ایران به راحتی سلطنت کنی، سعی کن تا مردم گرسنه و بی‌سواد باشند.» جالب نیست!

حق میانه‌ترین و در عدل، فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص (نزدیکان) را از بین می‌برد. اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه، همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند؛ زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطا و بخشش‌ها کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذرپذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر هستند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمین و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم هستند. پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو

با آنان باشد»^{۱۳}

اینها یعنی من قصد دارم، عمل کنم و آنچه می‌گویم به عهده می‌گیرم.

«چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند، اما کاری از پیش نبردند و سرانجام سُست شدند! ولی ما این‌گونه نیستیم، تا عمل نکنیم، رعد و برقی نداریم و تا نیاریم سیل جاری نمی‌سازیم»^{۱۴}

معیار نقد و بررسی را هم خودش می‌دهد. «در حکومت پاکان، پرهیزکار به خوبی انجام وظیفه می‌کند، ولی در حکومت بدکاران، ناپاک از آن

بهره‌مند می‌شود تا مدت‌ها سرآید و مرگش فرا رسد»^{۱۵}

پی‌نوشت:

- ۱- خطبه ۱۶
- ۲- خطبه ۳۵
- ۳- خطبه ۳۵
- ۴- خطبه ۲۱۶
- ۵- نامه ۵۰
- ۶- خطبه ۹۲
- ۷- خطبه ۳
- ۸- خطبه ۱۵
- ۹- خطبه ۶
- ۱۰- خطبه ۴۱
- ۱۱- خطبه ۱۷۶
- ۱۲- نامه ۷۱
- ۱۳- نامه ۵۳
- ۱۴- خطبه ۹
- ۱۵- خطبه ۴۰

حضرت با خواص و فرمانداران هم تعارفی ندارد. «پس از یاد خدا و درود! همانا، شایستگی پدرت مرا نسبت به تو خوش‌بین کرد و گمان کردم همانند پدرت هستی و راه او را می‌روی. ناگهان به من خبر دادند که در هواپرستی چیزی فروگذار نکرده و توشه‌ای برای آخرت خود باقی نگذاشته‌ای، دنیای خود را با تباه کردن آخرت آبادان می‌کنی و برای پیوستن با خویشاوندانت از دین خدا بریده‌ای.

اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفش تو، از تو با ارزش‌تر است و کسی که همانند تو باشد، نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند. یا ارزش او بالا رود، یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی

«به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را از هر کجا که بیایم به صاحبان اصلی آن بازمی‌گردانیم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است»^{۱۶} یعنی نیامده‌ام که دور هم خوش باشیم. «من همواره با یاری انسان حق طلب، بر سر آن کس می‌گویم که از حق روی گردان است و با یاری فرمانبر مطیع، نافرمان اهل تردید را در هم می‌شکنم، تا آن روز که دوران زندگانی من به سرآید»^{۱۷}

«ای مردم! وفا همراه راستی است که سپری محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم. آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیانت و نیرنگ ندارد.

اما امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می‌خوانند. چگونه فکر می‌کنند؟ خدا بکشد آنها را!! چه بسا شخصی تمام پیش‌آمدهای آینده را می‌داند و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد، ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و با اینکه قدرت انجام آن را دارد آن را به روشنی رها می‌سازد، اما آن کس که از

گناه و مخالفت با دین پروا ندارد، از فرصت‌ها برای نیرنگ‌بازی استفاده می‌کند»^{۱۸}

«و به امری آشکار دعوت شده‌اید، جز ناشنویان کسی ادعای نشنیدن حق را ندارد و جز کوران و کوردلان کسی ادعای ندیدن واقعیت‌ها را نمی‌کند. آن کس که از آزمایش‌ها و تجربه‌های خدادادی سودی نبرد، از هیچ پند و اندرز سود نخواهد برد و کوه فکری دام‌گیر او خواهد شد، تا آنجا که بد را خوب و خوب را بد می‌نگرد»^{۱۹}

دور ماند. پس، چون این نامه به دست تو رسد، نزد من بیا»^{۲۰}

«همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچ‌کدام از اطرافیان و خویشاوندانت زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نشود که به مردم زبان رساند ... دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در



بی معرفت مباحث

گفت و گو با حجت الاسلام علی صدوقی

معاون دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی ادارات آموزش و پرورش

در ادامه سلسله مباحثی که درباره هويت هیئت در عصر حاضر داشتیم در نشست با حجت الاسلام و المسلمین علی صدوقی هیئت و رسالت هیئات در عصر حاضر را مورد بررسی و نقد قرار دادیم، حجت الاسلام صدوقی دوری از مساجد را مهم ترین دلیل بسیاری از نواقص و بدعتها در هیئات عصر حاضر می داند و با اشاره به رسالت تربیتی هیئات و تأکید بر معرفت بخشی نسبت به امام عصر (عج) به عنوان مهم ترین مسئولیت هیئات، پرهیز از عنوان هیئتی و استفاده از الفاظ حسینی، رضوی، علوی و اهل بیته بودن را پیشنهاد می کند. آنچه در ادامه می آید، گزیده ای از پرسش و پاسخ هایی است که با ایشان در استودیو خیمه داشته ایم:

آیا برداشت عامیانه ای که از هیئت به عنوان مکانی برای عزاداری و توسل به ائمه (ع) وجود دارد، برداشت درستی است؟ تعریف شما از هیئت چیست؟

تعریف هیئت به نوع نگاه به این مقوله بستگی دارد، اگر به هیئت به عنوان جمعی بنگریم که دنبال معرفت به امام (ع) و ایجاد زمینه ای مناسب برای رسیدن به یک نظام تربیتی مبتنی بر امامت باشد، آنگاه هیئت یعنی عده ای که دور هم جمع می شوند تا ضمن عزاداری برای امام حسین (ع) به معرفت برسند و این جمع قصد دارند، یک قدم به رشد و ارزش های تربیتی مبتنی بر امامت و ولایت نزدیک شوند، اما با یک نگاه تشکیلاتی، هیئت، جمعی است که تلاش می کند در یک تشکیلات منسجم پیام ویژه ای را به عزاداران حسینی برساند، در نگاه نخست مجموعه هیئت داران تلاش می کنند، بسترهای تربیتی را در جامعه فراهم کنند تا جامعه در آن بستر و فضا یک تنفس تربیتی داشته باشد، هويت خود را درک کند و وظیفه رسالتی را که در نظام هستی بر دوش اوست، بشناسد تا با این شناخت راه سعادت را دریابد و در مسیر آن حرکت کند. به استناد حدیث معروف نبوی (ص) که می فرماید: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» مهم ترین رسالت هیئات ایجاد زمینه مناسب برای رسیدن به معرفت امام زمان (عج) است که در غیر این صورت نه تنها در مسیر درست حرکت نکرده اند، بلکه زمینه را

«عدم ظهور» است. او ظاهر نیست. اما نه اینکه حاضر هم نباشد. نگاه اول، باعث می شود، بعد از جریان عزاداری در هیئت شخص با مقوله امامت خداحافظی کند و امام (ع) در زندگی چنین شخصی وجود ندارد و او التزام عملی به اینکه در مسیر ایشان قدم جانانه ای بردارد، ندارد. این شخص آرام آرام هويت خود را از دست می دهد و ارتباطش با جلسات یک ارتباط عاطفی می شود و چنین عزاداری ای در متن زندگی او تأثیری ندارد. ما باید کاری کنیم که مفهوم عزاداری به معنای اصلی اش بازگردد. بعضی از هیئات در این راستا حرکت نمی کنند و نگاهشان به عاشورا، تنها عاطفی است. پس خیلی ها هستند که در هیئت حضور پیدا می کنند. اما هیئت در آنها دگرذیسی ای ایجاد نمی کند.

به نظر شما چه چیزی سبب می شود از دل فرهنگ ولایی چون عاشورا، آسیب هایی که از آن یاد شد، بیرون بیاید و آیا الزامی برای فعالیت هیئاتی که به موارد مذکور توجهی ندارند، وجود دارد؟

ما با سلايق خودمان با نهضت امام حسین (ع) برخورد می کنیم؛ یعنی هیئت یادش رفته رسالت تربیتی بر دوش دارد. بنابراین وقتی که این موضوع را فراموش کند، هیئت، مداح مدار می شود نه عالم مدار و به جای عقل گرایی، عرفی گرا می شود و به دنبال چیزی می رود که عرف جامعه آن را می پسندد و می گوید: «فلانی را دعوت کنیم، خوب می خواند، سبکش فلان

برای دوری از امام زمان (عج) و گمراهی فراهم کرده اند.

اما به نظر می رسد در موارد قابل توجهی این برداشت از هیئت که مکانی برای عزاداری و توسل به ائمه (ع) است، بر تعاریف دیگر پیشی می گیرد و حتی از همین تعریف هم سوء تعبیر می شود تا جایی که به نظر می رسد، نوعی تخدیر در ساز و کار هیئات نه تنها تقبیح

هیئت جایی است که در آن شخص باید فاصله بین آنچه که هست و آنچه را که باید باشد درک کند

نمی شود، بلکه طبیعی می نماید. نگاه من این گونه نیست. من عقیده دارم؛ انسان باید مدام در حال حرکت باشد، هر گاه این حرکت متوقف شد، انسان به رکود می رسد، رکود یعنی گندیده شدن انسان. انسان تا زمانی که در حرکت است و جوش و خروش دارد، در جهت رشد و بالندگی است. نشست دینی باید منجر به این شود که اولاً، این حرکت متوقف نشود. ثانیاً، این حرکت مدیریت شود. ثالثاً، در مسیری قرار بگیرد که حضور امام زمان (عج) را باور کند. اگر حضور امام زمان (عج) باور شود، بسیاری از مشکلات جامعه ما حل می شود. عده ای ناخودآگاه غیبت را به معنای «عدم حضور» گرفته اند، ولی غیبت به معنی



که رسالتشان این است که زمینه‌های مناسب را برای تحول آفرینی در مخاطب ایجاد کنند، در تاریخ ابداع... (ع) نقل شده، وقتی ایشان از مدینه به سمت کوفه حرکت کردند، بیش از پنج هزار نفر همراه ایشان بودند، ولی شب عاشورا این تعداد به حدود ۷۰ نفر می‌رسد. اینها کجا رفتند؟ اینها با نقشه‌های دنیوی وارد صحنه شدند و خودشان را زیر بیرق امام حسین (ع) قرار دادند، ولی وقتی دیدند این کاروان به سمت مرگ می‌رود و بوی خون به مشامشان رسید، آرام و بی‌سر و صدا راه خود را کج کردند. اینها واقعیاتی است که در هیئات باید به آنها توجه شود. فکر می‌کنم که اگر برخی از حرف‌ها را صریح‌تر بگویم، زودتر به نتیجه می‌رسیم. اگر با ادبیات امروز حرف‌های همان کوفی‌ها را نقل کنیم، باید بگویم که آنها می‌گفتند: «ای امام زمان (عج)، تو در ظهورت تعجیل کن تا ما در رکابت بجنگیم.» امام زمانشان نشان داد که من ظهور کردم، اما شما آماده نبودید. با تأکید بر رسالت تربیتی هیئات آنچه به هیئت، هویتی مشخص می‌بخشد. تلاش آن برای نشان دادن فاصله آنچه که هستیم با آنچه که باید باشیم، است که این مهم با حصول معرفت نسبت به امام زمان (عج) حاصل می‌شود.

هویتی که از آن یاد کردید، تا چه اندازه در نهاد هیئات در عصر حاضر نهادینه شده است؟

در بسیاری از هیئات‌های قدیم، عقل‌گرایی بر عرفی‌گرایی حاکم بود و تلاش‌ها در مسیر معرفت به امام (ع) و متکی بر معرفت دینی بود، جلسات بیشتر عالم‌محور بود تا مداح‌محور. متأسفانه در برخی از هیئات در عصر حاضر حتی سخنرانی ابتدای مجلس هم تنها به منظور جمع کردن افراد و آماده شدن فضا برای مداح است. امروز بیشتر به دنبال سبک و صوت هستیم و بسیار شنیده می‌شود که به فلان هیئت برویم که فلانی در آنجا با فلان سبک می‌خواند. این نشان می‌دهد که ما نمی‌رویم بهره‌ای برای تولد دوباره خودمان ببریم. می‌رویم به هیئت که ارضا شویم؛ یعنی من نمی‌خواهم رشد کنم. در گذشته به علت پیوند ویژه بین هیئات و مرجعیت برنامه‌ها به تأیید مراجع می‌رسید و سعی بر این بود سخنرانی‌ها در جهت حل معضلات جامعه باشد. یا ما نباید جلسه‌ای برای عزاداری امام حسین (ع) بگیریم یا اگر گرفتیم باید یادمان نرود که وظیفه داریم زمینه ظهور ولی خدا (عج)

را با او درک کنیم، حسرت می‌خوریم و واقعاً گریه می‌کنیم که چرا این وجود عالی و ظرفیت گسترده را از دست داده‌ایم. کاش می‌توانستیم از او بیشتر بهره‌مند شویم و ... این ای کاش‌ها هست که مرا به گریه وامی‌دارد. گریه اگر مبتنی به معرفت نباشد، حرکتی در انسان ایجاد نمی‌کند، اما گریه همراه با معرفت زمینه تولدی دیگر و بلوغ را در انسان مهیا می‌سازد. از نظر

**من دوست دارم
به مدرسه‌ای بروم
که به من روش اندیشیدن
را یاد دهد
نه اینکه به من بگوید
آن‌گونه که من می‌اندیشم
تو نیز همان‌گونه بیندیش**

روان‌شناسی سه حیطه داریم: حیطه شناختی که آگاهی‌ها را می‌گیریم. حیطه عاطفی که این آگاهی‌ها با عاطفه ما عجین شده و تبدیل به ایمان می‌شود و حیطه عملی که رفتارهای ما را بر اساس آن شناخت و این بینش شکل می‌دهد. جریان امام حسین (ع) اگر با معرفت و آگاهی باشد، در من شور و هیجان جدیدی را به وجود می‌آورد و گریه‌ای را سبب می‌شود که حکایت از بلوغ دوباره‌ای در من دارد. گریه واقعی، گریه‌ای است که مبتنی بر معرفت امام (ع) باشد و هویت جدیدی به زندگی می‌بخشد.

گفته می‌شود ماهیت و هویت اجزاء یک کل، در تعامل با آن کل تشخیص می‌یابد. هویت جدید مبتنی بر معرفت امام (ع) برای مخاطبان هیئت مستلزم آن است که هیئات دارای هویتی تشکیل و برنامه‌هایی مشخص باشند، آیا در حال حاضر می‌توانیم ویژگی‌های مشخصی را برای هیئات برشمیریم، آنچه هیئت را از سایر تشکلهای فرهنگی و مذهبی، همایش‌ها، NGOها و ... متمایز می‌کند یا باید متمایز کند، چیست؟

مهم‌ترین رسالت هیئت، مسئولیت تربیتی آن است و اینکه شخصی که وارد هیئت می‌شود، باید رفتنش با آمدنش فرق داشته باشد. هیئت جایی است که در آن شخص باید فاصله بین آنچه که هست و آنچه را که باید باشد، درک کند. نگاه ما به هیئت باید به مثابه یک کلاس درس باشد. سخنران و مداحان، معلمان این کلاس‌ها هستند و باید به این موضوع فکر کنند

است. بچه‌ها به سبک او گوش می‌دهند و احساسات خود را ارضا می‌کنند.» نمی‌روند تولد دوباره پیدا کنند. نمی‌روند به فهم، بینش، شعور و هویت جدید برسند و فاصله آنچه که هستند و آنچه را که باید باشند، درک کنند و اینکه چگونه باید آن فاصله را پر کنند. هیئت‌ها اگر به دنبال معرفی امام (ع) هستند، باید از طریق احیای عزاداری امام حسین (ع) و معرفی شخصیت، راه، هدف، هویت و در یک کلمه، معرفی امام (ع) به عنوان یک شاخص تربیتی و هدایتی در متن زندگی انسان‌ها به هدفشان نیل پیدا کنند. در غیر این صورت بحث در بودن و نبودن معنایی ندارد و باید فوراً به حذف آنها فتوا دهیم و تلاش کنیم که از گردونه خارج شوند.

اگر رسالت اصلی که همانا تربیت است، انجام نشود ما در مسیر حرکت به سوی امام حسین (ع) قدم بر نمی‌داریم، بلکه او را در حاشیه قرار می‌دهیم. او را وسیله‌ای برای ارضای حس خود قرار می‌دهیم، نه اینکه ما در خدمت او باشیم؛ او در خدمت ما قرار می‌گیرد. در این صورت مجلس عزاداری، مجلسی می‌شود که در آن ما دور هم می‌نشینیم و گعده می‌گیریم و به دنبال آن هستیم که فلانی را دعوت کنیم تا بخواند و ما «حال» کنیم. این عبارت «حال کنیم» که بعضی به کار می‌برند؛ یعنی من می‌خواهم احساسات خود را ارضا کنم. دنبال آن نیستیم، معرفت جدیدی در من ایجاد شود تا به استاد آن معرفت، هویت و ساختار جدیدی پیدا کنم.

عده‌ای با استناد به احادیث و روایات متعددی که ائمه (ع) درباره تباهی فرموده‌اند، هرگونه انتقاد به چگونگی بروز احساسات و عواطف در حوزه مدح و مرثیه را تقبیح می‌کنند، حال آنکه افراط و تفریط در این حوزه پیامدهای دل‌آزاری را به همراه داشته است.

تباهی یعنی بیعت قلبی با امام حسین (ع) که نشانه آن تأثر روحی‌ای است که من به آن دچار شده‌ام. گاهی گریه شخص برای از دست دادن محبوبی است که به آن وابسته است و گاهی به علت حزنی است که از فرصت‌های از دست رفته به وجود می‌آید. اینکه من می‌توانستم در مسیر رشد و تعالی فعال‌تر باشم، ولی نبودم. می‌توانستم زودتر از حد متعارف به مقاصد اصلی زندگی و قله‌های رفیع و ارزشمند برسم، ولی در جهت نیل به آن کاری نکردم. درباره عزاداری هم به همین شکل است؛ اگر ما نسبت به امام (ع) معرفت پیدا کنیم و رابطه خودمان

را فراهم کنیم. متأسفانه در عصر حاضر برخی از هیئات رسالت تربیتی‌شان را فراموش کرده‌اند و بیشتر انگیزه‌های حزبی و تشکیلاتی دارند و به مخاطب القاء می‌کنند که آن گونه که من می‌گویم، بیندیش، نه اینکه من زمینه‌اندیشیدن تو را فراهم می‌کنم. استاد شهید مطهری، در یکی از کتاب‌هایشان، جمله زیبایی دارند و می‌گویند: «من دوست دارم به مدرسه‌ای بروم که به من روش اندیشیدن را یاد دهد، نه اینکه به من بگوید آن گونه که من می‌اندیشم، تو نیز همان گونه بیندیش.»

به گمان من یکی از مهم‌ترین دلایل نواقصی که از آنها صحبت شد، دوری از مساجد است.

تا زمانی که مسجد محور بود، سلامتی روانی جامعه نیز تضمین بود. شور و نشاط و انسجام مسلمانان نیز بیشتر بود. اما به مرور زمان هیئت‌های عزاداری، حسینیه‌ها را برای عزاداری بر پا کردند. در حالی که با وجود مساجد نیازی برای این کار نبود، برای حسینیه‌ها، پشتوانه‌ی روایی و استنادات قوی‌ای ندارد و با دلایل غیر موجه بنا شده‌اند. فکر نمی‌کنم که خالی شدن مساجد و پر شدن هیئات مورد رضایت امام حسین (ع) باشد. ما دو موضوع محوری در اسلام داریم؛ یکی مسجد و دیگری امام (ع). مسجد، فضایی است که ملائکه در آن تردد می‌کنند. روایات متقن و متعددی درباره‌ی ساختن و تعمیر کردن مساجد داریم، اما درباره‌ی حسینیه خیر. من موظف هستم، آنچه را که از دین خدا فهمیده‌ام، بگویم و داوطلب هستم که مطالب دوستانی را که مخالف هستند و دلایل متقنی دارند، گوش دهم و در صورت درست بودن، از نظر خود بازگردم.

آیا متولیان مساجد از عهده‌ی برقراری ارتباط مناسب، با بخش وسیعی از مخاطب‌های حسینیه‌ها و هیئات که عمدتاً از جوانان هستند، برمی‌آیند؟ چه پاسخی برای جوانانی که با دلایلی از قبیل عدم شناخت و ارتباط مفید و سازنده‌ی مسئولان مساجد با مخاطبان جوان، به حسینیه‌ها روی می‌آورند، دارید؟

قبول دارم که برخی از متولیان مساجد به دلیل عدم بینش تربیتی، تعامل خوبی با مخاطبان خود به‌خصوص نسل جوان جامعه، ندارند. اما این دلیل نمی‌شود که مساجد را خالی کنیم. باید متولی را اصلاح کنیم و همان‌طور که گفتم بعضی از دلایل هم موجه نیستند. خروج

از مساجد زمینه‌ساز بدعت‌هایی می‌شود که در اندیشه‌ی دینی پایه و اساسی ندارد؛ به عنوان مثال طبل زدن نشانه‌ی چیست؟ آیا در روز عاشورا طبل در لشکر امام حسین (ع) طبل می‌زند یا در لشکر ابن زیاد؟ اگر طبل و طبل‌دار در لشکر ابن زیاد است، پس امروزه در عزاداری امام حسین (ع) چه می‌کند؟ انجام کارهایی که در مسجد نمی‌توان آنها را انجام داد، خارج از مسجد میسر می‌شود و بدعت‌ها شروع می‌شوند و باعث می‌شود کم‌کم از مسیر اصلی فاصله گرفته شود. دوری از مسجد سبب می‌شود، بیشتر از آنکه به موضوع اصلی یعنی حصول معرفت بیندیشیم به علم‌کشی، بیرق‌کشی، زنجیر زدن، مخفیانه قمه زدن و ... که هیچ‌سندی ندارند و بیشتر برای خودنمایی و امیال شخصی است، سرگرم شویم

خروج از مساجد زمینه‌ساز بدعت‌هایی می‌شود که در اندیشه‌ی دینی پایه و اساسی ندارند

و عزاداری باید به گونه‌ای باشد که اولاً، مورد پسند اهل بیت (ع) قرار گیرد و ثانیاً، زمینه‌ساز تولدی دوباره، حرکت، پویایی، رشد و تعالی باشد. مهم‌ترین آسیبی که در حال حاضر وجود دارد و اگر توجه جدی به آن صورت نگیرد، در درازمدت زندگی ما را مختل می‌کند، عدم معرفت و آگاهی به وظایف اصلی و کارکردهای هیئات است. باز هم تأکید می‌کنم که وظیفه‌ی اصلی هیئات این است که دست ما را بگیرند و در دست امام زمان (عج) بگذارند و این موضوع در مساجد می‌تواند محقق شود.

همان‌طور که شما هم اشاره کردید، انگیزه‌های حزبی و نگاه تشکیلاتی در برخی از هیئات وجود دارد و در توجیه این رویکرد هم گفته می‌شود، اسلام یک دین سیاسی است و این حق و وظیفه‌ی مداحان است که به این حوزه وارد شوند و به تنویر افکار عمومی بپردازند.

برخی از روشنفکران می‌گویند، وقتی سیاست در کنار دین قرار می‌گیرد یا هنگامی که دین و سیاست در هم آمیخته می‌شوند، دین هویتش را از دست می‌دهد، این حرف را نه می‌توان به صورت مطلق رد کرد و نه اینکه کامل پذیرفت.

اگر دین با سیاستی آمیخته شود که مبتنی بر اندیشه‌ی دینی و مبتنی بر اصل امامت و ولایت نباشد و بیشتر با فرهنگ توسعه و فرهنگ‌های جهانی هم‌خوانی داشته باشد و به دنبال این باشد که خود را در فرهنگ‌های جهانی تعریف کند نه در فرهنگی دینی، به طور قطع آسیب می‌بیند. اما اگر سیاست از یک عقبه و پشتوانه‌ی دینی موجه برخوردار باشد، نه تنها به دین آسیب نمی‌زند، بلکه بسترهای مناسب جهت شکوفایی آن را فراهم می‌کند. اما آفت امروز برخی از هیئات مذهبی استفاده‌ی ابزاری از عزاداری امام حسین (ع) در مسیر یک جناح سیاسی خاص است؛ به عنوان مثال، وقتی شورای نگهبان صلاحیت کاندیدایی را برای ریاست جمهوری یا مجلس تأیید می‌کند، یک مداح با چه مجوزی و چرا در جلسه‌ی عزاداری امام حسین (ع) به نفع کاندیدایی دیگر در برابر او موضع می‌گیرد؟ بهتر نیست در این مراسم به جای پرداختن به اشخاص به اخلاق انتخاباتی و معیار گزینش اصلح پرداخته شود؟ ما باید بینش، شعور و معرفت چگونه زندگی کردن را به مردم یادآور شویم، اگر بپذیریم که هیئات رسالت تربیتی بر دوش دارند و باید معیار اخلاق دینی را به مردم یاد دهند، درمی‌یابیم که باید با پرداختن به مبانی، مصادیق را به خود مردم واگذار کرد.

شما چه راهکاری را برای رسیدن به آنچه که باید باشد، برای هیئات پیشنهاد می‌کنید؟ آیا با برخوردهای بخشنامه‌ای جهت رسیدن به مطلوب موافق هستید؟

اولین نکته این است که نگوییم «هیئتی»، بلکه بگوییم «حسینی». با لفظ هیئتی، نگاه تشکیلاتی به وجود می‌آید و نوعی موضع‌گیری در برابر سایر هیئات شکل می‌گیرد. درباره‌ی لفظ هیئتی باید کمی تأمل کرد. ما می‌خواهیم؛ حسینی، رضوی و علوی باشیم، اگر خودمان را اهل بیته تعریف کنیم، دیگر دنبال یک سری رقابت‌های نادرست نیستیم. برای رسیدن به وضعیت مطلوب هم باید فرهنگ‌سازی کرد. درباره‌ی برخورد بخشنامه‌ای این موضوع، مهم است که اگر حکم حکومتی‌ای برای صیانت از اسلام داده شد، نظیر آنچه آقا درباره‌ی قمه زدن فرمودند، همه باید اجرا کنند و در چنین شرایطی حتی سایر مراجع تقلید هم باید در جهت حکم حاکم اسلامی حرکت کنند. عزاداری واقعی یعنی انس با امام حسین (ع) که با فرهنگ‌سازی مناسب باید به سمت و سوی آن حرکت کرد. ■



هیئت؛ مدرسه‌ما

گفت‌و‌گو با سیدحسین موسوی رابطی

حسین مهدی‌زاده

قدیمی. با ورود هیئت به فضای مدرسه در نیمه دوم سال تحصیلی فضا کاملاً تغییر کرد و در اوج دین‌گریزی‌هایی که در آن زمان مد شده بود، واحد آموزشی تحت نظارت آقای موسوی ویژگی‌های منحصر به فردی پیدا کرده بود.

متأسفانه هیئت صاحب‌الزمان (عج) پس از جدا شدن سیدحسین موسوی رابطی از فضای آن واحد آموزشی، به همراه او از فضای دبیرستان خارج شد و مدیران بعدی زیرکی تربیتی موسوی را که کمتر جایی دیده می‌شود، درک نکردند. آقای موسوی چند سالی است که مدیریت آموزش و پرورش ناحیه یک قم را بر عهده دارد. در گفت‌و‌گویی که صبح زود یک پنج‌شنبه در پایان سال ۱۳۸۷ با استاد قدیمی‌ام، آقای موسوی داشتم، از ایشان درباره ایده‌های تربیتی‌شان که منجر به معروف شدنشان به عنوان یک مدیر موفق شد، چگونگی رسیدن

و بر اساس توانمندی‌های فردی متولیان آن شکل گرفته و گاهی تجربه‌های بسیار موفقی نیز از کار درآمده‌اند، بازنشاسی خواهیم کرد. یکی از این هیئت‌های موفق هیئت «صاحب‌الزمان (عج)» بود که سال اول تأسیس دبیرستان «صاحب‌الزمان (عج)» در شهر مقدس قم شکل گرفت. وجود مدیر با‌دراستی نظیر «سیدحسین موسوی رابطی» در این مدرسه در اوج فضای روشنفکر زده نیمه دوم دهه ۷۰ (از سال ۱۳۷۷ به بعد)، هیئت را به یکی از خیرسازترین و جذاب‌ترین مسائل جاری مدرسه تبدیل کرده بود. من در طول چهار سال در دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شاهد صاحب‌الزمان (عج) شاهد یکی از زیرکانه‌ترین مدیریت‌های علمی و فرهنگی از ایشان بودم. حوزه مدیریتی ایشان محل اجتماع بهترین معلمان آن دوره بوده است؛ چه در مدرسه‌ای با امکانات مدرسه شاهد و چه در یک مدرسه دولتی

در سال‌های اخیر به طور ناگهانی توقعات فرهنگی از هیئت‌ها بسیار بالا رفته و در بسیاری از موارد سعی شده، بسیاری از خدمات پیچیده اجتماعی را از هیئت‌ها مطالبه کنند؛ مسئولیت‌هایی که هیئات برای آنها تربیت نشده‌اند. تغییر نگاه به این تنها ارکان اجتماعی که کاملاً وجهه دینی دارد، بسیار ناگهانی صورت گرفته در حالی که پشتیبانی‌های فرهنگی از آن به اندازه کافی نبوده است.

حداقل فایده بررسی موقعیت هیئت‌ها در سال‌های اخیر، بازخوانی مسائلی است که امروز نظرات ضد و نقیضی درباره آن وجود دارد و اگر نگوییم با این کار الگوها و ضد الگوها را از هم جدا کرده‌ایم، دست کم الگوهای موفقی را که به صورت خودجوش



کار بود. عنایت شهدا هم بود و هیئت قوام و شور و نشاط خوبی پیدا کرد. کار به جایی رسید که فرزندان شهدا که در سن ۱۷-۱۶ سالگی بودند، به واسطه هیئت برای پدران شهید خود مجلس بزرگداشت برگزار می‌کردند و این برای آنها غرورآفرین بود. آنها هیئت را از آن خود می‌دانستند، پس خودشان همه فعالیت‌ها و امور هیئت را انجام می‌دادند. این موضوع جذابیت و لذت خاصی برای نوجوان و جوان در آن سن دارد. راه جذب جوانان این است که کار را به خود آنها بسپاریم و البته روشن است که چنین کاری نیازمند رهبری و هدایت نیز است.

ما شب‌های چهارشنبه را برای جلسات هفتگی انتخاب کردیم و در مناسبت‌ها مجلس برگزار می‌کردیم و از عموم مردم در سطح شهر برای شرکت در جلسه دعوت می‌کردیم. مراسم معمولاً بعد از نماز مغرب و عشا بود و یک ساعت و نیم طول می‌کشید. ما وظایف متعددی نسبت به دانش‌آموزان داریم و باید آنها را انجام دهیم. احیای امر اهل بیت (ع) عین روشنفکری است. من معنای متداول روشنفکری را جامع نمی‌دانم. در حقیقت روشنفکری این است که انسان با ابزار و شرایط امروز دینش را کامل اجرا کند. برپایی هیئت صرفاً برای اجرای یک مراسم نیست. این ظاهر کار است. باطن این جلسات همان هدفی است که دین مبین اسلام از ما می‌خواهد؛ یعنی اینکه کسانی که مکتب تشیع را به عنوان مترقی‌ترین تفکر مکتب الهی برگزیده‌اند، افرادی باشند که همیشه دل و وجودشان آماده جهاد برای این دین شود. ساده‌ترین و ظاهری‌ترین نفع‌اندازی و توسل، گرفتن حاجت‌هاست. ولی هر کس به قدر معرفتش از آن بهره می‌گیرد. هدف ما از برپایی جلسات این بود که زمینه به گونه‌ای مهیا شود که همه مخاطبان منتظر واقعی امام زمان (عج) باشند و برای این منظور تربیت شوند و لازمه رسیدن به این هدف آشنایی دانش‌آموزان به حرکت و حیات پیامبر (ص) و ائمه (ع) بود. خداوند در طول این چند سال به ما نشان داد که چنین حیات معنوی‌ای در هیئت باعث می‌شود، فکر و ذهن بچه‌ها رشد کند و از برکات این هیئت این بود که بچه‌هایی که در چنین فضایی نفس کشیدند، بعد از چهار سال با رفتن به دانشگاه‌ها، خودشان مبلغی برای اهل بیت (ع) می‌شدند و با همین تفکر و آموزه‌ها منشأ حرکت و جوشش بودند. در آن برهه انتقاداتی بر

را بر عهده نگیریم و بگوییم که قسمتی از کار بر عهده ما نیست و بهانه بیاوریم که مثلاً این قسمت کار به من محول نشده و ... ادامه این روند در آینده لطمه‌های بزرگی به ما وارد می‌کند. ما باید با خود بیندیشیم که آیا ما مسئول آنچه که در جامعه می‌گذرد، نیستیم؟

در سال ۱۳۷۷ به نظر می‌رسید که جوان‌هایی که در مدرسه هستند، افکار و روحیاتشان متفرق شده است و ما برای اینکه آنها را به یک سمت مشخص سوق دهیم، به فرمایش نبی مکرم اسلام (ص) مبنی بر «تمسک به قرآن و اهل بیت (ع)» توجه کردیم. به نظر من ما هر جا که به فرمایش‌های اهل بیت (ع) بی‌توجهی کردیم، کم آوردیم و هر جا که به فرمایش آنها توجه داشتیم، نورانیتی، غیر قابل پیش‌بینی را مشاهده کرده‌ایم.

**تنها جایی که
در آن جامعه می‌تواند
در همه ابعادش رشد کند
محیط آموزش و پرورش است**

هیئت صاحب‌الزمان (عج) در سال ۷۷، با کمک چند تن از برادران از جمله حجت‌الاسلام والمسلمین «سید حسین مؤمنی» از منبریان معروف قمی شروع به فعالیت کرد. در ابتدا انجام فعالیت‌های آموزشی و کار هیئت با هم جور در نمی‌آمد. اما عنایت اهل بیت (ع) که خودشان صاحب و گرداننده هیئت هستند، پشت

به این مطلوب که «بدنه هیئت باید نوبه‌نو شود» که از نظرات استاد است و همچنین بخش مدیریت بین جوانان، افق طولانی مدت برنامه‌های آموزشی و پرورشی ایشان و ... پرسیدیم و پاسخ ایشان در ادامه به استحضار می‌رسد؛

هیئت محترم صاحب‌الزمان (عج) یک هیئت دانش‌آموزی بوده و هست. یادم هست در سال‌های اولیه تأسیس مدرسه شاهد فضای عمومی جامعه دارای مسومیت‌های خاصی بود که قاطبه دانش‌آموزان را دربرگرفته بود. این در حالی بود که جوانانی که در ظاهر بسیار ناهنجار به نظر می‌رسیدند، روح بسیار آماده‌ای برای پرورش داشتند. اما زمینه لازم برای شکوفایی آنها وجود نداشت. به نظر من تنها کتاب و دفتر درس نیست که باعث رشد و تعالی انسان می‌شود و یکی یکی طی کردن کلاس‌ها به تنهایی نتیجه‌بخش نیست. این موضوعی است که در متن تعالیم دینی نیز نهفته است.

من معتقدم تنها جایی که در آن جامعه می‌تواند، در همه ابعادش رشد کند، محیط آموزش و پرورش است، مشروط بر آنکه نگاه ما یک نگاه جامع باشد؛ نگاهی که از دین اخذ شده باشد. با توجه به وظایفی که بر عهده ما فرهنگیان آموزش و پرورش سپرده شده است، به نظر می‌رسد مجموع فعالیت‌های ما دغدغه‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی را تأمین نمی‌کند.

اگر ما کار تربیت نسل جوان در همه ابعادش



تشکلی، رهبری نقش تعیین کننده‌ای دارد و رهبر باید پیکره گردانندگان هیئت را جوان نگاه دارد و در چنین حالتی زمینه رشد و تعالی در هیئت بروز پیدا می‌کند و این جوان‌گرایی زمینه‌ساز جذب نیروهای بیشتر می‌شود.

هنگامی که می‌خواهیم با جوانان کار کنیم، باید اجازه دهیم، خودشان کار کنند. در تجربه فعالیت‌های ما جوانان خودشان فکر می‌کردند و اگر جایی لازم به توضیح بود و لازم بود حد و مرز یک تصمیمی مشخص شود، ما دخالت می‌کردیم. ما در شکل کار دخالتی نداشتیم و بچه‌ها احساس می‌کردند، کار خودشان است. سعی ما این بود که در تصمیمات جزئی فقط صاحب یک رأی باشیم. اما در مواردی که نقش تعیین کننده دارد و ممکن است منشاء اختلاف باشد، حرف اول را یک نفر باید بگوید.

از ویژگی‌های مهم یک رهبر در هیئت، آن است که نسبت سنی مناسبی با سایرین داشته باشد و حداقل ۱۰ سال از سن مدرسه و دبیرستان او گذشته باشد و ۱۰ سالی پس از مدرسه در جامعه تجربه کسب کرده باشد

شاید یکی از مسائلی که سبب شده بسیاری از ارگان‌های فرهنگی که زمانی کارهای بزرگی انجام دادند و انقلاب را رقم زدند امروز دچار افول جدی بشوند عدم جوان‌گرایی است

تا بتواند اختلافات احتمالی را که ممکن است در حین کار پیش بیاید، برطرف کند. او باید خستگی‌ناپذیر و دارای ویژگی‌های اخلاقی مناسب برای جذب سایرین باشد.

برای یک رهبر هیئت مهم است که کار به جایی برسد که وقتی منجی عالم بشریت (عج) ظهور کرد، جوانان هیئتی هم لیبیک گو باشند؛ یعنی غرض او این است که جوانان تحت تربیت و رهبری او مصلح واقعی باشند. در حقیقت هیئات برای کسانی تشکیل می‌شوند که همه وجودشان را برای این کار هدیه کرده‌اند. هدف نهایی هیئت، احیای دین در بشریت است و یک هدایتگر خوب در یک تشکل دینی و مذهبی با تمسک به اندیشه‌های اهل بیت (ع) و با جوان‌گرایی می‌تواند راه حل‌های مناسب را برای رسیدن به مقصد نهایی برای هیئت پیدا کند. ■

انجام دادند و انقلاب را رقم زدند، امروز دچار افول جدی بشوند، عدم جوان‌گرایی است. در حال حاضر هیئت امنای مساجد ما همه پیرمرد هستند و جوانان هم گرد آنها جمع نمی‌شوند.

در گذشته رونق هیئت‌ها و فعالیت‌ها در مساجد به علت حضور جوانان بود. جوانان با علاقه مساجد را اداره می‌کردند. از قضا بسیاری از پیرمردهای امروزی در مساجد همان جوانانی هستند که در گذشته مساجد را اداره می‌کردند، اما حالا انگیزه لازم را ندارند. این به معنای افول معنویت در آنها نیست، بلکه آنها کار خودشان را انجام داده‌اند و حالا زمان آن رسیده دوباره جوان‌ها وارد عرصه شوند. پیکره باید عوض شود تا بازده افزایش یابد. زمانی که ما زیارت عاشورا را با شور و علاقه راه انداختیم، خیلی از بچه‌ها معنای عبارات زیارت عاشورا را نمی‌فهمیدند. ولی حالا دیگر این‌گونه نیست و کمتر کسی است که با چندین لایه از معانی عاشورا آشنا نباشد. اطلاعات بچه‌ها بیشتر شده و اگر ما بخواهیم آن مجالس دوباره با همان شور و حال برگزار شود، کافی است، جوانان را وارد عرصه کنیم. همه کسانی است که تجربه کافی در امور هیئات دارند، به این نتیجه رسیده‌اند که پیکره باید جوان شود.

دغدغه من همیشه مذهبی شدن بچه‌هاست و اگر بچه‌ها قرار است کار گروهی انجام دهند، سعی دارم، کار مذهبی کنند. درست است که در آموزش و پرورش فعلی یک سری موانع وجود دارد و زمانی برای انجام فعالیت فرهنگی در نظر گرفته نشده، اما باید بدانیم این وظیفه ذاتی ماست که در امور تربیتی کار کنیم. ما در یک جامعه دینی در قبال دین مردم مسئول هستیم؛ همان چیزی که خداوند این همه اوصیا و پیامبران (ع) را برای آن فرستاده است. تمام تفکرات افراد مختلف برای نجات بشریت بعد از مدتی دچار تزلزل می‌شوند. تنها روش و شیوه تربیتی مناسب، مکتب اهل بیت (ع) است و برای این کار نیازی نیست که حتماً هیئت راه بیندازیم و سینه بزنیم. همین که به این نتیجه برسیم، بچه‌ها را باید به این سمت‌وسو هدایت کنیم، نتیجه بزرگی است و راه‌های بدیع هر زمان در همان زمان، متولد خواهد شد.

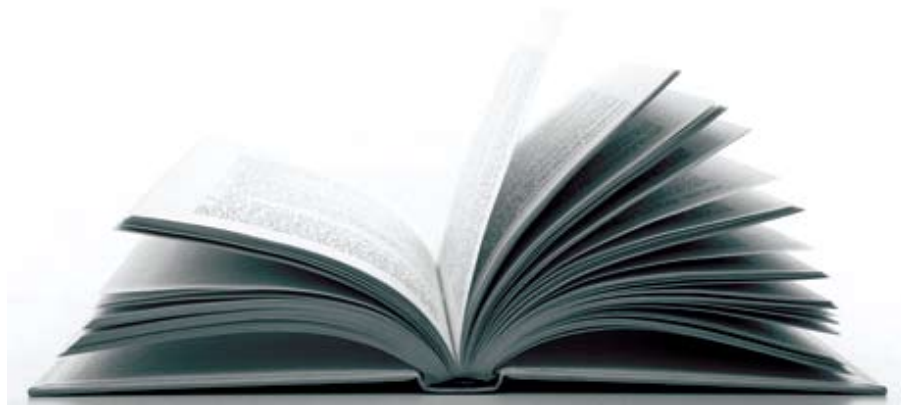
نکته قابل توجه دیگر درباره هیئات رابطه بزرگترها با کوچکترهاست. این رابطه باید از سنخ رابطه رهبری باشد، نه مدیریت. در هر

جلسات بود و عده‌ای معتقد بودند، ضرورتی در برپایی جلسات نیست، اما چون کار ما کمترین اخلاقی در کار آموزش نداشت، انتقادات تأثیری در فضای کار ما گذاشت. چند بعدی نگاه کردن به مدرسه از حیث توجه همزمان به آموزش و پرورش، درس و بحث و توجه به معنویات در آن جلسات و در آن فضا اتفاق افتاد.

راه جذب جوانان این است که کار را به خود آنها بسپاریم و البته روشن است که چنین کاری نیازمند رهبری و هدایت نیز است

احیای امر اهل بیت (ع) و فضای معنوی ایجاد شده در مدرسه انگیزه مضاعفی برای تحصیل در جوانان به وجود آورده بود؛ به طوری که جوانان طوری تحصیل می‌کردند که منشاء برکت برای اسلام باشند. فضای ایجاد شده این امکان را برای ما فراهم کرد که کسانی را که به دلیل داشتن مشکلات باید توجه بیشتری به آنها می‌کردیم و آنها را که فکر می‌کردیم از لحاظ آموزشی و پرورشی می‌توانند در آینده نیروهای مفیدی بشوند، به هیئت دعوت می‌کردیم و با گفت‌وگو و جلسات خصوصی آنها را به مباحث علاقه‌مند می‌کردیم، کم‌کم این هیئت بود که در کار مدیریت سهیم بود و به آن کمک می‌کرد، این موضوع در بسیاری از مدارس هم که در آنها هیئت به معنای اخص آن وجود ندارد، صادق است؛ به این معنا که تشکل‌های مذهبی باعث موفقیت مسئولان در کار مدیریت می‌شود. موضوع مهمی که در هیئت ما به آن توجه ویژه‌ای داشتیم این است که هیئت نیازمند خادم مقید است و خادم مقید هم یعنی خادم جوان. به نظر من گردانندگان هیئت هر چهار-پنج سال یک‌بار تغییر کنند و بدنه آن باید جوان شود، در غیر این صورت کسی جذب هیئت نمی‌شود. این عدم تغییر مدیریت همان چیزی است که در مساجد اتفاق افتاد و ما سعی کردیم، این زهر را به پادزهر تبدیل کنیم و در جهت کار تربیتی و ایجاد زمینه مشارکت دادن جوانان در زندگی و شرایط لذت‌بخش اما پرمسئولیت و واقعی استفاده کنیم.

شاید یکی از مسائلی که سبب شده، بسیاری از ارگان‌های فرهنگی که زمانی کارهای بزرگی



کتابخانه تخصصی امام حسین (ع)

معرفی یکی از زیر مجموعه‌های مرکز مطالعات راهبردی خیمه

این کتابخانه تاکنون توانسته نزدیک به ۴۰۰۰ عنوان کتاب با موضوع امام حسین (ع) و عاشورا جمع‌آوری کند. کتابخانه تخصصی امام حسین (ع) با داشتن فضای سالن مطالعه و ارائه خدمات اینترنتی به مخاطبان، گنجینه‌ای گرانبها را در دسترس آنها بالاخص پژوهشگران قرار داده است و دسترسی به منابع این کتابخانه در آینده‌ای نزدیک از طریق وبسایت WWW.kdi.ir امکان‌پذیر خواهد بود.

بدون شک عاشورا بیشترین نقش اصلاحی و بیدارگونه را در فرهنگ مسلمانان ایفا کرده است و هیچ حادثه‌ای را - هرچند هم بزرگ و گسترده باشد - از نظر تأثیرگذاری مثبت نمی‌توان با عاشورا مقایسه کرد. به عقیده برخی از متفکران و دانشمندان عاشورا نقطه عطفی است که

۴- واحد پژوهش‌های اجتماعی و مردم‌شناسی
۵- واحد برنامه‌سازی «MULTIMEDIA»
۶- انتشارات تخصصی امام حسین (ع)
۷- بنیاد عاشورا
۸- واحد هنر و ادبیات آیینی
۹- پایگاه اطلاع‌رسانی خیمه:
WWW.KHEYMENEWS.COM
۱۰- گاهنامه تخصصی مداحی (زمزمه)
۱۱- فصلنامه تخصصی روز دهم
۱۲- واحد آموزشی فن خطابه و رثا
۱۳- مرکز موسیقی و نواهای آیینی

معرفی هر یک از ارکان این مرکز مجال دیگری را می‌طلبد، اما کتابخانه تخصصی امام حسین (ع) که زیرمجموعه‌ای از واحد اسناد و اطلاعات تخصصی امام حسین (ع) است با شرح زیر معرفی می‌شود:

کتابخانه تخصصی امام حسین (ع) زیرمجموعه‌ای از واحد اسناد و اطلاعات تخصصی امام حسین (ع) وابسته به مرکز مطالعات راهبردی «خیمه» است. این مرکز با تحقیق و پژوهش درباره امام حسین (ع) عاشورا و مناسک آیینی تلاش می‌کند، ضمن پاسداشت حرمت و قداست موضوعات سابق‌الذکر با پرهیز از سهل‌انگاری و ساده‌اندیشی و با تعمق در ابعاد مختلف آن موضوعات، زمینه دستیابی به کنه مفاهیم یاد شده را فراهم آورد.

ارکان مرکز مطالعات راهبردی خیمه عبارت‌اند از:

- ۱- ماهنامه خیمه
- ۲- پژوهشکده امام حسین (ع)
- ۳- واحد اسناد و اطلاعات تخصصی امام حسین (ع)



آیینی (در قالب کتاب، آثار صوتی و تصویری و ...) دعوت می‌کند تا با ارسال یک نسخه از آثار خود به آدرس: تهران - تقاطع نجات‌الهی و سمیه - ساختمان ۳۱۳ - واحد ۹، مرکز مطالعات راهبردی «خیمه»، این مرکز را در راه‌اندازی غنی‌ترین مخزن اسناد و اطلاعات تخصصی در حوزه عاشورا پژوهی یاری کنند. در ازای هر جلد کتاب و هر اثری که به مرکز ارسال شود، یکی از آثار انتشارات مرکز مطالعات راهبردی خیمه و یا اشتراک شش ماهه ماهنامه خیمه به انتخاب خودتان به شما اهدا می‌شود. تلفن جهت اطلاعات بیشتر: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰ ■

این کتابخانه گستره قابل قبولی از مقاتل، زندگی‌نامه، احادیث و روایات، اشعار، موسوعه، دایرةالمعارف و ... با دیدگاه‌های متنوع ادبی، هنری، فلسفی و ... را شامل می‌شود.

مسئولان کتابخانه مفتخرند که تجربیات چند ساله خود در گردآوری اسناد یاد شده را در اختیار علاقه‌مندان و مجموعه‌هایی که امکانات لازم برای تجهیز چنین کتابخانه‌هایی با موضوعات دیگر را دارند، قرار دهند.

مرکز مطالعات راهبردی خیمه از کلیه ناشران، مؤلفان، نویسندگان و صاحبان اثر در حوزه امام حسین (ع) عاشورا و مناسک

درباره آن می‌توان گفت رسالت نبوی نیز با قیام افشاگرانه فرزندش حسین (ع) از گزند تحریف و تخریب معنوی در امان ماند و جاودانه شد.

این نگاه مستلزم توجه همزمان محیطی و محاطی به مقوله عاشورا و مؤید لزوم نوعی «نگاه راهبردی» به مفاهیم عاشورا، امام حسین (ع) و مناسک آیینی است. بی‌تردید چنین نگاهی نیازمند صیرفی مجموعه وسیعی از نقل قول‌ها، روایت‌ها و مستندات است که هنوز بعد از گذشت سال‌ها در سره و ناسره آنها تردید است و کتابخانه تخصصی امام حسین (ع) پاسخی به این نیاز است.



جمادی الثانی در گذر تاریخ

سید حجت سجادی زاده

روز سوم سال ۱۱ هجری شهادت حضرت زهرا (س)

مدت عمر آن مظلومه ۱۸ سال و ۶۰ روز یا ۹۰ روز است. سال شهادت یازدهم هجری است.

اقوال درباره روز شهادت حضرت زهرا (س)

۱- چهل روز بعد از شهادت پیامبر (ص) (۸ ربیع الثانی)

۲- چهل و پنج روز (سیزدهم ربیع الثانی)

۳- شصت روز بعد از شهادت پیامبر (ص)

۴- هفتاد و دو روز بعد از شهادت پیامبر (ص)

۵- هفتاد و پنج روز بعد از شهادت پیامبر (ص)

۶- نود روز بعد از شهادت پیامبر (ص)

۷- نود و پنج روز بعد از شهادت پیامبر (ص)

(سوم جمادی الآخر)

۸- صد روز بعد از شهادت پیامبر (ص) (هشتم جمادی الآخر)

۹- صد و دوازده روز بعد از شهادت پیامبر (ص)

(۲۰ جمادی الآخر)

۱۰- ۴ ماه بعد از شهادت پیامبر (ص)

۱۱- روز ۲۱ رجب

۱۲- ۲۵ رجب

۱۳- سوم ماه رمضان

۱۴- ۸ ماه بعد از شهادت پیامبر (ص)

هلاکت هارون الرشید در طوس

او ۲۳ سال خلافت کرد و در شب چهارم سال

۱۹۳ هجری شقی پلید هارون الرشید در سن ۴۵

سالگی به درک واصل شد و قبرش پشت سر

امام رضا (ع) قرار دارد.

وفات حضرت ام البنین (س) (۴۴ هـ ق)

ام البنین مادر عباس بن علی (ع) بود. نام

اصلی اش فاطمه و دختر «حزام بن خالد بن

ربیع بن عامر» بود. عقیل به امام علی (ع)

گفت: «با این بانو که از قبیله بنی کلاب است،

ازدواج کن؛ زیرا که در میان اعراب شجاع تر از

پدران او سراغ ندارم.» فرزندان او عباس (ع)،

عبدا...، جعفر و عثمان بودند که هر چهار تن در

کربلا به شهادت رسیدند.

(منبع: تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۰ بخش نساء)

شهادت حضرت ام کلثوم (س)

جناب ام کلثوم (س)، چهار ماه پس از بازگشت

از کربلا به مدینه از دنیا رفتند. پدرشان مولی

الموحدین امیرالمؤمنین (ع) و مادرشان حضرت

زهرا (س) مرضیه (ع) است. صاحب ریاحین

الشریعة می فرماید: امیرالمؤمنین (ع) آن مخدره

را به عون بن جعفر طیار تزویج کردند.

آنچه در مورد ازدواج ام کلثوم (س) با غیر

عون بن جعفر نقل شده از بافته های مخالفان

است. سرانجام بعد از چهار ماه از ورود به

مدینه با دلی پر از غم و اندوه در مصائب کربلا

بالأخص شهادت سیدالشهداء (ع) رحلت کرد

و در مدینه منوره دفن شد. به قولی رحلت

آن حضرت در آخر ماه جمادی الثانی بوده

است.

شهادت سلطان علی بن محمد الباقر (ع)

مدفون در مشهد اردهال

عده ای از دوستان اهل بیت (ع) از اهالی

چهل حصاران و فین کاشان نامه ای خدمت امام

باقر (ع) نوشتند که چون ما از محضر شما دور

هستیم، یکی از آقا زادگان خود را برای راهنمایی

و تربیت ما و تعلیم احکام به جانب ما بفرستید.

آن حضرت فرزند بزرگوار خود، جناب علی بن

محمد (ع) را با رسولان فرستاده، روانه کاشان

کردند و اسباب سفر آن حضرت را برادرش امام

صادق (ع) فراهم کردند.

از آنجا که ۲۷ جمادی الثانی در سال ۱۱۶

هجری قمری روز شهادت آن حضرت مصادف

با ۱۷ مهر ماه شمسی بوده، هر سال به مناسبت

سالگرد آن حضرت در جمعه دوم مهر ماه مراسم

قالی شویان همراه با عزاداری با شکوهی کنار

قبر مطهرش برگزار می شود.

وفات حضرت سید محمد

فرزند امام هادی (ع)

حضرت سید محمد فرزند امام هادی (ع) در

سال ۲۵۲ هجری در سامراء از دنیا رفت. آن

حضرت را ابوجعفر و ابوعلی و سید محمد بجاج

نیز می گفتند. جلالت قدر و منزلت او به حدی

بود که عده ای از شیعیان گمان می کردند، بعد

از امام هادی (ع) آن بزرگوار امام خواهد بود،

ولی با رحلت ایشان در زمان پدر بزرگوارش بر

همه معلوم شد که امام حسن عسکری (ع) امام

پس از ایشان است. امام حسن عسکری (ع) به

جناب سید محمد (ع) علاقه وافری داشت. بعد

از رحلت، آن حضرت را در آبادی به نام بلد، در

شش فرسخی سامراء دفن کردند که هم اکنون

قبر او در آنجا معروف است.

کرامات زیادی از آن حضرت مشاهده شده

و هم اکنون دارای گنبد و صحن و غرفه های

متعدد است و دوستان اهل بیت (ع) به زیارت

آن بزرگوار مشرف می شوند. ■

منابع:

۱- ریاحین الشریعة: ج ۳ ص ۲۴۵

۲- ریاحین الشریعة: ج ۳ ص ۲۴۴-۲۵۶

۳- شرح زندگانی حضرت سلطانی بن محمد باقر (ع):

ص ۶۲، روایات الجنات: ج ۴ ص ۲۱۲

۴- مرآة المعارف: ج ۲ ص ۸۰

۵- مرآة المعارف: ج ۲ ص ۲۶۲.

۶- این تاریخ مشهور بین شیعیان سامراست و در حرم آن

حضرت نیز نوشته شده است.

روز	شرح واقعه	سال وقوع
۳	شهادت حضرت زهرا (س)	۱۱ هـ ق
۴	هلاکت هارون الرشید	۱۹۳ هـ ق
۱۲	حرکت پیامبر (ص) و ۴۰۰ نفر از لشکریان، از مدینه به خیبر	۷ هـ ق
۱۳	وفات حضرت ام البنین (س)	۶۴ هـ ق
۱۹	ازدواج حضرت عبدا... و آمنه (ع)	--
۲۱	وفات جناب ام کلثوم (ع)	۶۱ هـ ق
۲۲	از دنیا رفتن ابوبکر	۱۳ هـ ق
۲۷	شهادت سلطان علی بن محمد الباقر (ع) مدفون در مشهد اردهال	۱۱۶ هـ ق
۲۸	سپردن شدن پیامبر (ص) به حلیمه سعدیه توسط عبدالمطلب (ع)	--
۲۹	وفات حضرت سید محمد فرزند امام هادی (ع) مدفون در حوالی شهر سامراء	۲۵۲ هـ ق



در چند سال اخیر شاهد حضور تعداد کمی از مداحانی بوده‌ایم که پس از ستاره شدن یا حتی شناخته شدن نسبی، برای اجرای برنامه درخواست‌های میلیونی مطرح می‌کنند. نظر به رشد سریع این رویه در جامعه مداحی، در این پرونده سعی شده، به اختصار به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شود. سرویس جامعه آمادگی دارد، با ادامه این بحث، به تجزیه و تحلیل بیشتر این جریان نوظهور بپردازد.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly

KHEIMEH Cultural - Social Monthly

تاریخ و آینده

چالش‌های

رسالة

هنر و ادب

مست

مردم شنای





فخر فروشی ستاره‌ها در دستگاه اهل بیت (ع) چه توجیهی دارد؟

حسن اخباری، مداح اهل بیت (ع)

امروزه اخبار ضد و نقیضی در خصوص پرداخت رقم‌های سنگین به برخی از مداحان شنیده می‌شود که باید صحت و سقم آنها مورد بررسی قرار گیرد. آنچه من در این مجال کوتاه قصد بیان آن را دارم، نه این است که پول دادن به مداح اشکال دارد؛ چون در سیره ائمه معصومین (ع)، صله دادن به شعرا مرسوم بوده است، بلکه آنچه قصد بیان آن را دارم، نگاهی به عواملی است که باعث شده این مسئله این قدر حاد شود. انتقاد را اول از خودمان شروع می‌کنم که بچه هیئتی هستیم. باید این موضوع را بپذیریم که خود ما هیئتی‌ها مسبب به وجود آمدن این شرایط هستیم. وقتی که رقابت میان هیئت‌ها به وجود آمد و هر هیئتی می‌خواست روی دست هیئت دیگر بلند شود، هیچ وقت فکرش را نمی‌کردیم که کار به اینجا برسد. وقتی رقابت بر سر پرداخت مبالغ بیشتر به مداحان شروع شد (یکی ۵۰۰ هزار تومان اضافه‌تر می‌داد، دیگری یک میلیون تومان) کسی فکرش را نمی‌کرد که روزی برسد که در نهایت بعضی از مداحان به مبالغ مرسوم هم قانع نباشند. حالا دیگر کار به پرداخت پاکت‌های چند میلیونی رسیده و طوری شده که باید از بعضی مداحان از چند ماه جلوتر برای شرکت در یک مراسم وقت گرفت! اما کاش فقط مشکل همین وقت گرفتن بود! امروزه دیگر باید فخر فروشی دوستانی که ستاره شده‌اند را نیز به تماشا بنشینیم. حرف من این است که رسم دستگاه اهل بیت (ع) این نیست. امام جواد (ع) که حجت خدا بود با غلامان خود می‌نشست و غذا



صبحی که افتخار پیدا کرده‌ایم، نوکری اهل بیت (ع) را بکنیم، طوری نوکری کنیم که مورد رضایت آنها باشیم.

روی دیگر سخن من با مسئولان و رؤسای هیئت‌هاست. اگر ما به عشق آقا امام حسین (ع) هیئت می‌گیریم، پس چه ضرورتی دارد که فلان آقای را دعوت کنیم که چند میلیون تومان برای جلسه مداحی پول می‌گیرد؟ ما مداحان زیادی داریم که هم باسوادند و هم انسان‌های با معرفت و متدینی هستند. چرا سراغ اینها نمی‌رویم؟ چرا چسبیده‌ام به یک عده‌ای که برای کارشان نرخ تعیین می‌کنند؟ من نمی‌گویم که نباید پولی به مداح یا سخنران

اگر به عشق امام حسین (ع) هیئت می‌گیریم پس چه ضرورتی دارد که فلان آقای را دعوت کنیم که چند میلیون تومان می‌گیرد؟ ما مداحان زیادی داریم که هم باسوادند و هم انسان‌های با معرفت و متدینی هستند چرا سراغ اینها نمی‌رویم

بدهیم، ولی باید این فرهنگ در بین مسئولان و رؤسای هیئت‌ها ایجاد شود که با این گونه روندها مبارزه شود. افرادی را جایگزین کنند که این رویه را ندارند و صالح هستند. افرادی را جایگزین کنند که واقعاً با معرفت در دستگاه اهل بیت (ع) فعالیت می‌کنند و مزدشان را از فرد دیگری می‌گیرند. اگر این کار را از خود هیئت‌ها شروع کنیم و مدتی از این افراد برای شرکت در مجالس دعوت نکنیم، مدتی که خانه‌نشین شوند، خودشان میل و رغبت خواهند کرد که با هر رقمی که دعوت می‌شوند، در مجالس شرکت کنند. ما که نباید تحت درخواست‌های مخاطبان که فلان مداح را بیاورید یا فلانی را نیاورید، هر درخواستی را که می‌دانیم در بلندمدت به جریان مداحی و هیئت‌ها آسیب وارد می‌کند، بپذیریم. در نهایت می‌خواهم یک بار دیگر به آنهایی که بعد از رسانه‌ای شدن فعالیت‌هایشان در صدا و سیما کلاس می‌گذارند و رقم‌های بالایی پیشنهاد می‌کنند، بگویم که برای نوکران، عزاداران و عاشقان اهل بیت (ع) فخر فروشی نکنید. این کار عاقبت خوشی ندارد. ■

است و باید قدردان این منتی که بر گردن ما گذاشته شده باشیم. ما باید شکرگذار این نعمت باشیم، نه اینکه از بودن در این جایگاه بالا بردن قیمت‌ها و مبلغ مداحی استفاده کنیم و در نهایت وقتی عملکرد خودمان را بررسی می‌کنیم، ببینیم که بعد از ۳۰-۴۰ سال حتی یک مجلس هم برای خدا نداشته‌ایم! آن چیزی که ماندگار است، کاری است که برای خدا صورت می‌گیرد. امام حسین (ع) کارش برای خدا بود، تا قیامت هم نامش زنده است. شهدای ما کارشان به خاطر خدا بود تا قیامت هم نامشان زنده است، ولی کسی که کارش برای غیر خدا و تنها برای مادیات باشد و خدا را مدنظر قرار ندهد، نه نامش می‌ماند و نه پولش برکت پیدا می‌کند.

باید به خاطر داشته باشیم که نانی که از مداحی به دست می‌آید، تبرک است و اگر ما اعتقادی به تبرک بودن آن داریم، نباید برای آن نرخ تعیین کنیم. در مقتل شیخ الرئیس داستان جالبی آمده که روزی واعظی به کربلا می‌رود و پولش تمام می‌شود و روز آخر سفر که دید پولش تمام شده به حرم امام حسین (ع) رفت و گفت: «آقا سال‌هاست که من نوکر شما هستم. این رسم نوکری و اربابی نیست که من به کربلا بیایم و حالا پولی نداشته باشم که سوغاتی بخرم و با خود ببرم.» آن واعظ بعد از گفتن این اظهارات از حرم مطهر خارج شد و شب در عالم خواب دید که وارد حرم حضرت شده و امام حسین (ع) با تعدادی از اصحاب خود در حرم نشسته است. این واعظ هم در کنار یکی از اصحاب نشستند و وقتی صحبت امام (ع) تمام شد، ایشان رو به این واعظ کردند و گفتند: از ما چه می‌خواهی؟ آن واعظ هم گفت: «من عمری است نوکر شما هستم، ولی الان در کربلا پولم تمام شده و دیگری پولی ندارم تا با آن سوغاتی بخرم و برای خانواده‌ام ببرم.» حضرت در پاسخ به نکته مهمی اشاره کردند و گفتند: «تو یک عمر نوکر پولی ما بودی. یادت هست مجلس آن آقا که پولدار بود سر شب می‌رفتی و زیاد می‌خواندی، ولی مجلس آن پیرزن که نمی‌توانست پول زیادی به تو بدهد، آخر شب می‌رفتی و کم هم می‌خواندی؟» هر چند آن واعظ به سبب لطف و کرم امام (ع) بی‌نصیب نماند، ولی هدف من از اشاره به این داستان یادآوری این حقیقت است که حضرت تمام این مسائل را می‌بیند و به آن اشراف دارد و ما باید حواسمان را جمع بکنیم تا در این چند

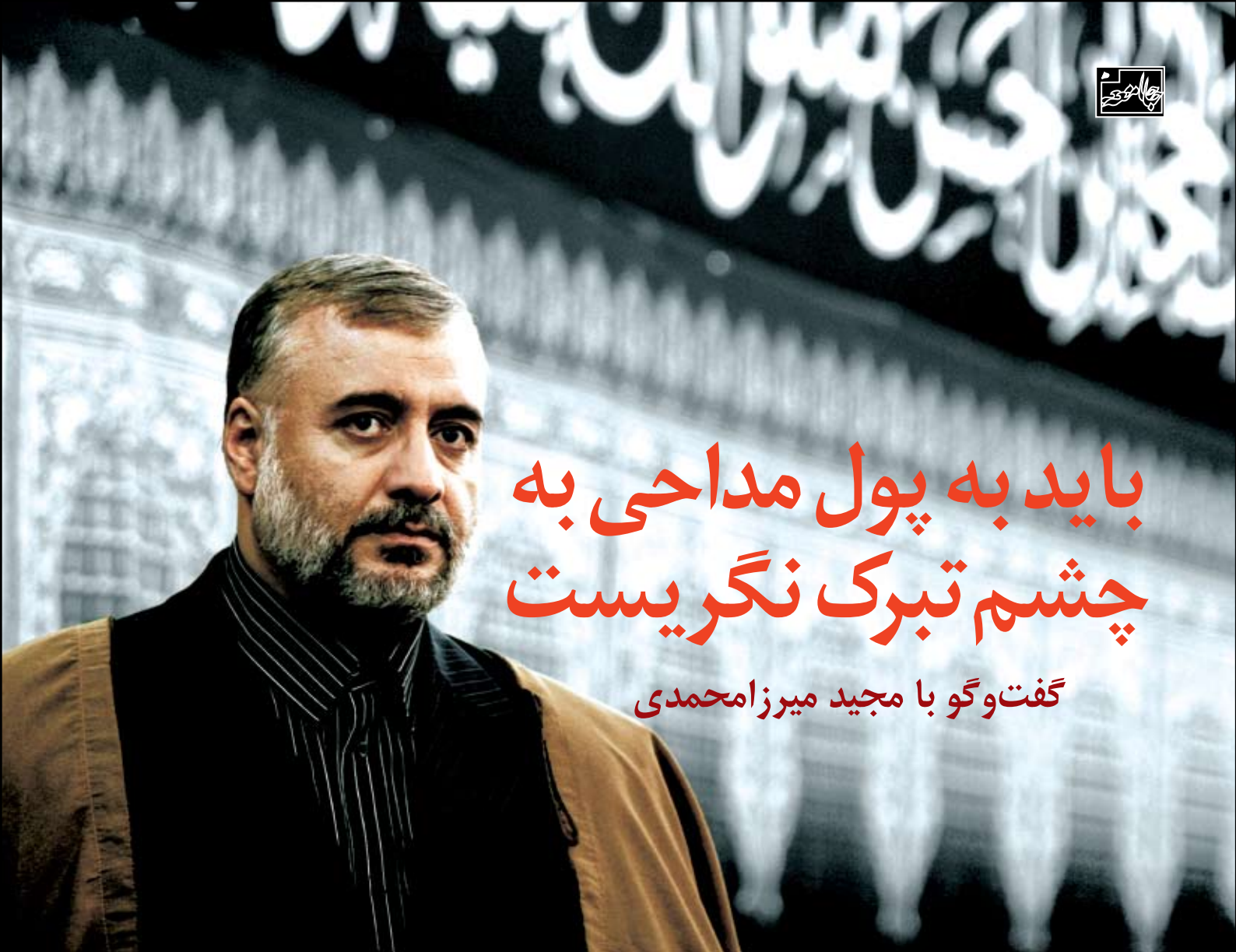
می‌خورد؛ امام رضا (ع) هم همین‌طور. حالا مگر ما چه کسی هستیم که این قدر برای نوکران، عزاداران و عاشقان اهل بیت (ع) فخر فروشی می‌کنیم؟

به نظر من دلیل این که افرادی بعد از ستاره شدن مبالغ بالایی برای خود تعیین می‌کنند این است که هنوز معرفت لازم را پیدا نکرده‌اند؛ این افراد در حقیقت نه جایگاه امام حسین (ع) را می‌دانند و نه جایگاه خود را می‌شناسند؛ چرا که اگر جایگاه آن حضرت را می‌شناختند و از هدف ایشان آگاه بودند، این تصمیمات را نمی‌گرفتند و این مبالغ را نیز تعیین نمی‌کردند. افرادی که خیلی زود ستاره می‌شوند و نرخ‌های سنگینی

وقتی رقابت بر سر پرداخت مبالغ بیشتر به مداحان شروع شد کسی فکر روزی را نمی‌کرد که بعضی از مداحان به مبالغ مرسوم هم قانع نباشند حالا دیگر کار به پرداخت پاکت‌های چند میلیونی و وقت گرفتن از چند ماه جلوتر برای شرکت در مراسم رسیده است

برای خود تعیین می‌کنند، دوران درخشانشان هم خیلی زود به پایان می‌رسد. اما بد نیست گاهی اوقات با مطالعه زندگی برخی از بزرگان، از خود بپرسیم که چرا مرحوم کافی که یک روضه‌خوان بود هنوز فراموش نشده و مهدیه تهران همچنان جایگاه محوری برای دعای ندبه‌خوان‌هاست. چرا هنوز نام کافی زنده است؟ چرا نواریش هنوز توزیع می‌شوند؟ آیا جز به خاطر اخلاص آن مرحوم در گفتار و کردارش بوده است؟ آیا مرحوم کافی نیز نرخ چند میلیونی تعیین می‌کرد؟ خیر، رقمی تعیین نمی‌کرد و هر کجا هم که پولی می‌گرفت آن پول را در راه اهل بیت (ع) و امام زمان (عج) خرج می‌کرد. مرحوم کافی زنده است؛ چون دست بیچاره‌ها را می‌گرفت، چون یک قران برای خودش ذخیره نمی‌کرد و همه را در راه اهل بیت (ع) خرج می‌کرد.

پیام من به مداحانی که از شهرتشان سوءاستفاده کرده یا از رانت خاصی بهره می‌برند، این است که خورشید همیشه زیر ابر نمی‌ماند. هر کسی دورانی دارد و این میکروفون و منبری که در اختیار ما قرار دارد، صاحبش فرد دیگری



باید به پول مداحی به چشم تبرک نگریست

گفت‌وگو با مجید میرزا محمدی

محمد صادق امینی

شده که برخی از مداحان نرخ‌های میلیونی برای یک ساعت مداحی در یک مجلس طلب کنند؟

به نظر من ثروتمندان باعث شده‌اند که برخی از مداحان پرتوقع شوند. شاید خود افراد ثروتمند متوجه نباشند که با بعضی از اقدامات خود چه آسیب‌هایی به دستگاه اهل بیت (ع) وارد می‌کنند.

لطفاً منظورتان را روشن‌تر توضیح دهید؟

من ثروتمندی را می‌شناسم که چند وقت پیش یک مداح معروف را برای شرکت در مجلسی دعوت کرد. آن مداح ۱۰ دقیقه خواند و آن شخص ثروتمند چکی به مبلغ ۲ میلیون تومان برای او کشید! بعد از ۱۵ روز آن شخص ثروتمند متوجه شد چکی که به آن مداح داده هنوز نقد نشده است. به من زنگ زد تا پیگیری کنم که چرا چک نقد

می‌کند. وقتی برای مصاحبه در خصوص دستمزدهای سنگین تعدادی از مداحان به سراغش رفتم، سرش را پایین انداخت. در نهایت صحبت کرد و به نکات بسیار ظریفی اشاره کرد. در حین مصاحبه بارها بغض گلویش را فشرده و اشک از چشمانش جاری شد. ولی گفت هر آنچه باید می‌گفت.

اجازه بدهید خیلی صریح وارد بحث شویم. همان‌طور که خودتان مطلع هستید، مدتی است که تعدادی از مداحان معروف کشور نرخ‌های سنگینی برای مداحی تعیین می‌کنند که این موضوع نه تنها سبب آزدگی تعدادی از علما شده، بلکه مسئولان تعدادی از هیئت‌ها را نیز برای تأمین مبالغ درخواستی با مشکلاتی مواجه کرده است. به نظر شما چه چیزی باعث

مجید میرزا محمدی هر چند در میان مداحان معروف کشور فردی شناخته شده است و با بیشتر آنها ارتباط نزدیک دارد، ولی بیشتر دوست دارد که بی‌سر و صدا به فعالیت‌های مذهبی خود ادامه بدهد. او که استاد مداحی چند تن از مداحان امروز کشور است، بیش از ۳۷ سال است که مداحی می‌کند. ولی همچنان مصر است که خودش را در حاشیه نگاه دارد. چند باری هم از صدا و سیما به سراغش آمدند و مجالس مداحی‌اش را از تلویزیون پخش کردند. با این وجود به‌رغم استقبال مردمی، خودش زیاد از این موضوع استقبال نکرد. او هم مداح است، هم شاعر و هم در مجالسی که برای اهل بیت (ع) برگزار می‌شود، سخنرانی



**من ثروتمندی را می‌شناسم
که یک مداح معروف را
برای شرکت در مجلسی
دعوت کرد
آن مداح ۱۰ دقیقه خواند
و آن شخص چکی به مبلغ
۲ میلیون تومان برای او کشید**

نشده است. من هم به آن مداح زنگ زدم و علت را جویا شدم.

آن مداح چه گفت؟

گفت چک را نگاه داشته‌ام تا به دوستانم نشان دهم تا ببینند که چه پولی برای ۱۰ دقیقه به من پرداخت کرده‌اند!

به نظر شما این کار اشکال دارد؟

بله؛ خیلی اشکال دارد. اگر ما اعتقاد داریم که خواندنیان برای اهل بیت (ع) است، پس باید پادشاهان را از ایشان بگیریم؛ چون این نمکی است که اهل بیت (ع) به صدای مداحان داده‌اند، ولی اگر خواندنیان برای دنیاست که موضوع متفاوت است. خدا به همه انسان‌ها صدا داده، ولی نمک صدا را خدا در اختیار اهل بیت (ع) گذاشته است. ما خیلی‌ها را داریم که صدای خوبی دارند، ولی با صدای آنها گریه نمی‌کنیم؛ برای مثال استاد شجریان از این دسته است. بهترین صدا را دارد، ولی صدایش اشک کسی را در نمی‌آورد. مداحی یعنی گریاندن. آقای کوثری خدا بیمارز هر وقت برای حضرت امام خمینی (ره) مداحی می‌کرد، امام (ره) می‌گریستند.

این نشان می‌دهد که امام حسین (ع) در صدای ایشان نمک ریخته بودند. بنابراین اگر نمک صدای من را ابعیداً... (ع) داده، پس باید برای خود ایشان هم خرج کنم. مگر می‌شود ایشان به صدای بنده حقیر نمک ریخته باشد، ولی این صدا را برای غیر ایشان خرج کنم و آن وقت پاکتش را هم از فرد دیگری بگیرم؟ ائمه اطهار (ع) این صدا را به ما مداحان امانت داده‌اند و ما نباید امانت‌فروشی کنیم. اگر نمکی که امام حسین (ع) به صدای من داده را یک میلیون تومان بفروشم، من خیلی بی‌شخصیت‌م؛ زیرا این نمک میلیاردها تومان ارزش دارد و به نظرم ما مداحان باید مزدمان را در آخرت از خود ایشان بگیریم.

شما نمی‌توانی یک مداح و روضه‌خوان واقعی پیدا کنی که دلیل زندگی کند. پس

معلوم است که ائمه اطهار (ع) مزد ما مداحان را حتی در این دنیا هم می‌دهند، ولی دستمزد اصلی در آخرت پرداخت می‌شود. بنابراین آنکه می‌فروشد نه این دنیايش را می‌خواهد، نه آن دنیا را. من روضه‌خوان‌ها و مداحانی را می‌شناسم که پول‌های بسیاری از مردم گرفتند، ولی ذلیلانه مُردند. من اسمی از آنها نمی‌برم، چون منصوب به امام حسین (ع) هستند و آبرویشان به آن حضرت وصل است. این مداحان هر چند خیلی مشهور بودند، ولی با خوارگی و خفت مردند. یا معتاد شدند یا سر موضوعی رسوا شدند. به نظر من، همه این بدبختی‌ها و مکافات‌ها به خاطر همین پاکت‌های سنگین است. قرار نیست که اگر اهل بیت (ع) نمکی به صدای ما مداحان می‌دهند، آن را بفروشیم.

یعنی شما به طور کلی مخالفید که هزینه‌ای به مداحان به خاطر زحمتی که می‌کشند، پرداخت شود؟

نه؛ اجازه بدهید به نکته‌ای اشاره کنم. امام صادق (ع) به مداحان صلّه می‌دادند. ولی برخی آقایان مداح متأسفانه این موضوع را دست گرفته‌اند و می‌گویند؛ چون امام صادق (ع) به مداحان پول می‌دادند، پس پول گرفتن

امام صادق (ع)

به مداحان صلّه می‌دادند

ولی برخی آقایان مداح

متأسفانه این موضوع را

دست گرفته‌اند و می‌گویند

چون ایشان به مداحان پول می‌دادند

پس پول گرفتن هیچ اشکالی ندارد

الآن صلّه تبدیل به سکه شده است

هیچ اشکالی ندارد. متأسفانه الآن صلّه تبدیل به سکه شده است! اگر در جایی به مداحی بابت مدح اهل بیت (ع) پولی پرداخت کنند، این پول پاک‌ترین پول است. اصلاً چه پولی حلال‌تر از پولی است که از راه خدمت به اهل بیت (ع) به دست آمده باشد؟ ولی گرفتن این پول وقتی قشنگ است که از قبل صحبتی در خصوص اینکه چقدر می‌خواهم یا چقدر می‌گیرم نشده باشد. وقتی کسی می‌رود در هیئت غذای نذری بگیرد، دیگ را که با خود نمی‌آورد، پس اگر واقعاً مداحی اعتقاد دارد که نان و پول امام حسین (ع) تبرک

است، قیمت‌های میلیونی تعیین نمی‌کنند. به اعتقاد من، مداحانی که مبالغ میلیونی برای یک ساعت مداحی در دستگاه اهل بیت (ع) می‌گیرند، اعتقادی به برکت پول ائمه (ع) ندارند.

شما خودتان چطور؟ شما چقدر دریافت می‌کنید؟

دوستانی که مرا به هیئتشان دعوت می‌کنند، به من پاکت می‌دهند، ولی من دست در پاکت می‌کنم و قسمت کمی از آن را بر می‌دارم و هیچ وقت همه آن را قبول نمی‌کنم، چون به برکت آن اعتقاد دارم. هر چقدر اصرار می‌کنند، من همه مبلغ موجود در پاکت را قبول نمی‌کنم و بقیه آن را دوباره به صاحب هیئت می‌دهم و می‌گویم که برای هزینه‌های هیئت استفاده کنند تا مجالس ائمه (ع) رونق بیشتری پیدا کند نه وضع مداحی.

بعضی از مداحانی که با آنها صحبت کرده‌ام، می‌گویند آن دسته از مداحانی که

پولی دریافت نمی‌کنند منبع درآمد دارند، ولی آنها چون منبع درآمدی ندارند، باید به فکر دوران پیری و ناتوانی خود باشند. آیا یک مداح نباید به فکر دوران بازنشستگی خود باشد؟ دیدگاه شما در این خصوص چیست؟

اگر ما واقعاً اعتقاد داریم که برای سیدالشهداء (ع) می‌خوانیم، اصلاً نباید نگران باشیم. من می‌گویم شما نمی‌توانید یک مداح پیدا کنید که در این دنیا دلیل زندگی کند یا شب‌ها گرسنه بخوابد. چنین چیزی امکان ندارد.

مسئله فقط غذا و گرسنگی نیست، مداح هم کرایه‌خانه و هزینه‌های بسیار دیگری دارد.

بله؛ مداح هم هزینه‌های زندگی دارد، من منکر این موضوع نیستم. کسی که با عشق مداحی می‌کند، همیشه امورش را با سربلندی می‌گذارد. ولی کسی که مداحی اهل بیت (ع) را برای خودش یک شغل کرده است، همیشه دلیل است و باید روزی خود را از در این خانه و آن خانه تأمین کند. من می‌توانم مداحان و روضه‌خوان‌هایی را مثال بزنم که کمتر کسی آنها را می‌شناسد، ولی امام حسین (ع) به طرز ویژه‌ای به آنها عنایت کرده است؛ برای مثال ما حاج‌غلام ترابی را

داریم که از مداحان بزرگ ترک‌زبان بود. شما از ترک‌ها بپرسید، خواهید فهمید که همه مرید این بزرگوار بوده‌اند؛ از حاج آقا موذن‌زاده بگیر تا دیگران. ایشان خیلی آدم عجیب و باتقوایی بود و وقتی از دنیا رفتند نزدیک به چندین میلیارد تومان از ایشان ارث و میراث باقی ماند. ایشان دوست نزدیک من بودند و می‌دانستم که قبل از مداحی و روضه‌خوانی غسل می‌کرد و وضو می‌گرفت و بعد روضه حضرت ابوالفضل (ع) می‌خواند. یک‌بار ایشان

گرفتم. در همان شب ایشان اباعبد... (ع) را در خواب ملاقات می‌کنند و حضرت در خواب از ایشان می‌خواهد دست‌هایش را باز کند و هر چه آن حضرت خاک در دستان او می‌ریزد به شمش و طلا و ... تبدیل می‌شود و بعد از همان شب زندگی ایشان دگرگون می‌شود. دوباره می‌گویم اگر کسی اعتقاد دارد که برای امام حسین (ع) می‌خواند، خود ایشان هم مزدش را پرداخت می‌کند. ما مداحان باید این دیدگاه را داشته باشیم. نباید

مطالبی که شما اشاره کردید، توجهی نمی‌کنند و برای نوحه‌خوانی در مجالس امام حسین (ع) نرخ بالایی تعیین می‌کنند؟

من فکر می‌کنم بعضی از ما مداحان مسیر را گم کرده‌ایم و نمی‌خواهیم مزدمان را از دست فاطمه زهرا (س) بگیریم و می‌خواهیم مردم مزد ما را بدهند. اگر ما به لطف ائمه (ع) اعتقاد داریم، پس نباید نگران چیزی باشیم. من می‌توانم صدها مثال در مورد خودم بزنم



برای من تعریف کردند که پول نداشتند تا به حمام عمومی بروند و غسل کنند و در نهایت مجبور شدند، قوطی سیگارشان را در حمام عمومی محله‌شان گرو بگذارند. همان شب ایشان با ناراحتی سر بر بالین می‌گذارند و قبل از خوابیدن با مولای خود راز و نیاز می‌کنند. ایشان بعد خوابی را برای بنده تعریف کردند که خیلی تحت‌تأثیر قرار

مصلحتان را فدای منفعت دنیا کنیم. یک بار در تلویزیون می‌دیدم که با برادر جانبازی در کنار مرقد مطهر امام رضا (ع) مصاحبه می‌کردند و خبرنگار از ایشان پرسید: «چرا از امام رضا (ع) طلب شفا نمی‌کنید؟» آن جانباز هم در پاسخ گفت: «من از آقا شفا نمی‌خواهم، شفاعت در آخرت می‌خواهم.» به نظر تان چرا برخی از مداحان به این

که در موقعیت‌های بسیاری از نظر مالی دست و بالم خالی شده و دست به دامن اهل بیت (ع) شده‌ام و همیشه هم مشکلاتم برطرف شده‌اند. آیا این معجزه نیست؟ همه ما زیر سایه اهل بیت (ع) هستیم.

آیا شما خودتان برای مداحانی که از آنها برای اجرای مراسم در «حسنیه محبان حضرت زهرا (س)» دعوت می‌کنید، پولی

پرداخت می‌کنید؟

بله؛ من هر وقت مداحی را دعوت می‌کنم، هزینه‌اش را هم پرداخت می‌کنم. ولی می‌خواهم بگویم چقدر خوب است که اگر به مداح یا روضه‌خوانی پاکتی می‌دهند، در پاکت را باز کند و بخشی از آن را به عنوان تبرک بردارد و مابقی آن را خرج مجالس ائمه (ع) کنیم.

اگر در جایی به مداحی

بابت مدح اهل بیت (ع)

پولی پرداخت کنند

این پول پاکت‌ترین پول است

ولی گرفتن این پول

وقتی قشنگ است

که از قبل صحبتی

در خصوص اینکه چقدر می‌خواهم

یا چقدر می‌گیرم نشده باشد

خصوص مقصر قلمداد کرد؟

خیر؛ چون این سازمان وظیفه دارد با امکاناتی که در اختیار دارد، تبلیغات مذهبی خود را انجام دهد. صدا و سیما باید مجالس اهل بیت (ع) را پوشش تصویری بدهد. به نظر من، خود مداحان باید خیلی از مسائل را رعایت کنند؛ چون مداحی بر لبه تیغ راه رفتن است.

چطور؟

چون شخصیت انسان به واسطه خدمت در دستگاه امام حسین (ع) صد برابر زودتر از سنش افزایش پیدا می‌کند و این می‌تواند برای انسانی که ظرفیت آن را نداشته باشد، خطرناک باشد؛ برای مثال پسر بچه ۱۲ ساله‌ای که در یک هیئت مداحی می‌کند، می‌بیند که از پیرمرد ۹۰ ساله گرفته تا چند صد نفر دیگر به خاطر نحوه خواندنش در برابر او تعظیم می‌کنند. به همین علت اگر مداحان خودشان را به اهل بیت (ع) واگذار نکنند، حتماً خراب می‌شوند. اما در این میان همان‌طور که اشاره کردم صدا و سیما هم در رشد شخصیت افراد نقش ایفا می‌کند، چون وقتی مداحی می‌بیند که فیلم مراسم او را در کل کشور پخش کرده‌اند، ممکن است دچار غرور و خودپسندی شود.

اما صدا و سیما همان‌طور که گفتید باید به رسالت خود در زمینه تبلیغ دین عمل کند.

بله؛ ولی من فکر می‌کنم که اگر صدا و سیما می‌خواهد به نقش خود عمل کند، حداقل مراسم افرادی را پخش کند که موی آنها سفید شده است. احساس من این است که ورود سریع یک مداح به صدا و سیما تنها به خاطر نحوه اجرا و تهنیت‌دهی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد غرور و مسائل حاشیه‌ای بعدی شود. من اعتقاد خود را می‌گویم و فکر می‌کنم اگر فرد ثروتمندی هم دوست دارد پول زیادی بدهد آن پول را به کسی بدهد که موی سفید شده است؛ چون او می‌فهمد که پول را چگونه در دستگاه اهل بیت (ع) خرج کند.

چرا باید به آقای ایکس برای ۱۰ شب مداحی در محرم ۱۰ میلیون تومان پول پرداخت شود؟ معلوم است وقتی هزینه‌های این چنینی پرداخت می‌شود سر آن آدم گیج خواهد رفت. این‌طور پول دادن در نهایت

باعث می‌شود مسیر زندگی آن آدم عوض شود. هر چند اشخاصی که این مبلغ را می‌دهند به عشق امام حسین (ع) این کار را می‌کنند، ولی متوجه نیستند که در واقع با این کار در حال ضربه زدن به دستگاه اهل بیت (ع) هستند. در کل فکر می‌کنم که بهتر باشد به هر آدمی به اندازه خودش داده شود.

بعضی‌ها معتقدند که تعدادی از مداحان درست است که پول نمی‌گیرند، ولی به جای آن از «رانت» استفاده می‌کنند. نظر شما در این مورد چیست؟

به نظر من هر چیزی که به نوعی باعث سوءاستفاده از اهل بیت (ع) شود، حرام است. اینکه کسی خودش بخواهد فیش حج عمره به یک مداح بدهد، هیچ اشکالی ندارد. خود بنده را ۱۰ بار مکه فرستاده‌اند، ولی اگر من را مکه نبردند و من ناراحت شدم، این عیب است. من چند وقت پیش به یک مداح که اتفاقاً از دوستان بنده است، زنگ زد تا بیاید و در هیئت ما مداحی کند. آن دوست هم از من خواست که از موقعیت اداری‌ام برایش استفاده کنم و مجوزی برایش بگیرم تا بیاید.

یک بار در تلویزیون می‌دیدم

که با برادر جانبازی

در کنار مرقد مطهر امام رضا (ع)

مصاحبه می‌کردند

و خبرنگار از ایشان پرسید

که چرا از امام رضا (ع)

طلب شفا نمی‌کنید

آن جانباز هم در پاسخ گفت

که من از آقا شفا نمی‌خواهم

شفاعت در آخرت می‌خواهم

من هم وقتی این را شنیدم، گفتم: «من نمی‌توانم این کار را بکنم. اگر دوست داری بیا، اگر دوست نداری نیا.»

خود شما چطور؟ آیا شده تا به حال از شهرتتان در مداحی به نفع خودتان استفاده کنید؟

نه خدا را شکر، ولی شده که دوستان در حق ما لطفی بکنند.

مثلاً چه لطفی؟

مثلاً چند وقت پیش با خانواده برای صرف شام به فرحزاد رفته بودیم. وقتی خواستیم هزینه غذا را حساب کنیم، صاحب مغازه گفت:

«فلان جا در هیئت شما شرکت کردم» و می‌خواست پولی از ما نگیرد. در نهایت بعد از کلی اصرار، قبول کردم که اگر ۳۰ هزار تومان هزینه شام ما شده بود، ۲۰ هزار تومان بگیرد. بارها شده که از این اتفاقات پیش بیاید ولی اینکه من جایی بروم و به واسطه اینکه بنده را می‌شناسند به من تعارف کنند که پولی از شما نمی‌گیریم و من هم بگویم «خیلی ممنون»، نه این‌طور نبوده است. حرف من این است که مردم به خادمان دستگاه اهل بیت (ع) خیلی احترام می‌گذارند و ما باید خیلی مراقب این احترام باشیم.

به نظر شما نقش سازمان‌های دولتی مثل سازمان تبلیغات اسلامی در این خصوص چیست؟

اعتقاد شخصی من این است که اگر بخواهیم خیلی نظم به جلسات امام حسین (ع) بدهیم، باعث بی‌نظمی آن می‌شویم. من همیشه گفته‌ام که نظم جلسات امام حسین (ع) به بی‌نظمی آن است.

منظور من در مورد نظم جلسات نیست. منظورم این است که چرا این سازمان برای جلوگیری از افزایش قیمت مداحی کاری انجام نمی‌دهد؟

به نظر من اگر سازمان تبلیغات اسلامی چنین کاری انجام دهد، به نوعی مهر تأییدی بر این است که مداحی به یک شغل تبدیل شده، در صورتی که مداحی یک عشق است. من فکر می‌کنم که نرخ تعیین کردن، به نوعی تبدیل کردن این کار به یک فعالیت اقتصادی است که خیلی نتایج بدی خواهد داشت.

پس به نظر شما برای جلوگیری از تداوم این روند چه باید کرد؟

باید تقوایمان را زیاد کنیم. نباید فراموش کنیم که این ما هستیم که باید در خدمت امام حسین (ع) باشیم. در قدیم اگر با کلامی ساده و خالصانه پیش مردم «السلام علیک یا ابا عبدالم... (ع)» می‌گفتیم زود به هم می‌ریختند و اشک از چشمان آنها جاری می‌شد. ولی الآن باید پشت بلندگو و با تنظیمات بلندگو مردم را تحت تأثیر قرار دهیم. این نشان می‌دهد که برخی از کارهای ما از «عشق» به «عادت» تبدیل شده است. الآن نه مداحان، مداحان قدیم و نه مردم مثل قدیم هستند. حتی تعدادی از روحانیون نیز روحانیون قدیم نیستند.

روحانیون چرا؟ آنها که خودشان منتقد

دستمزد بالای مداحان هستند؟

درست است که آنها منتقد هستند، ولی بعضی از روحانیون نیز مثل بعضی از مداحان پاکت‌های سنگینی دریافت می‌کنند. من یک بار روحانی‌ای دعوت کردم و برای سخنرانی در هیئت، ۱۰۰ هزار تومان به ایشان دادیم. بعد شنیدیم که به یکی از دوستان ما زنگ زده و گفته کم است و رفته ۳۰ هزار تومان اضافه‌تر گرفته است. ایشان به دوست بنده گفته بود: «من شبی ۱۵۰ هزار تومان می‌گیرم و به خاطر شما شبی ۱۳۰ هزار تومان گرفتم، ولی نه دیگه شبی ۱۰۰ هزار تومان!»

چرا؟

اگر کسی برای اهل بیت (ع) فخر فروشی کند دوره‌اش زود تمام می‌شود افراد مشهوری بودند که دوره‌شان خیلی زود تمام شد حالا وقتی در جایی می‌خوانند بعضی‌ها می‌گویند باز این آمد در صورتی که زمانی مردم برای دیدن آنها سر و دست می‌شکستند

نگاه کند.

خود شما وقتی مداحی را برای مداحی در هیئت‌تان دعوت می‌کنید برای پرداخت هزینه چه عواملی را مدنظر قرار می‌دهید؟

- من به هیچ مداحی نمی‌گویم که چقدر می‌دهم، مگر اینکه خودش بگوید که چقدر می‌گیرد و بعد من می‌گویم چقدر می‌دهم. البته رفقای ما که می‌آیند و در «حسنیه» ما مداحی می‌کنند، چیزی نمی‌گویند و من خودم پاکتشان را به آنها می‌دهم که البته پاکت بدی هم نیست.

شما چقدر می‌دهید؟

بستگی دارد.

به چه چیزی؟

به خیلی چیزها.

زیادترین مبلغی که تاکنون به یک مداح پرداخت کرده‌اید، چقدر بوده است؟

۲۰۰ هزار تومان

کمترین مبلغ چقدر بوده است؟

معمولاً کمترین مبلغی که می‌دهم ۲۰ الی ۳۰ هزار تومان است، ولی همین جمعه قبل به یک مداح ۱۰ هزار تومان دادم.

۲۰۰ هزار تومان را روی چه حسابی پرداخت کردید؟

به خاطر اینکه نیاز مالی داشت. چون مستأجر بود، کرایه خانه‌اش زیاد و عیال‌وار بود. البته برای خواندن یک مداح نمی‌توان قیمت گذاشت و مبلغی که بنده پرداخت کردم هم در راستای قیمت تعیین کردن برای مداحی ایشان نبوده است. اعتقاد من این است که قیمت تعیین کردن برای مجالس امام حسین (ع) چه از سوی رؤسای هیئت‌ها و چه از طرف مداحان کار اشتباهی است. من حتی اگر ثروتمندترین انسان روی کره زمین هم شوم، با پرداخت پول زیاد به مداح، روحانی و یا سخنران به این مجالس مذهبی و معنوی ضربه وارد نخواهم کرد. اگر کسی نخواست، خودم می‌خوانم؛ چون اعتقاد دارم مجلس اهل بیت (ع) زمین نمی‌ماند. من خیلی‌ها را دیده‌ام که پول نداشته‌اند روضه بگیرند؛ اهل بیت (ع) پولش را رسانده‌اند. من در همان اوایلی که «حسنیه محبان حضرت زهرا (س)» را راه انداختم، نگران بودم که اگر فلان قدر به فلان مداح ندهم

چون تلویزیون سخنرانی‌های ایشان را پخش می‌کند. این دنبال مادیات رفتن خیلی زشت و ناپسند است. مثال دیگری هم می‌توانم بزنم. یک بار من یک روحانی را برای ۱۰ روز سخنرانی در کشور بحرین دعوت کردم. گفت: «به خاطر تو چهار میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌گیرم.» به یک روحانی دیگر زنگ زدم، گفت: «۷ میلیون تومان می‌گیرم.» من وقتی این‌ها را می‌شنیدم، از خودم می‌پرسیدم که شما مگر چه کار دشواری می‌خواهید انجام دهید که ۷ میلیون تومان طلب می‌کنید. البته روحانیون و مداحانی را نیز می‌شناسم که ۵۰۰ هزار تومان برای یک جلسه گرفته‌اند، ولی به ۵۰۰ روضه‌خوان برای روضه‌خوانی مجالس ائمه (ع) پول داده‌اند. این‌طور افراد هم ما زیاد داریم. دوباره تأکید می‌کنم که به اعتقاد من باید پول به عالم و مداح داده شود، ولی به اندازه‌ای که آسیبی به دستگاه اهل بیت (ع) وارد نشود. مداح باید به پولی که برای مداحی او پرداخت می‌کنند، به چشم تبرک

منبر است، پای منبر نمی‌نشینند. ما هر چه یاد گرفته‌ایم از همین علما یاد گرفته‌ایم. من هر وقت روحانی خوبی می‌بینم زودتر از زمان شروع مداحی، می‌روم پای منبر ایشان تا حرفی از ایشان یاد بگیرم.

شما آفت مداحی را چه می‌دانید؟

به نظر من آفت مداحی بی‌تقوایی است و آفت مداح باتقوا هم شهوت خواندن است. یک روز مداحی در مجلس ترک‌ها شروع به خواندن کرد و مجلس را خراب کرد. آن مداح خیلی آدم مؤدبی بود و بعد از پایان مداحی خود از حضار معذرت‌خواهی کرد و گفت: «ببخشید که مجلستان را خراب کردم.» اول از حضرت زهرا (س) و بعد از شما عذر می‌خواهم. من فقط هدفم این بود که اسمم را بنویسند. علامه امینی (رحمه‌ا... علیه) در آن مجلس حضور داشتند و گفتند: «پسرجان اسمت را نوشته بودند با خواندن خط زدی. مداح باید دقت کند که خیلی جاها با خواندنشان اسمشان را از لیست خط می‌زنند.»

مداح اگر تقوی خود را حفظ کند، همیشه در بین مردم عزیز خواهد ماند، حتی اگر صدایش را از دست بدهد. ما نباید فراموش کنیم، همان‌طور که زمانی مشهور می‌شویم، زمانی نیز به فراموشی سپرده خواهیم شد. ولی اگر تقوی‌یمان را حفظ کرده باشیم، حتی در سنین پیری نیز در بین مردم محترم باقی خواهیم ماند. من مداحی را می‌شناسم که ۹۰ سال سن دارد و دیگر صدایش را از دست داده، ولی هنوز وقتی در بین مردم ظاهر می‌شود، خیلی به او احترام می‌گذارند و به همدیگر می‌گویند که او خیلی متقی و مؤمن است. بعضی از مداحان هستند که خیلی هم قشنگ می‌خوانند، ولی شهرتی ندارند. امام حسین (ع) شهرت بعضی از مداحان را در آخرت می‌دهد. شهرت و پول بعضی از مداحان را هم در این دنیا و بعضی‌ها را هم در آن دنیا می‌دهد.

بالا رفتن هنر نیست. بالا ماندن هنر است. آرزو می‌کنم همه مداحان ان‌شاء... مورد لطف کریم اهل بیت (ع) امام مجتبی (ع) قرار بگیرند و نگران روزی‌شان نباشند؛ چون همان‌طور که شاعر می‌گوید:

«اگر خیمه‌ات در حریم عشق است/ این را بدان روزی‌ات هم با کریم عشق است» ■

دارد. اگر کسی برای اهل بیت (ع) از این فخرفروشی‌ها بکند، دوره‌اش زود تمام می‌شود. من می‌توانم چندین روضه‌خوان مشهور و معروف نام ببرم که از این کارها کردند و دوره‌شان خیلی زود تمام شد. حالا همین افراد وقتی در جایی می‌خوانند، بعضی‌ها در دلشان می‌گویند باز این آمد. در صورتی که یک زمان مردم برای دیدن آنها سر و دست می‌شکستند. هر فردی بخواهد با این شرط و شروطها در این مسیر مقدس گام بگذارد، دوره‌اش زود تمام می‌شود. به نظر من روضه‌خوان یا مداح باید مثل راننده اتوبوس شرکت واحد باشد.

یعنی چی؟

چرا باید
برای ۱۰ شب مداحی در محرم
۱۰ میلیون تومان پول پرداخت شود
معلوم است
وقتی هزینه‌های این‌چنینی
پرداخت می‌شود
سر آن آدم گیج خواهد رفت
این‌طور پول دادن
در نهایت باعث می‌شود
مسیر زندگی آن آدم عوض شود

راننده اتوبوس شرکت واحد مسیر خودش را می‌رود؛ چه یک نفر در ایستگاه باشد چه هزار نفر. او مسیر را می‌رود. مداح هم باید هم همین‌طور باشد. باید مسیر را درست برود. چه یک نفر پای منبر او نشسته باشد، چه پنج هزار نفر.

به نظر شما برای اصلاح این شرایط چه باید کرد؟

به نظر من نباید در مقابل مداحان موضع گرفت. این کار غلط است. نباید در مقابل این رویکرد موضع گرفت و به سرعت حکم داد که این پول‌ها حرام است و ... متأسفانه آقایان علما علیه مداحان موضع می‌گیرند و مداحان هم از این وضع خوششان نمی‌آید. به نظر من مداح و روحانی در یک مسیر و با یک انگیزه فعالیت می‌کنند و باید به هم احترام بگذارند. متأسفانه شاهد هستیم که بعضی از مداحان خیلی برای خود نسبت به علما کلاس می‌گذارند و وقتی سخنرانی علما تمام می‌شود، با نوعی کلاس وارد مجلس می‌شوند و تا وقتی که روحانی بالای

نمی‌آید و آبروی مجلس می‌رود. اگر از فلان مداح مشهور دعوت می‌کردم، بهتر می‌شد و خیلی از نگرانی‌های دیگر. ولی فهمیدم که این اهل بیت (ع) هستند که باید به برگزاری یک مجلس نظر کنند. یک بار یک مداح خیلی مشهور که من خیلی دوستش دارم، ولی با هم رفاقتی نداریم، بدون اینکه از او دعوت کرده باشم، وارد هیئت ما شد و پرسید «آقا می‌شود اینجا روضه بخوانیم؟» من هم خیلی خوشحال شدم و از او پرسیدم: «چه کسی شما را دعوت کرده است؟» ایشان هم گفتند که خواب دیده‌اند که بیایند و در اینجا روضه بخوانند. ایشان حتی موقع رفتن هم یک میلیون تومان به من پول دادند و خواستند این مبلغ را خرج هیئت کنم. خیلی هم مداح معروفی بود. برای همین است که می‌گویم این اهل بیت (ع) هستند که باید به مجلس نظر کنند و ما فقط باید بخواهیم و نباید نگران سایر موضوعات باشیم.

نظر شما در مورد چاپ پوستر و بنر مداحان چیست؟

این کار تبلیغ است و به نظر من هیچ اشکالی ندارد.

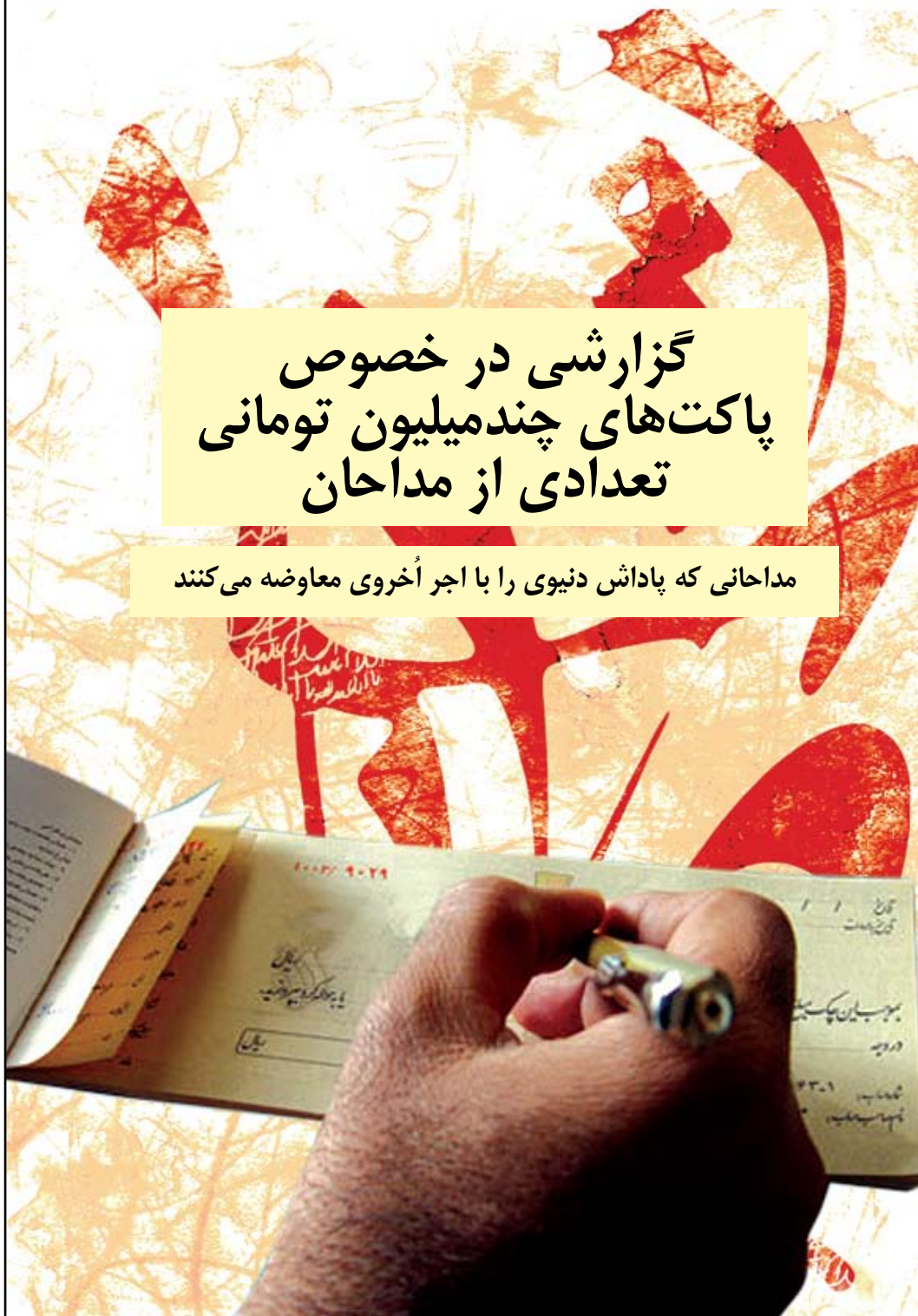
اما بعضی از هیئت‌داران گله می‌کنند که تا زگی بعضی از مداحان شرط می‌کنند که باید بنرهای تبلیغاتی آنها در خیلی از نقاط شهر نصب شود و این کار علاوه بر هزینه بالای مداحی، هزینه‌های دیگری نیز به آنها تحمیل می‌کند.

دوباره می‌گویم که به نظر من شرط گذاشتن برای خواندن درباره اهل بیت (ع) درست نیست. من حتی چندین بار شنیده‌ام که فلان مداح حتی شرط می‌کند که بلندگوی هیئت باید از نوع خاصی باشد و گرنه نمی‌آیم. این کار باعث می‌شود که هیئت‌داران مجبور شوند، بروند شبی مثلاً ۲۰۰ هزار تومان سیستم صوتی اجاره کنند، چون هزینه خرید آن چند میلیون تومان است. حتی برخی از مداحان در خصوص تعداد نفرات شرکت‌کننده هم شرط می‌گذارند و می‌گویند اگر کمتر از چند صد نفر در هیئت حضور داشته باشد نمی‌آیند.

پرسش من این است که آیا ما برای مردم می‌خوانیم یا برای حضرت زهرا (س)؟ ما باید به خاطر داشته باشیم که خواندن دوره

گزارشی در خصوص پاکت‌های چندمیلیون تومانی تعدادی از مداحان

مداحانی که پاداش دنیوی را با اجر اخروی معاوضه می‌کنند



اسم و رسم را دعوت کن، اگر تمام تهران را هم آگهی داده باشی در مجموع ۵۰ یا ۶۰ نفر در مجلس شما شرکت می‌کنند. ولی اگر یک مداح اسم و رسم‌دار را دعوت کنی از شاه عبدالعظیم تا تجریش و از تهرانسر تا تهرانپارس همه در مجلس شما شرکت می‌کنند.»

باز با شنیدن این اظهارات قانع نشدم و پیش چند نفر از بچه‌هیئت‌ها و هیئت‌داران قدیمی رفتم تا از آنها در خصوص «صله» مداحان بپرسم. یکی از دوستان گفت: «با دفتر ... که تماس می‌گیری مسئول دفترش می‌گوید که

مداحی به سفارش علما عمل می‌کند.» در ابتدا پذیرفتن این اظهارات برایم کمی سخت بود، ولی هنگامی که با مسئولان و رؤسای چند هیئت دیگر نیز تماس گرفتم، آنها نیز اظهاراتی مشابه داشتند. حتی یکی از آنها گفت: «برای دهه اول محرم شما نمی‌توانی مداحی زیر ۴ یا ۵ میلیون تومان در تهران پیدا کنی. این قیمت حداقلی است. وقتی شما هیئت یا حسینیه‌ای داری، مجبوری مداح معروف بیاوری.» وقتی از او پرسیدم: «چرا؟»، گفت: «همه دوست دارند که کیفیت کارشان بالا باشد. شما یک مداح بدون

سرویس جامعه: اولی می‌گفت فرقی ندارد که هیئت در جردن باشد یا در رباط کریم؛ شما اگر مداحی را که اسم و رسم دارد، دعوت کنید باید دستمزدش را به میزان شهرتش بدهید. با نفر بعدی که تماس گرفتم، گفت: «آقایان معمولاً خودشان وقت نمی‌دهند، بلکه باید با دفترشان تماس بگیری و آنها قیمت می‌دهند. پول را باید به حساب واریز کنیم و قبض آن را قبل از برگزاری جلسه به دفترشان بفرستیم تا در مجالس شرکت کنند. هر چند علما بارها تأکید کرده‌اند که مبلغی را طی نکنید، ولی کمتر



مهستان نصب می‌شود و سی‌دی‌هایشان در همه فروشگاه‌های محصولات فرهنگی پخش می‌شود، دیگر به دستمزدهای معمولی رضایت نمی‌دهند، می‌افزاید: «به نظر من بزرگ‌ترین معضل هیئت‌داری در حال حاضر تهیه مداح شده است. الآن باید از دو ماه جلوتر دغدغه پیدا کردن مداح داشته باشیم.»

بنابر اظهارات این دست‌اندرکار برگزاری مجالس مذهبی، مسئولان و رؤسای هیئت‌ها به‌رغم داشتن چنین انتظاراتی از سوی مداحان نمی‌توانند از آنها انتقاد کنند، چون نگران‌اند که مداحان معروف دیگر در مجالسشان شرکت نکنند و به قول خودشان، دستشان در پوست گردو بماند.

**با دفتر ... که تماس می‌گیری
مسئول دفترش می‌گوید
که صلۀ حاج آقا
برای روزهای معمولی و بی‌مناسبت
«یاعلی» است
«یاعلی» به حروف ابجد
یعنی ۱۱۰ هزار تومان**

هیئت‌ها گرفتار چشم و هم‌چشمی شده‌اند

محسن طاهری بیش از سه دهه است که مداحی می‌کند. او هر چند یکی از مطرح‌ترین و معروف‌ترین مداحان کشور است، ولی خدا را شاکر است که جزو مداحانی نیست که درآمد زندگی‌اش را از این راه تأمین می‌کند. خودش در این خصوص می‌گوید: «من از لحاظ نوکری امام حسین (ع)، افتخار می‌کنم که همکار آقایان باشم، ولی از نظر مادیات شباهتی به آنها ندارم.» طاهری هر چند به واسطه شهرت بالای خود می‌توانست درآمد بالایی کسب کند و از رانت‌های بسیاری نیز بهره‌مند شود، ولی به گفته خودش تا به حال از شهرتش در مداحی برای منافع شخصی‌اش استفاده نکرده است. طاهری در این خصوص می‌گوید: «امکان استفاده از هر موقعیتی برای من وجود داشته، ولی استفاده نکرده‌ام؛ من هنوز یک مستأجرم و یک خودروی ۲۰۶ معمولی دارم که با همسرم شراکتی استفاده می‌کنم. این طور نبوده که ما بخواهیم

صلۀ حاج آقا برای روزهای معمولی و بی‌مناسبت «یاعلی» است. «یاعلی» به حروف ابجد یعنی ۱۱۰ هزار تومان! اسم صلۀ را هم با این کارشان خراب کرده‌اند.» چند روزی این مسئله را پیگیری کردم. حرف همه یکی بود؛ دستمزد تعدادی از مداحان میلیونی شده است!

چند می‌گیری بخونی؟

بر اساس برخی آمارهای غیر رسمی، حدود ۳۰۰ هزار مداح در ایام محرم در کشور فعالیت می‌کنند که از این تعداد، گروه قابل توجهی خود را غلام امام حسین (ع) می‌دانند و بدون دریافت هیچ مبلغی در هیئت‌های عزاداری نوحه‌خوانی می‌کنند. با این حال تعداد خیلی نیز وجود دارند

**بعضی مداحان
معمولاً خودشان وقت نمی‌دهند،
بلکه باید با دفترشان تماس بگیري
و آنها قیمت می‌دهند
پول را باید به حساب واریز کنیم
و قبض آن را به دفترشان بفرستیم
تا در مجالس شرکت کنند**

که با استفاده از شهرت و محبوبیت خود در بین مردم و به‌ویژه جوانان، ارقامی از یک میلیون تا بیش از ده میلیون تومان (بسته به مناسبت‌های مختلف و به‌خصوص در ۱۰ شب اول محرم) برای حضور و مداحی در هیئت‌های عزاداری دریافت می‌کنند. در واقع باید گفت که برخلاف مداحان سنتی که مداحی برای آنها شغل نبود، در سال‌های اخیر مداحی برای تعدادی از مداحان به شغلی پرمفعت و بسیار درآمدزا تبدیل شده و دستمزد گروهی از آنها نیز به چند میلیون تومان هم رسیده است. این دسته از مداحان که به «مداحان پروازی» تبدیل شده‌اند، برای اجرای برنامه‌های خود به نقاط مختلف کشور سفر می‌کنند و گروهی را نیز با خود همراه دارند که مسئولان هیئت‌ها باید هزینه بلیت آنها را نیز پرداخت کنند، اما این تمام ماجرا نیست.

شنیده‌های خبرنگاران «خیمه» از تعدادی از رؤسای هیئت‌ها حاکی از آن است که تعدادی از مداحان قبل از اینکه در هیئتی مداحی کنند، از مسئولان و رؤسای هیئت‌ها می‌پرسند که چند

صد بنر تبلیغاتی در چند جای تهران برای آنها نصب می‌شود؟ مسئول یکی از هیئت‌های بزرگ غرب تهران در این خصوص می‌گوید: «اگر ... بدانند که بنر تبلیغاتی کم نصب می‌کنیم، نمی‌آید. این در حالی است که باید هزینه مداحی‌اش را بدهیم، هزینه چاپ بنر را بدهیم، یک راننده برای رفت و آمد در اختیارش بگذاریم، هزینه بالای شام هیئت را تأمین کنیم و ... همه اینها باعث شده که هیئت‌داری کار خیلی سختی شود.» اما افراد دیگری هم وجود دارند که در ظاهر نه مبلغی طی نمی‌کنند و نه برای مداحی کردن شرط و شروطی می‌گذارند، ولی اگر تبلیغ برای آنها کم باشد یا پاکتی که به آنها پرداخت می‌شود کمتر از آنچه مد نظرشان است باشد، دفعه دیگر که برای مداحی در آن هیئت دعوت می‌شوند، دیگر تلفنشان را هم جواب نمی‌دهند. در همین حال باید به نکته دیگری نیز اشاره کرد؛ هر چند مسئولان هیئت‌ها از شرایط موجود راضی نیستند، ولی در پاسخ به این پرسش که چرا از این افراد دعوت می‌کنند، می‌گویند که برای راضی نگاه داشتن مخاطبان خود مجبور به دعوت از این افراد می‌شوند. «ع.م»، مسئول یکی از هیئت‌های بزرگ تهران در این خصوص می‌گوید: «من چون پرداخت مبالغ زیاد به مداحان را در خلاف جهت انگیزه‌های معنوی برگزاری هیئت می‌دانم، سعی می‌کنم که زیاد به دنبال این نوع از مداحان نروم، ولی یک بار در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتم و مجبور شدم برخلاف میل باطنی‌ام تنها برای راضی نگاه داشتن مخاطبان هیئت و پافشاری آنها برای دعوت از یک مداح معروف، ۵۰۰ هزار تومان برای یک ساعت مداحی پرداخت کنم.» این مسئول هیئت با اشاره به اینکه تعدادی از مداحان بعد از این که عکسشان در پاساژ

از شهرت‌مان در مداحی سوءاستفاده نکنیم؛ وامی بگیریم یا از رانت آن استفاده کنیم.»

طاهری در خصوص رابطه بین ستاره شدن و افزایش مبلغ دستمزدها می‌گوید: «من عنوان «ستاره شدن» را قبول ندارم؛ این عنوانی است که به بازیگران سینما نسبت می‌دهند و به نظرم استفاده از این تعبیر برای مداحی تعبیر سستی است. من با واژه «چهره شدن» بیشتر موافقم. ولی در پاسخ به این پرسش باید بگویم که همیشه این طور نیست که چهره شدن حتماً منجر به افزایش درآمد شود. افرادی بسیاری هستند که در کار خود چهره نیستند ولی از بنده نوعی بیشتر درآمد دارند.» با این حال محسن طاهری از اینکه تعدادی از مداحان برای مداحی نرخ تعیین می‌کنند، اصلاً راضی نیست و می‌گوید: «در این ۴ دهه‌ای که من

در این عرصه مشغول هستم، هیچ کسی از من نشنیده است که این قدر می‌گیرم.»

طاهری همچنین در پاسخ به این پرسش که برای مقابله با وضعیت موجود چه راه‌حلی پیشنهاد می‌دهد، می‌گوید: «راه‌حل مقابله با این وضعیت این است که همه ما درجه اخلاصمان را بیشتر کنیم و به این بیندیشیم که آنچه امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) از ما توقع دارند، چیست؟» به اعتقاد محسن طاهری، هیئت‌ها دچار چشم و هم‌چشمی شده‌اند، در صورتی که می‌توانند از مداحان سابقه‌دار و باتجربه‌تر استفاده کنند و این مبالغ را نیز نپردازند.

اهل بیت (ع) با هیچ چیز قابل معامله نیست

مرتضی طاهری هم به عنوان یکی از سرشناس‌ترین مداحان کشور، پرداخت مبالغ زیاد به مداحان را خلاف شرع نمی‌داند. ولی معتقد است که این کار خلاف هدف، مسیر و انگیزه مقدس مداحی است. وی با اشاره به این که افرادی پشت نام مداحی، سبک و سیاق خواندنشان را به معرض فروش می‌گذارند، می‌گوید: «به نظر من بعضی‌ها مداح نیستند، بلکه خواننده‌هایی هستند که مذهبی می‌خوانند و ممکن است روزی غیرمذهبی هم بخوانند.» این مداح سرشناس معتقد است؛ مداح واقعی

کسی است که حتی اگر پاکت سنگینی هم به او بدهند، مسیرش را معامله نکند. با این حال طاهری در خصوص وجود انتقاداتی در میان برخی روحانیون در خصوص پاکت‌های سنگین تعدادی از مداحان می‌گوید: «من به‌رغم همه ارادتی که به روحانیون بزرگ دارم و سر تعظیم در برابر همه آنها فرود می‌آورم، این را عرض می‌کنم که این بزرگواران یا به مقوله درس مشغول‌اند یا منبر. آنهایی که منبر می‌روند خودشان پاکت می‌گیرند و حتی آنها نیز پاکت سنگین می‌گیرند که این فقط محدود به عصر حاضر نیست و از گذشته اوضاع به همین صورت بوده است. ما در زمان گذشته هم منبری‌هایی داشته‌ایم که واقعاً متدین بودند، هدف و مسیر آنها نیز بسیار مقدس بوده، ولی پاکت‌های سنگین هم می‌گرفتند و



در زمان طاغوت یک جلسه‌ای را بسیار سنگین «طی» کرد و پول را گرفت و رفت. وی در مسیر برگشت به تهران هم در شهرهای مختلف توقف کرد و مبلغی را که گرفته بود، به دوستان خود که در تبعید بودند، کمک کرد. اگر در این مسئله بخواهیم به همه با یک دید انتقادی نگاه کنیم، کار درستی نکرده‌ایم؛ چون هر چیزی به جای خویش نیکوست. با این حال آنچه ما باید بدان توجه داشته باشیم، این است که اهل بیت (ع) را نباید معامله کرد.»

طاهری همچنین در پاسخ به این پرسش که آیا به‌رغم معرفت بالای مداحان ممکن است گرفتن دستمزدهای بالا در درازمدت به جریان پاک مداحی آسیب وارد کند، می‌گوید: «من در یک کلمه عرض کردم که این مسیر برای معامله کردن نیست، بلکه مسیر ترویج شناسایی اهل بیت (ع) است و نباید انعکاس نقاط منفی در ذهن دیگران داشته باشد. من همان‌طور که گفتم از بعضی‌ها حمایت و دفاع نمی‌کنم. ولی اگر در مواردی

حتی از افراد خوب هم در این خصوص چیزی می‌بینید، باید در خصوص همان موضوع با خود آنها صحبت شود و علت را از خودشان جویا شد. ممکن است آنها هم مثل همان عالم بزرگواری که به او اشاره کردم، وجه بالایی گرفته باشد، ولی انجام وظیفه دینی کرده باشد.»

وی با تأیید این دیدگاه برخی مداحان که می‌گویند: «اگر بخواهی به صورت حرفه‌ای مداحی کنی، دیگر فرصتی برای پرداختن به مشاغل دیگر و کسب درآمد نمی‌ماند»، می‌گوید:

به ندرت هم در بعضی جلسات رقیمی نیز طی می‌کردند. در همین حال روحانیونی نیز وجود داشته‌اند که مبلغی طی نمی‌کردند، پولی هم نمی‌گرفتند و حتی به مجالس ائمه (ع) کمک مادی هم می‌کردند.»

مرتضی طاهری با اشاره به اینکه نباید در خصوص همه با یک نظر و دیدگاه قضاوت کنیم، می‌افزاید: «این روش صحیحی نیست که درباره همه با یک دید قضاوت کنیم. من منبری بسیار متدین، مقید و خدمتگزاری را می‌شناختم که



طاهری همچنین در خصوص اظهارات برخی از مسئولان هیئت‌ها مبنی بر اینکه مجبورند برای برگزاری هر چه بهتر مجالس مذهبی از مداحان معروف استفاده کنند، تصریح می‌کند: «آن کسی که برای اهل بیت (ع) جلسه می‌گیرد، باید وظیفه خودش را انجام بدهد و نگران اینکه مردم می‌آیند یا نه نباشد. خود من در بعضی از جلسات که می‌روم، گاه در شروع جلسه پنج نفر هم نیستند، ولی طوری می‌خوانم که گویی افراد بسیاری شرکت کرده‌اند. بنابراین معتقدم که هر کسی باید به رسالت خویش عمل کند.»

این کار نوعی دین‌فروشی است

«ائمه اطهار (ع) بارها گفته‌اند که از راه دین ارتزاق نکنید. صله‌هایی را که ائمه (ع) به شعرا می‌دادند، هیچ وقت خود شعرا تعیین نمی‌کردند، آنها کار فرهنگی می‌کردند و ائمه اطهار (ع) مبالغی به آنها به عنوان صله می‌دادند.» این جملات بخشی از اظهارات حجت‌الاسلام و المسلمین عالی است. وی در خصوص اینکه مداحان نمی‌توانند در صورت حرفه‌ای شدن به دنبال مشاغل دیگر بروند و باید نگران دورانی پیری و ناتوانی خود باشند، می‌گوید: «وقتی به مداحی به دید شغل نگاه شود، همین می‌شود که به مغازه دو نبش تبدیل شود. آیا این کار را دیگر می‌توان اخلاص نامید؟»

بنابر اظهارات حجت‌الاسلام عالی، این‌طور نگاه کردن به مسئله نوعی مادی‌نگاه کردن است، در حالی که خداوند متعال روزی‌دهنده همه افراد است. وی تصریح می‌کند: «خدا خودش تضمین کرده که روزی کسانی را

که در راه او گام برمی‌دارند، تأمین می‌کند. ولی این نگرانی مجوز این نخواهد بود که هر مداحی هر کاری که دلش بخواهد بکند و هر مبلغی را دریافت کند. من نمی‌گویم این ایراد دارد که فردی وقتش را خالصانه بر سر این کار بگذارد. ولی آنچه بد است، این است که وقتی این‌طور شد بهانه‌ای نشود که دستمزدهای زیاد خود را طلب کند.»

این روحانی همچنین در خصوص اینکه مداح حرفه‌ای نمی‌تواند به دنبال سایر مشاغل

و بعضی‌ها هم از طریق دیگری خودشان را اداره می‌کنند. پس نتیجه می‌گیرم که این کار مذموم نیست، چون اگر کسی بخواهد تمام وقت در خدمت این حرفه قرار بگیرد، باید از لحاظ سرمایه‌های مختلف مثل شعر و ادبیات و مباحث دیگر خودش را تأمین کند و باید وقت بسیاری برای این کار اختصاص دهد. به همین علت کسی که تمام وقتش را برای این کار می‌گذارد، وقتی برای انجام سایر کارها نخواهد داشت.»

طاهری همچنین به نقش صدا و سیما در افزایش درآمد بعضی از مداحان اشاره می‌کند و می‌گوید: «صدا و سیما یک رسانه عمومی و تبلیغی است که از پخش مراسم مداحان به هدف تبلیغات مذهبی خود می‌رسد. ولی متأسفانه دسترسی به برخی افراد بعد از پخش چند برنامه



از آنها در تلویزیون سخت می‌شود.» طاهری با اشاره به اینکه این موضوع محدود به مداحان نیست، می‌گوید: «مثلاً پزشکی که تا قبل از رفتن در تلویزیون در مطبش پشه پر نمی‌زد، بعد از اینکه چند بار در تلویزیون از او برنامه‌ای پخش می‌کنند وقتی به مطبش می‌روی باید وقت یک ساله از او بگیری. به همین علت معتقدم که نقش تلویزیون منحصر به بحث مداحی نیست و اگر می‌خواهیم این روند اصلاح شود، باید از خود جلسات و مردم شروع به فرهنگ‌سازی کرد.»

«من این حرف را درست می‌دانم. خود من سال‌ها در آموزش و پرورش در زمینه علوم دینی و امور تربیتی تدریس می‌کردم، ولی چون تا دیر وقت جلسه داشتم و فاصله منزل در آن زمان با محل کارم دور بود، در نهایت مجبور شدم تدریس را کنار بگذارم.»

بنابر اظهارات طاهری، او بعد از خروج از آموزش و پرورش یک فعالیت اقتصادی کوچک به راه انداخت. ولی دوباره به علت زمان زیادی که صرف فعالیت‌های مذهبی می‌کرد، نتوانست برای آن کار نیز وقت بگذارد و در نهایت مجبور شد، اداره امور آن را به دیگران بسپارد تا خودش بتواند به مداحی مشغول شود. وی همچنین در پاسخ به اینکه مداحی یک شغل است یا یک کار معنوی و مخلصانه، به مسئله امام جماعت بودن اشاره می‌کند و می‌گوید: «در گذشته امام جماعت فقط نماز می‌خواند و می‌رفت. من امام جماعت‌هایی را می‌شناختم که کار می‌کردند. حتی یک روحانی می‌شناختم که بعد از

خواندن نماز به کارگاه خود می‌رفت و تراشکاری می‌کرد. ولی امروزه امام جماعت منحصر به نماز خواندن نمی‌شود.» طاهری می‌افزاید: «امام جماعت امروزه در واقع رئیس مرکز فرهنگی آن منطقه و محل است و تنها فریضه نماز خواندن را به جا نمی‌آورد و از آنجایی که همه زندگی خود را در راه اشاعه دین و مقابله با آسیب‌های فرهنگی جامعه گذاشته، باید زندگی‌اش به نحوی اداره شود. حالا بعضی از روحانیون از سهم مبارک امام استفاده می‌کنند و بعضی‌ها هم منبر می‌روند

برود، می‌گوید: «مداحانی هستند که هم مداحی می‌کنند و هم به دنبال مشاغل دیگر می‌روند. ولی اگر کسی نگران دوران پیری و ناتوانی است، باید شغل دیگری از هم‌اکنون برای خودش انتخاب کند تا در ردیف کسانی قرار نگیرند که از راه دین و ائمه (ع) نان در می‌آورند.» وی با ابراز تأسف و نگرانی در این خصوص می‌گوید: «این خیلی زشت است که ائمه (ع) تمام هستی خود را در راه دین دادند و آن وقت کسی بیاید زحمات آنها را دستاویزی برای کسب درآمد قرار دهد. اگر مداحی نگران آینده خود است، باید به دنبال یک شغل دوم باشد. ولی اگر نه، می‌خواهد تمام وقت و هستی خود را صرف این کار کند آن وقت خداوند متعال را رازق خود بداند و به او

محمد رضا طاهری:
**بعضی‌ها مداح نیستند
 بلکه خواننده‌هایی هستند
 که مذهبی می‌خوانند
 و ممکن است روزی
 غیر مذهبی هم بخوانند**

توکل داشته باشد.»

حجت‌الاسلام عالی با انتقاد از مسئولان هیئت‌هایی که با دعوت کردن از این گروه از مداحان، منجر به تشدید این وضعیت شده‌اند، می‌افزاید: «اینکه مردم و رؤسای هیئت‌ها به مداحی مبالغی را بدهند، هیچ ایرادی ندارد، ولی اینکه رؤسای هیئت‌ها بخواهند از فلان مداح دعوت کنند، تنها به این خاطر که هیئت‌های آنها پر رونق شود و مردم حضور بیشتری داشته باشند، این به نوعی باب کردن این جریان است و در نهایت مداحی را به سمت تبدیل شدن به یک شغل سوق می‌دهد.» وی با تأکید بر اینکه ادامه چنین روندی خطرناک است، تصریح می‌کند: «خدا نکند که کارها و وظایف دینی روزی به یک شغل تبدیل شوند. حرف من این است که از این تیپ مداحان برای مطرح کردن هیئت خود دعوت نکنند و از مداحان مخلص دعوت کنند و آن وقت هر چقدر دوست داشتند، بدهند.»

بنابر اظهارات حجت‌الاسلام عالی، اگر همه با همدیگر این همت را داشته باشیم که از مداحان مخلص بسیاری که در کشور ما وجود دارد، برای شرکت در جلسات دعوت کنیم، این معضل حل خواهد شد. وی با اشاره به اینکه درخواست

مخاطب توجه و مجوزی برای ترویج این کار نیست، می‌افزاید: «آن فردی که رئیس هیئت و قافله‌دار یک جماعت است باید ببیند که کار درست چیست و همان را انجام دهد، نه مجری هر خواسته‌ای باشد. در این موقعیت حساس جامعه، بزرگان هیئت‌ها باید این مسائل را رعایت کنند و نباید به بهانه درخواست مخاطب به ترویج بیشتر این روند غلط کمک کنند.»

وی در خصوص برخورد سازمان‌های دولتی مثل سازمان تبلیغات اسلامی با این گروه از مداحان می‌گوید: «حل معضلات فرهنگی راه حل دستوری و بخشنامه‌ای ندارد. ما باید به فکر رشد فکری جامعه باشیم، آن وقت دیگری نیازی به پیدا کردن راه حل دولتی نداریم. این سازمان‌ها می‌توانند از طریق همکاری با هیئت‌ها و رؤسای آنها کار فرهنگی انجام بدهند. کار فرهنگی جواب می‌دهد و بخشنامه‌ای کردن



وضعیت را بدتر خواهد کرد و باعث به وجود آمدن لج و لجاجتی می‌شود. اگر مردم به این احساس برسند که این کار خلاف معیارهای دینی است، خودشان جلوی این کار را می‌گیرند. ما با رشد فکری دادن در خصوص مداحی، روضه و منبر است که می‌توانیم بازدارنده طبیعی در مقابل انحرافات فرهنگی ایجاد کنیم.»*

طرد مداحان مادی‌گرا

نگاهی به اظهارات مداحان و علمایی که در این گزارش نامی از آنها برده شد و همچنین سایر مداحان و علما نشان می‌دهد که بیشتر آنها بر این باورند که برای جلوگیری از ترویج مادی‌گرایی در مجالس ائمه اطهار (ع) باید کار فرهنگی کرد. در همین حال بسیاری از این بزرگان بر این باورند که دعوت نکردن از چنین افرادی می‌تواند راه حلی برای بازگرداندن وضعیت به شرایط سابق باشد. در همین خصوص «محسن عسگری»، از مداحان معروف و به نام آذری زبان کشور که بیش از ۵۰ سال است،

در این عرصه فعال است و به‌تازگی مفتخر به دریافت عنوان «پیر غلامی» شده است، می‌گوید: «ما نباید وقتی هیئت برگزار می‌کنیم به دنبال این باشیم که با آوردن فلان مداح فقط جمعیت و مخاطبان هیئت را بیشتر کنیم، چون این کار باعث تقویت قانون عرضه و تقاضا در این کار می‌شود.» عسگری هر چند معتقد است که نرخ تعیین کردن درست نیست، ولی در نظر او، کار کسانی که این دسته از مداحان را دعوت می‌کنند، بدتر از کسانی است که نرخ تعیین می‌کنند.

وی با اشاره به اینکه چند بار از مداحانی که قیمت‌های بالایی از مردم می‌گیرند، انتقاد کرده، می‌افزاید: «من چند بار به این دسته از افراد اعتراض کرده‌ام که چه معنی دارد از چند ماه جلوتر پول باید به حساب شما ریخته شود و آنها در جواب گفتند: «آقا از شما دعوت نمی‌کنند، ناراحتید؟!» یکی دیگر هم یک بار به من گفت: «هر چند شما از نظر شعر و تجربه استاد من هستید، ولی من استاد دیگری هم دارم که گفته است فقط چند سال می‌توانی بخوانی و برای بقیه عمرت باید به فکر پس‌انداز باشی.»»

سرویس جامعه نشریه خیمه بسیار تمایل داشت با تعدادی از مداحانی که دستمزدهای بالا دریافت می‌کنند، گفت‌وگو کنند ولی متأسفانه تلاش ما در این زمینه بی‌نتیجه ماند. با وجود

حجت‌الاسلام و المسلمین عالی:
**خیلی زشت است که ائمه (ع)
 تمام هستی خود را در راه دین دادند
 و آن وقت کسی بیاید
 زحمات آنها را دستاویزی برای
 کسب درآمد قرار دهد**

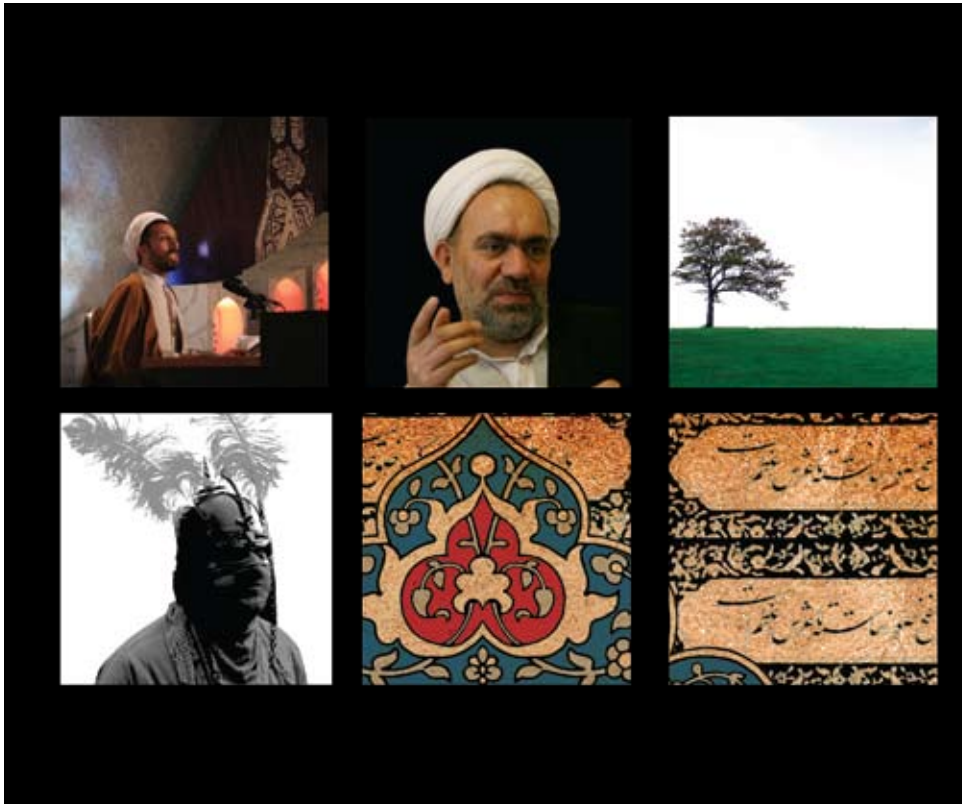
این، خوشحال می‌شویم با استدلال‌های احتمالی آنها از زبان خودشان و نه از زبان دیگران، آشنا شویم، بنابراین آمادگی خود را برای گفت‌وگو و ارائه مستقیم نظرات این افراد اعلام می‌کنیم. ■

* لازم به ذکر است ستاد ساماندهی شئون فرهنگی در سازمان تبلیغات اسلامی به ریاست معاونت فرهنگی سازمان، تاکنون دستورالعمل و مصوبه‌ای درباره دستمزد مداحان نداشته است. در حقیقت این سازمان با حمایت از «بنیاد دعبل» که تشکیلی غیر دولتی و کاملاً مردمی است و با هدف ساماندهی وضعیت مداحی در کشور به وجود آمده، نقشی نظارتی در این زمینه برای خود قائل شده است.

خیلیا

ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خبریه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



در این بخش نیم نگاهی به یاد حسین (ع) و فاطمه زهرا (س) در اشعار فارسی داشته‌ایم. در ادامه گفت‌وگو با حجت‌الاسلام «ابوالقاسم نادری» به بررسی اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های ستاد تعزیه در استان تهران که به همت اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران راه‌اندازی شده، پرداختیم. مقایسه بین «هنرهای آیینی» و «خودآیینی در هنر» و «آسیب‌شناسی موسیقی مذهبی، مرثیه‌سرایی و مداحی» از دیگر بخش‌های این مجموعه است.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly

تاریخ و اندیشه

چهارموسوی

رسالة

هنر و ادب

مست

مردم شنای



یک فاطمه غم

محمد ناصری

شب است و غم و درد و الم و تابش مهتاب، در آن شهر پر از ظلم، به جز مردم یک خانه، همه خواب، همه خواب، و جز هق هق آهسته یک مرد، و یا ناله آرام دو سه کودک بی تاب، اگر گوش کنی می شنوی زمزمه ریختن آب، اگر چه همه خواباند، ولی در دل آن خانه پر از ماتم و غوغاست، که این شب، شب بی مادری زینب کبراست، شب اصلی ضربت زدن حضرت مولاست، شب غسل گل یاس علی، حضرت زهراست...

علی بود و یک زانوی لرزان، علی بود و غم تازه یتیمان، علی بود، و آن اشک روان، سینه محزون پر از درد، و آن گریه پنهان، علی بود، و یک یاس شهیده، همان شیر خدا، حیدر کرار و رنگی که ز رخسار پریده، همان فاتح خبیر که قدش سخت خمیده، علی بود، همان همسر زهرا، که چندی ست به جز فاطمه از مردم آن شهر سلامی نشنیده، علی بود و رخساره زهرا که سه ماهست ندیده

علی بود و دلی خسته در آن بارش غمها، علی بود و اسماء کنار بدن خسته زهرا، در آن نیمه شب ساکت و خلوت، همان نیمه شب غصه و غربت، شب هجر شب اوج مصیبت، شب مرگ علی، مرگ

گل یاس، علی کرد نگاهی سوی اسماء، که بریز آب روان بر روی گلبرگ گل یاس و با اشک نگاهی به تن فاطمه اش کرد و چنین گفت: «عزیز دل حیدر، مددی کن که دهم غسل تنت را، کمک کن که بشویم بدنت را»، و با نام خدا غسل گل یاس شد آغاز، خدا داند از آن لحظه که شد چشم علی سوی گلش باز

علی بود و قلبی که به اندازه یک فاطمه غم داشت، علی بود و بازوی کبودی که ورم داشت و دستان علی بر گل زخم بدن فاطمه اش خورد، علی زنده شده و مرد، نفس در دل او حبس شد و سوخت، علی چشم به چشمان گلش دوخت، و آن بغض که در سینه نهان داشت رها شد، دوباره قد او خم شد و تا شد، و روح از بدنش رفت و جدا شد، سرش را به روی شانه دیوار زد و زار زد و گفت: «نگفتی به علی فاطمه یک بار، از این زخم و از قصه دیوار، از این اذیت و آزار

از این سینه و از لطمه مسمار، خدایا چه کند حیدر کرار...؟!»

همه عالم هستی، فغان گشت ز آه دل آن رهبر مظلوم، و از اشک یتیمی حسین و حسن و زینب و کثوم، به جز زمزمه ریختن آب، از آن خانه صدایی به سما رفت، که تا عرش خدا رفت... صدای طپش یک دل خسته، که بندش شده پاره و از ریشه گسسته، صدای کمر کوه، که از غصه شکسته فقط آه کشید آه، علی بامد فاطمه استاد روی پا و چنین گفت به اسماء، بریز آب به روی گل حیدر، ولی سعی کن آرام بریزی که یاسم شده پرپر، بریز آب ولی سعی کن آرام بریزی که گلم خسته خسته ست، بریز آب ولی سعی کن آرام بریزی که پهلوش شکسته ست

علی شست تنش را و با گریه چنین گفت به زهرا: «شدی پرپر و این شهر نفهمید که گل طاقت این اذیت و آزار ندارد، تو رفتی و علی یار ندارد، و در مردم این شهر طرفدار ندارد، گذشت از من و تو قصه ولی کاش، به گلبرگ شقایق بنویسند، که گل تاب فشار در و دیوار ندارد ... ■»

دریای بیکرانه

محسن حافظی

در گذشته نغمه‌سرایان بوستان علوی بیشتر به خواندن بحر طویل راغب بودند، حتی در مراسم سینه‌زنی‌ها و زنجیرزنی‌ها گاهی دیده می‌شد که بحر طویل ارائه می‌شد. ولی در این زمان کمتر به خواندن بحر طویل می‌پردازند. همین‌طور که شعرای حوزه شعر آیینی به‌خصوص قشر جوان بیشتر به سرودن دوبیتی، رباعی، غزل، مثنوی، سرود و نوحه در فضائل و مناقب و مرثی‌آل ... (ع) هنرنمایی می‌کنند. البته بسیار در خور تحسین است که این فرهیختگان شعر ولایی تا اندازه‌ای خوب از پس کار برآمده‌اند. نه اینکه در سرودن بحر طویل توانایی در آنها نباشد، بلکه زمینه مساعد نبوده تا در سرودن بحر طویل هم توانایی خود را نشان دهند. دلیل گفتارم نیز مجموعه‌ای به نام «دریای بیکرانه» است که در آن کمتر اثری از شعرای ولایی عصر حاضر دیده می‌شود. در این اثر جاودانه چندین بحر طویل وجود دارد که کم‌نظیر، بلکه بی‌نظیر است؛ برای نمونه بحر طویل حماسی مرحوم وصاف بیدگلی که در رثای حضرت ابوالفضل العباس (ع) سروده‌اند و به عقیده این کمترین جاودانه‌ترین اثر مرحوم

وصاف بیدگلی است و همین اثر نام او را در حوزه ادبیات آیینی جاودانه ساخته است یا بحر طویل‌های زنده‌یاد مرحوم محمدحسین صغیر اصفهانی که در رثای طفالان مسلم (ع) و حضرت رقیه خاتون (س) است، بسیار موزون و جذاب است. این‌جانب که چهل و هشت بهار را پشت سر نهاده‌ام و از سن پانزده سالگی با توسل به ساحت قدس مولایم امام زمان (عج) به سرودن شعر پرداخته‌ام. به خاطر دارم حدود سی و دو سال پیش نغمه‌سرای خوش ذوقی در محفل باشکوهی با خواندن یک بحر طویل که از توحید و ستایش ذات ربوبی شروع می‌شد و معراج حضرت خاتم‌النبین (ع) را در ادامه شرح می‌داد. آن‌چنان مجلس را دگرگون کرد که همه شیفتگان آل ... (ع) مات و میهوت شدند، پس امید است که نغمه‌سرایان بوستان علوی شور و شوق بیشتری برای خواندن بحر طویل پیدا کنند. در این فراز سخن به مطلبی شفاف‌تر اشاره کنم، گاهی شاعر حرف دل خود را در قالب دوبیتی ابراز می‌دارد؛ مانند باباطاهر عریان همدانی و ...
گاهی شاعر سروده خود را در قالب رباعی می‌سراید؛ مانند باباافضل مرقی کاشانی، ابوسعید ابوالخیر و ...

گاهی شاعر سروده خود را در قالب غزل می‌سراید؛ مانند خواجه شیراز حافظ شیرین سخن و ...
گاهی شاعر طبع خود را در قالب قصیده زورآزمایی می‌کند؛ مانند حکیم ناصر خسرو قبادیانی و ...
گاهی شاعر طبع خود را در قالب مخمس و مسدس ارزیابی می‌کند؛ مانند میرزایحیی مدرس اصفهانی، جیحون یزدی و ...
گاهی شاعر در قالب مثنوی شعر می‌گوید؛ مانند مولوی و ...
گاهی شاعر در قالب ترجیع‌بند سروده خود را ارائه می‌دهد؛ مانند هاتف اصفهانی و ...
گاهی شاعر در قالب ترکیب‌بند سروده‌ای شیوا ارائه می‌دهد، مانند زنده‌یاد محتشم کاشانی، صباحی بیدگلی و ...
و در انتها گاهی شاعر طبع خود را در سرودن بحر طویل زورآزمایی می‌کند. البته در این زمینه در حوزه آیینی کمتر کار شده است. شما بزرگواران اگر صدها دیوان شعر را بررسی کنید، درصد اندکی بحر طویل به دست می‌آورد. آن هم از شعرای دهه‌های دور. ■
* این کتاب در یکی از شماره‌های آینده به تفصیل معرفی خواهد شد

منصور رضایی آدریانی

یاد حسین (ع)

در اولین اشعار فارسی

گریبان درند و در شهر به سوگ بگردند و به یاد حسین بن علی (ع) تپانچه بر چهره نوازند. مردم نیز چنین کردند و سُنّیان توان جلوگیری نداشتند. چه شمار شیعیان بسیار بود و حکومت، همراه آنان. (ابن اثیر، ۱۳۸۳، ص ۵۰۹۱)

بنابراین از همان آغاز شعر فارسی، قرن سوم، فرهنگ شیعی و رسم عزاداری برای سرور و سالار شهیدان اباعبدالله... الحسین (ع)، لا اقل در بعضی از نواحی و مناطق کشورمان رواج می‌یابد و بر همین اساس بر شعر و ادب همان مناطق و شاعران همان دوران باید تأثیر گذاشته باشد.

در اینجا به بررسی شعر اولین شاعرانی که از آغاز شعر فارسی تا قرن پنجم در سروده‌های خود حال و هوای عاشورایی به وجود آورده‌اند و لا اقل ذکری از امام حسین (ع) و کربلا به میان آورده‌اند، می‌پردازیم:

در دیوان منسوب به منصور حلاج (مقتول به سال: ۳۰۹) که از محتوی و سبک شعرها انتساب آن دیوان به وی بسیار بعید به نظر می‌رسد و شاید بیشتر به دلیل تخلص «حسین» (حسین بن منصور حلاج) این سروده‌ها رنگ و بوی عاشورایی دارند.

در کرب و در بلا صفت ابتلای من/ اشها همان حدیث حسین است و کربلا

(حلاج ۱۳۶۵، ص ۵)

همچنین در سروده‌ای که در مدح و منقبت حضرت علی (ع) با این بیت

شروع می‌کند:

گوهر درج جلاله ماه برج سلطنت/ آفتاب اوج عزت شاه فوج اولیا

(همان، ص ۷)

نخستین کس که در وصف تو شعری گفت آدم بود/ شروع عشق و آغاز غزل شاید همان دم بود
(علیرضاقره)

اگر بخواهیم چگونگی شکل‌گیری و سروده شدن شعرهای عاشورایی را مورد بررسی قرار دهیم، باید به سراغ اولین شعرهای عاشورایی و اولین شاعرانی که در این راه گام برداشته‌اند، برویم. زبان و ادبیات فارسی با فرهنگ شیعه پیوندی دیرین و ناگسستنی دارد. اما پیدایش سلسله‌های پادشاهی گوناگون، نفوذ خلفای عباسی در سراسر قلمرو اسلامی و به وجود آمدن حکومت‌های محلی کوچک و بزرگ در گوشه و کنار کشورمان باعث تغییر و تحولات فراوانی در شعر و ادب فارسی شده است.

در قرن چهارم و در زمان آل بویه مذهب شیعه در ایران رسمیت می‌یابد. در تاریخ ادبیات «داوود براون» می‌خوانیم: «گویند معزالدوله، احمد بن بویه در دهه اول محرم امر کرد، تمامی بازارهای بغداد را ببندند و مردم لباس عزا بپوشند و به تعزیه سیدالشهدا (ع) بپردازند. چون این قاعده در بغداد رسم نبود و علمای اهل سنت آن را بدعتی بزرگ دانستند و چون بر معزالدوله دستی نداشتند، چاره جز تسلیم نداشتند. بعد از آن هر ساله تا انقراض دولت دیالمه، شیعیان در دهه اول محرم در جمیع بلاد، رسم تعزیه به جا می‌آوردند.» (براون، ۱۳۷۵، ص ۴۰)

ابن اثیر در تاریخ‌الکامل ضمن وقایع سال ۳۵۲ می‌نویسند: «در دهم محرم/ دهم مارچ این سال معزالدوله مردم را فرمود تا دکان‌های خود را ببندند و بازارها و خرید و فروش را کنار نهند و سوگ سر دهند و رواندازی پشمینه بر دوش افکنند و زن‌ها مو پیش کنند و چهره سیه گردانند و

و سروده است:

چون حسین کربلا دور از تو بیچاره «حسین»/می‌گذارد اندر این خوارزم با کرب و بلا
(همان، ص ۱۰)

در جایی دیگر چنین می‌گوید:

من حسین وقت و ناله‌لان یزید و شعر من/روزگارم جمله عاشورا و منزل کربلا
(همان، ص ۱۰)

در غزلی با این مطلع:

یک لحظه مرا بی‌ریخت آرام نباشد/دل را به جز از لعل لبیت کام نباشد

(همان، ص ۷۳)

در بیت پایانی آورده است:

آن کو چو حسین از غم عشق تو خراب است/او را سر ناموس و غم نام نباشد

(همان، ص ۷۴)

در دیوان اشعار ابوسعید ابوالخیر (وفات: ۴۴۰) تنها در این دو رباعی نام حسین (ع) را می‌توان دید:

یارب به محمد و علی و زهرا/یارب به حسین و حسن و آل عبا

کز لطف برآر حاجتم در دو سرا/بی‌منت خلق یا علی الاعلا

(ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۷۲، ص ۱۱)

یارب به رسالت رسول ثقلین/یارب به غذاکننده بدر و حنین

عصیان مرا دو حصه کن در عرصات/نیمی به حسن بیخوش و نیمی به حسین

(همان، ص ۹۴)

باباطاهر عربان (قرن ۵ هجری) به این دوبیتی‌های خود حال و هوای عاشورایی داده است:

عاشق آن به که دایم در بلایی/ایوب‌آسا به کرمان مبتلایی

حسن‌آسا به دستش کاسه زهر/حسین‌آسا به دشت کربلایی

(بابا طاهر، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

به دام دلبری دل مبتلایی/که هجرانش بلا، وصلش بلایی

در این ویرانه دل جز خون ندیدم/نه دل گویی که دشت کربلایی

(همان، ص ۷۲)

در دیوان ناصر خسرو قبادیانی که شاعر شیعی مذهب و فاطمی است، (ولادت ۳۹۴، وفات ۴۸۱) اشعار عاشورایی زیر دیده می‌شود:

در قصیده‌ای با این مطلع:

پادشا بر کام‌های دل که باشد پارسا/پارسا شو تا شوی بر هر مرادی پادشا

(ناصر خسرو، ۱۳۸۴، ص ۴۱۳)

می‌گوید:

پاره کرده ستند جامه دین به تو بر، لاجرم/آن سگان مست گشته روز حرب کربلا

(همان، ص ۴۹۷)

در قصیده‌ای با این مطلع:

گزینم قرآن است و دین محمد/همین بود ازیرا گزین محمد

(همان، ص ۱۲۹)

در این ابیات از امام حسین (ع) این گونه یاد کرده است:

از این جور عین و قرین گشت پیدا/حسین و حسن سین و شین محمد

حسین و حسن را شناسم حقیقت/به دو جهان گل و یاسمین محمد

چنین یاسمین و گل اندر دو عالم/کجا رست جز در زمین محمد

نیارم گزیدن همی مر کسی را/بر این هر دوان نازنین محمد

(همان، ص ۱۲۹)

و باز در قصیده‌ای با این مطلع:

من دگرم یا دگر شده است جهانم/هست جهانم همان و من نه همانم

(همان، ص ۲۰۹)

می‌گوید:

من که ز خون حسین بر غم و دردم/شاد چگونه کنند خون رزانم

(همان، ص ۲۱۰)

در قصیده‌ای با این مطلع:

از کین بت‌پرستان در هند و چین و ماچین/پر درد گشت جانم رخ زرد و روی پرچین

(همان، ص ۳۳۵)

این ابیات را که گویای مذهب فاطمی و شیعه بودن اوست آورده:

لعنت کنم بر آن بت کز فاطمه فدک را/بستد به قهر تا شد رنجور و خوار و غمگین

لعنت کنم بر آن بت کو کرد و شیعت او/حلق حسین تشنه در خون خضاب و رنگین

پیش تویند حاضر اهل جفا و لعنت/لعنت چرا فرستی خیره به چین و ماچین

(همان، ص ۲۳۶)

او در قصیده‌ای با این مطلع به شدت تعصبات شیعی خود را نشان

می‌دهد:

گر خرد را بر سر هوشیار خویش افسر کنی/سخت زود از چرخ گردان ای پسر بر سر بر کنی

(همان، ص ۴۵۲)

در خطاب به خلیفه فاطمی مصر می‌گوید:

من همی نازش به آل حیدر و زهرا کنم/تو همی نازش به سند و هند بد گوهر کنی

گر ببیند چشم تو فرزند زهرا را به مصر/آفرین از جانم بر فرزند و بر مادر کنی

ای خداوند زمان و فخر آل مصطفی/خنجر گلگونت را کی سرسوی خاور کنی

چین تو را بنده شود گر تو برو پرچین کنی/قیصرت سجد کند گر روی زی قیصر کنی

جان اسکندر ز شادی سر به گردون بر برد/اگر تو نعل اسب خویش از تاج اسکندر کنی

وقت آن آمد که روز کین چو خاک کربلا/آب را در دجله از خون عدو احمر کنی

(همان، ص ۴۵۴)

در قصیده‌ای دیگر با این مطلع:

گردش این گنبد و مکر و دهانش/اگرد بر آرد همی از اولیاش

(همان، ص ۴۲۱)

می‌گوید:

هیچ شنودی که به آل رسول/رنج و بلا چند رسید از دهاش

دفتر پیش آربخوان حال آنک/شهره از او شد به جهان کربلاش

تشنه کشته شد و نگرفت دست/حرمت و فضل و شرف مصطفاش

(همان، ص ۴۲۳)

همچنین در قصیده‌ای با این مطلع:

بهار دل دوستدار علی/همیشه پر است از نگار علی

(همان، ص ۱۸۴)

آورده است:

گزین و بهین زنان جهان/کجا بود جز در کنار علی

حسین و حسن یادگار رسول/نبودند جز یادگار علی

(همان، ص ۱۸۶)

امیر معزی (قرن ۵) در قصیده‌ای که در مدح ابوطاهر مطهر بن علی

علوی با این مطلع سروده است:

یا فتی بر خوان اگر جویی رضای مرتضی/لا فتی الا علی بر خواند هر دم مصطفی

(امیر معزی، ۱۳۸۵، ص ۲۹)

می‌گوید:

وان دو فرزند عزیزش چون حسین و چون حسن/هر دو اندر کعبه جود و کرم رکن و صفا

آن یکی کشته به زهر بدلان در اختفا/وان دگر کشته پی دفع البلا یا در بلا
 آن یکی را جان ز تن گشته جدا اندر حجاز/وان دگر را سر جدا گشته ز تن در کربلا
 آن که دادی بوسه بر روی و قفای او رسول/کرد بر رویش نشست و شمر ملعون در قفا
 وانکه حیدر گیسوان او نهادی بر دو چشم/چشم او در آب غرق و گیسوان اندر دما
 روز محشر داد بستاند خدا از قاتلانش/تو بده داد و مباش از حب مقتولان جدا ...

(همان، ص ۲۹)
 وی در یکی دو قصیده دیگر خود، ممدوح را با امام حسین (ع) مقایسه
 می‌کند و فقط با ذکر کوتاه و گذرا به امام حسین (ع) و واقعه عاشورا
 اشاره می‌کند.

در مرثیه‌ای که برای خواجه فخرالملک با این مطلع سروده:
 تیره شد ماه خرد بر آسمان مهتری/خشک شد سرو هنر در بوستان سروری
 (همان، ص ۶۳)

می‌گوید:

روز عاشورا به زاری کشته گشتی چون حسین/زان سعادت با حسین اندر سعادت همسری
 (همان، ص ۶۳)

و در قصیده‌ای که در مدح مشیدالملک مسعود بن محمد بن منصور
 عمید نیشابوری با این مطلع سروده:
 از خلد گرفت بوستان نور/پیرایه و جامه یافت از حور

(همان، ص ۳۲۹)

می‌گوید:

تا شیعه به دشت کربلا در/جمهور شوند روز عاشور
 از ناموران و مهتران باد/هر روز به درگه تو جمهور

(همان، ص ۳۳۰)

و از همین دو بیت می‌توان فهمید که شیعیان در آن تاریخ یا زمان‌های
 قبل از آن همچون امروز در روز عاشورا در کربلا اجتماع عظیمی داشته‌اند
 و به اقامه عزا می‌پرداخته‌اند.

اما مطرح‌ترین شاعری که به عنوان یک شاعر و پیشگام شاعرانی
 چون قوامی رازی (شاعر شیعی قرن ششم) و محتشم کاشانی (شاعر
 مرثیه‌سرای قرن دهم) به حساب می‌آید و قصیده او به عنوان نخستین
 سوگنامه مذهبی فارسی در موضوع کربلاست، کسای مروز (ولادت
 ۳۴۱ هجری قمری) است.

وی در قصیده‌ای که با این بیت شروع می‌شود:

باد صبا درآمد فردوس گشت صحرا/آراست بوستان را نیسان به فرش دیا

(کسای، ۱۳۷۴، ص ۷۱)

چنین سروده است:

بیزارم از پیاله وز ارغوان و لاله/ما و خروج و ناله، کنجی گرفته ماوا
 دست از جهان بشویم، عز و شرف بجویم/مدح و غزل نگویم، مقتل کنم تقاضا
 میراث مصطفی را، فرزند مرتضی را/مقتول کربلا را، تازه کنم تولا
 آن نازش محمد، پیغمبر مؤید/آن سید مجید، شمع و چراغ دنیا
 آن میر سر بریده، در خاک و خون تپیده/از آب ناچشیده، گشته اسیر غوغا
 تنها و دل شکسته، بر خویشتن گرسنه/از خانمان گسسته، وز اهل و بیت و آبا
 از شهر خویش رانده، وز ملک برفشانده/مولا ذلیل مانده، بر تخت ملک مولا
 مجروح خیره گشته، ایام تیره گشته/بدخواه چیره گشته، بی‌رحم و بی‌محابا
 بی‌شرم شمر کافر، ملعون سنان ابر/الشکر زده بر او بر، چون حاجیان بطحا
 تیغ جفا کشیده، بوق ستم دریده/بی‌آب کرده دیده، تازه شده معادا
 آن کوربسته مطرد، بی‌طوع گشته مرتد/ابر عترت محمد، چون ترک و غز و یغما

صفین و بدر و خندق حجت گرفته با حق/خیل یزید احمق یک یک به خونش کوشا
 پاکیزه آل یاسین، گمراه و زار و مسکین/وان کینه‌های پیشین، آن روز گشته پیدا
 آن پنج ماهه کودک باری چه کرد ویحک/کز پای تا به تارک، مجروح شد مفاجا
 بیچاره شهربانو، مصقول کرده زانو/بیچاره گشته لؤلؤ، بر درد ناشکیبا
 آن زینب غریوان، اندر میان دیوان/آل زیاد و مروان، نظاره گشته عمدا
 مؤمن چنین تمنی، هرگز کند نگوئی/چونین نکرده مانی، نه هیچ گبر و ترسا
 آن بی‌وفا و غافل، غره شده به باطل/ابلیس وار و جاهل، کرده به کفر مبدا
 رفت و گذاشت گیهان دید آن بزرگ برهان/وین رازهای پنهان، پیدا کنند فردا
 تخم جهان بی بر، این دست و زین فزون‌تر/کهنتر عدوی مهتر، نادان عدوی دانا
 بر مقتل ای کسای، برهان همی نمایی/اگر هم بر این پبایی، بی خار گشت خرما
 مؤمن درم پذیرد، تا شمع دین بمیرد/ترسا به زر بگیرد، سم خر مسیحا
 تا زنده‌ای چنین کن، دل‌های ما حزین کن/پیوسته آفرین کن، بر اهل بیت زهرا
 (همان، ص ۷۳)

پس از بررسی شعر عاشورایی از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری قمری
 می‌توان موارد زیر را به طور خلاصه نتیجه گرفت:

- ۱- در آثار بیشتر شاعران این دوره شعر عاشورایی مستقل و خاصی دیده
 نمی‌شود.
- ۲- بیشتر شاعران این دوره گرایش و توجهی به شعر عاشورایی
 نداشته‌اند.
- ۳- با توجه به گرایش‌ها و تعصبات دینی و مذهبی ممکن است در
 دوره‌های بعد بعضی از اشعار عاشورایی از دیوان‌های اشعار حذف یا
 نابود شده باشد.
- ۴- هر چند که در این دوره در بعضی از نقاط ایران مذهب شیعه رسمیت
 و رواج می‌یابد، ولی بازتاب شعر عاشورایی در اشعار این دوره بسیار
 کم‌رنگ به نظر می‌رسد.
- ۵- شعر عاشورایی در بیشتر اشعار این دوره به واژه‌های حسین (ع) و
 کربلا محدود می‌شود و از دیگر شخصیت‌ها و جزئیات واقعه کربلا
 خبری وجود ندارد.
- ۶- با توجه به سادگی و بی‌پیرایه بودن شعر این دوره بیشتر شعرهای
 عاشورایی نیز ساده و حتی بدون اثرگذاری عاطفی و عاری از احساس
 است.
- ۷- به صورت خیال همچون دیگر اشعار این دوره کمتر پرداخته شده است. ■

منابع و مؤاخذ:

- ۱- ابن اثیر، عزالدین، تاریخ‌الکامل، حمیدرضا آژیر، ج ۱۲، چاپ اول، تهران، اساطیر،
 ۱۳۸۳
- ۲- ابوسعید ابی‌الخیر، رباعیات، تصحیح صابر کرمانی، چاپ سوم، تهران، اقبال، ۱۳۷۲
- ۳- امیر معزی نیشابوری، کلیات دیوان، محمدرضا قنبری، چاپ اول، تهران، زوار،
 ۱۳۸۵
- ۴- باباطاهر، دوبیتی‌ها، چاپ اول، تهران، نگاران قلم، ۱۳۸۴
- ۵- براون، ادوارد، تاریخ ادبیات ایران، رشید یاسمی، ج ۴، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵
- ۶- حلاج، حسین بن منصور، دیوان، چاپ سوم، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۵
- ۷- ناصر خسرو، دیوان اشعار، تصحیح مینوی (محقق)، چاپ ششم، تهران، مؤسسه
 انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- ۸- کسای مروز، کسای مروز و شعر زندگی او، دکتر نصرا... امامی، چاپ اول،
 تهران، جامی، ۱۳۷۴

فاطمه زهرا در شعر فارسی



محمد صحتی سردودی

در شعر مذهبی به معنی عام و در مناقب فاطمی به طور خاص نکاتی دیده می‌شود که جای تأمل و تجدید نظر است. از باب نمونه به چند مورد اشارتی می‌رود:

۱- هر چند که از نظر آرایه‌های لفظی، تعمیم زبان غزلی به قالب‌های دیگر، استحکام و ابداع ترکیبات و شاکله‌ها توفیق چشم‌گیری در شعر مذهبی دیده می‌شود، اما تکرار مکررات و فقر فکر و اندیشه همچنان دل‌آزار می‌نماید؛ مثل اینکه برخی کمتر می‌اندیشند و بیشتر می‌سرایند و هر چه می‌سرایند پی‌درپی منتشر می‌کنند و خواننده را همیشه با این پرسش مواجه می‌سازند که «این آقا که این همه می‌سراید و مدام می‌گوید و منتشر می‌کند پس کی و چگونه اندیشه می‌یابد؛ نکند خود نفهمیده هر چه می‌خواهد به دست نشر و پخش می‌سپارد؟!»

۲- بسیاری از شاعرانی که به ستایش پیشوایان دینی می‌پردازند، مخاطبان خویش را در میان عوام جستجو می‌کنند و توقع دارند که شعرشان پس از پذیرش عوام -حالا اگر پذیرفته شود- به خواص هم تحمیل شود، غافل از اینکه هیچ آبشاری از پایین به بالا جریان پیدا نمی‌کند و راه این فرات، آن‌گاه به روی همگان با زلالی باز خواهد شد که نخست فرهیختگان و متفکران را به سوی خویش فراخواند.

۳- مناقب فاطمی یا فاطمیات در شعر فارسی

عمر چندانی ندارد، تنها چند قصیده -آن هم نه چندان فخیم و فربه- از عصر صفوی سراغ داریم و پیش از آن هم خبری نیست و این جفا به دردانه دختر رسول ... (ص) آن هم در شعر فارسی که همیشه رنگ شیعی داشته است، شاید در این خبط و خطای بزرگ نهفته باشد که شاعران ما هنوز هم که هنوز است به زن جماعت به چشم حقارت می‌نگرند و آن‌گاه که به ستودن فاطمه (ع) یا حضرت زینب (ع) می‌پردازند، ترجیح کلامشان این است که بگویند: «زن مگو و زن مگو!»

۴- دیگر اینکه در شعر فاطمی، وجه چیره «مصیبت‌نامه نویسی» است تا آنجا که مصایب‌گرایی، مناقب و مدایح را به مسلخ تحریف و تحقیر می‌برند و شعرها را از مدح به قدح و ذم می‌کشاند و انسان را به یاد سخنی از مولا علی (ع) می‌اندازند که گفت: «عالم معاند، خیر من جاهل مساعد»؛ «دشمن دانا بهتر از دوست نادان است.»

دشمن دانا که غم جان بود/بهرتر از آن دوست که نادان بود

۵- مصیبت بدتر آن‌گاه رخ می‌نماید که مداحان شاعرانما پس از آنکه از قلّه شعر به چاه شعار می‌افتند و در تنگنای قافیه گیر می‌کنند و می‌بینند که در ستایش ممدوح نمی‌توانند سخنشان را پیش ببرند به قدح و لعن دیگران می‌غلتنند. غافل از اینکه در مدح نور، نیازی به قدح تاریکی و ذم سیاهی نیست و اگر گفته شود که این انحراف در جهان جمیل شعر و ادب، کریه‌ترین صورت از سیمای سخن را نشان

می‌دهد، مبالغه نخواهد بود. نمی‌دانم این گونه مداحان را که ترجیح کلامشان در مدح فاطمه (ع) به لعن این و آن ختم می‌شود «لعنت گریبان» بخوانند یا «لعنتیان» بنام که اگر قاعده اسم با مسما را رعایت کنیم، چاره‌ای جز این نخواهیم داشت. به هر حال سخن را با نقل سه رباعی از اثر فؤاد کرمانی که در اخلاص و ارادت هنرمندانه او به خاندان نبوت تردیدی نیست، به پایان می‌برم. فؤاد کرمانی در مجموعه شعر خویش با نام «شمع جمع»، صفحه ۴۸ آیتی از قرآن مجید را به صدر سخنش می‌نشانند و چنین به درد دل خویش آغاز می‌کند:

ولا تسبوا الذين يدعون من دون الله فيسبوا الله
عدواً بغير علم

ای آنکه به لعن باطلت عادت و خوست
از لعن تو سب اهل حق، ورد عدوست
تبعی که به قتل دشمنت هست به دست
از کوری چشم می‌زنی بر سر دوست

بر ذم بدان وصف عمل توضیح است
با وصف عمل لعن تورا تقبیح است
عاقل به کنایه عیب گوید ز بدان
چون ذم کنایه ابلغ از تصریح است

هرچند که خلق آدم از آب و گل است
با خلق مگو مجسم از جان و دل است
خود زشت و نکو ز یک سرشتند ولی
نامعتدل است این و آن معتدل است

* در این باره دیدگاه‌های دیگری وجود دارد که در شماره‌های آینده به آنها نیز خواهیم پرداخت

بانوی شکسته

تا سرفه می‌کنم بدنم درد می‌کند
از من نخواه با تو کنم درد دل علی
پا تا سرم شکسته که وقتی فرشته‌ها
بهتر که بازمانده دو چشمم، که دیده‌ام
اسماء بیا و فاطمه را رو به قبله کن
زینب مرا نبوس، تنم درد می‌کند
تا حرف می‌زنم دهنم درد می‌کند
بر روی بال می‌برنم درد می‌کند
تا پلک روی هم بزنم درد می‌کند
این روز آخری بدنم درد می‌کند

محمد ناصری، «آنجا که بال فرشته می‌سوزد»



خار در دست تو یک گل به نظر می‌آید
به کسی دم نزد اما پدرت می‌دانست
و نبوت به دو تا معجزه آوردن نیست!
مانده‌ام تو اگر از عرش بیایی پایین
مانده‌ام لحظه پیچیدن عطر تو به شهر
هر کسی مس برود پیش تو زر می‌آید
وحی از گوشه چشمان تو در می‌آید
از کنیزان تو هم معجزه بر می‌آید
چه بلایی به سر اهل هنر می‌آید؟
ملک‌الموت پی چند نفر می‌آید؟

کاظم بهمنی

نهالی کاشت میونه ... باغچه مهربونی
این بوته یاس من ... می‌مونه یادگاری
میون کوچه باغ‌ها ... بوی خدا می‌پیچید
دیدن که خوبیه یاس ... باعث زشتی شونه
ساقه‌هاشو شکستن ... آدمای ناسپاس
خواست بزنه جوونه ... اما سر اومد بهار
پنهون ز نامحرمان ... تو باغ دیگه‌ای کاشت
اما مکان اون گل ... مونده هنوز ناشناس

یه روز یه باغبونی ... یه مرد آسمونی
می‌گفت سفر که رفتم ... یه روز و روزگاری
هر روز غروب عطر یاس ... تو کوچه‌های پیچید
اونایی که نداشتن ... از خوبی‌ها نشونه
عابرای بی‌احساس ... پا گذاشتن روی یاس
یاس جوون مرگمون ... تکیه زدش به دیوار
یه باغبون دیگه ... شبونه یاس رو برداشت
هزار ساله کوچه‌ها ... پز می‌شه از عطر یاس

سید فرید احمدی

اندوه‌نمایی راه ...

راز

تمام رنج‌ها مان
 تاوان آن سیلی است
 آه ای ستون سترگ و مهربان کائنات!
 چهره کبود تو
 راز اعتراض ملائک بود

حمیدرضا شکارسری، باز جمعه‌ای گذشت
 «فاطمه زهرا در شعر فارسی»، محمد صحتی سردرودی

منطق این باغ

آتش که زرتشت را
 نشانه‌ای روشن بود بر مانایی
 و ابراهیم را گلستانی بر جاودانگی
 نمرود - شعله‌ای شد
 بر دروازه بهشت
 - آغاز رستگاه گلی شکوفا -
 در کشاکش شعله و در، اما
 و لحظه‌های شعله‌ور
 قطره قطره آب شد
 گلاب شد
 گل
 و در، از شرم به خود می‌پیچد
 زمان ایستاد
 و آتش دروازه‌ای شد
 برای دوزخ
 در همیشه بر روی یک پاشنه نمی‌چرخد
 منطق این باغ چنین است

سید محمدجواد هاشمی، «انار و پیامبر»
 «فاطمه زهرا در شعر فارسی»، محمد صحتی سردرودی

عشق من پاییز آمد مثل یار
 احتراق لاله را دیدیم ما
 باید از فقدان گل خونجوش بود
 یاس بوی مهربانی می‌دهد
 یاس‌ها یادآور پروانه‌اند
 یاس ما را رو به پاکی می‌برد
 یاس در هر جا نوید آشتی‌ست
 در شبان ما که شد خورشید؟ یاس!
 یاس یک شب را گل ایوان ماست
 بعد روی صبح پرپر می‌شود
 یاس مثل عطر پاک نیت است
 یاس را آینه‌ها رو کرده‌اند
 یاس بوی حوض کوثر می‌دهد
 حضرت زهرا دلش از یاس بود
 داغ عطر یاس زهرا زیر ماه
 عشق محزون علی یاس است و بس
 اشک می‌ریزد علی مانند رود
 گریه آری گریه چون ابر چمن
 گریه کن حیدر! که مقصد مشکل است
 گریه کن زیرا که دخت آفتاب
 این دل یاس است و روی یاسمین
 گریه کن زیرا که کوثر خشک شد
 نیمه شب دزدانه باید در مفاک
 یاس خوشبوی محمد داغ دید
 مدفن این ناله غیر از چاه نیست
 گریه بر فرق عدالت کن که فاق
 گریه بر طشت حسن کن تا سحر
 گریه کن چون ابر بارانی به چاه
 خاندانت را به غارت می‌برند
 گریه بر بی‌دستی احساس کن!
 باز کن حیدر! تو شط اشک را
 گریه کن بر آن یتیمانی که شام
 گریه کن چون گریه ابر بهار
 مثل نوزادانی که مادر مرده‌اند
 گریه کن در زیر تابوت روان
 گریه کن زیرا که گل‌ها دیده‌اند
 گریه کن زیرا که شبنم فانی است
 ما سر خود را اسبیری می‌بریم
 زیر گورستانی از برگ رزان
 زخم آن گل بر تن من چاک شد
 ای بهار گریه‌بار نامید

احمد عزیزی

در بوته نقد

آسیب‌شناسی موسیقی مذهبی، مرثیه‌سرایی و مداحی*

مرثیه و نوحه حافظ

گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی



احمد وکیلان

پژوهشگر فرهنگ عامه

بومی‌سرایی در مراسم نوحه و مرثیه جزء جدانشدنی از فرهنگ عاشورایی است که امروزه توجه به این گنجینه از سوی مداحان و نوحه‌سرایان نادیده گرفته شده است.

گسترش بی‌رویه رسانه‌هایی چون اینترنت و ماهواره و استفاده نابه‌جا موجبات انحراف نسل جوان را فراهم کرد. البته من با ورود فن‌آوری مخالف نیستم؛ چراکه دنیا در حال پیشرفت است و ما هم باید همراه با دنیا پیشرفت کنیم. اما مسئله قابل توجه نداشتن پشتوانه‌های فرهنگی در استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی بود؛ چراکه وقتی جوانان وارد اجتماع شدند، بسیاری از کسانی که میانسال و صاحب تجربه در امور فرهنگی و مذهبی بودند، به دلیل افزایش سن یا حتی گاه به تعمد از گردونه خارج شدند و این در حالی است که در فرهنگ ما مرام استاد و شاگردی همواره وجود داشته و به گونه‌ای بوده که هر جوانی در کنار پیری تعلیم می‌دید. اما آموزش استاد و شاگردی با افزایش جمعیت از میان رفت و در ادامه، تواضعی که بین جوانان نسبت به استادان خود بود نیز رفته‌رفته رخت بریست و متأسفانه مسئله نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایی نیز از این گسست بی‌نصیب نبوده است.

جوان امروز روحیه‌ای تنوع‌طلب دارد و مایل است کارهای تازه انجام دهد. ولی متأسفانه چون آموزش لازم را در این حوزه ندیده، بدون شناخت و مطالعه و بی‌آنکه حماسه‌عاشورا را بشناسد یا تاریخ اسلام را مطالعه کرده باشد، هیجان‌ات دوران جوانی را در نوحه‌های سخیف و سبک می‌ریزد و در دسته‌های عزاداری برای عموم مردم می‌خواند؛ در صورتی که ما نوحه‌سرایانی مانند «حاج حسین بابا مشکین» داشتیم که سال‌ها تجربه کسب کردند، ولی در حال حاضر هیچ نامی از آنها برده نمی‌شود.

تأثیرات فرهنگ عاشورایی در زندگی شخصی و حرفه‌ای فرد آن قدر زیاد است که اگر رعایت شود، نه تنها فرد بلکه جامعه دچار تحول خواهد شد و این در حالی است که هیچ سازمان متولی در این امور نداریم. ما هنوز دایرةالمعارف عاشورایی تدوین و منتشر نکرده‌ایم یا هنوز کتاب جامع درباره‌ی عزاداری امام حسین (ع) نداریم و متأسفانه اگر به همین منوال پیش برویم تا ده سال آینده عزاداری سنتی امام حسین (ع) و یاران این بزرگوار محو خواهد شد.

یکی از عوامل نگهداری موسیقی ایرانی مراسم

جدی به مرثیه و نوحه‌خوانی وارد کرده است، به گونه‌ای که مداحان از مخاطبان خود می‌خواهند عقل‌دوراندیش و حسابگر خود را کنار بگذارند و با ذوب شدن در ائمه (ع) و بی‌خود شدن در فضای عاشورایی به عزاداری بپردازند که نوعی بدعت‌گذاری در این فرهنگ است.

مستند نبودن اشعار، عدم وجود مدارک مستند و روایت‌های متناقض از عاشورا، دستمزدهای آنچنانی و تجاری شدن مداحی نیز از موارد نقص و اشکال در موضوع یاد شده است.



ارزش‌گذاری سفارشی

عباس خوشدل، آهنگساز

تشکیل سازمانی به منظور نظارت بر موسیقی و کلام در نوحه‌سرایی ضروری است؛ چراکه نابسامانی در مقوله‌ی مداحی موج می‌زند و برای انتشار انواع و اقسام محصولات فرهنگی از سوی وزارت ارشاد دریافت مجوز لازم است. بر همین اساس باید سازمانی مانند وزارت ارشاد، برای نظارت و صدور مجوز بر آثار مداحی به وجود آید، تا این آثار با رعایت شأن و مقام ائمه اطهار (ع) در مراسم عزاداری یا اعیاد مذهبی مورد استفاده قرار گیرد.

یکی از مسائل حوزه‌ی مداحی و مرثیه‌سرایی این است که این آثار تنها در ایام عاشورا و تاسوعا یا ماه رمضان مطرح می‌شود، به گمان من این شیوه برخورد به هیچ عنوان منطقی نیست؛ چراکه شأن و مقام ائمه اطهار (ع) به زمان و مکان خاصی معطوف نمی‌شود و نباید شرایطی فراهم شود که در یک مدت زمان خاص آن هم به شکل مناسبی در خصوص شأن این بزرگواران صحبت کرد.

ارزش‌گذاری به شکل سفارشی در مدح بزرگان دین موجب سوءاستفاده و انحراف در مسیر نوحه‌سرایی و مداحی می‌شود، پس من معتقدم برای بهبود شرایط فعلی موسیقی و کلام در مداحی می‌توان راهکارهایی را اتخاذ کرد. استفاده از موسیقی‌های مداحی برگرفته از ملودی‌های زیبا و ارزشمند استادان موسیقی با کلام نازل در دسته‌های عزاداری نوعی عوام‌فریبی است؛ در حالی که آهنگسازانی وجود دارند که در این حوزه کار کرده‌اند و کارنامه‌ی کاری آنها نشان می‌دهد که با جنبه‌های موسیقی عرفانی از نزدیک آشنا هستند. بنابراین بهتر است برای حل این معضل از آهنگسازان آشنا به کار و ترانه‌سرایان برای ساختن ملودی و کلام شایسته دعوت صورت گیرد.

بهمین ماه سال گذشته در یک نشست پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی موسیقی مذهبی، مرثیه‌سرایی و مداحی» که در خیرگزاری مهر برگزار شد، کارشناسان با طرح دیدگاه‌های خود زوایای مختلف موضوع را مورد نقد و بررسی قرار دادند. آنچه در ادامه می‌آید، بخشی از مباحث و دیدگاه‌های مطرح شده در آن نشست است.

فقه پویا

حجت‌الاسلام یعقوب دیلمقانی

مدیرکل تشکلهای دینی



و مراکز فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی

یکی از ارکان مهم شیعه و گسترش فرهنگ عاشورایی مسئله‌ی مداحی و موسیقی و شعرهای آن است. مداحی و ذکر مصیبت ائمه (ع) با زبان هنر مورد توجه تمام امامان (ع) بوده و از زمان امام سجاد (ع) آغاز شده است. ایشان نخستین کسی بود که از این مسئله حمایت کرد. در حقیقت مداحان، مجموعه‌ی بزرگی هستند که ریشه در تاریخ شیعه دارند و اهمیت دادن به این مسئله و استفاده از هنر موسیقی در گسترش و توسعه فرهنگ عاشورایی می‌تواند باعث پیشرفت کشور و فرهنگ دینی ما شود.

بسیاری از آلات موسیقی حرام نیستند و ما انتظار داریم اهل فن با ورود به عرصه‌ی مباحث در این حوزه، مصادیق احکام فقهی را فراهم کنند تا ما با ابزاری که در اختیار داریم آن را گسترش دهیم.

اثر مذهبی سبک!

سیدعباس سجادی

شاعر، ترانه‌سرا و مدیرعامل

مؤسسه نغمه شهر



از آسیب‌های مداحی امروز نازل شدن سطح ادبیات و شعر است؛ به این معنا که بیشتر از اشعار سطحی و دم دستی که مداحان خود می‌سرایند یا با دستبرد به اشعار دیگران آماده می‌کنند، با افزودن موسیقی سخیف در دسته‌های عزاداری استفاده می‌شود. مسئله‌ی دیگر تقلید در ارائه‌ی آهنگ‌هاست؛ به این معنا که عده‌ای بدون در نظر گرفتن اینکه فلان موسیقی متعلق به کدام خواننده و آهنگساز است، به صرف اینکه در جامعه طرفدار دارد، اشعاری سبک روی آن می‌گذارد و به عنوان یک اثر مذهبی ارائه می‌دهد. فضا سازی مجازی، صنعتی شدن مداحی و افزایش شیفتگی نیز از مواردی است که آسیب

آن را علاج کنیم. این نوع برخورد روش درستی نیست، بلکه بهتر است عنوان تحلیل و یا بررسی نوحه و مداحی روی این جلسات گذاشته شود.

من با برخوردی که درباره نوحه به خصوص در چند سال اخیر می‌شود، به شدت مخالف هستم؛ چراکه افراطیون مدام در حال اشکال تراشی از مداحان و نوحه‌سرایان هستند؛ در حالی که به نظر من یک مداح از یک موزیسین به امور موسیقی واردتر و به عبارتی «موزیسین‌تر» است، البته اگر به یک مداح موزیسین بگوییم، اصلاً خوشش نمی‌آید و می‌گوید: «من نوکر آقا امام حسین (ع) هستم و به عشق او می‌خوانم.»

اتفاقاً به عقیده من یک مداح از بسیاری از موزیسین‌های پرمدعا، هنر موسیقی را بهتر می‌شناسد، استاد موسیقی بنده افتخار می‌کرد که شاگرد یک روحانی بوده است.

برخوردی افراطی با مقوله نوحه‌سرایی درست مانند برخوردی است که در مورد موسیقی سنتی شد؛ به این معنا که هنرمندان موسیقی سنتی حوزه‌ای به نام موسیقی ردیف دستگاهی ایران تعریف کردند و در این چارچوب به بهانه حفظ اصالت هر کار تازه‌ای را رد کردند و نتیجه آن شده که پس از سی سال به قول فوتبالیست‌ها این موزیسین‌ها در زمین خود باختند، بنابراین موسیقی ایرانی امروزه کار کرد خود را از دست داده و فقط کارکرد آموزشی پیدا کرده است.



ریشه‌های هنر موسیقی در تعزیه
جلال‌الدین محمدیان، خواننده

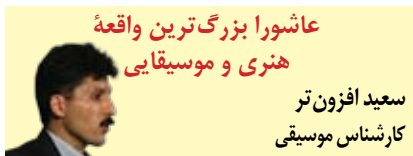
مداحی در شرایط امروز از محتوای فرهنگی و موسیقایی تهی شده و آنچه اجرا می‌شود به هیچ عنوان در شأن حماسه عاشورا نیست. هنر موسیقی در ایران یک هنر اصیل و پرتوان است که ریشه در موسیقی مذهبی تعزیه دارد و خوشبختانه دامنه این هنر در همه نقاط ایران به اشکال مختلف گسترده است.

اگر مداحان ما به کم و کیف موسیقی ایران و به‌ویژه موسیقی ردیف دستگاهی‌اش آشنایی داشته باشند و ارزش‌های این نوع موسیقی را مانند گذشتگان در نوحه‌سرایی به کار گیرند، می‌توانند ملودی‌های خوب و ارزشمندی برای مراسم عزاداری امام حسین (ع) به‌ویژه مراسم عاشورا و تاسوعا اجرا کرده و در جهت فرهنگ‌سازی تلاش‌های مفیدی به کار گیرند. حفظ اصالت‌ها و رجعت به موسیقی اصیل ایرانی یکی از راه‌های نجات مدیحه‌سرایی در ایران است. ولی متأسفانه هیچ نهاد یا سازمان متولی امور مذهبی مسئولیت سامان‌دهی به وضعیت مداحی در ایران را به عهده نمی‌گیرد. *

* منبع: خبرگزاری مهر

دیگر از مناطق کوهپایه‌نشین این سوگ و سوگواری‌های باستانی و کهن وجود دارد؛... در واقع مراسم آیینی با شکلی فرمال و کاملاً طراحی شده با شعر، موسیقی و یک روان رفتار خاص به نمایش گذاشته می‌شد که این نوع سوگواری وجه زیباشناسی، قوم‌گرایانه و حتی اسطوره‌شناسی داشته است.

... پس از پیروزی انقلاب به دلیل فضاهای خاصی که در آن زمان به وجود آمد حوزه‌های مذهبی در امور مختلف تغییرات بسیاری کرد و من این دوران را استثنا می‌دانم؛ چون شأن هر مقوله مذهبی گرمی داشته می‌شد. اما متأسفانه این روند در دهه ۷۰ دچار تغییرات چشم‌گیر و البته وحشتناکی به‌ویژه در نوحه‌سرایی شد و آن سیطره فکری که استادان در تعلیم و تربیت واعظان اباعدا... الحسین (ع) به کار می‌بردند، با وجود رسانه‌های مختلف رنگ باخت و امروز هم در حال نابودی است و متأسفانه به جای آن نوعی شلختگی و سبکی در مداحی مراسم عزاداری امام حسین (ع) دیده می‌شود که کسی هم به فکر سامان دادن این شرایط نیست.



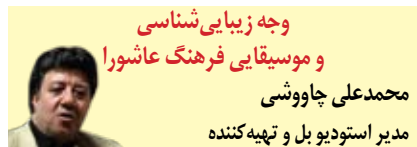
عاشورا بزرگ‌ترین واقعه هنری و موسیقایی

سعید افزون‌تر
کارشناس موسیقی

کسانی که مقوله نوحه‌سرایی را از منظر موسیقی مورد انتقاد قرار می‌دهند، بیشتر موزیسین‌هایی هستند که با دیدگاه ایدئولوژیک این موضوع را نقد می‌کنند و با همان منش افراطی که در دفاع از موسیقی سنتی دارند، در نفی مداحی و نوحه‌سرایی نیز می‌کوشند. اگر از موزیسین‌ها پرسند بزرگ‌ترین واقعه موسیقی در طول سال چیست؟ همه می‌گویند جشنواره موسیقی فجر در صورتی که به هیچ وجه این‌گونه نیست. از نظر من بزرگ‌ترین واقعه هنری و موسیقایی مراسم عاشورا است؛ چراکه همه اقشار جامعه از کوچک و بزرگ، پیر و جوان به عشق امام حسین (ع) به خیابان‌ها می‌آیند و با سنج و دهل و ... نوعی از موسیقی حماسی را اجرا می‌کنند. خب همین اجرای مراسم برای نشان دادن گوشه‌ای از حماسه عاشورا با طبل و دهل ... مگر استفاده از موسیقی نیست؟

آسیب‌شناسی ترجمه کلمه pathology است و تا آنجا که من اطلاع دارم، این کلمه یعنی مرض‌شناسی و نکته جالب اینکه جلسه می‌گذاریم و عنوان آسیب‌شناسی به معنای مرض‌شناسی روی آن می‌گذاریم؛ یعنی اینکه قبل از اینکه وارد جلسه بشویم نتیجه‌گیری کردیم و بحث را بستیم و قضاوت کردیم. جریانی که به نام مداحی در جامعه راه افتاده، دچار یک نوع بیماری است و حالا آقایان گردهم جمع شویم تا

محرم و تعزیه‌های این ایام بوده، در واقع همین مرثیه و نوحه‌خوانی‌ها بوده که گوشه‌های موسیقی ما را حفظ کرده و اگر محرمی وجود نداشت، این گوشه‌ها و ردیف‌های موسیقی باقی نمی‌ماند.



وجه زیبایی‌شناسی و موسیقایی فرهنگ عاشورا

محمدعلی چاووشی

مدیر استودیو بل و تهیه‌کننده

سوگ و سوگواری در فرهنگ ایران آیینی، کهن و دیرپاست و اگر در تکامل و چرخه مدنیت بشر شعر را به عنوان اولین رسانه فرض کنیم، متوجه خواهیم شد که این مقوله به لحاظ عاطفی نقش به‌سزایی در فرهنگ عاشورایی دارد که متأسفانه در شرایط فعلی شعر، ترانه و ملودی در مداحی‌ها سخیف و سبک شده است.

واقعه عاشورا را از جنبه‌های مختلف می‌توان بررسی کرد؛ به این معنا که هم می‌توان به عنوان یک باور اعتقادی به آن نگاه کرد، هم وجه زیبایی‌شناسی و موسیقایی این فرهنگ را مورد بررسی قرار داد و هم به عنوان یک آیین و هنر اجتماعی و یا یک فرهنگ به آن نگریست که هر یک از این مقوله‌ها تخصص‌های خاص خود را می‌خواهد.

... برخلاف آنچه در اشعار و ترانه‌ها با موسیقی‌های سبک و سخیف بیان می‌شود، امام حسین (ع) نه مستأصل بود و نه از دشمن آب طلب کرد، بلکه این امام بزرگ عاشقانه برای پایداری اسلام و مسلمانان جنگید و حماسه عاشورا را برای تاریخ به یادگار گذاشت. متأسفانه در شرایط فعلی واقعه عاشورا با روایات جعلی که دست‌مایه برخی مداحان قرار گرفته، در مراسم عزاداری امام حسین (ع) خوانده می‌شود که این نوع تحریف به هیچ عنوان در شأن مقام والای اباعدا... الحسین (ع) و مسلمانان نیست.

داستان عاشورا و حماسه کربلا اتفاق عجیبی است که اگر نگاهی برون دینی و فرهنگی به این آیین داشته باشیم، وجوه زیبایی‌شناسی بسیاری از دل این واقعه می‌توان بیرون کشید و از سوی دیگر به لحاظ اعتقادی در فرهنگ عامه جایگاهی ویژه و منحصر به فرد دارد و اگر کسی از اهالی فرهنگ وجوه هنرمندانه و جلوه‌های زیباشناسی آن را مورد بررسی قرار دهد، نکات بسیاری از دل آن بیرون می‌کشد. بنابراین حماسه عاشورا عرصه متنوع و رنگین‌کمانی از چراها و چگونگی‌هایی است که در ذهن مردم از زمان‌های دور تا به امروز نقش بسته و در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد.

آیین سوگ و سوگواری در ایران قدمتی به درازای عمر تاریخ دارد. خوشبختانه این آیین به دلیل داشتن فرم‌های خاص خود و حفظ اصالت‌ها از بین نرفته و حتی اکنون در سلسله جبال زاگرس و بینالود در خراسان و هر جای

نگاهی به برنامه‌های «ستاد تعزیه»

دیگر هیچ تعزیه‌خوانی مشکل مالی نخواهد داشت

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام نادری بنی
مسئول ستاد تغذیه اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران

قدم برداشته‌ایم و امیدواریم که حمایت شویم. قصد ما انجام کاری است که منطبق بر نگاهی علمی و ابزارهای مفید است تا بتوانیم به صورت

در حالی که
هر نمایش حدود ۶ ماه تمرین دارد
شبیه‌خوانان
به خاطر نبودن امکانات
صبح روز عاشورا
دور هم جمع می‌شوند

مالی حتی در مقایسه با وزارت ارشاد، در اختیار سازمان اوقاف است، این سازمان قصد دارد متولی این جریان باشد. در حال حاضر، درگیر خرید یک ساختمان برای تعزیه هستیم. حدود ۱۵ هکتار زمین برای ساخت شهرک تعزیه در دست کار قرار گرفته است. البته برای این کار مکان‌های مختلفی در نظر گرفته شده که یکی از آنها مکانی نزدیک به مرقد امام (ره) است. البته تلاش ما این است که به سمت داخل شهر بیاییم. (جایی در داخل شهر در نظر گرفته شود.) مثلاً جایی نزدیک به میدان آزادی.

ضمن آنکه قرار است در سال جاری از عده‌ای که در عرصه تعزیه، پژوهش و فعالیت کرده‌اند، دعوت شود و تقدیر به عمل آید که البته این کار نه در یک زمان کوتاه، بلکه با فرصتی مناسب برای تصمیم‌گیری در این مورد میسر خواهد شد.

ما هم می‌خواهیم یک شورای سیاست‌گذاری یا راهبردی و یا کارشناسی تشکیل دهیم، تا چند نفر که در این کار خیره هستند و همین‌طور استادان پیشکسوت تعزیه، در آن فعالیت کنند. چراکه مطمئناً در ابتدا به یک بخش پژوهشی و یک بخش آموزشی نیاز است که واجب‌تر از هر کار دیگری است. زیرا ما در حال حاضر در معرض خطر نابودی تمامی نمایش‌های سنتی و تعزیه‌ها هستیم که متأسفانه مسئولان، با وجود گوش‌دهی مکرر ما متوجه این امر نیستند.

برای مثال، طریقه خواندن و دانستن نسخه قدیم «تهران»، با نسخه میرعزا که الان به «تهران» مشهور شده، تنها از عهده دو یا سه تن برمی‌آید که اگر اینها نباشند، کسی این دو نسخه را از هم تشخیص نمی‌دهد.

به هر حال ما به خاطر امام حسین (ع)



هانیه خاکپور

اولین ستاد تعزیه در استان تهران به همت اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران در دی ماه سال ۱۳۸۷، با هدف زنده نگه داشتن یاد امام حسین (ع)، سامان بخشی به گروه‌های تعزیه، تهیه بانک اطلاعات پیرامون موضوعات عاشورایی و ... راه‌اندازی شد. مسئولیت این ستاد را حجت‌الاسلام ابوالقاسم نادری‌نوبی بر عهده دارد که خود نیز در این زمینه فعالیت‌هایی دارد و نگارش نمایشنامه‌های قرآنی برای رادیو، نگارش کتاب «تعزیه و هزار نکته» و اجرای نمایشی تعزیه‌گونه بر اساس اشعار حافظ از آن جمله است. با وی در مورد اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های این مرکز به گفت‌وگو نشستیم.

آیا درست است که «ستاد تعزیه اداره اوقاف» در نظر دارد متولی تعزیه در کشور باشد؟ البته منظور از متولی به عنوان حامی و پشتیبان است، نه خط‌دهنده. با توجه به این مطلب که بیشترین امکانات

افراد درست شناسانده نشده‌اند. تمام اینها عظیم‌ترین عناصری هستند که بخشی از فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند؛ به عنوان مثال، تصور می‌کنیم ذوالفقار تنها یک شمشیر بود که وسط آن شکافته بود. در حالی که وقتی به سراغ آن می‌رویم، می‌بینیم تجسم همان ربی است که در جنگ بدر، خداوند به یاری پیامبر (ص) در دل دشمنان ایجاد می‌کند. اکنون این ذوالفقار می‌تواند در دستان امام زمان (عج) قرار گیرد. مرحوم عمان سامانی می‌گوید: «در مزاج کفر خون شد بیشتر/سر برآور که خدا را نیش‌تر» یعنی ذوالفقار یک شمشیر نیست، یک نیشتری در دست خداوند کائنات است که هر کجا کفر بیشتر باشد، خدا آن را به کار می‌گیرد.

ما در بحث آموزش به این نتیجه رسیدیم که اگر تعزیه‌خوان‌های ما بدانند که نقش چه کسی را بازی می‌کنند، به جایی می‌رسیم که اکنون نرسیده‌ایم. این آموزش در دو بخش: (۱- محتویات، توسط استادان متبحر حوزه علمیه قم، ۲- مباحث فنی)، توسط استادان مسلط در این حوزه استفاده خواهد شد. بدین ترتیب به عنوان مثال، در بحث آواز، تنها این نکته که کسی صدای خوشی دارد، نمی‌تواند در تمام عرصه‌های حزین، حماسه، مقابله و ... ورود پیدا کند. ما باید تعریف آواز را بدانیم. آواز بر اساس گوشه‌ها و ردیف‌ها و آواها شکل می‌گیرد که هر کدام یک تعریف و فرهنگی دارد و شخص باید بداند کجا و چه بخواند. این آموزش می‌خواهد و باید به این قشر مظلوم، ارزشمند و محترم و دلسوز اهل تعزیه در عمل کمک شود.

۳- اماکن تعزیه‌خوانی: اکنون ما در ایران اسلامی و سایر کشورهای اسلامی، مکان‌های اجرای تعزیه نداریم. تعزیه یک کار میدانی است و با ابزار و آلات و سواره و پیاده قابل عرضه است. صحنه‌های تئاتری ما، فرهنگسراها و آمفی‌تئاترها قابلیت عرضه آن را ندارند. جمعیت بالا و نوع کار متفاوت، جایی مجزا را می‌طلبد. بر همین اساس در حال رایزنی برای احداث «شهرک تعزیه» هستیم تا مکان مناسب این امر مهیا شود. وقتی تکایایی مانند «تکیه دولت» در چهار گوشه کشور موجود باشد، مردم متوجه خواهند شد، همان‌طور که نماز در مسجد خوانده می‌شود، تعزیه در کجا اجرا می‌شود.

تکیه بهره‌های زیادی می‌بردیم. **گویا ایشان بسیار در جمع‌آوری نسخ و نمادهای رایج در تعزیه فعالیت کردند. اما همسر ایشان از بی‌توجهی به این گنجینه شکایت داشتند.**

فرزند ایشان بخش اعظمی از آن به فروش رسانده است. چنین مجموعه‌ای برای شکل‌گیری قوی و مدون باید تحت حمایت یک نهاد دولتی به عنوان آثار ماندگار به وجود آید.

اینکه شخصی هم بخواهد دست به چنین اقدامی بزند اشکالی ندارد.

اگر به صورت شخصی اقدام شود، چنین وضعیتی پیش می‌آید که ممکن است بعد از وی، دسترنجی که با زحمت تهیه شده، نابود شود.

در این صورت بهتر است دولت خریدار چنین مجموعه‌هایی باشد و آنها را در محلی مانند موزه نگهداری کند.

راه حل این مسئله باز هم این است که نهادی متولی این جریان باشد.

این ستاد چه برنامه‌هایی خواهد داشت؟
در «ستاد تعزیه اداره کل اوقاف امور خیریه استان تهران» این محورها در دستور کار قرار گرفته است:

۱- تشکیل بانک اطلاعاتی تعزیه: اعم از تاریخ، لغت‌شناسی، نسخ، هنرمندان، اماکن و ...؛ این بانک اطلاعاتی الهام‌بخش نسل آینده خواهد بود؛ به عنوان مثال ما در حیطة لغت‌شناسی سعی کرده‌ایم، لغاتی که تحریف به حساب می‌آید، حذف کنیم. مثلاً تحقیق کرده‌ایم که لغت «خرافه» از نام کسی به اسم خرافه بن اعیان می‌آید که در زمان پیامبر (ص) چند روز گم می‌شود و زمانی که پیدا می‌شود، دچار هذیان می‌شود. پس از آن هر کس حرف بی‌سر و ته می‌زد، خرافه نام می‌گرفت. معنای این لغت در لغت‌نامه دهخدا آورده شده است. اکنون ما نیز کتابی را در دست تهیه داریم به نام «تعزیه و هزار سؤال» که بانک اطلاعاتی ماست. شما در این کتاب می‌توانید بفهمید که مثلاً «رزه» چگونه و با چه ابزاری ساخته می‌شود و چه کارایی داشته است.

در این بانک اطلاعاتی باید آنچه در مقوله تعزیه به ذهن انسان خطور می‌کند، وجود داشته باشد.

۲- آموزش تدوین، تبدیل و اصلاح نسخ تعزیه: یکی از مشکلاتی که در عرصه تعزیه داریم، این است که شخصیت‌ها و وقایع برای

جهانی حرف بزنیم. این مسئله هم میسر نمی‌شود، مگر اینکه مسئولان نسبت به این قضیه حساسیت نشان دهند. در حال حاضر به خاطر نبودن امکانات، شبیه‌خوانان صبح عاشورا جمع می‌شوند و ده روز هم اجرا می‌کنند. در حالی که در هر تئاتر دیگری در حدود شش ماه تمرین لازم است.

هرچند تلاش ما در این برهه بر این است که نه تنها هزینه‌های صرف نشود، بلکه در آینده بودجه‌ای نیز از این ناحیه، تولید شود.

خدا آقای فیاض را رحمت کند. من در صحبت‌هایی که با ایشان داشتم متوجه شدم، حسرت زیادی بر دل ایشان از بابت ساخت یک تکیه وجود دارد. شوق این هنرمند پیشکسوت و تأثیرگذار از سوی جامعه درک نشد. اگر آقای فیاض اکنون کنار ما بودند، از ایشان در این

ما در معرض خطر نابودی تمامی نمایش‌های سنتی و تعزیه هستیم که متأسفانه مسئولان با وجود گوشه‌زدهای مکرر ما متوجه این امر نیستند



۴- جلب حمایت: حمایت‌هایی که از تعزیه می‌شود، به صورت صدقه‌ای است. تاکنون حمایت‌های مردمی و خصوصی داشته است و اکنون باید حمایت‌های جدی‌تری از آن صورت گیرد. در این صورت تعزیه‌خوانی که اکنون روی صحنه می‌آید و از صبح تا غروب باید تعزیه اجرا کند و برای تمرین‌ها و حفظ کردن‌های خود، نمی‌تواند وقت بگذارد، با چنین حمایت‌هایی به صورت حرفه‌ای‌تر به آن می‌پردازد.

حمایت‌هایی که تاکنون از تعزیه می‌شد به صورت صدقه‌ای بود اما اکنون باید حمایت‌های جدی‌تری صورت گیرد

خوشبختانه در اداره اوقاف، در طول زمان، وقفیاتی در این زمینه صورت گرفته است. طبق فرمایش مقام معظم رهبری که می‌فرمایند: «وقف‌ها طبق نیت واقفان عمل بشوند.» ما نیز درصددیم در همین راستا به نیت واقفان جامعه عمل ببوشانیم.

۵- ایجاد بایگانی و نمایشگاه: در حال حاضر ما نمایشگاهی برای نشان دادن ابزار و آلات تعزیه‌خوانی نداریم. البته به صورت پراکنده گاهی نمایشگاه‌هایی به چشم می‌خورد و ما می‌بینیم که در این نمایشگاه‌ها چقدر ماهرانه و زیبا در ساختن ماسک‌ها، دوختن لباس‌ها، بافتن زره‌ها، خطاطی نسخ و ... هنرمندانه عمل شده است، ولی همه اینها به صورت پراکنده هستند و یکپارچگی ندارند. قصد ما این است در مکانی تحت عنوان «موزه تعزیه» شکلی یکپارچه به این موارد داده شود و تمامی آنها جمع‌آوری شود. این بندهایی که آورده شد، اهداف و برنامه‌های ستاد تعزیه است و این ستاد با تمام امکانات خود برای ارائه ارزش‌های اهل بیت (ع) تلاش می‌کند.

از آنجا که تعزیه از ارزش‌ها، توانمندی‌ها و پتانسیل‌های بالایی برخوردار است، تمام این گفتمان‌ها، بحث‌ها، نهادها، تشکیل ستاد و ... برای حفظ و احیای آن صورت می‌گیرد؛ چنانچه به راحتی ساختمانی معمولی را ویران می‌کنیم، اما برای حفظ بناهای تاریخی می‌کوشیم. تعزیه چه از نظر ساختاری و چه از نظر محتوایی

آن‌چنان نیرومند است که می‌تواند برای حفظ ارزش‌های دینی و میهنی به بهترین نحو عمل کند.

نگرانی ما از افق‌های پیش روی تعزیه است. بالاخص با به هم ریختگی‌هایی که در زمان کنونی به چشم می‌خورد؛ برای مثال، می‌بینیم شخص پیراهن سنتی و شلوار امروزی پوشیده است، یا کلاه‌خود به سر دارد، اما ساعت مچی خود را درنیآورده است!

در جایی خواننده‌ام: «مثلاً اگر دیده شود که شبیه‌خوان شمر، چکمه و لینکتون به پای و سیگاری خارجی بر لب دارد و افزون بر داشتن جقه فرماندهی و قبضه براق شمشیر، طیانچه هم بر کمر دارد، جای شگفتی نیست.» به نظر می‌رسد این کار را انجام می‌دهند تا بیشتر حساسیت ماجرا را منتقل کنند. گویا می‌خواهند خشن بودن شمر را بزرگ‌تر و بهتر نشان دهند. بنابراین از هر چیزی استفاده می‌کنند.

پیتر چلکوسکی در کتاب «تعزیه: نیایش و نمایش در ایران» خود، اشاره می‌کند به این نکته که در تعزیه‌ای از قالیپاق ماشین به جای سپر استفاده شده بوده است. این مسئله برای وی جالب بوده است. اما نقدی که به این مسئله دارم این است که سپر، در فرهنگ عاشورا موضوعیت دارد. حضرت ابوالفضل (ع) سپری داشتند که چه از نظر جنس و چه از حجم، تنها ایشان قادر به حمل آن بودند. بنابراین حمل سپر عباس (ع)، از ویژگی‌های ایشان به حساب می‌آید و حضرت زینب (س) هنگام مراجعت از کربلا دو چیز با خود آوردند؛ یکی پیراهن امام حسین (ع) و دیگری سپر حضرت عباس (ع). در تاریخ آمده وقتی ام‌البنین از ایشان پرسیدند: «از عباسم چه خبر؟»، ایشان به جای گفتار از ابزار بهره بردند و سپر را نشان دادند. ام‌البنین فریاد بر می‌آورد و می‌گوید: «با سپرش که چنین کردند، با عباسم چه کردند؟» بنابراین ذوالجناح، ذوالفقار و سپر با مشخصات خاصی در تاریخ وجود دارند و اگر ما بخواهیم در تعزیه از هر ابزاری استفاده کنیم، به اصالت آن لطمه زده‌ایم. اگر همین‌طور پیش برویم در آینده بعید نیست که به جای اسب از موتورسیکلت استفاده شود! این کار به حرمت ذوالجناح لطمه خواهد زد.

آیا بودجه ستاد تعزیه تنها از طریق وقفیات تأمین می‌شود؟
 وقفیات ما در طول زمان، از طریق انسان‌های

مؤمن و مخلصی که املاک و دارایی‌های خود را صرف اعتقادات خود کرده‌اند، تأمین می‌شود که بخش عظیمی از آن مربوط به امام حسین (ع) و عاشورا و حتی منحصرأ مقوله تعزیه می‌شود؛ به عنوان مثال، «سنج» که ابزار عزاداری و تعزیه به حساب می‌آید، انواع و اقسام لباس‌ها یا حتی تیمار و نعل کردن اسب در وقفیات ما موضوعیت دارد. وقف یکی از فرهنگ‌های ناب در جامعه بشری است که در حقیقت باقیات‌الصالحات و ارزش‌های دیگر را ماندگار می‌کند. از آنجا که علمای بزرگ، مسئولان امر و به‌خصوص مسئولان اداره کل اوقاف در کلیه بخش‌ها معتقدند که وقف باید بر اساس نیت واقف انجام بگیرد و هرچه او خواسته، همان بشود، حساسیت دارند که تعزیه با همه قوت خود احیا شود و تنها دغدغه آنها این است که تعزیه باید منطق با ارزش‌های عاشورایی باشد و ستاد تعزیه بر همین اساس تشکیل شده است.

در مکانی تحت عنوان «موزه تعزیه» تمامی ابزار و آلات تعزیه‌خوانی را جمع‌آوری خواهیم کرد

مسئلاً همین‌طور است و شاید اگر تاکنون ضعف‌هایی در این خصوص بوده، یکی از دلایل آن مشکلات مالی بوده است. اکنون چه مقدار بودجه برای این امر در نظر گرفته شده است؟

به اندازه‌ای است که هیچ باری بر زمین نماند! آماری و ارقامی که گاه داده می‌شود، مربوط به امور جزئی و موردی می‌شود و به هر حال نمی‌توان این آمار را به صورت کلی بیان کرد. اکنون تعزیه‌خوانی که به تعزیه با نگاه درست بنگرد و خود را با ارزش‌های آن منطبق کند، مشکل مالی نخواهد داشت. وقفیات هر ساله زایش و افزایشی رو به رشد دارد.

آخرین صحبت این که این بهترین فرصت برای جماعتی است که اهل عزا و تعزیه حسین (ع) هستند. باشد که از آن استفاده کنند و خود را بر اساس شرایطی که با ارزش‌های عاشورایی منطبق باشد، آماده کنند و امیدوارم خدا توفیق همه جانبه به همه عنایت کند. ■

هنرهای آیینی در تقابل با خودآیینی در هنر*

محمود مکتبی

هنر، درد مشترک همه انسان‌هاست و هر فرد به نوبه خود با آن ارتباط برقرار می‌سازد؛ یکی به عنوان هنرمند، یکی به عنوان مخاطب و شاید دیگری به عنوان یک واسطه در این میان.

همچنان که بسیاری از افراد از هنر به عنوان یک رسانه جمعی نام برده و گرایش به قابل فهم کردن آن برای توده مردم دارند، افرادی دیگر هنر را تنها برای هنر و آزاد از قید و بند مخاطب یا آیین و مکتب‌های خاص می‌خواهند.

بحث درباره هنرهای آیینی و خودآیینی در هنر، بحثی بسیار جذاب اما پیچیده است؛ چراکه برای هیچ کدام از این مفاهیم، به طور مشخص نمی‌توان تعریف ارائه یا بسترهای تاریخی آنها را مشخص کرد. شاید بتوان رابطه علم و هنر در دوره رنسانس را اولین مرحله از رهاسازی هنر از قید و بند آیین‌ها و همچنین بریدن از امر مقدس دانست، اما جدایی هنر از فرآیند زندگی و مبهم شدن بسترهای تاریخی آن در بحث خودآیینی هنر را باید به شکل دقیقی مطالعه کرد تا به دلایل و رویکردهایی که موجب این تغییرات گسترده در هنر شده‌اند، پی ببریم.

هنرها در بیشتر موارد ابتدا از آیین‌هایی سرچشمه گرفته‌اند که در گذشت زمان تبدیل به یک نوع صنعتگری شده و سپس با گسست از بسترهای خود به یک گرایش هنری خاص رسیده‌اند. هنرهایی که امروز وجهی تکنیکی و ظاهری دارند، در گذشته برگرفته از مفاهیمی بوده‌اند که آیین‌های مشترک یک قوم آن را مشخص می‌کرد و سپس در قالب یک شیء آیینی یا یک بنا، حرکات جمعی یا سروده‌هایی برای آنها نمایان می‌شد.

بنابراین هنرهای آیینی جدا از بسترهای اجتماعی خود نیست و به عنوان چیزی جدا از زندگی مردم محسوب نمی‌شود، اما خودآیینی در هنر، گسست از زندگی روزمره و پذیرفته شدن هنر به عنوان کلیتی مجزاست. خودآیینی هنر پدید آمدن زیبایی‌شناسی‌های هنری خاص جدای از بحث‌های فلسفی هنر بود که به موجب آن برداشت‌های اخلاقی و گرایش‌های آموزشی به هنر به عنوان یک نگاه واپس‌گرایانه و غیرهنری کنار گذاشته شد.

در اینجا بد نیست تا اشاره‌ای به یکی از نمونه‌های کهن و تفاوت‌های گفته شده در این مورد داشته باشیم؛ اگر به طور مثال به شیء دست‌ساز کوچک مربوط به مردمان مشکین‌شهر در چند هزار سال

پیش برگردیم و به اشیایی همچون گردنبند یا گوشواره‌های آنها نگاهی بیندازیم، به برخی از تفاوت‌های عمده در هنر پی می‌بریم. این مردمان در چند هزار سال پیش گوشواره‌هایی از طلا به شکل خوشه‌های انگور برای خود می‌ساختند و از آن استفاده می‌کردند. این گوشواره امروز نیز برای ما کاربرد دارد، اما وجهی که بسیار متمایز از گذشته می‌شود، این مسئله است که استفاده از شکل خوشه انگور برای ساخت یک گوشواره در آن زمان علاوه بر وجه زیبایی، برگرفته از یک آیین مشترک و مفهوم سپاسگزاری از محصولی بوده که در آن منطقه محصول اصلی به حساب می‌آمد و زندگی آنها را تأمین می‌کرد. این شیء کوچک بیش

**هنرهای آیینی
جدا از بسترهای اجتماعی خود نیست
اما خودآیینی در هنر
گسست از زندگی روزمره
و پذیرفته شدن هنر
به عنوان کلیتی مجزاست**

از آنکه مبتنی بر زیبایی‌شناسی باشد، برای مردمان آن زمان نمادی از زندگی بوده است؛ نمادی که از طریق آن افراد حس پرستش و سپاسگزاری خود را ارضا می‌کردند.

به بیان دیگر این شیء کوچک هنری که ما امروزه از زاویه‌ای هنری به آن نگاه می‌کنیم، برای مردمان مشکین‌شهر در آن زمان کارکردی آیینی، مقدس و مهم داشته، در حالی که این مسئله امروز برای ما به وجهی زیبایی‌شناسانه و در مواردی نشانه‌شناسی فرم و ماده تقلیل یافته است.

این تغییرات که ما امروز از آنها به عنوان خودآیینی هنر نام می‌بریم، متعلق به جامعه بورژوازی بوده که در طی یک فرآیند تاریخی شکل گرفته است؛ خودآیینی‌ای که خواستار استقلال هنر از جامعه می‌شود. در هنرهای آیینی، هنر به واسطه رابطه‌های مکتب یک جمع شکل می‌گیرد، اما خودآیینی به نوعی خصیصه‌ای است که در هنر برای تبیین انگاره‌های هنرمندان در قبال فعالیت‌های خودشان شکل می‌گیرد و از همان ابتدای شکل‌گیری با طبقه خاصی از جامعه ارتباط دارد.

از یک نگاه دیگر هنرهای آیینی که امروز ما شاخه‌های مستقل دیگری از آن را به عنوان هنرهای سنتی، هنر دینی یا هنر قدسی مطرح می‌کنیم، یک

کارکرد آیینی داشته و شیء مورد نظر خود را به وسیله یک جمع می‌سازد و مخاطبان آن نیز جمعی هستند که نمونه مناسب آن را می‌توان در تعزیه مشاهده کرد؛ اجرایی آیینی که برخاسته از یک فرهنگ جمعی است و پاسخگوی نیازهای همان جمع است. بنابراین همانگونه که یک اجرای آیینی مشترک است، مخاطبان آن نیز یک جمع بزرگ هستند.

اما از زمانی که هنرها از وجه آیینی خود فاصله گرفته و به تعبیر پیتر بورگر به هنر درباری تغییر شکل یافتند، یک تغییر اساسی شکل می‌گیرد و آن تبدیل هنر از شیء آیینی به شیء بازنمایانه است و اینکه سازندگان جمعی به تولیدکننده فردی تبدیل می‌شود. در این دوره با وجود آنکه بحث دریافت اثر هنری یا مخاطبان از لحاظ مفهومی نیز تغییر می‌یابد، اما مخاطبان یا دریافت‌کنندگان اثر همچنان یک جمع هستند. روند تاریخی این مسئله همچنان که در بحث از خودآیینی هنر گفته شد به جامعه و هنر بورژوازی کشانده می‌شود و در اینجا است که هنر با تغییراتی که به خود می‌بیند از آیین‌ها و بسترهای پیشین خود کنده شده و تولیدکننده و مخاطب هر دو به فرد تبدیل می‌شود و دیگر از یک روح جمعی در آثار هنری خبری نیست که البته این امر را نمی‌توان به طور مطلق بیان داشت.

این فردیت که در دوره‌های بعدی نیز ادامه می‌یابد و در هنر آوانگارد و هنر دوره معاصر نیز به شکل شفاف‌تری مطرح می‌شود، به واقع همان چیزی است که طی یک فرآیند تاریخی موجب چندگانگی و پیچیده شدن هنر معاصر شده و از سوی دیگر تا اندازه‌ای ما را از طبیعت، شکل و ماهیت طبیعی خودمان دور کرده است؛ چراکه در هنرهای آیینی، رابطه این هنر با انسان و خدا مهم است و عوامل ایدئولوژیکی با عوامل بصری و عینی پیوند دارد و همچنان که به صورت طبیعی از درون اشتراکات جمعی بشری بیرون آمده است، نمی‌توان خاستگاهی فردی و حتی تنها بشری داشته باشد؛ خصیصه‌ای که ما از زمان خودآیینی در هنر تا به امروز از آن فاصله زیادی گرفته‌ایم. ■

* این بخش پایانی مطلبی است که شماره نخست آن در شماره ۵۱ با عنوان «رویکردی به هنرهای آیینی» آمده بود.

منابع:

- ۱- پیتر بورگر، نظریه هنر آوانگارد، ترجمه مجید اخگر، تهران، انتشارات مینوی خرد، ۱۳۸۶
- ۲- سید حسین نصر، معرفت و معنویت، ترجمه انشاء... رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۰

محمل ز چشمم شد نهان

به کوفه آمد و ورق برگشت جزو سرداران عبیدا... شد و با امام (ع) جنگید، بعد از عاشورا به شکرانه و خوشحالی مسجدی را در کوفه تجدید بنا کرد. بعد از خروج مختار به خونخواهی امام برخاست! وقتی هم که مصعب بن زبیر به کوفه آمد و شکست مختار نزدیک شد، به لشکر مصعب پیوست و در قتل مختار شرکت کرد.

فایده‌ای ندارد

اسبم را برمی دارم و می روم

«هنگامی که دیدم یاران حسین (ع) کشته شدند و نوبت او و خاندانش رسیده و غیر از سویربن عمرو و بشیر بن عمرو کسی باقی نمانده، گفتم: «ای پسر رسول خدا (ص) من گفته بودم که تا وقتی جنگجویی داشته باشی، همراه تو می جنگم. حسین (ع) گفت: «راست گفتم ولی چگونه خود را نجات خواهی داد؟» قبلاً وقتی دیده بودم، دشمن اسبها را می کشد، اسب خود را در یکی از چادرها پنهان کرده بودم. اسب را بیرون آورده و سوار شدم و از میان دشمن دور شدم.»

ضحاک مشرقی، روز نهم به امام (ع) پیوست، ولی با امام (ع) شرط کرد: «فقط تا وقتی می مانم که مفید باشم، اگر تنها شدمی می روم چون فایده‌ای ندارد.»^۸

رفتم ز پا خاری کشم

طرماح، یکی از کسانی که بین راه به امام (ع) برخورد و چون به راه آشنا بود، جلوی کاروان به سمت کربلا به راه افتاد. در نیمه راه به امام (ع) گفت: «من باید به خانواده و قبیله ام سر بزنم.» رفت و بعد از چند روز برگشت. اما خبر کشته شدن امام (ع) و همه یارانش را به او دادند. آدم

یاد این دو بیت می افتد:

رفتم ز پا خاری کشم

محمل ز چشمم شد نهان

یک لحظه من غافل شدم

صد ساله راهم دور شد ■

پی نوشت:

۱- کامل بن اثیر، جلد سوم

۲- ارشاد، جلد دوم

۳- مقتل الحسین، ابن مخنف

۴- کامل بن اثیر، جلد چهارم

۵- کامل بن اثیر، جلد سوم

۶- قاموس الرجال، جلد ۱

۷- حیاة الامام حسین، باقر شریف، جلد ۳

۸- مقتل ابی مخنف

زهر قدیانی

خیلی ساده به نظر می رسد، اینکه روزی امام (عج) از آدم کمک بخواهد، شخصاً. نامه بنویسد، واسطه بفرستد یا اصلاً خودش بیاید دم در خانه آدم.

همه ما آرزو می کنیم آنجا بودیم. احياناً دو سه تا نفرین هم نثار کسانی می کنیم که امام (ع) را تنها گذاشتند. می پرسیم چطور توانستند؟! عجب آدم های پلید، خیانتکار و بی دین و ایمانی بوده اند. اما وقتی داستان چند تا از همین از خدا بی خبرها را می خوانی، می بینی انگار که بعضی حرفها آشناست. انگار که خودمان هم ...

مذوریت شرعی

در منزل «قصر بن مقاتل» امام (ع) به عمرو بن قیس و پسرعمویش رسیدند. پرسیدند: «آیا برای یاری ما آمده اید؟» عمرو بن قیس گفت: «ما پیرمرد و عیالواریم. اموال مردم دست ماست، باید آنها را برسانم به صاحبانش. اگر با شما بیایم مال مردم از بین می رود.»^۱

چرا خسونت

در یکی از منزلگاهها عبدا... بن مطیع عدوی پیش امام (ع) آمد. گفت: «با این حرکت تو حرمت اسلام از بین می رود. حرمت قریش و حرمت عرب از بین می رود. خسونت راه می افتد. نرو!»^۲

عهد و عیال دارم

مالک ابن ارحبی روز نهم همراه کاروانی از نزدیک کربلا می گذشت. رفت پیش امام (ع) تا خبر دهد، اکثریت مردم کوفه علیه اویند. حسین (ع) گفت: «چرا مرا یاری نمی کنید؟» مالک بن نصر گفت: «من مقروض و عیالمندم.» و خداحافظی کرد.^۳

شر مرسان

یزید بن مسعود نهضلی از بزرگان بصره بود که امام (ع) برایش نامه نوشتند. آن قدر از عبیدا...

می ترسید که وقتی فرستاده امام (ع) نامه را برای او آورد، فکر کرد، شاید این حيله عبیدا... است تا طرفداران امام (ع) را شناسایی کند. از ترس نامه را نگرفت. نامه رسان را هم با نامه فرستاد پیش عبیدا... . عبیدا... هم نامه رسان را به دار آویخت.^۴

پولش را می دهم

امام (ع) خودشان رفتند سراغ عبیدا... بن حر جعفی. پرسیدند: «همراه ما می آیی؟» عبیدا... گفت: «من آماده مرگ نیستم. ولی اسبم را تقدیم می کنم. چنان اسبی است که اگر سوارش شوید به خواسته تان می رسید.»

امام (ع) فرمود: «ما برای اسب و شمشیر تو نیامده بودیم. فقط از اینجا دور شو که فریاد غربت ما را نشنوی.»^۵

شما خانوادگی بی سیاستید.

پیش از حرکت به مکه امام (ع) نامه دعوتی برای بزرگان بصره نوشت. احنف بن قیس یکی از آنها بود. احنف نامه امام (ع) را جواب نداد. به نزدیکانش گفت: «نمی روم. ما خاندان ابوالحسن را تجربه و آزمایش کرده ایم. اینها سیاست سلطنت داری و جمع مال و نقشه جنگی ندارند.»^۶

پناهت می دهم، تفرقه نینداز

فرماندار مکه، عمرو بن سعید اشدق، برای امام (ع) نامه نوشت که من به تو پناه می دهم، حرکت نکن. همین جا بمان. موجب تفرقه می شوی.

این کارها دنیویست، من به فکر آخرتم

عبدا... بن عمر وقتی از حرکت امام (ع) باخبر شد، خود را به امام (ع) رساند و گفت: «این دولت و حکومت مال اینهاست. خدا به پیامبر (ص) اختیار داد که بین دنیا و آخرت یکی را انتخاب کند و او آخرت را انتخاب کرد. شما هم پاره تن اوید. به همین خاطر، دنیا به احدی از شما بر نمی گردد.»^۷

حزب باد

شبت بن ربیع در صفین با امام علی (ع) بود، بعد از مدتی از خوارج شد. او از کوفیانی بود که به امام حسین (ع) نامه نوشت. بعد وقتی عبیدا...

خیمه

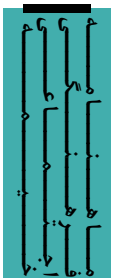
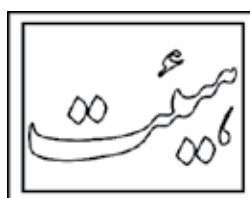
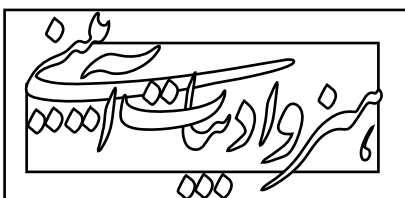
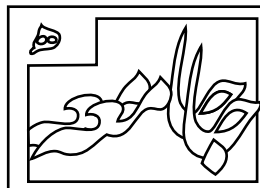
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



اهمیت دانشنامه‌ها در پیشبرد پژوهش‌های علمی، موضوعی است که از این پس به آن بیشتر توجه خواهیم کرد و در این شماره نیز به آن پرداخته‌ایم. چگونگی الگوگیری از امام حسین (ع) در عصر حاضر نیز، موضوعی است که هم‌اکنون در سلسله نشست‌هایی با حضور استادان و گروه تحریریه خیمه در دفتر ماهنامه بررسی می‌شود و در آینده به استحضار خواهد رسید. در این شماره هم به این موضوع اشاره کوتاهی شده است.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



دانشنامه امام حسین (ع)

گفت‌وگو با سید محمود طباطبایی نژاد

مسئول گروه سیره و تاریخ مؤسسه فرهنگی دارالحدیث

جلال بیطرفان، سیدحجت سجادی زاده

دانشنامه‌ها به عنوان یک گردایه نوشتاری جامع، اگر با توجه به چهار عنصر اصلی موضوع، گستره، ساختار و روش، تهیه و تدوین شوند، می‌توانند برکات زیادی در پیشبرد پژوهش‌های علمی به همراه داشته باشند. در گفت‌وگویی که با سید محمود طباطبایی، مسئول گروه سیره و تاریخ مؤسسه فرهنگی دارالحدیث و مسئول پژوهش «دانشنامه امام حسین (ع)»، داشتیم، از ایشان درباره ایدۀ اولیه کار، روش گردآوری، ساختار کار و ... پرسیدیم. طباطبایی نژاد با اشاره به اینکه اساس کار مجموعه دارالحدیث «متن محوری» است، یکی از مهم‌ترین اهداف این دانشنامه را تهیه یک منبع معتبر و قابل اعتماد جهت مرثیه‌سرایان، اهل وعظ و منبر دانست. آنچه در ادامه می‌آید، پاسخ ایشان به پرسش‌های خیمه است.

ایدۀ اولیه کار دانشنامه امام حسین (ع) از کجا نشأت گرفت؟ آیا ادامه کار کتاب «موسوعة الامام الحسين (ع)» است یا کار جداگانه‌ای است؟ از آنجایی که حرکت و قیام امام حسین (ع) به عنوان یک تاریخ سپری شده صرف نیست؛ بلکه به عنوان یک حرکت زنده و تأثیرگذار در طول تاریخ است و از آنجایی که با پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب گرایش زیادی به ابعاد زندگی حضرت دیده می‌شود، نیاز به کار تحقیقی جدید هم مشاهده می‌شود. معمولاً کارهای فردی و با امکانات کم جوابگوی این نیاز عصر کنونی و بالتبع آن سوالات و شبهات جدید نیست و نیازمند تحقیقات تازه‌ای است که دارالحدیث بر اساس



رسالتی که بر عهده دارد، به این کار اقدام کرد.

ساختار کار دانشنامه امام حسین (ع) چگونه است؟

کار علمی دانشنامه امام حسین (ع) در سه سطح انجام می‌شود:

۱- سطح اصلی در قالب دانشنامه امام حسین (ع) است که شامل هفت هزار صفحه در ۴۵۰۰ متن در ۱۴ جلد منتشر خواهد شد. متن دانشنامه به زبان عربی است و در مقابل آن ترجمۀ فارسی همراه با صدها تحلیل که در قالب بیان و شرح حال آمده، قرار دارد.

در این بخش به بیان ذکر مصادر و منابع متن پرداخته‌ایم. به بحث تاریخی آن، با دقتی که

رجال فقهی در این زمینه دارند، نمی‌پردازیم. اما در حدی که با امور مسلم تاریخی و اعتقاداتی مان منافات نداشته باشد، به متن و سند نگاه می‌شود.

۲- سطح دوم، متن عربی همین کتاب به همراه تحلیل‌هاست که به زبان عربی آورده شده است.

۳- سطح سوم، کتاب مقتلی است که از دل دانشنامه بیرون می‌آید و به همراه دانشنامه در یک جلد منتشر می‌شود؛ متنی‌هایی که مربوط به هنگام شهادت و زمان قبل از کربلا بوده و از قبل از تولد تا روز عاشورا را شامل می‌شود. این کتاب تا حدی حجت را بر همه مرثیه‌سرایان تمام می‌کند و انشاء... خیلی از آسیب‌های موجود با این کار بزرگ

را حفظ کرده‌اند و البته این گونه هم نیست که هر متنی که در متون کهن آمده باشد، حتماً صحیح است؛ برای نمونه علمای شیعه همه روایات کتاب اصول کافی را صحیح نمی‌دانند. پس متن کهن را اگر ایراد خاصی، تعارضی یا تناقضی با بیان امام (ع) و سیره و شأن ایشان نداشته باشد، مقبول می‌دانیم. اما جلوتر که می‌آییم در قرن دهم، یعنی حدود ۹۰۰ سال بعد از قیام امام حسین (ع)

نمی‌گذارند و توجه نمی‌کنند که این متن مثلاً در اصول کافی است یا کتابی است که ۵۰ سال پیش چاپ شده است. تأسف‌بارتر اینکه بسیاری مواقع متن‌های بسیار ضعیف لابه‌لای متن‌های قوی خودشان را مخفی می‌کنند و چنین کتاب‌هایی را با چاپ‌هایی بسیار شکیل روانه بازار نشر می‌کنند و همان‌ها را به خورد جامعه می‌دهند؛ مثلاً یکی از این مواردی که کمتر بدان پرداخته



می‌بینیم یک سخن یا حادثه بسیار مهم گزارش می‌شود که در طول این ۹۰۰ سال از هیچ کسی گزارش نشده است و وقتی به کتاب مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم، سایر متون آن نیز خالی از اشکال نیست. این کتاب‌های ضعیف به طور عمد مشخصه و وجه تمایز خاصی دارند؛ به عنوان مثال متن‌هایی که اصل آن در کتب معتبر در حد یک خط یا یک پاراگراف آمده، در این کتاب‌ها به چندین صفحه گسترش یافته‌اند. برخی عبارت‌های آنها با نکات مسلم تاریخی نمی‌سازند و یا در جاهای فراوانی به داستانسرای و نقلی پرداخته‌اند. به بهانه تحریک احساسات مخاطبان خود اگر چه به ذلت معصومین (ع) منجر شود، به بسط واقعه پرداخته‌اند.

و در کتاب‌های معتبر نیز نقل شده، جریان عبور پیاپی امیرالمؤمنین و امام حسین (ع) از سرزمین کربلاست. مسیر حرکت حضرت به جنگ صفین از کربلا می‌گذشته است و در برگشت نیز از کربلا گذر کردند. مسیر رفتن به نهر روان نیز از کربلا بوده و در متون فراوانی از شیعه و سنی از کلمات امیرالمؤمنین در این سفرها نقل شده است. برای اینکه ذهنیت نفی تمامی منابع و مصادر مرتفع شود؛ لطف بفرمایید ملاک گروه دانشنامه امام حسین (ع) را در شناخت اعتبار یا عدم اعتبار یک منبع بیان کنید؟ البته برای کسانی که اهل تحقیق هستند، مشخص است که چه متونی حالت خبری خود

و بدیع علمی برطرف شود. روش گردآوری این دایرةالمعارف به چه صورت بوده است؟ آیا تنها به روایات و احادیث پرداخته شده، یا اینکه به گزارشات تاریخی هم اعتنا کرده‌اید؟ روش ما به این شکل است که یک کاوش وسیع در همه ابعاد زندگی امام حسین (ع) انجام دادیم. در مواردی هم حدیث و هم قرآن را بررسی کردیم، به گزارشات تاریخی هم مراجعه کردیم و به جغرافیا و ابعاد دیگر نیز پرداختیم.

اساس کار مجموعه دارالحدیث «متن محوری» است؛ یعنی در درجه اول سعی می‌کنیم، اصل متن را بدون ارائه هرگونه تحلیلی در مقابل دید خواننده قرار می‌دهیم تا مخاطب، آن متن تاریخی را ببیند. اما در موارد لزوم تحلیل و نقد و بررسی‌های لازم را هم ذکر می‌کنیم.

ویژگی بعدی این دانشنامه این است که متونی را که قدیمی‌ترین و کهن‌ترین آنها هستند، به ترتیب و متونی که از درجه بعدی اهمیت برخوردارند، در ادامه آورده‌ایم و درجات بعدی را نیز در پاورقی ذکر کرده‌ایم. اما تفاوت اساسی که باعث تمایز این کار علمی شده، استفاده از متون معتبر است و سعی فراوان شده که از کتاب‌هایی که متأخر هستند - هرچند در افواه مردم یا مرثیه‌خوان‌ها مشهور باشند - به عنوان متن خبری استفاده نکنیم، البته در نقدها به عنوان تذکر از آنها استفاده شده است.

سپس از متون قرن‌های سه، چهار و پنج و حداکثر متون تا قرن نهم استفاده شده است؛ زیرا متون قرن دهم را که همزمان با صفویه و قاجار است، به عنوان متن خبری قابل اعتماد نمی‌دانیم. متأسفانه در برخی از کارهایی که در این زمینه صورت گرفته، به دلیل اینکه به اختلافات بین مصدرها آشنایی ندارند، تفاوتی

کتاب‌های ضعیف
به طور عمد
مشخصه و وجه تمایز خاصی دارند
به عنوان مثال
متن‌هایی که اصل آن در کتب معتبر
در حد یک خط یا یک پاراگراف آمده
در این کتاب‌ها
به چندین صفحه گسترش یافته‌اند

نکته مهمی را که لازم می‌بینم متذکر شوم، این است که این کار ما حذف مقتل یا کم حجم کردن مقتل نیست، بلکه ما کتابی مستقل با حجم بالا را از متونی که تا به حال مرثیه‌سرایان یا واعظان به آنها اشاره هم نکرده‌اند، با ذکر مصادر و منابع آن متن در کتاب مقتل آورده‌ایم و خوراک بسیار خوبی برای اهل منبر و مرثیه تولید شده است؛ مثلاً احمد حنبل که مؤسس فرقه حنبلی است، در کتاب مسند خود یک متن بسیار زیبایی مقتل را آورده است. این متن را به عنوان یک گزارش تاریخی متن قابل قبول دانسته و آورده‌ایم. یکی از نقایص کار مرثیه‌سرایان و واعظان ما این است که مصادر و منابع را ذکر نمی‌کنند. حداقل نتیجه این کار ما این است که به اهل وعظ و مرثیه این آگاهی را بدهیم که این مطالب مربوط به قرون قبل از قرن نهم است و متونی که از قرن دهم به بعد ذکر شده، موارد خاصی از متون ماقبل را ندارد.

آیا عناوین کتاب‌های مورد قبول، همچنین کتب غیر معتبر را نیز آورده‌اید؟

بله؛ اسامی کتاب‌های ضعیف و معتبر در مقدمه کتاب آمده و نکته در باب کتب ضعیف این است که ما همه نقل‌های کتب ضعیف را رد نمی‌کنیم؛ چراکه برخی مطالب جزو مشهورات و مسلمات است و اشکالی که متوجه این کتب بوده، آن عبارات و اخباری است که منحصر آن کتاب خاص ذکر کرده، خلاف مشهور است و در متون کهن نیست و ما آنها را قبول نداریم.

نظر شما درباره برخی روضه‌ها و مقتل‌هایی که توسط مداحان خوانده می‌شود، چیست؟

برخی مقاتل و روضه‌هایی که خوانده می‌شود به دو لحاظ دچار ضعف هستند: یکی اینکه برخی از این روضه‌ها در کتاب‌های ضعیف وجود دارد و دوم اینکه برخی از آنها در هیچ کتابی و یا مصدر مکتوبی نیامده است.

آیا می‌توان این بحث را نیز مورد توجه قرار داد که بسیاری از این موارد ضعف در کتاب‌ها همان زبان حال‌هایی است که به مرور زمان به یک متن و در نهایت به سند و مصدر تبدیل شده‌اند؟

زبان حال، آن عبارتی است که میان شخص متکلم، حال مرثیه‌سرا، واعظ و ... و شخص مخاطب مورد توافق باشد، با توجه به اینکه

این گفته‌ای که اکنون در حال ایراد است، یک متن یا خبر نیست که به منبعی متصل باشد و تنها برداشت یا ذوقیات مرثیه‌سراست؛ در این صورت اشکالی متوجه مرثیه‌سرا نیست. اما گاهی مداح زبان حالی را بیان می‌دارد و به مخاطب این تذکر را نمی‌دهد که این مطلب یک زبان حال است و در ادامه همین مطلب به صورت مکتوب و نوشته منتشر شده و مداح و مرثیه بعد به اعتماد اینکه این مطلب چاپ شده، در مرثیه خود نقل می‌کند. این از آفات خلط زبان حال با متن خبر است و تنها راه

از نگاه اعتبارسنجی اعتبار گروه طبری بیشتر است و در درجه دوم مقتل خوارزمی است و بعد از آن مقتل لهوف است فتوح از جهت تاریخی چون در قرن هفت است متأخر از تاریخ طبری است از کتاب‌های غیر معتبر می‌توان ناسخ التواریخ، روضة الشهداء و منتخب طریحی را نام برد

حل آن است که گفته شود این عبارت زبان حال است و دیگر اینکه اگر زبان حال نیست، نام منبع مورد استناد این مرثیه نیز در ابتدای مرثیه ذکر شود.

خیلی از کتاب‌ها از همین مشهورات و مطالب سر زبان مردم و مداحان یک دوره یا یک منطقه خاص گرد آمده‌اند، پس در بیشتر این کتاب‌ها عبارت‌های؛ «گفته می‌شود» یا «می‌گویند ...» فراوان به چشم می‌خورد.

راهکار شما برای هرچه بیشتر آشنا کردن مداحان و مرثیه‌سرایان چیست؟

به نظر من تا حدی مداحان مقصر نیستند. بلکه ریشه این مشکل فقدان یک مقتل معتبر و قابل اعتماد است. یکی از اهداف اولیه این دانشنامه، تهیه یک منبع معتبر و قابل اعتماد جهت مرثیه‌سرایان و اهل وعظ و منبر بوده است. این مقتل هم مفصل و وسیع است و هم متنوع است.

به نظر شما مقاتل از نگاه اعتبار و مقبولیت به چند دسته تقسیم می‌شوند؟ ملاک شما در اعتبار مقاتل، کهن بودن متن آنها بوده است یا اینکه معیارهای دیگری نیز مد نظر داشته‌اید؟

از نگاه کلی مقاتل موجود از یک درجه‌بندی

از لحاظ اعتبار برخوردارند؛ به عنوان مثال نسخه اصلی مقتل ابی‌مخنف وجود ندارد. عمده‌ترین کتابی که مقتل ابی‌مخنف را نقل کرده، کتاب تاریخ طبری است. پس ما نیز به تاریخ طبری در بحث قیام عاشورا اهتمام ویژه‌ای داشته‌ایم.

ما در کتاب‌های کهنه‌مان دو دسته کتاب معتبر داریم؛ دسته اول: گروه تاریخ طبری است که شامل کتب: تاریخ طبری، کامل ابن اثیر و ارشاد مرحوم مفید است که همه متکی به تاریخ طبری‌اند. دسته دوم: گروه فتوح ابن اعثم است که شامل: مقتل خوارزمی است و لهوف در خیلی موارد متکی به فتوح ابن اعثم است.

از نگاه اعتبارسنجی اعتبار گروه طبری بیشتر است و در درجه دوم مقتل خوارزمی است و بعد از آن مقتل لهوف است. فتوح از جهت تاریخی چون در قرن هفت است، متأخر از تاریخ طبری است.

از کتاب‌های غیر معتبر می‌توان ناسخ التواریخ، روضة الشهداء و منتخب طریحی را نام برد.

یکی از رویکردهایی که به مقاتل است، نگاه پاسخگویی آنها به شبهات است. آیا در مقتل دانشنامه امام حسین (ع) به شبهاتی از قبیل دامادی حضرت قاسم یا بحث اربعین و مسائلی از این دست، پاسخ داده شده است؟

در یک مقاله به مشهوراتی که از نظر ما همگی غلط نیست، اما منبع و مصدر تاریخی ندارد و از قرن دهم به بعد مشهور شده است، پرداخته‌ایم. به بحث اربعین نیز در یک مقاله مستقل پرداخته‌ایم. درباره بحث عروسی قاسم نیز در دانشنامه اثبات کرده‌ایم که از اساس غلط است. در کتاب آمده که منشاء آن کتاب روضة الشهداءی ملاحسین کاشفی در قرن دهم است. دو فرزند از امام حسن به نام (ع) عبدا... در کربلا بودند، یکی عبدا... بن حسن (ع) است که در آغوش حضرت شهید شد و دیگری عبدا... (ع) است که عقد کرده سکینه (س) دختر امام حسین (ع) است. به خلاف مشهور که حضرت سکینه (س) را دخترپچه‌ای معرفی می‌کنند، ایشان همسر عبدا... بن حسن (ع) بوده است. همین مشتبه شدن اسامی حضرت قاسم و عبدا... باعث شده تا آن جریان عشقی را وارد داستان کربلا کنند. ■



بخش اول

مفهوم شناسی نذر

سید حجت سجادی زاده

می گوید: «الَّذَرُّ أَنْ تُوجِبَ عَلَى نَفْسِكَ مَا لَيْسَ بِوَاجِبٍ لِخُدُوثِ أَمْرٍ»؛ «نذر عبارت است از اینکه انسان کار غیر واجبی را به خاطر بروز مشکلی بر خود واجب کند.» واژگان نذر و انذار و نذیر و منذر از لحاظ ظاهری در یک خانواده قرار می گیرند. اما به دلیل معناساز بودن ابواب ثلاثی مزید، انذار و منذر و نذیر از یک گروه معنایی هستند که به سخن تهدیدآمیز گفته می شود و نذر همان معنایی است که گذشت.

نذر عبارت است از اینکه انسان کار غیر واجبی را به خاطر بروز مشکلی بر خود واجب کند

زرد، ترحلوا و ... متداول است که بیشتر با نذر، بر خود واجب می سازند و در کنار آن مرثیه خوانی انجام می گیرد. این اطعامها به یاد اهل بیت (ع) است.

مفهوم شناسی نذر

«نذر»، از اقسام عهد و پیمان هایی است که شخص میان خود و خدای خویش می بندد و استقامت در پیمان، علاوه بر مدح عقلی، از نظر شرع نیز ممدوح است و انسان بدین وسیله خود را در معرض مغفرت و بخشایش الهی قرار می دهد. شخص، وفای به نذر را اختیاری بر ذمه خود می آورد و روح تسلیم و فرمان برداری نسبت به مولا (ع) را نشان می دهد. هر آنچه را که نذرکننده قادر به انجام آن باشد و اطاعت، عبادت یا خشنودی خدای متعال در آن باشد و یا اینکه شرع آن را مستحب کرده باشد، در حیطه نذورات قرار می گیرد. راغب اصفهانی در «المفردات»

علاقه مندان به اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) گاهی انجام برخی از امور را نذر می کنند تا ملزم شوند آن را ادا کنند، از قبیل: نذر زیارت امام حسین (ع)، عزاداری برای آن حضرت، برپایی مجالس و تعزیه و ذکر مصیبت، اهدای وسیله یا پولی برای حرم یا زوار، اطعام، شرکت در دسته جات زنجیرزی و عزاداری، ساختن تکیه یا حسینیه و ... این گونه نذرها به طور طبیعی تأمین کننده بخشی از هزینه های احیای عاشورا و ترویج خط اهل بیت (ع) است و به کمک های مالی و جنسی یا انجام خدمات مربوط به سیدالشهداء (ع) جنبه معنوی و قداست می بخشد و افراد با افتخار به چنین کارهایی اقدام می کنند. در میان مردم، سنت هایی همچون آش نذری، سفره نذری، گوسفند نذری، شله

پیشینه نذر

آیات ۳۵ سوره آل عمران^۱ و ۲۶ سوره مریم^۲ با صراحت به جریان نذر کردن حضرت مریم (س) پرداخته‌اند. آیه هفتم سوره دهر نیز حکایت کننده داستان نذر امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) است.^۳ در تفسیر این آیه، مفسران بر این باورند که این آیه در مورد خانواده عصمت و طهارت، امیرالمؤمنین علی (ع) و صدیقه طاهره حضرت زهرا (س) و دو فرزند گرامی آنان حسن (ع) و حسین (ع) نازل شده؛ آنگاه که این دو کودک (دو نور دیده گرامی) مریض شده بودند. همگی نذر کردند که اگر خداوند عالم بر آنان شفا کرامت فرمود، سه روز روزه بگیرند. پس از آنکه حاجتشان برآورده شد، سه روز متوالی روزه گرفتند. در خطبه حضرت زهرا (س) نیز به آن اشاره شده است.^۴

روایات فراوانی نیز بر نذر اصحاب پیامبر (ص) و یاران امامان شیعه دلالت دارند؛ از قبیل اینکه مردی در زمان رسول خدا (ص)، نذر کرد که شتری را در بوانه نحر کند؛ پس حضور پیامبر (ص) رسید و ایشان را از جریان مطلع ساخت؛ ایشان فرمود: «آیا در آنجا در عصر جاهلیت، بتی وجود داشت که پرستش کنند؟» عرض کرد: «خیر!» فرمود: «آیا در آنجا در یکی از اعیاد جاهلی، اجتماعی تشکیل می‌شد؟» عرض کرد: «نه!» در این حال فرمودند: «به نذر خود جامعه عمل بپوشان. نذر در دو مورد درست نیست: ۱- گناه و نافرمانی خدا ۲- در چیزی که انسان مالک آن نیست.»

در مورد دیگری، زنی به پیامبر (ص) عرض کرد: «نذر کرده‌ام در محل خاصی، حیوانی را ذبح کنم.» فرمود: «آیا برای صنم (بت) نذر کردی؟» گفت: «خیر!» حضرت فرمود: «به نذر خود عمل کن.» پرسش‌های پیامبر گرامی اسلام (ص)، گواه بر این است که ذبح باید برای خدا باشد، نه برای بت. گزارش‌های تاریخی از وقوع نذر در قبل از اسلام خبر می‌دهند. یکی از موارد درباره اجداد رسول خدا (ص) بوده که در حدیث «انا ابن الذبیحین»^۵ اشاره شده است؛ منظور از ذبیح اول، حضرت اسماعیل (ع) و ذبیح دوم، عبدا... پدر گرامی رسول خدا (ص) است. (با نقد و تحلیل‌هایی که وجود دارد.) داستان ذبح عبدا... را بسیاری از مورخان شیعه و

سنی، نقل کرده‌اند. در جریان ذبح هدایا و اموال کعبه و جستجوی قریش، عبدالمطلب در کنار خانه کعبه، خواب حفر چاه زمزم را دید و پس از درگیری و رفع موانع، چاه را حفر کرد و هدایا از میان چاه بیرون آورد و همه را برای ساختن درهای کعبه و تزیینات آن به کار برد؛ بعد از آن بود که مردم مکه و حاجیان از آب سرشار زمزم بهره‌مند شدند.

گویند وقتی که عبدالمطلب برای حفر زمزم، مخالفت قریش و اعتراضات آنان را دید، با خود نذر کرد که اگر خداوند، ده پسر به او عطا فرماید، یکی از آنها را در راه خدا، در کنار کعبه قربانی کند. این در زمانی بود که یک پسر بیشتر نداشت. خداوند این حاجت او را برآورده کرد. با گذشت چند سال، ده پسر پیدا کرد و با تولد آخرین آنها، به یاد

نذر دارای سه رکن اساسی

- ۱- شخص نذر کننده
- ۲- صیغه نذر
- ۳- متعلق نذر است

نذر خود افتاد؛ پس پسران خود را جمع کرد و داستان نذر خود را برای آنان گفت. فرزندان به او گفتند: «ما همه در اختیار شما هستیم!» عبدالمطلب بعد از دیدن آمادگی پسرانش، آنان را کنار کعبه برد و برای انتخاب یکی از آنان قرعه زد که به نام عبدا... که نزد پدر، از همه محبوب‌تر بود، درآمد. علیرغم مخالفت بزرگان قریش، عبدالمطلب گفت: «نذری کرده‌ام که باید به آن وفا کنم.» بعد از گفت‌وگوی زیاد، قرار شد از شتران زیادی که عبدالمطلب داشت، بیاورند و بین آنها و نام عبدا... قرعه بزنند که بالاخره عبدالمطلب به فدیة کردن صد شتر، به جای فرزندش رضایت داد و با ذبح شتران آنها را بین مردم مکه تقسیم کرد. این نمونه‌ای از نذر در برابر شکر الهی بوده است.

نذر در فقه شیعی

از منظر فقه‌ای، نذر دارای سه رکن اساسی: ۱- شخص نذر کننده، ۲- صیغه نذر و ۳- متعلق نذر است. هر کدام از این سه

رکن دارای شرایط و اقسام خاص خود است که بسیاری از نذرهایی که در واقعیت بیرونی جامعه دینی منعقد شده یا انجام می‌شود، به خاطر اینکه برخی از این شرایط صحت را دارا نیستند، در عمل تحقق و بروز خارجی ندارند.

۱- رکن اول، نذر شخصی است که قصد نذر را دارد. این شخص باید شرایط تکلیف که همان مسلمان و عاقل و بالغ بودن است و توانایی بر انجام کار را داشته باشد و علاوه بر آن باید آنچه را مورد نذر اوست، با اختیار و از روی قصد برگزیده باشد. پس با این اوصاف شخص غیر مسلمان یا انسان غیر مکلف و شخص ناتوان در مورد موضوع نذر و شخص بیهوش و یا شخص مجبور و یا بی‌توجه به نذر از دایره موارد صحت نذر خارج هستند.

۲- رکن دوم، صیغه یا همان عبارتی است که با آن نذر واجب می‌شود که به دو صورت می‌توان ادا کرد: صیغه نذر یا باید به لفظ عربی باشد؛ به این عبارت که: «لِللّهِ عَلَیَّ انْ اَفْعَلْ اوْ لَافْعَلْ فُلان...» ترجمه عبارت این است: «برای خدا بر گردن من باشد که فلان کار را انجام دهم یا ترک کنم.» در صیغه نذر چند نکته باید دقت شود: اول اینکه عبارت «الله» بخش جهت نذر را مشخص می‌کند که نذر باید فقط برای جلب رضایت الهی باشد، به همین خاطر اگر در اصل، نذر برای ریا یا دلیل دیگری باشد، نذر محقق نشده است. نکته دوم عبارت «عَلَیَّ» است که همان بخش الزام اختیاری را می‌رساند. نکته سوم، عبارت «انْ اَفْعَلْ اوْ لَافْعَلْ» همان متعلق نذر را می‌رساند که به آن نیز خواهیم پرداخت. عبارت «فلان» این عبارت در اکثر مثال‌های رساله‌های عملیه کاربرد فراوان دارد که این لفظ مبهم، کنایه است از نوع کار که شخص مکلف آن را مشخص می‌کند. حال این «فلان» ممکن است غذا دادن در روز عاشورا یا غیبت نکردن باشد.

نکته اصلی درباره نذر این است که اگر صیغه نذر با لحاظ سه نکته (ذکر لفظ جلاله الله یا ترجمه آن، بر عهده من یا بر ذمه من و ... مشخص بودن نوع کار) به فارسی یا هر زبان دیگری نیز خوانده

یک استفتاء

درباره نذری اقلیت‌های مذهبی

س: اینجانب در محله آرامنه مسئولیت هیئت را به عهده دارم و در خصوص نذورات مسائل مبالغی بابت کشتن گوسفند دریافت می‌کنم. در خصوص گوسفند نذری اقلیت‌های دینی فرقی بین مسلمان‌ها دارد یا خیر؟

ج: اگر پول به شما بدهند و شما را مخیر کنند، اختیار دست شماست؛ هر گوسفندی را که خواستید بخرید و ذبح شرعی بکنید و نسبت به گوسفند نذری فرقی بین اقلیت‌های دینی و مسلمین نیست، ولی اگر اقلیت‌ها خودشان گوسفند را ذبح کنند، ذبیحه آنها (مثل سایر غیر مسلمان‌ها) حلال نیست. ■

پی‌نوشت:

۱- «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»؛ «(به یاد آورید) هنگامی را که همسر «عمران» گفت: «خداوند! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم که «محرر» (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد. از من بپذیر، که تو شنوا و دانایی!»

۲- «فَكُلِي وَأَشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا»؛ «(از این غذای لذیذ) بخور و (از آن آب گوارا) بنوش و چشمت را (به این مولود جدید) روشن دار! و هرگاه کسی از انسان‌ها را دیدی، (با اشاره) بگو: من برای خداوند رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام؛ بنابراین امروز با هیچ انسانی هیچ سخن نمی‌گویم! (و بدان که این نوزاد، خودش از تو دفاع خواهد کرد!)»

۳- «يُوفُونَ بِالَّذِي وَعِثًا فَوَيْلٌ لِّمَنْ كَانَ شُرُهُ مُسْتَطِيرًا»؛ «آنها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزه‌ی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند.»

۴- «والوفاء بالذکر تعريضاً للمغفرة»؛ «خداوند متعال وفای به نذر را زمینه‌ای برای مغفرت خود قرار داده است.»

۵- اشاره به حدیث: «سألت أبا الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن معنى قول النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا ابْنُ الذِّحْرَيْنِ؟ قال: يعني إسماعيل بن إبراهيم الخليل عليه السلام و عبدالله بن عبدالمطلب ...» که متن کامل آن در کتاب‌های خصال ۵۵ - ۵۷، عیون أخبار الرضا ۲۱۰/۱ آمده است.

۶- از شماره یک تا یازده و استفتاء برگرفته از کتاب اجوبة الاستفتانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام ظلّه است.

۶- هرگاه نذر کند به زیارت یکی از امامان (ع) مثلاً به زیارت حضرت امام حسین (ع) مشرف شود، اگر به زیارت امام دیگری برود کافی نیست و هرگاه به واسطه عذری نتواند آن امام (ع) را زیارت کند، چیزی بر او نیست.

۷- اگر چیزی برای حرم یکی از امامان (ع) یا امامزادگان نذر کند، باید آن را به مصارف حرم برساند، از قبیل تعمیرات و فرش و روشنایی و خدّامی که مشغول خدمت هستند و مانند آن، ولی اگر چیزی برای خود امام (ع) یا امامزاده نذر کرده، بی‌آن که نام حرم را ببرد، می‌تواند علاوه بر اموری که ذکر شد، صرف مجالس عزاداری و سوگواری یا نشر آثار آن بزرگواران، یا کمک به زوار آنها یا هر کار

اگر صیغه نذر
با لحاظ سه نکته
(ذکر لفظ جلاله الله یا ترجمه آن
بر عهده من یا بر ذمه من و ...
مشخص بودن نوع کار)
به فارسی یا هر زبان دیگری
نیز خوانده شود
نذر خاصیت خود را خواهد داشت

دیگری که نسبتی با آنها دارد بکند.
۸- گوسفندی را که نذر کرده‌اند، پشم آن و مقداری که چاق می‌شود، جزو نذر است و اگر پیش از آن که گوسفند به مصرف نذر برسد، بچه‌ای بیاورد، یا شیر دهد، احتیاط واجب آن است آن را هم به مصرف نذر برساند.

۹- هرگاه نذر کند، اگر مریض او خوب شود یا مسافرش سالم بازگردد، فلان کار خیر را انجام دهد، چنانچه معلوم شود پیش از نذر کردن مریض او خوب شده، یا مسافر آمده است، عمل کردن به نذر واجب نیست.

۱۰- هرگاه پدر یا مادری نذر کند دختر خود را به سید شوهر دهد، نذر آنها اعتباری ندارد و هنگامی که دختر به حد بلوغ رسید اختیار با خود اوست.

۱۱- اگر نذر کند، روز معینی را روزه بگیرد، باید همان روز را روزه بگیرد و چنانچه در آن روز مسافرت کند، قضای آن روز بر او واجب است.

شود، نذر خاصیت خود را خواهد داشت؛ مثلاً: برای خدا بر عهده من است که روزه بگیرم (نذر مطلق) برای خدا بر عهده من است که اگر بیمارم شفا یافتم، روزه بگیرم (نذر مشروط).

۳- رکن سوم، متعلق نذر است که شرط اصلی آن قدرت داشتن شخص نذرکننده بر انجام آن است. مباح بودن یا استحباب داشتن آن عمل از شرایط دیگر عملی است که نذر به آن تعلق می‌گیرد. پس عمل حرام یا لغو نمی‌تواند متعلق نذر باشد. البته گاهی می‌تواند متعلق نذر به صورت مشروط باشد؛ یعنی اینکه انجام یا ترک آن عمل مشروط به تحقق حاجت یا رفع مشکلی باشد و گاهی نیز می‌تواند به صورت مطلق خوانده شود به این صورتی که فقط جلب رضایت الهی مورد نظر شخص نذرکننده است.

بحث پایانی کفاره نذر است که اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند، باید کفاره بدهد؛ یعنی یک بنده آزاد کند یا به شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی‌درپی روزه بگیرد.

برخی احکام نذر

۱- نذر کننده باید مکلف و عاقل باشد و به اختیار و قصد خود نذر کند. بنابراین نذر کردن کسی که او را مجبور کرده‌اند، یا به واسطه عصبانی شدن بی‌اختیار نذر کرده، صحیح نیست.

۲- نذر زن اگر مزاحم حقوق شوهر باشد، بی‌اجازه او باطل است و اگر مزاحم نباشد، احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد.

۳- اگر نذر کند در هر هفته روز معینی (برای مثال روز جمعه) را روزه بگیرد، چنانچه یکی از جمعه‌ها مصادف با عید فطر یا قربان شود یا عذر دیگری مانند حیض برای او پیش آید، باید روزه را ترک کند، بنا بر احتیاط قضای آن را به جا آورد.

۴- هرگاه نذر کند مقدار معینی را صدقه دهد، چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد، باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهند.

۵- هرگاه نذر کند به فقیر معینی صدقه دهد، نمی‌تواند آن را به دیگری دهد و اگر آن فقیر بمیرد بنا بر احتیاط به ورثه او بدهد.

اخبار و احادیثی است که در مسیر استنباط یک حکم الزامی (واجب یا حرام) قرار بگیرد. اما در مورد مسائل مستحبی، به‌ویژه دعاها و زیارت‌ها، آن سختگیری و موشکافی سندی معمول نیست، بلکه همین مقدار که مضامین آن مقبول شرع باشد و در یک کتاب مشهور نقل شود کافی است.

پس اگر سند دعایی معتبر نباشد و به‌خصوص صدور آن از معصوم ثابت نشود، چون به نحو عموم به دعا و نیایش امر شده و دعا از اعمال راجحه و از عبادات مؤکده است، خواندن آن بر حسب عمومات قرآنی و حدیثی راجح و مستحب است و در مقام عمل نیازی به سخت‌گیری سندی نیست، بلکه قاعده «تسامح در ادله سنن» در اینجا جاری است و همین مقدار برای درک پاداش اخروی کافی است.

ولی با این وجود دعای ندبه را عده‌ای از علما و محدثان نقل کرده‌اند و برخی تا ۱۵ سند برای آن بر شمرده‌اند. از آن جمله:

سند اول: ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری

او معاصر شیخ نجاشی و از اعلام قرن پنجم بوده و این دعا را نقل کرده است؛ از استادان شیخ مفید است و شیخ مفید به کثرت از او روایت کرده است. حاج آقا بزرگ تهرانی در توصیف وی می‌فرماید: «وثاقت او، از نقل فراوان شیخ مفید از او و طلب مغفرت برای او، آشکار است.»^۱

سند دوم: ابوالفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنائی

دومین فرد مورد اعتماد و استنادی که دعای ندبه را در کتاب خود آورده، محمد بن علی بن ابی قره است که در کتاب «الدعاء» آن را از کتاب «بزوفری» نقل کرده است. علامه تهرانی می‌فرماید: «محمد بن مهدی در مزار و سید بن طاووس در اقبال و دیگر آثارش به کثرت از کتاب او نقل کرده‌اند.»^۲ محمد بن ابی قره از مشایخ اجازه نجاشی بود.^۳ مرحوم نمازی فرموده: «به اتفاق همه رجالیون مورد وثوق است.»^۴

سند سوم: محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری

(در کتاب مزار کبیر (مزار ابن مشهدی) از محمد بن ابی‌قره نقل کرده و آن را به امام مهدی (عج) نسبت داده است.)^۵ ابن مشهدی



دعای ندبه

سندشناسی دعای ندبه

معارف والا، حقایق درخشان، معانی روشن و مطالب ژرفی که با اسلوبی بدیع، بیانی شیوا، منطقی گیرا و عباراتی بسیار بلند و فصیح در این دعای شریف آمده، ما را از ارائه هر گونه سند و منبع بی‌نیاز می‌کند که چنین حقایق تابناک و دقایق درخشان، هرگز از هیچ منبعی، جز سرچشمه زلال ولایت، خاندان عصمت و طهارت، حضرات ائمه معصومین (ع)، سرچشمه نمی‌گیرد.

سختگیری‌های رایج در فقه شیعه، در مورد

سرویس اندیشه: یکی از تکالیف و آداب شیعیان در عصر غیبت؛ ناله کردن، ندبه کردن و تأسف خوردن به غیبت «امامشان» است. معنای لفظی ندبه یعنی خواندن و گریه بر شخص مرده همراه با ذکر خوبی‌های او است. این دعا مشتمل بر عقاید شیعه و تأسف بر غیبت مهدی (عج) است که از سوی امام صادق (ع) نقل شده و به خواندن آن در چهار عید: جمعه، عید فطر، عید قربان، عید غدیر توصیه شده است.

یکی از علمای جلیل‌القدر قرن ششم بود که در حدود ۵۱۰ ق. متولد شده و قبل از ۵۸۰ ق. دیده از جهان فرو بسته است.

دعا از اعمال راجحه و از عبادات مؤکده است، خواندن آن بر حسب عمومات قرآنی و حدیثی راجح و مستحب است و در مقام عمل نیازی به سخت‌گیری سندی نیست بلکه قاعده «تسامح در ادله سنن» در اینجا جاری است و همین مقدار برای درک پاداش اخروی کافی است
با این وجود برخی برای دعای ندبه تا ۱۵ سند برشمرده‌اند

تعدادی از استادانش را صاحب معالم در «اجازة کبیره» برشمرده که از آن جمله است: ورام (صاحب مجموعه ورام)، شاذان بن جبرئیل، ابن زهره، ابن شهر آشوب و ...^۶ از او کتاب ارزشمندی بر جای مانده که به «مزار کبیر» و «مزار ابن مشهدی» مشهور است. در طول هشت قرن که از تاریخ تألیف آن می‌گذرد، این کتاب همواره مورد اعتماد و استناد بزرگان شیعه بود و هر کتابی که در این هشت قرن پیرامون دعا و زیارت نوشته شده، با واسطه یا بی‌واسطه از این کتاب استفاده کرده است. ابن مشهدی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «من در این کتاب، از زیارات مشاهد مشرفه، اعمال و اماکن مقدسه، دعاهای برگزیده و تعقیبات نمازهای فریضه، آن را گرد آوردم که با سند متصل، توسط راویان مورد وثوق به دستم رسیده است.» حاج آقا بزرگ تهرانی در مجموع پانزده تن از مشایخ روایتی او را استخراج کرده و بر تفه بودن آنها صحه گذاشته است.^۷ وی در این کتاب، دعای ندبه را توسط محمد بن علی بن یعقوب بن ابی قره، از کتاب بزوفری نقل کرده است.

سند چهارم: سید بن طاووس

سید ابن طاووس در کتاب گرانقدر «مصباح الزائر» در بخش زیارت‌های حضرت ولی عصر (عج)، شش زیارت نقل کرده، آن گاه دعای ندبه را به عنوان هفتمین زیارت، به نقل از «محمد بن علی بن ابی قره» از «محمد بن حسین بن سنان بزوفری» روایت کرده است.^۸

وی همچنین در کتاب شریف «اقبال» نیز تعدادی از دعاهای اعیاد اسلامی را می‌شمارد.^۹ دعای ندبه را نقل می‌کند و در پایان می‌افزاید: «هنگامی که از دعا فارغ شدی، مهبای سجده در برابر پروردگار باش و بگو آنچه را که ما با سندهای خود از امام صادق (ع) روایت کردیم که فرمود: «پس از این دعا گونه راست خود را بر زمین بگذار و بگو: «سیدی سیدی... کم من عتیق لک ... ای عزیز ای جمیل»^{۱۰}».

از این تعبیر استفاده می‌شود که سید بن طاووس علاوه بر مزار کبیر طریق دیگری برای دعای ندبه داشته است؛ زیرا در مزار کبیر و مزار قدیم این قسمت اخیر وجود ندارد و سید تصریح کرده که آن را با سندهای خود از امام صادق (ع) روایت کرده است.

سند چهارم: علامه مجلسی

علامه مجلسی دعای ندبه را در کتاب گرانسنگ «بحارالانوار» به نقل از «مصباح الزائر» سید بن طاووس نقل کرده است.^{۱۱} ایشان در کتاب «زاد المعاد» نیز دعای شریف ندبه را نقل کرده است.^{۱۲} همچنین در کتاب «تحفة الزائر» به دنبال اعمال سرداب مقدس می‌فرماید: ««دعای ندبه» از برای صاحب الزمان (ع) را سید و شیخ محمد بن مشهدی از محمد بن علی بن [ابی] قره نقل کرده که او از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده و مستحب است که در عیدهای چهارگانه بخواند و آن دعا این است...» آن گاه دعای ندبه را نقل فرموده است.^{۱۳}

سند پنجم: محدث نوری

محدث میرزا حسین نوری، در کتاب تحیة الزائر دعای ندبه را به نقل از مزار کبیر، مزار قدیم و مصباح الزائر سید بن طاووس روایت کرده است.^{۱۴}

سند ششم: محدث قمی

خاتم‌المحدثین مرحوم حاج شیخ عباس قمی، (م ۱۳۵۹ ق.) در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» در ضمن اعمال سرداب مقدس و زیارت‌های حضرت صاحب الزمان (ع)، دعای شریف ندبه را به نقل از «مصباح الزائر» سید بن طاووس، قدس سره، روایت کرده است.^{۱۵}

شرح‌های دعای ندبه

برخی از قدیمی‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- شرح دعای ندبه از صدرالدین محمد حسنی مدرس یزدی
- عقد الجمان الندبة صاحب‌الزمان از میرزا

- عبدالرحیم تبریزی
- وسیلة القرية فی شرح دعاء الندبة از شیخ علی خوئی
- شرح دعای ندبه از ملاحسن تربتی سبزواری
- النخبة فی شرح دعاء الندبة از سید محمود مرعشی
- شرح یا ترجمه دعای ندبه از سردار کابلی
- معالم القرية فی شرح دعاء الندبة از محدث ارموی
- وظائف الشيعة فی شرح دعاء الندبة از ادیب اصفهانی
- کشف الکربة از محدث ارموی
- نوید بامداد پیروزی از موسوی خرم‌آبادی.
- شرح و ترجمه دعای ندبه از محب الاسلام
- نصره المؤمنین از عبدالرضا خان ابراهیمی
- فروغ الولاية از آیت ا... صافی
- الکلمات النخبة از عطائی اصفهانی
- رساله حول دعاء الندبة از محمد تقی تستری
- رساله حول دعاء الندبة از میرجهانی اصفهانی
- سند دعاء الندبة از سید یاسین الموسوی
- شرحی بر دعای ندبه از علوی طالقانی

از انبیاء گذشته تا رسول گرامی اسلام (ص) گریه به امید دیدار امام زمان (عج) ادامه داشته است نکته مهم در این است که این گریه برای شخص نیست بلکه برای شخصیت محقق‌کننده آن آرزو موضوعیت دارد

آیا معقول است که پیش از تولد فردی در فراقش گریه کنند؟

تقریر شبیهه: متن دعای ندبه از ناحیه امام صادق (ع) صادر شده است. ایشان در سال ۱۴۸ ق. به شهادت رسیده و حال آنکه امام زمان (عج) در سال ۲۵۵ ق. یعنی ۱۰۷ سال بعد دیده به جهان گشوده است. پس چگونه ممکن است انسان برای کسی که بعد از یک قرن دیده به جهان خواهد گشود، گریه و زاری کند و در فراقش اشک بریزد؟!

پاسخ اینکته: این سخن در حالت عادی آن درست است و هرگز معقول نیست که یک انسان عاقل برای ششمین نواده‌اش گریه و زاری کند و در فراقش اشک حسرت بریزد. از سدیر صیرفی روایت است که با گروهی از اصحاب به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شده، حضرتش را دیده بودند که روی خاک‌ها نشسته، همانند مادر داغ فرزند دیده، سیل اشک روان کرده، ناله‌های جانسوز سر می‌دهد، هنگامی که از علت آن جويا شده بودند با یک بیان جانکاه فرموده بودند که برای طولانی شدن غیبت حضرت قائم (ع) و پریشانی مؤمنان در دوران غیبت اشک می‌ریزند.^{۱۶}

اشک و گریه برای امام زمان (عج) تنها از زمان امام صادق (ع) نبوده است، بلکه از انبیاء گذشته تا رسول گرامی اسلام (ص) گریه به امید دیدار او ادامه داشته است. نکته مهم در این است که این گریه برای شخص نیست، بلکه برای شخصیت محقق کننده آن آرزو موضوعیت دارد و از آنجایی که این نواده ششم امام صادق (ع) همان فرزند رسول خدا (ص) لباس تحقق بر تن این آرزوی دیرین می‌پوشاند، برای او می‌گریند. از پیشوای متقیان امیر مؤمنان حضرت علی (ع) روایت شده که در قنوت خود می‌فرمود: «اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا و غیبة امامنا ففرج ذلک اللهم بعدل تظهره و امام حق نعرفه...» «خدایا ما به تو شکایت می‌کنیم از رحلت پیامبرمان و غیبت پیشوایمان... خدایا با عدالتی که ظاهرسازی و پیشوای حقی که از او شناخت داریم گشایشی فراهم کن...»^{۱۷}

شهید اول در کتاب «ذکری» می‌گوید: «ابن ابی عقیل این قنوت امیر مؤمنان (ع) را از میان دعاها برگزیده و فرموده است: «به من رسیده است که امام صادق (ع) به شیعیان خود امر می‌کرد که بعد از کلمات فرج این دعا را در قنوت بخوانند.»^{۱۸}

جالب توجه است که حضرت علی (ع) بیش از دو قرن پیش از میلاد مسعود آن امام موعود، در قنوت نمازش از غیبت آن قبله موعود به خدا شکایت می‌کند و گشایش همه مشکلات جهان اسلام را با ظهور آن مصلح جهانی از خدای منان درخواست می‌کند. امام باقر (ع) همان متن را در قنوت نمازش می‌خواند و به زراره فرمان داد که آن را در قنوت‌های خود در

روز جمعه بخواند و امام صادق (ع) به شیعیان دستور می‌دهد که آن را بعد از کلمات فرج در قنوت بخوانند.

امام باقر (ع) در قنوت نمازش از طول غیبت می‌نالده و به محضر پروردگار عرضه می‌دارد: «... اللهم فان القلوب قد بلغت الحناجر، و النفوس قد علت التراقي و الاعمار قد نفدت بالانتظار...»؛ «...خدایا دل‌ها به تنگنای گلوها رسید، نفس‌ها در سینه حبس شد و عمرها در اثر انتظار به پایان رسید...»

آن گاه از خداوند می‌خواهد که آرزوی باورداران را تحقق بخشد، مؤمنان را به آرزوی خود نائل سازد، دین را نصرت دهد، حجتش را آشکار کند و به دست نیرومندش از دشمنان انتقام بگیرد.^{۱۹}

این حال انتظار و اشتیاق، به امامان (ع) اختصاص ندارد، بلکه بسیاری از اصحاب، تحت تربیت رسول اکرم (ص) و پیشوایان دین، با دولت کریمه حضرت بقیة... (عج) آشنا شده، عشقی جانسوز پیدا کرده، شب و روز در فراق آن حضرت اشک می‌ریختند که یک نمونه آن، جناب سلمان است.^{۲۰}

جالب‌تر اینکه این سوز و گداز به اصحاب پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) نیز اختصاص نداشت، بلکه برخی از بزرگان اهل سنت نیز از این عشق و علاقه بهره‌مند بودند که یک نمونه آن «عباد بن یعقوب رواجنی» است.

رواجنی از بزرگان اهل سنت بود، بخاری، ترمذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزاز و دیگر محدثان اهل سنت، از او روایت کرده‌اند و همه رجالیون بر وثاقت و صداقت او تأکید کرده‌اند.^{۲۱}

نقل است که قاسم بن زکریا برای استماع حدیث به خدمت رواجنی رفت، بالای سرش شمشیری آویخته مشاهده کرد، پرسید: «این شمشیر از آن کیست؟» رواجنی پاسخ داد: «من آن را مهیا کرده‌ام که در محضر حضرت مهدی (ع) با آن شمشیر بزنم.»^{۲۲}

نکته جالب توجه این است که رواجنی به سال ۲۵۰ ق. وفات کرده^{۲۳} و حضرت بقیة... (عج)، به سال ۲۵۵ ق. متولد شده است. از او کتابی به یادگار مانده به نام «اخبار المهدی المنتظر».^{۲۴} اهمیت کتاب رواجنی در این است که آن را پیش از تولد حضرت بقیة... (عج) نوشته است. ■

معرفی کتاب

«دعای ندبة منظوم: متن عربی ندبه، همراه با ترجمه‌های فارسی و انگلیسی»

نویسنده: اقدس کاظمی

* تعداد صفحه: ۷۲

* نشر: سلسله (۲۸ اسفند، ۱۳۸۴)

پی‌نوشت:

- ۱- تهرانی، آغا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۱۹۴
- ۲- الطهرانی، آغا بزرگ، همان، ص ۱۸۴
- ۳- همان، طبقات اعلام الشیعة، قرن پنجم، ص ۱۸۲
- ۴- نمازی، شیخ علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۵۱
- ۵- المزار، ص ۵۷۳، دعای ۱۰۷
- ۶- تهرانی، آغا بزرگ، طبقات اعلام الشیعة، قرن ششم، ص ۲۵۲
- ۷- همان، الذریعة، ج ۲۰، ص ۳۲۴
- ۸- ابن طاووس، السید علی، مصباح الزائر، ص ۴۴۶-۴۵۳
- ۹- همان، اقبال الاعمال، ص ۲۹۵
- ۱۰- همان، ص ۲۹۹
- ۱۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۴-۱۱۰
- ۱۲- مجلسی، محمدباقر، زادالمعاد، ص ۴۸۶، چاپ سنگی
- ۱۳- همان، تحفة الزائر، بدون شماره صفحه، چاپ سنگی
- ۱۴- نوری، حسین بن محمدتقی، تحفة الزائر، ص ۲۴۸
- ۱۵- برای مطالعه بیشتر می‌توانید به این چند کتاب مراجعه کنید. تحقیقی درباره دعای ندبه، نوشته آیت... استادی، فروغ ولایت در دعای ندبه، نوشته آیت... صافی گلپایگانی، مدارک دعای شریف ندبه، صوری قمی و کتاب نصره المؤمنین در حمایت از دعای ندبه، عبدالرضا ابراهیمی
- ۱۶- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۵۳
- ۱۷- محدث‌نوری، میرزا حسین طبرسی، مستدرک‌الوسائل، ج ۴، ص ۴۰۴
- ۱۸- شهید اول، محمد بن المکی، الذکری، چاپ سنگی، ص ۱۸۴
- ۱۹- سید بن الطاووس، مهج‌الدعوات، ص ۵۲
- ۲۰- همان، فلاح‌السائل، ص ۲۰۰
- ۲۱- طبری، محمد بن جریر، دلائل‌الامامة، چاپ قم، ص ۴۴۹
- ۲۲- ذهبی، میزان‌الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹
- ۲۳- بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ‌الکبیر، ج ۶، ص ۳۴
- ۲۴- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۳، ص ۲۵۸

نگاهی به نصایح شیخ عبدا... مامقانی به فرزندش در لزوم زیارت امام حسین (ع) و برپاداری مجالس سوگواری حسینی

سر ویس اندیشه: تألیف کتاب‌هایی شامل پند و نصیحت و انتقال تجربیات به فرزندان و نسل‌های آینده، پیشینه‌ی درازدانی در فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی دارد. یکی از جدیدترین آثار برجسته در این زمینه کتابی است به نام «مرآة‌الرشاد...»^۱ که توسط فقیه بزرگوار شیخ عبدا... مامقانی^۲ برای فرزندش «محمدحسن» به رشته‌ی تحریر درآمده است. این کتاب که به راستی می‌توان آن را «الگوی زیست ایمانی» نامید، هم از آنجا که از سویی کاملاً بر اساس آیات قرآنی و روایات معصومین (ع) فراهم آمده و از سوی دیگر یک «فقیه اصولی، محدث مفسر، ادیب لغوی، متکلم رجالی، دانشمند پرآوازه و مجتهد بلندپایه، آیت تحقیق و استوانه‌ی تدقیق» (انصاری ۱۳۸۵: ۵۶۱) و نیز عامل به مطالب مطرح شده در آن، آن را تألیف کرده، به خوبی می‌تواند راهگشا و آموزنده‌ی زیست ایمانی برای عموم مؤمنان باشد.

درباره مؤلف

مؤلف کتاب شیخ عبدا... مامقانی (۱۸۷۲-۱۹۳۲م) یکی از برجسته‌ترین محققان و پژوهشگران تاریخ شیعه است. وی در نجف اشرف به دنیا آمد و پس از تحصیلاتی عمیق، اما فشرده به درجه‌ی اجتهاد رسید. وی به عنوان یک مرجع تقلید شیعه، کتاب‌های بسیاری در زمینه‌های گوناگون علمی همچون فقه، اصول، رجال، تراجم، درایة‌الحديث، حدیث، کلام و مناظره، طب، علوم غریبه و بالاخره اخلاق تألیف کرد. برخی از تألیفات وی را می‌توان از برجسته‌ترین کوشش‌های علمی در تصنیف کتاب و عظیم‌ترین پروژه‌های تحقیقی در جهان دانست.^۳ علاوه بر صفات علمی، ویژگی‌های متعالی اخلاقی او نیز مورد توجه دیگران واقع می‌شد؛ چنان که درباره‌ی ایشان نوشته‌اند که دارای «اخلاقی نیک و رفتاری پسندیده بود. زهد، ورع [پرهیزگاری]، فروتنی، گفتار صریح و دوری از تمام مظاهر کبر، ریا و اخلاق ناپسند از ویژگی‌های نمایان وی بود.» (انصاری ۱۳۸۵: ۵۷۹) در کتاب «مرآة‌الرشاد» ضمن اشاره به اصول دینی و باورهای اسلامی، با شمار زیادی از اعمال و بایدهای روزانه نیز مواجهیم که شیخ عبدا... مامقانی آنها را به فرزندش گوشزد و عمل بدان‌ها را به او تأکید کرده است.

وی درباره‌ی شماری از دستورات دینی، به تجربیات شخصی خود در عمل به آنها و مشاهده‌ی تأثیرات

آنها اشاره کرده است. یکی از این موارد، تشکیل و برپاداری عزای سیدالشهداء امام حسین (ع) و احیای شعائر حسینی است. شیخ مامقانی، همچون دیگر نصایح این کتاب، خود عامل به این دستور بوده؛ چنان که در این باره نوشته‌اند: «آن فقیه بزرگوار به اقامه‌ی سوگواری سالار شهیدان علاقه‌ی بسیار داشت و شب‌های جمعه در منزل خویش اقامه‌ی عزا می‌کرد. وی هر روز پیش از درس خود، حدیثی اخلاقی را عنوان می‌کرد و درباره‌ی آن گفت‌وگو می‌کرد و پس از آن مصیبت امام حسین (ع) را تذکر می‌داد.» (انصاری ۱۳۸۵: ۵۸۰) شیخ عبدا... مامقانی توصیه‌های خود را درباره‌ی برپاداری عزاداری حسینی، در این کتاب، پس از توصیه به توسل به اهل بیت (ع) ذکر کرده است. توصیه‌های وی در حقیقت چکیده‌ای دقیق از دستورات دینی فراوانی است که درباره‌ی این موضوع به مؤمنان ابلاغ شده است. به همین سبب درباره‌ی معنای تفصیلی هر یک از وصایا در پاورقی توضیح داده خواهد شد.^۴ متن اصلی کتاب به زبان عربی است که ترجمه‌ی بخش منتخب آن بدین وسیله تقدیم خوانندگان می‌شود.

ای فرزندم...

شیخ عبدا... مامقانی خطاب به فرزند خود می‌نویسد: «... و ای فرزندم! بر تو باد برپاداری عزا و سوگ اباعبدا... -بر او سلام [خدا] باد!- در هر روز و شب یک بار تا آنجا که بتوانی. در صورتی که نتوانستی هزینه‌ی این کار را تأمین کنی و جز خواندن کتاب عزاداری^۵ [امام حسین (ع)] برای خانواده‌ات برایت ممکن نشد، چنین کن [حداقل این کتاب‌ها را برای خانواده‌ات بخوان.]: زیرا امام حسین (ع) در نزد خداوند عزیز و گرمی است؛ از آن رو که به صورت منحصر به فردی امر خداوند را اطاعت کرد و جان و مال و خانواده‌اش را به طور کامل در راه خدای بزرگ بخشش کرد. [پس بدان] که در توسل به امام حسین (ع) خیر دو جهان و رستگاری دنیا و آخرت مهیاست.»

شیخ مامقانی در ادامه می‌نویسد: «و ای فرزندم اگر از مزار امام حسین (ع) دوری، در هر روز یک‌بار زیارت امام حسین (ع) را بخوان و در هر ماه یک‌بار به زیارت او هسپار شو! و حداقل در یکی از درنگ‌گاه‌های هفتگانه‌ی امام حسین (ع) را زیارت کن! و اگر در شهری دور از مزار امام حسین (ع) ساکن هستی، پس [حداقل] در سال

یک‌بار به زیارت امام حسین (ع) برو! زیرا هر کس که روایات [درباره‌ی زیارت امام حسین (ع)] را ببیند و بر آنچه گفتیم مواظبت و مداومت کند و آنچه من از مواظبت و مداومت بر این زیارت دیدم را ببیند، آنچه به تو گفتیم را ترک نخواهد کرد و من از زیارت امام حسین (ع) و برگزاری [مجالس] عزاداری بر او کراماتی دیده‌ام که عقل‌ها را شگفت‌زده می‌کند و کمترین چیزی که من از انجام این امور دیدم آن بود که هر بار پس از زیارت امام حسین (ع) گشایشی در امور زندگی و افزایشی در زندگی اقتصادی‌ام مشاهده کردم و آنچه در نزد خداوند است [از پاداش زیارت امام حسین (ع) و برپاداری مراسم عزاداری آن امام (ع)]، بهتر و بادوام‌تر [از گشایشی در امور زندگی و افزایشی در زندگی اقتصادی] است.»^۶

منابع:

- انصاری، ناصرالدین انصاری، «آیت... حاج شیخ عبدا... مامقانی»، اختران فقاقت: بررسی زندگی علمی و سیاسی گروهی از علمای سده‌ی اخیر، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵، ۵۸۳-۵۶۱ ص
- مامقانی، عبدا...، مرآة‌الرشاد فی الوصیه الی الاحبه و الذریه و الاولاد، تألیف عبدا... المامقانی، علق علیه و حقه و ضبط مصادره محیی‌الدین مامقانی، باشراف و مراجعه محمدرضا مامقانی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲، ۲۴۰ ص
- پی‌نوشت:**
- ۱- نام کامل کتاب چنین است: «مرآة‌الرشاد فی الوصیه الی الاحبه و الذریه و الاولاد». ترجمه‌ی عنوان کتاب نیز چنین است: «آینه‌ی رستگاری در وصیت به دوستان، فرزندان و زادگان»
- ۲- شهر مامقان ۵۰ کیلومتری جنوب غرب تبریز واقع است.
- ۳- به عنوان نمونه‌ی وی در کتاب «تنقیح المقال فی علم الرجال» شرح حال حدود هفده هزار نفر را ذکر کرده و درباره‌ی نام‌های مردان، زنان، القاب و کنیه‌ها توضیح داده است. چاپ این کتاب با استنادهای جدید به ۶۰ جلد بالغ می‌شود.
- ۴- این توضیحات بر اساس پاورقی‌های چاپ اخیر کتاب تهیه شده است.
- ۵- منظور کتاب‌های مقتل و شهادت‌نامه‌های امام حسین (ع) است.
- ۶- منظور زیارت امام حسین (ع) در شب عاشورا و روز عاشورا، روز اربعین، اولین روز از ماه رجب، نیمه‌ی رجب، نیمه‌ی شعبان، شب عید فطر و روز عرفه است.

سر مشق معلی

چگونگی الگوگیری از

امام حسین (ع)

در عصر حاضر

مریم معین الاسلام

یکی از مسائل مهم و پیچیده‌ای که امروزه متولیان تعلیم و تربیت اسلامی با آن روبه‌رو هستند، چگونگی الگوسازی از اسوه‌های دینی، متناسب با شرایط موجود است؛ زیرا به طور قطع می‌توان گفت که در نظام تربیتی اسلام، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت مذهبی، همانندسازی با الگوهای برتر است.

از سوی دیگر، تاریخ اجتماعی بشری نشان می‌دهد که در صورت عدم وجود الگوها در یک جامعه انسانی، افراد در زندگی ظاهری، عقلی و ایمانی خویش سردرگم و حیران می‌مانند؛ زیرا انسان، شاخصی (معیاری) برای سنجش و تعیین مقدار دارایی‌های ارزشی، اخلاقی و انسانی خود ندارد و سلامت یا بیماری اجتماعی‌اش را تشخیص نمی‌دهد. انسان در چنین حالتی نه میزانی برای سنجش حدود، کمالات، صفات انسانی و الهی خویش و نه میزانی برای سنجش نارسایی و کمبودهایش دارد. شاید گزاف نباشد اگر قائل شویم که بحران‌های بی‌شمار اخلاقی و ارزشی که در قرن بیستم برای بشر پدید آمده، به دلیل وجود همین خلا است. به هر حال برای جامعه‌ای که می‌خواهد نسلی

توانمند، پویا، مؤثر، پربصابت و دارای عشق و ایمان پرورش دهد، بدون توجه به الگوی بی‌بدیل عالم اسلام مسیر نخواهد بود. در این نوشتار، نگارنده سعی دارد، به عنوان یکی از مسائل مهم و اساسی، این سؤال را که همان چگونگی الگوسازی از اسوه‌های دینی در عصر حاضر است، پاسخ گوید. به این امید که با طرح و ریبایی این مسئله، روزنه‌ای به دنیایی از پژوهش‌ها و کنکاش‌هایی که برآیند آن، دستیابی به مدلی از الگوگیری باشد، گشوده شود.

مفهوم الگوگیری

الگو (pattern) در کتاب فرهنگی علوم اجتماعی چنین تعریف شده است: «الگو به معنای مدل، گونه و هنجار است.» الگو به افراد انسانی کامل و رشد یافته‌ای که لیاقت سرمشق بودن دیگران را دارند، اطلاق می‌شود.

الگوی تربیتی نیز که در فرهنگ اسلامی از آن به اسوه، امام، شاهد و ولی ... تعبیر می‌شود، عبارت از شخص یا جامعه‌ای است که می‌تواند آئینه یا تبلور عینی یک مکتب یا نظام فکری باشد. به همین جهت نظریه‌پردازان معتقدند که از دو طریق می‌توان به ساختار یک مکتب و نظام فکری آن پی برد:

۱- شناخت طرح و اصول اساسی آن در جنبه تئوریک

۲- شناخت الگوهای عینی و عملی برای تربیت افراد
در فرهنگ قرآنی از عالمان ربانی، حزب خدا، اولیای خدا، جانشینان خدا، اهل ذکر، نفس‌های مطمئن، راسخان در علم، عبادالرحمان، درهای اسلام، احیاگران معارف و مبانی دینی به عنوان الگوها و اسوه‌ها یاد شده است. عرفای اسلام از آنان به «انسان کامل»، «پیر و مرشد»، «ولی ...»، «عقل کامل»، «مرد حر»، «آئینه خدانما» و ... تعبیر کرده‌اند.

اسوه در لغت‌نامهٔ دهخدا چنین تعریف شده است: «اسوه، پیشوا، مقتدا، قدوه، پیش‌رو، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی و پیشوایی می‌شود.» راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» معنایی این گونه ارائه می‌دهد و اسوه را حالتی از حالات انسانی می‌داند که از آن طریق آدمی از دیگری در خوب و بد و سود و ضرر پیروی می‌کند.

نقش اسوه‌های دینی

در تکوین شخصیت انسان

عوامل متعددی در تحول و تکون شخصیت انسان مؤثر است؛ مانند: وراثت، فطرت، نظام سیاسی، خانواده، گروه هم سن و مسائل فرهنگی. ولی در بین این عوامل، مؤثرترین تأثیر و نقش را الگوها دارند.

الگوها (مثبت یا منفی) از امتیازاتی برخوردارند که می‌توانند تمام یا بخشی از آرمان‌ها و آرزوهای

سبب آنان بر پا می‌ایستد و آنان به سبب کتاب خدا بر پا ایستاده‌اند.»

الگوهای ربانی بر اثر معرفت و محبت به حضرت حق و انبیا و اولیای الهی، محبوب حضرت حق و اولیای او واقع می‌شوند که نهایت آن وحدت محب و محبوب است و به حدی از کمال می‌رسد که روح محب، آیین‌سان، تمام صفات و اسمای الهی را در خود منعکس می‌کند. شخصیت ربانی، قرآن مجسم و اسلام زنده است. به همین جهت دستیابی به قرآن و اسلام ناب بدون عنایت به این الگوهای عینی ممکن نخواهد بود.

چگونگی الگوگیری از اسوه‌های دینی

تردیدی نیست که شخصیت عظیم اسوه‌های دینی در همهٔ زمینه‌های زندگی الگو و اسوه‌اند؛ به گونه‌ای که اگر همهٔ انسان‌ها از آن سرمشق بگیرند، به طور قطع سعادت در دو جهان را به دست خواهند آورد. با توجه به اینکه در میان غرایز متفاوت انسان، غریزهٔ الگوخواهی و سمبل‌طلبی از نظر تربیتی و روان‌شناسی تربیتی اهمیت فراوان دارد، انسان با غریزهٔ الگوخواهی به شناخت سمبل‌ها، سرمشق‌ها و الگوهای برتر روی می‌آورد. انسان با الگوها و سمبل‌هایش زندگی می‌کند، تصمیم می‌گیرد و انتخاب می‌کند.

فقدان اسوه حسنه

در طی طریق کمال
بدان معناست

که انسان اسیر شیطان شده
و خلا وجودی آن را در همهٔ ابعاد
اعم از فردی-اجتماعی
با اسوه‌های سیئه پر سازد

معرفی الگوهای معصوم از جانب پروردگار، پاسخ مناسب خالق انسان‌ها به غریزهٔ الگوخواهی و سمبل‌طلبی است. به همین جهت است که مفسر و مبین به حق قرآن، حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

«در زندگی فردی و اجتماعی، در تحولات سیاسی و اجتماعی، در جنگ و صلح، در قیام و قعود، به امامان معصوم و اهل بیت (ع) بنگرید، از آنها الگو بگیرید، روش‌های آنان را با روح تقلید و تمرین تکرار کنید. در غیر این صورت مثل گوسفندی که از گلهٔ خود جدا شده، طعمهٔ گرگ‌های گرسنه خواهید شد.»

می‌داشت و مرا به پیروی آن فرمان می‌داد.» انسان همواره به الگو نیاز دارد و برای شکل دادن شخصیت خود نمونه و سرمشق می‌طلبد. این نیاز و طلب ریشه در فطرت دارد. معرفی الگوهای ربانی در قرآن پاسخ به همین نیاز است.

از دیدگاه عقل
بیشترین نقش در تکوین شخصیت
از الگوهای عینی است
زیرا دریافت پیام از طریق الگوها
آسان‌تر از دریافت
از طریق عامل ذهنی و آموزشی است

در مجموع باید گفت؛ فقدان اسوهٔ حسنه در طی طریق کمال، بدان معناست که انسان اسیر شیطان شده و خلا وجودی آن را در همهٔ ابعاد، اعم از فردی-اجتماعی با اسوه‌های سیئه پر سازد؛ «من لم یکن له شیخ فشیخه الشیطان» استعمارگرانی که به دگرگونی ارزش‌های ملتها فکر می‌کنند، ابتدا الگوها را تغییر می‌دهند و الگوهای دلخواه را در تمام جوانب زندگی یک جامعه مطرح می‌سازند تا نسبت به استحاله فرهنگی و همسان‌سازی فرهنگی فرد با فرهنگ خود موفق شوند.

ویژگی‌های الگو

قرآن برای شخصیت‌های ربانی پنج ویژگی بنیادین را معرفی می‌کند:

- ۱- عشق آتشین به حضرت حق و اولیای او
 - ۲- تعقل و علم برتر
 - ۳- توانایی و قدرت برتر
 - ۴- هماهنگی بین عمل و گفتار
 - ۵- تلازم با اجتماع یا وحدت در عین کثرت
- حضرت علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «اولیای خدا (الگوهای ربانی) آنان‌اند که به باطن دنیا می‌نگرند، آن‌گاه که مردم به ظاهر آن می‌نگرند و به فردای آن می‌پردازند، آن‌گاه که مردم به امروز آن سرگرم‌اند. از آنچه که ترسیده‌اند آنان را بمیراند، میرانده‌اند. آنچه را که دانسته‌اند و به زودی ترکشان خواهد کرد، ترک گفته‌اند. بهره‌گیری فراوان دیگران از دنیا را اندک‌خواهی و دست یافتنشان به آن را از دست دادن می‌بینند. دشمن آن‌اند که مردم با آن آشتی کرده‌اند. با آنچه مردم با آن دشمن‌اند، در آشتی به سر می‌برند. کتاب خدا به واسطهٔ آنان دانسته می‌شود و آنان با کتاب خدا دانا شده‌اند. کتاب به

متعلم و طالب را به طور عینی و مجسم در پیش روی او قرار دهند و بر عمق وجود آنان نفوذ کنند؛ یعنی الگوها گمشدهٔ انسان‌اند که با نبودشان شاگرد احساس خلاء و کمبود می‌کند. او می‌خواهد پیش از آنکه اوصاف شخصیت ربانی را بشنود، او را با چشم خویش ببیند.

اصلاً گرایش انسان به اسطوره‌سازی از همین نیاز یا خلالی ذاتی سرچشمه می‌گیرد. از دیدگاه عقل بیشترین نقش در تکوین شخصیت از الگوهای عینی است؛ زیرا دریافت پیام از طریق الگوها آسان‌تر از دریافت از طریق عامل ذهنی و آموزشی است. علاوه بر آن عامل عینی مؤثر است. یادگیری از طریق الگو از مقولهٔ دیدن است، ولی شرح و بیان از مقولهٔ شنیدن. تحقیقات نشان می‌دهد که ۸۰ درصد یادگیری از طریق دیدن صورت می‌گیرد و فقط ۱۳ درصد یادگیری از طریق شنیدن است و ۷ درصد از طریق حواس دیگر. دقیقاً به همین دلیل است که در آموزه‌های دینی ما سفارش شده: «کونوا دعاء الناس بغير السنتمکم»؛ «دعوت کنندگان مردم باشید به غیر زبانتان».

به هر حال، نخستین عامل سرنوشت‌ساز در تربیت انسان الگوست. انسان همواره به الگو نیاز دارد و برای شکل دادن شخصیت خود نمونه و سرمشق می‌طلبد. این نیاز و طلب، ریشه در فطرت دارد. معرفی الگوهای ربانی در قرآن پاسخ به همین نیاز است؛ (لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنة لمن کان یرجو الله و فی ابراهیم والذین معه)، (لقد کان لکم فیهم اسوه حسنة لمن کان یرجو الله).

یکی از دلایل استمرار امامت و خالی نبودن زمین از حجت که امری حتمی و مسلم در مذهب ماست، در همین نکته نهفته است؛ زیرا انسان همواره به چهره‌های صالح و شایسته، محتاج است تا با اقتدای به سیمای فکری، اعتقادی، علمی، عملی و اخلاقی آنان درس فضیلت بیاموزد و راه سعادت دنیا و آخرت خویش را بیابد.

در واقع دستیابی به قرآن و اسلام ناب بدون عنایت به الگوهای عینی ممکن نخواهد بود. حضرت علی (ع) با آن همه فضایل، خود را بی‌نیاز از الگو و مقتدا نمی‌بیند و در خصوص تأثیر تربیت رسول اکرم (ص) در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی خود می‌فرماید: «من از پیامبر اکرم (ص) به طور کامل پیروی می‌کردم و هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای بر پا

اما آنچه که ما در این نوشتار درصدد پاسخ‌گویی به آن هستیم، این است که چگونه با این الگوهای معصومی همچون امام حسین (ع)، همانندسازی و با توجه به شرایط موجود چگونه الگوسازی کنیم.

روان‌شناسان اجتماعی در دو دهه به تبعیت از باندورا (نظریه‌پرداز برجسته) یادگیری اجتماعی در بررسی‌های علمی خود به این نتیجه رسیده‌اند که آموزش و یادگیری اجتماعی از طریق الگوها فرآیند پیچیده‌ای است که حداقل دو شرط در تحقق آن دخالت دارد:

۱- اکتساب و اختیار رفتارها و عادت‌های آنان
 ۲- پذیرش رفتار الگوها به عنوان الگوی رفتاری و حرکت در مسیر آنها و تکرار رفتارشان
 برای الگوسازی از الگوهای دینی باید ببینیم، آنها چه قدم‌هایی را برداشته و چه باورهایی داشتند؛ به بیان دیگر کشف دقیق و مشخص راه‌هایی که آنها رفتند که به این عمل در اصطلاح مدل‌سازی می‌گویند.

پایه‌گذاران علم مدل‌سازی، جان گریندر (Ggreinder)، زبان‌شناس برجسته جهان و ریچارد بندلر (bandler) ریاضی‌دان، دریافته‌اند که برای الگوسازی باید از رفتار الگوها مدل‌سازی کرد. آنان معتقدند که برای الگوسازی باید سه عنصر اساسی را همانندسازی کرد:

الف) در نظام عقیدتی شخص «beleif system» یعنی آنچه الگو باور دارد. بنابراین اگر نظام عقیدتی شخصی را مدل‌سازی کنید، اولین قدم را برداشته‌اید، تا مانند او عمل کنید و در نتیجه به همان هدف برسید.

ب) قالب فکری، شیوه سازمان دادن به افکار و اندیشه‌هاست.

ج) اعمال جسمانی: طرز تنفس، ژست‌ها، تغییرات قیافه و ...

به طور کلی مدل‌سازی، یعنی بررسی راه‌های رفته دیگران.

دست‌آورد این بحث این است که اگر انسان می‌خواهد، فردی قدرتمند، بزرگ و پیروز و سرنوشت‌ساز باشد و احیاناً آرزو دارد که تحولات عظیمی را در جامعه خود و یا در جهان ایجاد کند، باید از افراد نیرومند، تحول‌آفرین و انقلابی الگوبرداری کند و خود را در زمینه اعتقادات، قالب‌های فکری، همچنین حالت‌های جسمانی و رفتاری با آنها همانندسازی و هماهنگ کند.

نکته جالب توجه این است که تعلیمات اسلام در مجموع در سه بخش متمرکز است.

الف) بخش اعتقادات (نظام عقیدتی)

ب) بخش احکام

ج) بخش اخلاقیات (کیفیت و روابط اجتماعی مسلمان را سامان می‌دهد. اخلاق ویژه هر فرد را می‌توان قالب فکری او دانست).

در الگوسازی از اسوه‌های دینی اگر انسان بتواند این سه عنصر اساسی را در الگو مدل‌سازی کند، در الگوسازی موفق خواهد بود؛ به بیان دیگر، اگر به طور دقیق به نظام عقیدتی و باورهای الگو دسترسی پیدا کند و آنها را به خوبی بشناسد و علاوه بر آن دسترسی دقیق و صحیح بر قالب‌های فکری حاکم بر او و رفتارها و حالات جسمانی و اخلاقی الگو پی ببرد و بتواند آنها را به خوبی تشخیص دهد و بشناسد، آن زمان است که می‌تواند مدل‌سازی کند.

اگر گام‌هایی را که او برداشته، به خوبی بشناسد و او هم سعی کند با شوق و علاقه آن گام‌ها را دقیق و صحیح بردارد، می‌تواند همانندسازی کند و در الگوگیری موفق شود و به همان اهدافی که الگو رسیده، برسد.

همان‌طور که در بخش قبلی نوشتار توضیح داده شد، حضرت علی (ع) می‌فرماید: «انظروا بیت نبیکم ...»، «دقیقاً نگاه کنید به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) ...».

حضرت توصیه می‌کنند که روش‌های آنان را با روح تقلید و تمرین تکرار کنید. زمانی که حضرت ضرورت الگوگیری از پیامبر اکرم (ص) را در خطبه‌ای بیان می‌کنند، می‌فرمایند: «فتأس بنیبک الاطیب الاطهر، فان فیه اسوة لمن تأسی ...»؛ «پس به پیامبر پاکیزه و پاک اقتدا کن که راه و رسم الگویی است، برای الگوظلایان و سایه فخر و بزرگی است، برای کسی که خواهان بزرگواری باشد.»

«محبوب‌ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، گام بر جایگاه قدم او نهد.»

حضرت بعد از این مقدمه، به معرفی نظام عقیدتی حضرت رسول (ص) می‌پردازد و سپس قالب فکری پیامبر اکرم (ص) را بیان می‌کند. نحوه برخورد ایشان با دنیا، دوستی‌ها و دشمنی‌های وی.

نکته جالب توجه اینکه به تبیین حالات جسمانی و رفتاری حضرت رسول (ص) می‌پردازند و چه زیبا از این حالات سخن می‌گویند: «او روی زمین می‌نشست و غذا می‌خورد، ساده می‌نشست، با دست خود کفش

خود را وصله می‌زد، جامه خود را با دست خود می‌دوخت و بر الاغ برهنه می‌نشست.» حتی از پرده در اتاق حضرت نیز سخن می‌گویند.

این نحوه بیان مولای متقیان حضرت علی (ع) از پیامبر اکرم (ص) به عنوان «اسوة حسنة» دقیقاً نشان‌دهنده این مطلب است که اگر کسی اراده کرده که فردی را به عنوان الگو بپذیرد، ابتدا باید خودش بخواهد فردی را به عنوان الگو بپذیرد. اگر خواست فرد بود، آن‌گاه برای الگوسازی از این شخصیت بزرگ همان‌طور که روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت مطرح کردند، باید کاملاً نظام عقیدتی و فکری، همچنین حالات جسمانی و رفتارهای او را بشناسد و به دقت بداند تا -به تعبیر حضرت علی (ع)- بتواند گام بر جایگاه قدم او نهد. شناسایی دقیق و کامل گام‌هایی که او برداشته، برای تأسی از ضرورت‌های اساسی است تا بتواند به خوبی مدل‌سازی کند.

نتیجه

در جمع‌بندی نهایی باید گفت: اگر مسلمانان اراده کردند که از شخصیت‌های حسنه و برتری همچون امام حسین (ع) الگوبرداری کنند، ابتدا باید نظام عقیدتی امام حسین (ع) را به خوبی بشناسند که برای شناخت نظام عقیدتی ایشان می‌توان از کلمات و احادیث به جا مانده از حضرت، همچنین با بررسی و دقت در ادعیه منتسب به ایشان -مثل دعای عرفه- با مضامین بسیار بلند عرفانی، به اندیشه‌های ناب اعتقادی حضرت پی برد.

از سوی دیگر از موضع‌گیری‌های حضرت در طول حیاتشان و بالاخص در جریان عاشورا به خوبی می‌توان به قالب فکری حضرت حسین (ع) پی برد. ضمن آنکه با بررسی و دقت فراوان در رفتارها و حتی حالت‌های جسمانی که اتفاقاً بر خلاف بقیه بزرگان دیگر در تاریخ، زیاد از حالات و رفتار جسمانی حضرت سخن به میان آمده است، می‌توانیم از این شخصیت بزرگ الهی همانندسازی و الگوسازی کنیم.

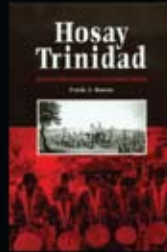
به امید آنکه خداوند به همه ما انسان‌ها توفیق عنایت کند تا بتوانیم با شناخت الگوهای برتر، با تأسی به آنها در طریق سعادت و کمال گام برداریم و فرصت را مغتنم شمرده و بتوانیم از شخصیت نادر جهان اسلام، سرور شهیدان حضرت امام حسین (ع) همانندسازی و الگوگیری کنیم.

در این صورت است که سعادت دنیا و آخرت ما تضمین می‌شود. ■

خییما

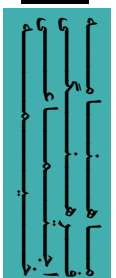
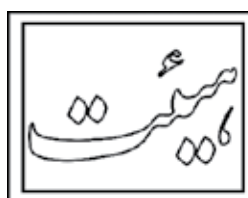
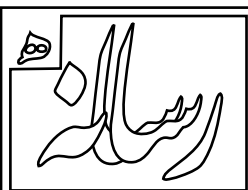
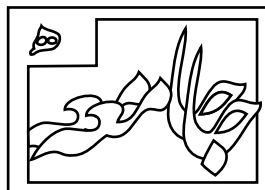
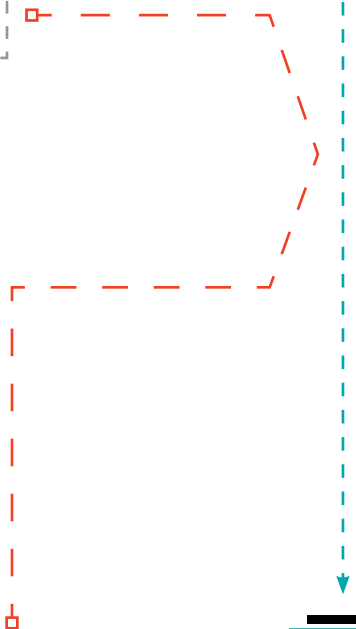
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خییما

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



در بخش مردم‌شناسی این شماره، یکی از مراسم کمتر شناخته شده سوگواری حسینی به نام «تابونیک» در کشور اندونزی معرفی می‌شود. آنگاه با یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران عرصه مردم‌شناسی مناسک آیینی شیعی آشنا می‌شویم. واژگان مردم‌شناسی مناسک آیینی شیعی را خواهیم شناخت و با یکی از کتاب‌های مهم درباره مراسم حسی در کشور ترینیداد و توباگو آشنا خواهیم شد.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



تابوئیک

گذار تابوت گردانی حسینی از خاورمیانه به جنوب شرقی آسیا



تصویر شماره (۱)

به کوشش پیمان اسحاقی

تابوئیک نام مناسکی آیینی است که به عنوان مراسم سوگواری حضرت امام حسین (ع) توسط مردم مینانگ کابائو (Minangk-bau) برگزار می‌شود. مینانگ کابائو یکی از مناطق ساحلی سوماترای غربی از بخش‌های کشور اندونزی است. این مراسم بیش از همه در شهر پاریمان (Pariaman) از شهرهای مینانگ کابا برگزار می‌شود. پاریمان شهری ساحلی با ۷۲۰۸۹ نفر جمعیت و حدود ۷۵ کیلومتر مربع مساحت است.

تابوئیک یکی از مناسک سوگواری حضرت سیدالشهداء، امام حسین (ع) در جنوب شرق آسیاست که نسبت به دیگر مناسک آیینی کمتر شناخته شده است؛ به نحوی که می‌توان این نوشتار را اولین نمونه از این دست دانست. مراسم تابوئیک هر ساله از یکم تا دهم محرم در این شهر برگزار می‌شود. این مراسم در ساده‌ترین توضیح، حمل دست‌ساخته‌ای عظیم توسط عزاداران حسینی به سوی ساحل دریا به همراه انجام برخی امور سوگوارانه و در نهایت انداختن «تابوئیک» به دریاست. این مراسم که هدفش گرامیداشت امام حسین (ع) و برپاداری سوگواری حسینی است، نه تنها توسط شیعیان اندونزی بلکه با مشارکت شمار زیادی از اهل سنت انجام می‌گیرد. در سال ۱۳۸۷ حدود صد هزار نفر در این مراسم حضور داشتند.

ماه محرم در میان مسلمانان اندونزی

کشور اندونزی با حدود ۲۴۰ میلیون جمعیت یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های مسلمان در جهان داراست. اگرچه شیعیان این کشور دارای سابقه طولانی حضور در آن هستند، اما در واقع درصد کمی از این جمعیت را تشکیل می‌دهند. با این وجود شاهد توجه زیادی از سوی عموم مردم این کشور نسبت به ماه محرم هستیم. بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی، همانند ازدواج و تصمیمات بزرگ، از سوی مسلمانان اندونزی، به‌خصوص اهالی استان «آچه» در این ماه به حالت تعلیق درمی‌آید. اهالی، اقدام به چنین اموری را در ماه‌های محرم و صفر نامبارک می‌دانند. (آیین‌های ...، ۱۳۸۶)

تابوئیک

بخش اصلی مراسم تابوئیک، حمل دست‌ساخته‌ای نمادین و در پایان، انداختن آن به دریاست. این تابوت‌واره که «تابوئیک» نام دارد، با ارتفاعی بیش از ۱۰ متر، از چوب بامبو، خیزران و کاغذ ساخته شده است. «تابوت فوق‌الذکر از نوعی چوب سخت، پارچه، کاغذهای رنگی و حتی از طلا ساخته می‌شود. در نوک تابوت ساخته شده، براق (اسب تیزرو) قرار دارد. امروز هزینه مراسم تابوت بیش از ۳ میلیون روپیه (معادل ۱۵۰۰ دلار) است و مراسم تابوت، به عنوان بخشی از فرهنگ مردم شهر به «مینانگ کابائو» آمده و اگر مردم به واسطه مشکلی نتوانند حضور پیدا کنند، هدایا و کمک‌های خود را برای مدیر مراسم می‌فرستند.» (پوریا، ۱۳۷۸) اهالی منطقه معتقدند: امام حسن (ع) و امام حسین (ع) هر دو در کربلا به شهادت رسیده‌اند. آنها بر این باورند که روح این دو امام شهید (ع) توسط براق به بهشت

برده شده است. در این مراسم دو تمثال از براق که تابوئیک پسه و تابوئیک سوپارانگ نام دارد، توسط مردم حمل می‌شود. (نگاه کنید به تصویر شماره ۱) حمل این تابوت‌واره‌ها (دو بُراقی که تابوئیک نام دارد) با موسیقی تنبور و طبل‌های تسه و دهل همراه است. بعد از ظهر، هر دو تابوئیک به ساحل کشانده شده (نگاه کنید به تصویر شماره ۲) و قبل از غروب آفتاب به دریا (نگاه کنید به تصویر شماره ۳) انداخته می‌شوند: «در صبحگاه، تابوت، داراگا، پانجا و عمامه امام حسین (ع) توسط ده‌ها هزار نفر از مردم «پاری آمان» که به صورت گروهی از بازار و خیابان‌ها حرکت می‌کند به گردش درمی‌آید. مردم عزاداری که به آرامی در حرکت‌اند، گاه با گریه‌های شدید و با فریاد بلند می‌گویند: هوپاک‌تابوئیک، ... هوپاک (یا حسین). این مراسم با غروب خورشید پایان می‌گیرد و تابوت به دریا سپرده می‌شود تا سمبل عزیمت براق امام حسین (ع) به آسمان باشد. مردم عزادار پس از غرق شدن تابوت، پارچه و کاغذهای رنگی و دیگر وسایل را که در ساخت آن به کار رفته، برداشته و به خانه‌های خود بازمی‌گردند.» (پوریا، ۱۳۷۸)

برخی دیگر دربارهٔ مراسم تابوئیک در اندونزی چنین نوشته‌اند: «امروزه از سنت‌های رایج و دیرپای جامعه مسلمانان اندونزی، مراسم دههٔ اول محرم به‌ویژه روز عاشوراست که در نقاط مختلف اندونزی برپا می‌شود. این سنت‌های دینی با سنت‌های ملی درهم آمیخته و شکل نخستین خود را از دست داده است. با این حال یاد و نام امام حسین (ع) در قالب نمادهای مذهبی و ملی در سوماترا و جاوه ادامه دارد. در جزیرهٔ سوماترا به عزای حسین (ع) تابوت، در جزیرهٔ جاوه به ماه محرم ماه سورآ (عاشورا)، در منطقهٔ آچه در سوماترا،

را با کاغذهای نقره‌ای و طلایی روکش می‌کنند و با تزئین‌هایی از عاج و کاغذهای الوان و چیزهای زیبای دیگر می‌آرایند. تعزیه‌ها را با شاخه‌های گل و گیاه و انواع چراغ‌ها یا با خوشه‌های گندم یا جوی نورسیده و گیاهان دیگر آرایش و تزئین می‌کنند. مسلمانانی که در مناطق کوهستانی هند می‌نشینند، تعزیه‌هایشان را از شاخه‌های درختان کوهی می‌سازند و با برگ و گل آنها را می‌آرایند» (بلوکباشی ۱۳۸۰: ۲۶-۲۵) تعزیه‌هایی که در هند ساخته می‌شوند، سرنوشتی این چنین دارند: «برخی از شیعیان هند در پایان مراسم ماتم روز عاشورا یا در اربعین حسینی، بنا بر سنت‌های مذهبی با نوحه‌سرایی [تعزیه‌ها را] به کنار رودخانه یا دریا می‌برند و در آب می‌افکنند و برخی دیگر تعزیه‌ها را به امام‌بارها و یا گورستان‌های اطراف آنها که کربلا نامیده می‌شوند، می‌برند و به خاک می‌سپارند. گروهی نیز تعزیه‌هایشان را در شط یا چاهی که به کربلاهای محلی معروف و معرف میدان جنگ است، می‌افکنند.» (بلوکباشی ۱۳۸۰: ۲۶) با این وصف، ساخت تابوت‌واره‌های نمادین از مراحل و اماکن شهادت امام حسین (ع)، ترکیبات سازنده این تابوت‌واره‌ها و به آبان‌دازی آنها تماماً سرشت مشترکی در سوگواری حسینی در آسیا را نشان می‌دهد که از سرزمین‌های خاورمیانه به سوی شرق گسترش یافته است. ■

ابن جوزی در المنتظم در شرح وقایع سال ۴۲۵ ق. می‌نویسد: «شیعیان محلهٔ کرخ بغداد، به هنگام رفتن به زیارت مزار امیرمؤمنان (ع) و سیدالشهداء (ع)، دستگاه‌های آرایه‌بندی و طلاکاری شده‌ای به نام منجینق با خود حمل می‌کردند. منجینق نخستین و قدیم‌ترین تابوت‌وارهٔ مذهبی شیعیان و مظهری از تابوت یا صندوق‌گور (ضریح) حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) بوده است.» (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۱۵) گزارش‌های



تصویر شماره (۱)

سیاحتگران خارجی که در قرن‌های گذشته به ایران سفر کرده‌اند، شباهت میان منجینق شیعیان کرخ بغداد را با شماری از دست‌ساخته‌های ایرانیان که در مجالس سوگواری حسینی مورد استفاده قرار می‌گرفته، تأیید می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد تابوت‌گردانی‌های سوگواری ماه محرم به تدریج به شبه قارهٔ هند اشاعه یافته و با برخی سنت‌های محلی درهم‌آمیخته باشد. در هند نیز ساخت نوعی تابوت‌واره که تعزیه نام دارد، رایج است. تعزیه‌های شبه قاره احتمالاً به سبب تأثیرپذیری از



تصویر شماره (۲)

فرهنگ‌های محلی با تعزیه‌ها (تابوت‌واره‌های) شیعیان عراق (احتمالاً صورت تغییر یافته منجینق شیعیان کرخ) تفاوت دارد: «تعزیه‌هایی که در میان شیعیان سرزمین هند، در شهرهایی مانند لکنه‌و، حیدرآباد، کلکته، دهلی و ... رواج دارند، از لحاظ ساختمان و شکل و شیوه آرایش با تعزیه‌های شیعیان عراق فرق دارند و شباهت متری کمتری به ضریح مرقد امام حسین (ع) می‌برند. این تعزیه‌ها را معمولاً از چوب خیزران و مقوا و کاغذهای الوان و به صورت‌های نمونه‌ای خیالی از گنبد و بارگاه و ضریح امام حسین (ع) می‌سازند. بلندی تعزیه‌های بزرگ گاهی به پنج تا شش متر می‌رسد. روی این تعزیه‌ها

ماه حسن (ع) و حسین (ع) و در غرب سوماترا ماه تابوتیک (تابوت) می‌گویند. ذکر شهادت امام حسین (ع) در این مناطق، با حمل نمادهایی چون تابوت، ذوالجنح و نیز پختن بوبورسورا و کاجی عاشورا یعنی غذای عاشورا انجام می‌شود؛ غذایی که از گندم، شیر، شکر، حبوبات و برخی از میوه‌ها تهیه می‌شود و میان مردم توزیع می‌شود.» (جلالی، ۱۳۸۱)

دیگران نیز این مراسم را چنین توصیه کرده‌اند: «در جزیرهٔ سوماترای اندونزی به عزای حسینی «تابوت»، در جاوه ماه محرم «سورا=عاشورا»، در آچه «ماه حسن (ع) و حسین (ع)» و در غرب سوماترا مردم پادانگ آن را ماه «تابوتیک» می‌نامند. در «پاری‌مان» در روز هفتم محرم نمادی از دست امام حسین (ع) که در گلدانی نهاده شده در معابر و خیابان‌ها گردانده می‌شود و مردم به یاد وقایع جانسوز کربلا اشک می‌ریزند و صبح روز نهم محرم عمامه‌ای سفیدرنگ که «توربان» نامیده می‌شود، به نشانهٔ عمامة امام حسین (ع) تهیه شده و در مراسمی خاطراتی از فداکاری‌های سرور شهیدان بیان می‌شود.» (آیین‌های ...، ۱۳۸۶)

منشاء تابوتیک

برخی محققان بر آن‌اند که حمل تابوتیک از سال ۱۸۳۱ م. در این منطقه آغاز شده است. می‌توان گفت؛ اجماعی علمی بر سر این مسئله وجود دارد که این مناسک توسط سربازان شیعه‌ای که در دوران حکومت بریتانیایی‌ها در شبه قارهٔ هند، در اندونزی ساکن شده بودند، در این منطقه رواج پیدا کرده است. بر این اساس سنت حمل «تعزیه» (دست‌ساخته‌هایی شبیه حرم امام حسین (ع) که در هند رایج است) توسط این سربازان در اندونزی اشاعه پیدا کرد^۲ و احتمالاً با شماری از سنت‌های سوگواری محلی درهم‌آمیخت.

بررسی تحلیلی

تابوتیک بیش از هر چیز و پیش از هر امر دیگر، نوعی تابوت‌گردانی است که به عنوان نمادی از شهادت امام حسین (ع) در نظر گرفته می‌شود. حمل تابوت‌واره‌ها، در سوگ امام حسین (ع) که هر یک معنا و مفهوم خاصی در خود دارند، سابقه‌های طولانی در فرهنگ شیعی دارد؛ چنان که برخی آن را با «نخستین تجمع‌های شیعه در مجالس سوگ شهیدان کربلا» همزمان می‌دانند: «رسم نوعی شبیه یا تابوت‌گردانی در میان شیعیان احتمالاً هم‌زمان با تشکیل نخستین تجمع‌های شیعی در مجالس سوگ شهیدان دین و راه افتادن دسته‌های زایر مرقد امیرمؤمنان حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) رواج یافت، گزارش‌هایی دربارهٔ کاربرد شعاری (ساز و برگ) مخصوص در میان شیعیان، از اوایل سدهٔ پنجم هجری در دست است.

منابع:

«آیین‌های عزاداری محرم در کشورهای اسلامی»، خبرگزاری خیمه

<http://kheimehnews.com/vdcj.8evfuqexvsfzu.>html>، ۱۸ بهمن ۱۳۸۶

بلوکباشی، علی، ۱۳۸۰، نخل‌گردانی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی

پوریاء، علی، «عاشورا در اندونزی»، کوئتر، اردیبهشت ۱۳۷۸، شماره ۲۶

جلالی، غلامرضا، «مراسم عاشورا در جهان اسلام»، مشکوة، شماره ۷۷-۷۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ۱۰۱-۹۱ ص

پی‌نوشت:

- ۱- نگاه کنید به شهاب، سید محمد اسد، ۱۳۸۵، «شبهه فی اندونسیا، اعداد م. م. النجفی، قم، مؤسسه المومل الثقافیه
- ۲- این اندیشه را مقایسه کنید با باور شیعیان کشور ترینیداد و توباگو و اعتقاد به شهادت توأمان این دو امام (ع) و برگزاری مراسم حسی
- ۳- برای درک تفاوت معنای تعزیه در ایران، عراق و شبه قاره هند نگاه کنید به نخل‌گردانی، نوشتهٔ دکتر علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۲۴
- ۴- برای نمونه گزارش‌های رنه دالماتی، باستان‌شناس و سیاحتگر فرانسوی. نگاه کنید به نخل‌گردانی، نوشتهٔ دکتر علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰



ویرایش اول

واژگان مردم‌شناسی شیعه*

www.dlckr.com/photos/sahar/176633/sizes/1

به کوشش پیمان اسحاقی

آمده‌اند و دارای معنای ظریف فرهنگی-آیینی هستند که با صبر و پژوهش می‌توان بدان‌ها دست یافت. این واژگان می‌تواند به صورت‌های گوناگونی دسته‌بندی شوند؛ امری که در این نوشتار از ارائه آن خودداری شده است. اما در ساده‌ترین صورت می‌توان گفت که این واژگان بیشتر به ادعیه، اماکن، مناسک، افراد، مقاطع زمانی، ابزارها، سازه‌ها و امثال آنها در فرهنگ شیعه اشاره دارند.

تهیه این فهرست نتیجه مطالعه و بررسی شمار زیادی از آثار در قالب‌های گوناگون درباره مناسک آیینی شیعه بوده است. برخی از آثار که در این اثر بیشتر مورد استفاده قرار گرفته، در پایان به عنوان «منبع» ذکر شده‌اند. در هر صورت بدیهی است که این واژگان کامل نیست و نیازمند افزون‌سازی و تکمیل است. امیدوارم در ویرایش‌های بعدی مجموعه‌ای کامل به پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه ارائه شود و راه را

چنین دین‌ورزی‌هایی مختص شیعیان است. واژگان شیعه در این نوشتار به معنای اعم و شامل اصطلاحات، عبارات و تعبیرات به کار گرفته شده در این حوزه تحقیقی در نظر گرفته شده است. شمار زیادی از واژگان فراهم آمده در این اثر دارای دلالت‌های آیینی هستند و از آنها در «مردم‌شناسی مناسک آیینی شیعه» می‌توان بهره برد. بیشتر قریب به اتفاق این واژگان فارسی هستند و کمتر معادل‌های عربی، اردو، هندی و انگلیسی آنها ذکر شده است؛ جز آنکه آن واژه، معنای منحصر به فردی را منتقل کند؛ مثل عبارت «مهندی» که اشاره به مراسمی خاص در میان شیعیان هندوستان دارد. ذکر این موضوع نیز ضروری به نظر می‌رسد که شماری از این واژگان در نظر اول عباراتی عام به نظر می‌رسند که فاقد معنایی آیینی هستند. اما باید توجه کرد که این عبارات پس از مطالعه در متون مربوط به ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ شیعی فراهم

یکی از نیازهای عمده هر حوزه پژوهشی فراهم بودن شماری از واژگان اصلی و پرکاربرد در آن حوزه است. مردم‌شناسی شیعه نیز به عنوان آن حوزه پژوهشی که در پی شناخت ابعاد فرهنگی صورت‌های دین‌ورزی شیعیان است، از این امر مستثنی نیست. با این وصف تهیه فهرستی هر چند اجمالی و اولیه از این واژگان می‌تواند، محققین را در پژوهش‌های خود درباره ابعاد گوناگون فعالیت‌های دینی شیعیان که از آن به مردم‌شناسی شیعه تعبیر کردیم، به خصوص در جستجوی عبارات و مفاهیم پرکاربرد، یاری کند. مردم‌شناسی شیعه در اینجا به بررسی مردم‌شناختی آن دسته دین‌ورزی‌هایی اطلاق می‌شود که توسط شیعیان «نیز» صورت می‌گیرد و ممکن است، برخی دیگر از فرق هم در عمل بدان‌ها شریک باشند؛ جز اینکه برخی از



• سینه‌زنی در بوشهر / ایران <http://www.tinypic.info/files/pbg9zio5mbjpldldorf53.jpg> منبع:

برای تألیف «فرهنگ مردم‌شناسی مناسک آیینی شیعه در ایران و جهان» هموار کند.

شیوه‌نامه

این واژگان اساساً بر مبنای حرف اولشان، الفبایی مرتب شده‌اند. اساس ذکر واژگان در این نوشتار نیز صورت اولیه عبارات بوده است؛ به این معنا که واژگان بدون علامت جمع، علامت نکره و امثال آن ذکر شده‌اند؛ به عنوان مثال واژه «مجلس» ذکر شده، اما از ذکر واژه «مجالس» خودداری شده است. یافتن صورت‌های جمع عبارات به عهده پژوهشگران و علاقه‌مندان است. برخی از عبارات این فهرست واژگان به تنهایی دارای معنای فرهنگی نیستند (مانند واژه/مفهوم مقتل) اما در فهم مفاهیم فرهنگی شیعی نقش تام دارند (مثلاً در فهم واژه/مفهوم مقتل خوانی). در برخی واژگان عباراتی درون پرانتز ذکر شده تا معنای واژه کامل‌تر شود. گاهی برخی واژگان به واژگان دیگر ارجاع داده شده که در این صورت باید به عبارت ارجاع داده شده مراجعه کرد. علامت ارجاع دو نقطه (:) است و باید به واژه‌ای که بعد از دو نقطه می‌آید، مراجعه کرد. برای کاستن از حجم کار از علامت / برای ادغام دو کلمه ترکیبی دارای واژه مشترک بهره گرفته‌ام؛ برای مثال دو واژه «دسته‌گردانی» و «دسته‌روی» را به صورت دسته‌گردانی/روی نشان داده‌ام. برخی از عبارات ترکیبی این فهرست که شامل فعل در قسمت دوم است، گاه می‌تواند با فعلی مشابه تعویض شود.

واژگان مردم‌شناسی شیعه

آب نیشان، آب کر، آجیل مشکل‌گشا، آخوند، آستان/آستانه، آش، آش ابودردا، آش اماج کماج، آش سروچه، آش عباس‌علی، آش نخود لاله‌الا الله، آفتاب‌خواهی، آیه سخره، آقا، آل، آواز سحر: سحرخوانی، ابن‌سعدخوان، ابولؤلؤ، اجنه، احیا، اداره کردن، ادعیه، اذان، اذن دخول، اسباب مجلس، اربعین، اردهال: مشهد اردهال، از ضرب افتادن (سینه‌زنی)، استخاره، استخاره ذات الرقاع، اشک، اشقیاءخوان، اعمال مشترک، اطعام، افطاری، الوداع خوانی، امام بارگاه، امام‌بار، امام بیمار، امام‌خوان، امام‌زاده، انبیاخوان، انگشتر، انگشتر شرف الشمس، انگشتر عقیق، انگشتر فیروزه، اولیاخوانی، اهل گریه، اهل منبر، ایام البیض، باب‌خوانی، باران‌خواهی، بارگاه، باغ

فدک: فدک، بانی، بچه‌خوان، بحرطویل، برده، بست‌نشستن، بسمله، بش‌با: بیش باد، بیش باد، بقعه، بقیع، بلغور خیر، بند نوحه، بنی هاشم، بیاض (تعزیه)، بیت‌الاحزان، بی‌بی، بی‌بی

تسبیح‌شاه مقصود، تصدق: صدقه، تعقیبات نماز، تطبیر، تعبیه، تعزیه، تعزیه‌خوان/خوانی، تعزیه دوره، تعزیه‌گردانی/گردان، تکبیر، تک سینه‌زدن، تکیه، تند سینه‌زدن، توسل جویی/خوان/خوانی، توغ/توق، تیغ/تیغه علم، تیمم، ثلاث، جارکشی/کشیدن، جریده، جریده‌کشی/برداری، جمعه، جن، جنگ شهادت، چاووشی، چاووشی‌خوان/خوانی، چپوتره، چراغانی، چلچراغ، چله، چهارچار قل، چشم زخم، چهل منبر، حاجت‌خواهی، حاجی، حاجیه، حج، حجله، خرخوان، حرز، حرم، حسینی، حسی، خلوا، خلوی دوازده امام، حمله‌خوانی، خانقاه، خرج‌دهی/دادن، خرگاه، خط شعر، حوض کوثر، حوقله، ختنه، ختنه‌سوران، خطابه، خطیب، خمس، خواجه اباسلط، خواجه ربیع، خلعت‌پوشی، خیمه، دحو الأرض، دخیل، درویش‌کابلی: قنبرخوانی، دستگاه‌خوان/خوانی، دسته، دسته‌گردانی/روی، دعا، دعای افتتاح، دعای توسل، دعای جوشن صغیر، دعای جوشن کبیر، دعای سمات، دعای سیفی، دعای صباح، دعای عدیله، دعای عرفه، دعای عشرات، دعای عهد، دعای کمیل، دعای مجلس، دعای مشمول، دعای ندبه، دعای یستشیر، دغدغه، دمام، دم‌گرفتن/دادن، دو طفلان مسلم، دهل‌زنی/انوازی، دهه فاطمیه، دیگچه، ذاکر، ذکر، ذکرخوان/خوانی، ذکر دوازده امام، ذکر

فدک: فدک، بانی، بچه‌خوان، بحرطویل، برده، بست‌نشستن، بسمله، بش‌با: بیش باد، بیش باد، بقعه، بقیع، بلغور خیر، بند نوحه، بنی هاشم، بیاض (تعزیه)، بیت‌الاحزان، بی‌بی، بی‌بی

یکی از نیازهای عمده هر حوزه پژوهشی فراهم بودن شماری از واژگان اصلی و پرکاربرد در آن حوزه است مردم‌شناسی شیعه نیز به عنوان آن حوزه پژوهشی که در پی شناخت ابعاد فرهنگی صورت‌های دین‌ورزی شیعیان است از این امر مستثنی نیست

حور: سفره بی‌بی حور، بی‌بی سه‌شنبه: سفره بی‌بی سه‌شنبه، بی‌بی شهربانو، بی‌بی نور: سفره بی‌بی نور، بیرق، بیست و هشتم صفر، پاکت روضه‌خوان/مداح، پارچه‌سبز، پامنبری، پای‌خوانی، پرچم، پرده‌خوان/خوانی/گردان، گردان، پل‌زدن، پندخوان/خوانی، پیاده‌کردن (نوحه)، پیراهن‌مراد، پیرغلام، پیش‌خوان/خوانی، پیش‌نمازی، پیش‌واقع، تابوتیک، تابوت‌خانه، تابوت‌واره، تاسوعا، تبرک، تپه‌سلام، تچه، تسه، تربت امام حسین (ع)، ترسه‌خوانی، تسبیح،

مصیبت، ذوالجناح، ذوالفقار، رثا، رجب، رجز، رجزخوان/خوانی، ردیف، ردیف‌خوان/خوانی، رقع‌الحیب، رقع‌حاجت/استغاثه، رقع‌نویسی، رمضان، رمضانیه‌خوانی، ریزه‌خوان/خوانی، روایت‌خوانی، روضه، روضه (به معنای حرم)، روضه‌خوان/خوانی، رؤیت هلال، زاویه، زائر، زبان حال، زبان‌قال، زمزمه‌خوانی، زمینه‌خوانی، زنبورک، زنبورک‌زنی، زنجیر، زنجیرزنی، زولیا و بامیه، زیارت، زیارت امین...، زیارت به نیابت، زیارت جامعه صغیره، زیارت جامعه کبیره، زیارت جامعه، زیارت عاشورا، زیارتنامه‌خوانی،

در ساده‌ترین صورت می‌توان گفت که این واژگان عموماً به ادعیه، اماکن، مناسک، افراد مقاطع زمانی، ابزارها، سازها و امثال آنها در فرهنگ شیعه اشاره دارند

زینب‌خوان، سادات، سامرا، سبحة، سجده شکر، سحرآوازی، سحره، سحری، سحرخوان/خوانی، سحری، سردرنگاری، سر من رای، سرمه، سرنا، سرنسخه (تعزیه)، سفره، سفره حضرت ابوالفضل، سفره حضرت زینب، سقاخوان/خوانی، سقانفار، سقائی، سنج، سوره، سوز، سنگ‌بخانه، سنگ‌زنی، سنگین (سینه‌زدن)، سه‌ضرب (سینه‌زدن)، سوگ، سوگواری، سیاه‌پوشی، سید، سیدالشهداء، سینه‌زنی، شاخسی و واخسی، شام‌غریبان، شاه‌چراغ، شاهدخوان/خوانی، شاه عبدالعظیم: عبدالعظیم حسنی، شب برات، شب جمعه، شب‌خوان/خوانی، شب قتل، شب قدر، شبیه، شبیه‌خوانی/گردان/خوان/گردانی، شهادت، شش گوشه، شعائر، شعبان، شفاعت، شمخال: زنبورک، شمع‌سوزی، شور گرفتن/زدن، شهادت ائمه (ع)، شهر ری، شیپور، شیخ، شیدانه: شیدونه، صبح‌خوان/خوانی، صورت‌خوان/خوانی، صدقه، صفر، صلوات، صندوق‌گور، ضریح، طبل، طشت‌گزاری/گردانی، طف، طلسم، طلسم‌گردانی، صلوات، طبل‌خانه، طبل‌زنی، طلوع‌خوان/خوانی، طواف، طویرج، عاشورا، عاشورخانه، عبدالعظیم حسنی، عتبه‌بوسی، عرفه، عزاء، عزاخانه، عزاداری، عروسی‌قاسم، عشاق، عقد اخوت، عقیق، عقیقه، علامت، علامت‌گردانی/بررداری، علقمه، علم، علم‌کشی/کشی، علویه، علی‌اصغر درست‌کردن (کودکان)، علی‌اکبرخوان، عمرکشون:

عمرکشان، عمرکشان، عمره، عماری، عوده، عید، عید الزهرا: عمرکشان، عید غدیر، عید فطر، عید قربان، غدیر خم، غلت زنی/زدن، فاطمیه، فال، فدک، فرات، فرد (تعزیه خوانی)، فضائل‌خوان/خوانی، فطره‌خوان/خوانی، قاسم‌خوان/خوانی، قالی‌شویان مشهد اردهال، قبرستان وادی السلام، قبله، قبه، قدم‌گاه، قرآن، قفل‌زنی، قم، قمه‌زنی، قنبرخوانی، کاجی، کاظمین، کافنی، کتیبه محتشم‌کاشانی، کربلا، کربلایی، کرناوازی، کتل، کتل‌خوانی، کفش‌جفت‌کشی، کفن‌پوشی، کمکی‌رفتن/گرفتن (هیئت)، کوچه بنی‌هاشم، کوچه‌واگردن (در هیئت)، کوفه، گریستن، گریز، گریز زدن/مداحی، گریه، گریه‌گرفتن، گلدسته‌خوانی، گل‌مالیدن/مالی، گوشواره نوحه، گوشه، گهواره (علی اصغر)، لباس مداحی، لق (سینه‌زدن)، لطم، لعن‌خوان/خوانی، لیله الرغائب، ماتم، مادح، ماه قمری، مباحله، مجاور، مجلس، مجلس‌گردانی/گرفتن، محبان، محرم، محفّه، مخالف‌خوانی/خوان، مداح، مداحی، مدح‌خوانی، مددخواهی، مدیحه، مدیحه‌خوان/خوانی، مرثیه، مرثیه‌خوانی، مرحبا، مزار، مسجد بالاسر، مسجد جمکران، مشکل‌گشا، مشهد مقدس، مشهد اردهال، مصرع، مصیبت‌خوانی، مطهر، مظلوم‌خوان/خوانی، معراج‌نامه‌خوانی، معین‌البکاء، مقام (امام زمان (عج) و غیره)، مقتل، مقتل‌خوان/خوانی، مقدس، ملا، مناجات، مناجات‌خوان/خوانی،

این واژگان کامل نیست و نیازمند افزون‌سازی و تکمیل است امیدوارم در ویرایش‌های بعدی مجموعه‌ای کامل به پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه ارائه شود و راه را برای تألیف «فرهنگ مردم‌شناسی مناسک آیینی شیعه در ایران و جهان» هموار کند

مناجات خمس‌عشره، مناجات‌سحر: شب‌خوانی، مناجات شعبانیه، مناسک، منافره، منبری، منقبت، منقبت‌خوان/خوانی، موافق‌خوان/خوانی، مؤذن، موقوفه، مولودی، منجیق، منسک، مهندی، موافق‌خوان/خوانی، مولف‌خوان/خوانی، موب، موقوفات، مهندی، میان‌دار، میلادیه، نادعلی، نافله، نجف‌اشرف، نجفی، نخل، نخل‌گردانی/بررداری/کشی، نذر، نذری،

نسخه (تعزیه)، نسخه‌گردان، نشان، نظر‌قربانی، نعت، نعت‌خوان/خوانی، نعت‌گردانی، نقاره، نقاره‌نوازی، نقاره‌خوانی حضرتی، نقاشی کربلا، نقش (تعزیه)، نگین، نماز جعفر طیار، نماز حاجت، نماز وحشت، نقل‌مجلس، نوح، نوای سحر، نوبت‌نوازی، نوحه، نوحه‌اول‌خوانی، نوحه‌خوان/خوانی/گرفتن، نوروز، نوکر اهل بیت (ع)، نیمه شعبان، نینوا، واحدخوان/خوانی، واحد نث، واعظ، واگردان، وان یکاد، ورد، وعظ، وقف، ولادت ائمه (ع)، ولیمه، هروله، همسرایی: نوحه اول‌خوانی، هودج، هیئت، هیئتی، یا حسین‌کش، یا رمضان، یس مغربی ■

پی‌نوشت:

* نسخه‌ای مختصرتر از این اثر پیش از این در «پرتال انسان‌شناسی ایران: انسان‌شناسی و فرهنگ» منتشر شده بود. نگاه کنید به:

<http://anthropology.ir/node/3199>

منابع:

جاوید، هوشنگ، موسیقی رمضان در ایران، به کوشش هوشنگ جاوی، نت‌نگاری محمدرضا درویشی، تهران، سورهمهر، ۱۳۸۳، ۳۰۷ ص

حسینی، سید مهدی، «فرهنگ اصطلاحات مداحی (۱)»، خیمه، دوره جدید، شماره ۱، محرم ۱۴۲۴، ۱۲ ص؛ «فرهنگ اصطلاحات مداحی (۲)»، خیمه، دوره جدید، شماره ۲، مرداد ۱۳۸۲، ۵۹ ص؛ «فرهنگ اصطلاحات مداحی (۳)»، خیمه، شماره ۳، اردیبهشت ۱۳۸۲، ۷ ص؛ «فرهنگ اصطلاحات مداحی (۴)»، خیمه، شماره ۴، خرداد و تیر ۱۳۸۲، ۳۹ ص؛ «فرهنگ اصطلاحات مداحی (۵)»، خیمه، شماره ۵، مرداد ۱۳۸۲، ۲۵ ص؛ «فرهنگ اصطلاحات مداحی (بخش پایانی)»، خیمه، شماره ۶ شهریور ۱۳۸۲، ۴ ص

شکورزاده، ابراهیم، عقاید و رسوم مردم خراسان، تهران، سروش، ۱۳۶۳، ۶۹۱ ص

عنصری، جابر، سلطان کربلا: شرح واقعه عاشورا و آیین‌های سوگواری/ابعبدال... الحسین (ع) در ایران، نگارش متن جابر عنصری، نقاشی‌ها از گروه نقاشان معاصر ایران، تهران، زرین و سیمین، ۱۳۸۲، ۱۰۴ ص

محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم، معروف، ۱۳۷۴، ۵۱۲ ص

موسوی گرمارودی، سید محمدصادق و دیگران، فرهنگ عاشورا، نوشته سیدمحمدصادق موسوی گرمارودی، مهدی وحیدی‌صدر و سعید سپهری‌نیک، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴، هشت+۷۰۳ ص

نگاهی به زندگی و آثار دکتر علی بلوکباشی*



را شناسایی و جمع‌آوری و بایگانی کردم.» اکنون تحقیق مردم‌شناسانه، به تلاش علمی و عملی همیشگی او تبدیل می‌شود و تحقیق بر روی اقوام ایرانی را آغاز می‌کند. پس از چند سال پژوهش و سفر و مطالعه، مصمم به ادامه تحصیل در آلمان می‌شود. خود در این باره می‌گوید: «آلمان آن روزها مرکز مطالعه مردم‌شناسی و فولکلور بود و برادران گریم هم اولین کسانی بودند که از خیلی قبل در آن کشور داستان‌های شفاهی را جمع‌آوری کرده و به دنیا شناسانده بودند. من علاقه‌مند به رفتن به آنجا بودم. اما به دلایل و موانعی که پیش آوردند، نتوانستم به آلمان بروم. با این حال دلم می‌خواست ادامه تحصیل بدهم. به همین دلیل در دوره فوق لیسانس شرکت کردم و درجه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی و زبان‌های باستانی ایران را در سال ۱۳۴۹ از دانشگاه تهران اخذ کردم. همچنان تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی‌ام ادامه داشت و نشریه «هنر و مردم» هم جایی برای ارائه مقاله‌م بود.» ایشان درباره دوران تحصیل ادبیات در دانشگاه تهران می‌گوید: «یکی از توفیقات خودم را در این می‌دانم که رشته ادبیات و زبان‌شناسی را در دوره دانشگاه تهران خواندم. دروس این رشته مرا با فرهنگ و ادب ایران خیلی نزدیک و آشنا کرد. در این دانشگاه استادان برجسته و بزرگی داشتیم که هر یک از فحول فرهنگ و ادب ایران بودند. از توفیقات من این است که در محضر استادان بزرگی چون شادروان استاد فروزانفر، شادروان استاد همایی و شادروانان دکتر صفا و دکتر خانلری و دکتر معین تلمذ کردم و با دکتر علی اشرف صادقی هم‌دوره و دوست و با مرحوم دکتر تفضلی دوست بودم.»

دکتر بلوکباشی در این سال‌ها همکاری نزدیکی با احمد شاملو در کتاب هفته داشت و مطالب بخش کتاب «کوچه هفته» زیر نظر و به کوشش او چاپ می‌شد. تحقیق و پژوهش تنها کار مورد علاقه بلوکباشی در آن سال‌ها بود و پیشنهادها و سمت‌های مختلف اجرایی همچون معاونت و مدیریت را به همین دلیل رد می‌کرد. در این زمان ایشان تصمیم گرفت به انگلستان برود و تحصیل را در این کشور

استعداد پژوهش را در وی کشف می‌کند و گامی عملی در پرورش این استعداد برمی‌دارد. «برای کلاس شادروان محبوب قصه‌ای نوشتم به نام «گرچه سفیده» که محتوایش زندگی یک خانواده سنتی و رابطه بین عروس و مادرشوهر را نشان می‌داد. وقتی که داستان را در کلاس خواندم، دکتر محبوب خیلی از آن استقبال کرد. گفت: «این داستان همه چیز دارد. از ساخت و پرداخت بگیر تا بن‌مایه و هر آنچه که یک داستان خوب لازم دارد. باید این داستان را چاپ کنی.» این داستان کوتاه بعدها در مجله «پیام نوین» به چاپ رسید.

پس از پایان دبیرستان، ایشان وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران می‌شود و در سال ۱۳۴۱ در رشته ادبیات فارسی با مدرک لیسانس فارغ التحصیل می‌شود. اولین بارقه‌های پژوهش مردم‌شناختی از همین زمان در وی شعله‌ور می‌شود و او نیز به خوبی این انگیزه و استعداد را پرورش می‌دهد: «از همان دوران به تحقیق درباره مردم و فرهنگ مردم پرداختم. همان زمان هم به استخدام اداره کل هنرهای زیبای کشور درآمدم و در موزه مردم‌شناسی مشغول به کار شدم. پس از تشکیل «اداره فرهنگ عامه» مرا به آنجا فرستادند و این اداره را آنجا بنا نهادم. ابتدا تمام آثار مکتوب درباره فرهنگ عامه مردم

سرویس مردم‌شناسی: دکتر علی بلوکباشی، از برجسته‌ترین مردم‌شناسان متخصص مناسک آیینی شیعه، در سال ۱۳۱۴ به دنیا آمد. تحصیلات آغازین خود را در تهران به پایان رساند و به زودی به دانش و پژوهش علاقه‌مند شد. ایشان درباره علاقه‌مندی خود به پژوهش و نویسندگی می‌گوید: «در سال‌های ابتدایی دوران دبستان جزوه بینوایان را که هفته‌به‌هفته چاپ می‌شد، با پول توجیبی که هر هفته می‌گرفتم، می‌خریدم و با اشتیاق تمام می‌خواندم و هر هفته منتظر می‌ماندم تا جزوه بعدی بیاید و ادامه داستان را بخوانم. پشت جلد هر کدام از این جزوات جایی بود که خواننده‌ها نظرشان را بنویسند و برای ناشر بفرستند و من در یکی از این جزوات برداشت خودم را از داستان نوشتم و برای [مؤسسه] انتشاراتی معرفت فرستادم. آنها این نوشته مرا چاپ کردند و چاپ این نوشته از من، آن هم در سنین ده-دوازده سالگی باعث شد که دلبسته نوشتن شوم تا اینکه نوبت دبیرستان رفتن شد و دیپلم طبیعی آن زمان را گرفتم. ولی عاشق ادبیات بودم و علی‌رغم اینکه می‌توانستم در دانشگاه رشته پزشکی را دنبال کنم، به آموزشگاه شبانه خزانگی رفتم و دیپلم ادبی گرفتم.»^۱ (به نظر می‌رسد که دکتر محمدجعفر محبوب، معلم ادبیات آن دبیرستان

ادامه دهد. خود در این باره می‌گوید: «در لندن با خانم پروفیسور لمبتن ملاقاتی داشتم و با او در خصوص آموزش زبان در لندن مذاکره کردم و به او گفتم که قصد دارم، پس از تقویت زبان انگلیسی به شیکاگو بروم. ایشان مرا منصرف کرد و گفت: «اصلاً فکر رفتن به شیکاگو را نکن؛ چراکه کسانی که رشته مردم‌شناسی را در دانشگاه شیکاگو تأسیس کردند، همان کسانی هستند که در آکسفورد تدریس می‌کنند.» این امر باعث شد تا پروفیسور لمبتن او را به دکتر «پیتر لینهاردت» در دانشگاه آکسفورد معرفی کند. لینهاردت از تحصیل بلوکباشی در آکسفورد استقبال کرد. او در این دانشگاه دوره‌های دیپلم و بیلیت (B.Litt) و دکتری (D.Phil.) در رشته انسان‌شناسی [مردم‌شناسی] اجتماعی را گذراند. ایشان درباره تحصیل مردم‌شناسی در آکسفورد می‌گوید: «مؤسسه انسان‌شناسی آکسفورد که من در آن تحصیل کردم، از بزرگ‌ترین انستیتوهای جهان در ارائه نظریات روز و مدرن در علم انسان‌شناسی است. خوشبختانه آن زمانی که من در آکسفورد تحصیل می‌کردم، رئیس مؤسسه، پروفیسور «اونس-پریچارد» بود. او یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازهای علم مردم‌شناسی جهان است که مردم‌شناسی و تاریخ را به هم نزدیک کرد و صاحب مکتب کارکردگرایی ساختاری و ... بود.» ایشان یکی از خاطرات خود را از پریچارد این گونه بیان می‌کند: «اونس-پریچارد انسان‌شناسی چند زبانه بود. به جز زبان مادری‌اش، با چند زبان رسمی، زبان عربی و چند زبان بومی آفریقایی به خوبی آشنا بود. صبح یکی از روزهای آغاز سال تحصیلی [۱۳۵۰ ش] ۱۹۷۱ م. در کتابخانه مؤسسه انسان‌شناسی اجتماعی نشسته و سرگرم نوشتن مقاله‌ای برای استاد راهنمایم پیتر لینهاردت بودم. ای. پی. [اونس پریچارد] که تازه بازنشسته شده بود، به تالار کتابخانه وارد شد. از جا برخاستم و احترام گذاشتم؛ احترام شایسته یک شاگرد نسبت به استاد. به سراغ بسته‌ای کتاب که برای او فرستاده بودند و روی رف پیشخوان قفسه کتاب قرار داشت، رفت. بسته را گشود و به بازدید و توری کتاب‌ها پرداخت. لحظاتی نگذشت که با کتابی در دست به سوی من آمد و پرسید: «زبان پرتغالی می‌دانی؟» پاسخ دادم: «متأسفانه نمی‌دانم!» گفت: «۱۲-۱۰ زبان می‌دانم، لیکن پرتغالی نمی‌دانم. این کتاب به زبان پرتغالی

است. حتماً باید پرتغالی را هم در همین سال‌ها بیاموزم!» نمی‌دانم این توفیق را یافت یا مرگ مهلتش نداد تا پرتغالی‌دان از این دنیا برود!» ایشان درباره لیدی لمبتون، از ایران‌شناسان برجسته که دکتر بلوکباشی در آن روزگار با وی مرتبط بوده، می‌گوید: «لیدی لمبتون یکی از معدود پژوهشگرانی بود که وجب به وجب ایران را در بدترین شرایط از نظر امکانات برای یک پژوهشگر دیده و مطالعه کرده بود و کتاب خود «مالک و زارع»‌اش را بر اساس این مشاهدات و تحقیقات نوشته است. او هر وقت که به آکسفورد می‌آمد، حتماً به دیدن من هم می‌آمد و یک‌بار که با خانم «نیکی کدی» استاد آمریکایی تاریخ که به آکسفورد آمده بودند، به دیدار من آمدند. در جلسه با آنها خیلی به خودم غره شده بودم و داشتم به آنها درباره سفری که برای انجام کار تحقیقی میدانی به بلوچستان رفته بودم و وضعیت بد آن زمان می‌گفتم. خانم لمبتن از من پرسید: «شما با چه وسیله‌ای از زاهدان به چابهار رفته بودید؟» من گفتم: «با جیب رفتم.» ایشان با خنده به من گفت: «با جیب رفتی و اینقدر ناراحتی؟! من تمام سیستان و بلوچستان را پیاده یا با شتر می‌رفتم!» دکتر بلوکباشی در آکسفورد تحت اشراف پیتر لینهاردت مشغول تکمیل پایان‌نامه خود شد و آن را با عنوان «دگرگونی‌های اجتماعی در دهکده درویش‌نشین بایوه در کردستان» نوشت. دهکده بایوه در میوان نزدیکی مرز ایران و عراق قرار دارد.

دکتر بلوکباشی پس از بازگشت به ایران، به طور تخصصی به پژوهش‌های مردم‌شناختی در ایران مشغول شد. او از آن زمان تاکنون علاوه بر سردبیری فصلنامه «مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ایران» در سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶، به تدریس «مردم‌شناسی عمومی»، «روانشناسی اجتماعی»، «فرهنگ عامه»، «ادبیات عامه» و «نمایش در ایران» در دانشکده هنرهای دراماتیک، دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، دانشگاه الزهراء و دانشگاه آزاد اسلامی و غیره پرداخته است. آخرین مسئولیت ایشان که تا به امروز نیز ادامه یافته، عضویت شورای عالی علمی و مدیریت بخش مردم‌شناسی در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و مدیریت گروه مردم‌شناسی دفتر پژوهش‌های فرهنگی است. ایشان به عنوان سخنران در ده‌ها کنفرانس داخلی

و خارجی حضور یافته و ابعاد گوناگونی از فرهنگ ایرانی را به جهانیان شناسانده است. تحت اشراف ایشان تاکنون ده‌ها مدخل، مقاله و کتاب علمی در حوزه‌های گوناگون دانش مردم‌شناسی به رشته تحریر درآمده است.

دکتر بلوکباشی را باید از پیشگامان شناخت علمی و روشمند فرهنگ ایرانی دانست که به خوبی در پی بازتولید عقلانی این سنت عظیم فرهنگی برآمده است. ایشان در این سال‌ها عملاً «در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ‌های دیگر نگرستن» را آموخته و در آثار خود ترویج کرده است. ایشان را بیش از همه باید مردم‌شناسی متخصص فرهنگ و مناسک آیینی شیعه در حوزه فرهنگی ایران و فولکلور مردم ایران دانست. نگاهی اجمالی به آثار و تألیفات دکتر بلوکباشی که در پی خواهد آمد، نشان می‌دهد که ایشان را باید برجسته‌ترین متخصص مناسک آیینی شیعه در حال حاضر دانست. پیشینه تحصیلی درخور در رشته مردم‌شناسی، تنوع موضوعات پژوهشی در حوزه مناسک آیینی شیعه، کثرت آثار و تألیفات علمی و اختیار رویکردی بومی و خوشبینانه به موضوعات فرهنگی مورد پژوهش خود، ایشان را به الگویی مثال‌زدنی از پژوهش‌های مردم‌شناختی در حوزه مناسک آیینی شیعی در ایران تبدیل کرده است. در حال حاضر با قاطعیت می‌توان گفت که هیچ پژوهشگری در حوزه مناسک آیینی شیعه، از آثار و پژوهش‌های دکتر علی بلوکباشی بی‌نیاز نیست.

گرچه در کارنامه علمی دکتر علی بلوکباشی با ده‌ها اثر در حوزه‌های مختلف پژوهش مردم‌شناختی مواجه هستیم، اما اینجا تنها به ذکر آثار دکتر بلوکباشی در حوزه مناسک آیینی شیعه می‌پردازیم. این آثار به تفکیک کتاب تألیفی، کتاب ویراستاری و کوشش علمی، مقاله نشریه و مجموعه، مدخل در دانشنامه‌ها و مصاحبه ارائه شده‌اند. ■

پی‌نوشت:

* ویرایش اولیه این نوشتار در سایت انسان‌شناسی و فرهنگ: پرتال انسان‌شناسی ایران منتشر شده بود، نگاه کنید به:

< <http://anthropology.ir/node/1854> >
۱- عبارات داخل گیومه در تمام این نوشتار از اثر فراهم آمده‌اند: «علی بلوکباشی»، نوشته سایر محمدی، ایران، ۲۳ تیر ۱۳۸۴، ۲۴ ص

کتاب

تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، ۲۰۰ ص

قالی‌شویان: مناسک نمادین قالی‌شویی در مشهد اردیبهشت، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۹، ۱۰۳ ص

نقد و بررسی

«چند پرسش بی‌پاسخ در یک اتنوگرافی»، نوشته علیرضا حسن‌زاده، کتاب ماه هنر، شماره ۴۰-۳۹، آذر-دی ۱۳۸۰، ۶۵-۶۲ صص

نخل‌گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ۱۱۷ ص

کتاب ویراستاری شده

پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، نوشته عنایت‌الله شهیدی، با همکاری و ویرایش و نظارت علمی علی بلوکباشی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۸۰، ۸۳۸ ص

معرفی و توصیف

«پژوهشی ارزنده در زمینه تعزیه‌شناسی»، نوشته محمدحسین ناصربخت، شرق، ۱۹ مهر ۱۳۸۳، ۲۰ ص

«پژوهشی در تعزیه‌خوانی»، نوشته علی آل داوود، نشر دانش، شماره ۱۰۱، تابستان ۱۳۸۱، ۶۲-۶۱ صص

«دانشنامه‌ای با نازک‌بینی‌های کم‌نظیر»، نوشته مصطفی مختاباد، کتاب هفته، شماره ۴۵، ۴ اسفند ۱۳۸۰، ۱۳-۱۲ صص

مدخل در دانشنامه‌ها

«تابوت»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۴، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵، ۱۸۱-۱۷۹ صص

در این مقاله درباره تابوت‌واره، نخل، شیله‌ونه، دغدغه، شش گوشه، نهر علقمه، شط فرات و تعزیه است.

«تابوت گردانی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ۱۸۸-۱۸۳ صص

«تعزیه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ۵۹۳-۵۹۰ صص

«تعزیه خوانی»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ۶۰۸-۵۹۳ صص

«تعزیه‌نامه»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷، ۶۰۸-۶۰۱ صص

مقاله‌ها در نشریه‌ها و مجموعه‌ها

«اجراکنندگان تعزیه»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۳۸۴-۳۲۵ صص

«اقسام تعزیه و مجالس تعزیه»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۳۲۲-۲۵۹ صص

«بازتاب تعزیه‌خوانی بر دیواره‌نگاری‌های دوره صفوی»، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، ۳۸-۳۰ صص

«پنج مجلس تعزیه از مجموعه تعزیه‌های دربندسر»، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، ۱۷۰-۱۶۷ صص

«پیدایش و چگونگی شکل‌گیری تعزیه‌خوانی»، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، ۳۰-۲۱ صص

«تابوت‌گردانی نمایشی تمثیلی از قدرت قدسی خداوندی»، نشر دانش، شماره ۹۴، زمستان ۱۳۷۸، ۳۸-۳۲ صص

«تأملی بر کارکردهای روان اجتماعی تعزیه‌خوانی»، اطلاعات، ۱۰ اسفند ۱۳۸۲، ۶ صص

باز انتشار

«تأملی در کارکردهای روان-اجتماعی تعزیه‌خوانی»، فرهنگ فارس، شماره ۱۸ و ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ۹۳-۸۶ صص

«تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب»، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، ۸۴-۴۱ صص

«تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی»، تعزیه‌خوانی در دوره پیش از قاجار»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۱۰۰-۶۱ صص

«تعزیه‌خوانی در دوره فتحعلی شاه»، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، ۱۱۵-۹۳ صص

«تعزیه‌خوانی در دوره قاجار»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۱۵۵-۱۰۳ صص

«تعزیه‌خوانی: هم‌نویسی و ناهم‌نویسی آن با ساختار فرهنگی-دینی جامعه ما»، سروش، شماره ۸۶۹، ۱۳ دی ۱۳۷۶، ۶۶-۶۴ صص

«تعزیه‌خوانی دیگر نمی‌تواند جاذبه گذشته را در میان مردم داشته باشد»، ابرار، ۱۸ خرداد ۱۳۷۹، ۱۰ صص

«تعزیه‌خوانی‌های تهران»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۲۳۱-۱۵۹ صص

درباره تعزیه‌خوانی‌های تهران در دوره قاجار است. «توصیفی از تعزیه عروسی قاسم»، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، ۱۳۹-۱۳۳ صص

«حماسه کویر، حدیث شهید دشت اردیبهشت»، فرهنگ و مردم، سال پنجم، شماره ۲۰-۱۹، پاییز-زمستان ۱۳۸۵

درباره مراسم قالی‌شویان مشهد اردیبهشت است. «رخت و لباس و اسباب تعزیه»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۴۳۲-۳۸۷ صص

«زبان و ادبیات تعزیه»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۶۱۰-۵۳۳ صص

«شرح حال تعزیه‌خوانان و تعزیه‌گردانان»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۷۲۸-۶۸۳ صص

«شکل‌های تعزیه‌خوانی و مکان‌های برگزاری آنها»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۲۵۷-۲۳۵ صص

درباره تعزیه ثابت و سیار بحث شده است. «شمایل‌نگاری در حوزه هنرهای عامه ایران»، کتاب ماه هنر، شماره ۳۱-۳۲، فروردین-اردیبهشت ۱۳۸۰، ۷-۳ صص

«شیوه گفتار در تعزیه‌خوانی»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۶۴۰-۶۱۳ صص

«ضرب‌المثل‌ها، تشبیه‌ها، تمثیل‌ها و اصطلاح‌ها [در تعزیه]»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۶۷۹-۶۴۳ صص

«عاشقانه‌های کربلا»، کلک، شماره ۷۵-۷۳، فروردین-خرداد ۱۳۷۵، ۳۲۷-۳۲۴ صص

درباره نمایشگاه نقاشی شماره صالحی لرستانی است که در خرداد ۱۳۷۵ در تهران برگزار شده است. «عاشورا و تابوت‌واره‌های مذهبی»، اطلاعات، ۶ اسفند ۱۳۸۲، ۶ صص

«قالی‌شویان»، هنر و مردم، شماره ۱۹، اردیبهشت ۱۳۴۳، ۳۷-۳۲ صص

«گزارش جلسه سخنرانی علی بلوکباشی درباره مراسم قربانی»، به کوشش بهناز خسروی، انسان‌شناسی و فرهنگ: پرتال انسان‌شناسی ایران،

<<http://anthropology.ir/node/2021>>

«منابع ادبی و نمایش تعزیه‌نامه‌ها»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۵۲۹-۴۹۷ صص

«موسم آیین‌گردانی شده: نگاهی به پیشینه نخل‌گردانی در ایران»، اطلاعات، ۱۴ اسفند ۱۳۸۱

«موسیقی تعزیه»، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا آخر دوره قاجار در تهران، ۴۳۵-۴۹۴ صص

مصاحبه شونده

«فراز و فرود نمایش قدسیانه تعزیه»، تعزیه‌خوانی: حدیث قدسی مصایب در نمایش آیینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، ۱۶۳-۱۴۵ صص

نگاهی به کتاب «حسی ترینیداد» نوشته دکتر فرانک کروم*

سر ویس مردم‌شناسی: ترینیدادوتوباگو کشوری کوچک در دریای کارائیب و شمال ونزوئلاست که ۸۰ درصد جمعیت حدود یک میلیون و سیصد هزار نفری آن را افرادی با تبار آفریقایی و هندی تشکیل می‌دهند. در اوایل قرن نوزدهم، دولت بریتانیا شماری از مردمان شمال هندوستان را برای کار در مزارع به ترینیدادوتوباگو منتقل کرد. در سال ۱۹۱۷ م. حدود یکصد و چهل و چهار هزار کارگر از هندوستان به ترینیداد کوچ داده شده بودند. این افراد از مناطقی چون آگره و اود به ترینیداد آمده بودند. از نظر دینی آنها بیشتر هندو بودند، اما در میانشان شیعیانی نیز یافت می‌شدند. از آنجا که علاوه بر شیعیان شبه‌قاره هند، پیروان دیگر ادیان این منطقه نیز مشارکت فعالی در مراسم محرم و سوگواری امام حسین (ع) دارند، به زودی برگزاری مراسم دهه محرم در میان این مهاجران نیز آغاز شد و تاکنون نیز ادامه داشته است. این مراسم که به دلایلی مردم‌شناختی صورت‌های فرهنگی تازه‌ای یافته، بیشتر به مراسم «حسی» (تحریف شده نام حسین) معروف است.

«حسی» مجموعه‌ای از آداب فرهنگی است که توسط گروه‌های مختلف مردم در این کشور برگزار می‌شود. در این مراسم از ماکت‌های حرم امام حسین (ع) که «تجه» نام دارد و طبل‌های خاصی که بیشتر «تسه» نامیده می‌شود، استفاده می‌شود. شرکت‌کنندگان در کنار توجه‌هایی که در خیابان‌ها گردانده می‌شود، راه‌پیمایی می‌کنند و افرادی نیز تسه‌ها را به صدا درمی‌آورند. برخی عناصر مادی دیگر همچون ساخته‌هایی به نام ماه کبود که نماد امام حسین (ع) است و ماه سرخ که نماد امام حسن (ع) است، نیز در این مراسم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری از عناصر این مراسم که نتیجه ترکیب و امتزاج (Syncretism) با فرهنگ‌های محلی است، چنان آن را از صورت‌های اولیه عزاداری مهاجران شیعه هند، متفاوت کرده که درک آنها و یافتن منشاء و ارتباطشان با صورت‌های اولیه، آسان نیست.

از نکات قابل توجه این مراسم، استفاده از طبل‌های گوناگون و فریاد «حسی! حسی!» عزاداران و مشارکت «گویم حسی! گویم حسی!» کسانی است که آن عزاداری را شاهدند. توجه‌ها در پایان مراسم به دریا انداخته می‌شوند. در این مراسم علاوه بر تجه و تسه، ساخته‌هایی به نام ماه نیز وجود دارند. این ساخته‌ها که به صورت گرد ساخته و تزئین می‌شوند، اصولاً نماد امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است. ماه سرخ نماد امام حسین (ع) و ماه آبی یا سبز نماد امام حسن (ع) است. افرادی نیز در اطراف هر یک از این ماه‌ها در حرکت و به اصطلاح رقص هستند. این دو ماه در حرکت

خیابان‌ها، با توجه‌ها روبه‌رو می‌شود. شرکت‌کنندگان، توجه‌ها و ماه‌ها را به هم نزدیک می‌کنند و این عمل را بوسه آن دو می‌دانند (شبهه سلام دادن علامت‌ها به هم در عزاداری‌های ایرانی).^۲ برگزارکنندگان این مراسم در اشتباهی فاحش معتقدند که امام حسن (ع) نیز در کربلا به شهادت رسیده است! ناگفته نماند که در سال‌های اخیر جماعت شیعیان اثنی عشریه خوچه، با ارسال شماری از کارشناسان دینی و بررسی مراسم حسی از نزدیک، تلاش بسیاری را برای اصلاح این مراسم و تبدیل آن از فستیوال و کارناوال به صورت‌های اصیل‌تر عزاداری آغاز کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که تاکنون درباره مراسم حسی به رشته تحریر درآمده، کتاب «حسی ترینیداد: نمایش‌های محرم در یک پراکندگی قومی هندی کارائیبی» است. این کتاب توسط دکتر فرانک ج. کروم، دانشیار گروه دین دانشگاه بوستون در آمریکا به رشته تحریر درآمده است. فرانک کروم به همراه گوستاو تائیس و پیتر چلکوفسکی در حال حاضر به عنوان متخصصان برجسته این مراسم آیینی به شمار می‌آیند. وی تاکنون تولیدات علمی زیادی درباره مناسک آیینی «حسی» را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

کتاب «حسی ترینیداد» تحقیقی پیشگام در زمینه مراسم آیینی «حسی» در جزیره ترینیداد بوده است. استدلال اساسی کروم در این کتاب آن است که این مراسم که هر سال در ماه محرم برگزار می‌شود، گفتمانی چندصدایی است که بهتر از همه با به کارگیری سطوحی از تفسیر فهمیده می‌شود. در سطح نمادین این مراسم نوعی معنای رمزی را به جماعتی کوچک از مسلمانان هندی-کارائیبی ارائه می‌کند و در سطحی دیگر، به عنوان نماینده فرهنگ هندی مهاجرت کرده، به عنوان یک کل فهمیده می‌شود. این کتاب که به وسیله روش تحقیق مردم‌شناختی فراهم آمده، نمونه‌ای از پژوهش درباره درهم آمیختگی فرهنگی و پراکندگی قومی جهانی به شمار می‌آید.^۳

کتاب «حسی ترینیداد» در شش بخش اصلی فراهم آمده است. در بخش اول بعد از مقدمه، مؤلف درباره گرایشات نظری و دیدگاه‌های حاکم درباره تاریخ اسلام و وقایع کربلا سخن می‌گوید. بخش دوم کتاب «مناسک محرم در ایران: گذشته و آینده» نام دارد که مؤلف در آن به بررسی مناسک حسینی در ایران می‌پردازد. فصل سوم درباره اشاعه مناسک آیینی از عراق و ایران به جنوب آسیا (شبهه قاره هند) است و «گذر مناسک به جنوب آسیا» نام دارد. فصل سوم

Hosay Trinidad

Muslim Performances in an Indo-Caribbean Diaspora

Frank J. Korom



این اشاعه را از هندوستان به حوزه دریای کارائیب پی می‌گیرد. این فصل «به سوی کارائیب» نامیده شده است. از آن پس مؤلف به صورت تفصیلی در پی بررسی مراسم «حسی» در ترینیداد برمی‌آید. فصل پنجم کتاب با عنوان «ساخت تجه، طراحی جماعت» به بررسی این مهم می‌پردازد. در فصل ششم مؤلف به عنوان نتیجه‌گیری از تأثیر این مناسک در ادامه حیات فرهنگی عاملان آن سخن می‌گوید. این فصل «گذران زندگی و دگرگونی آن از طریق درهم آمیختگی فرهنگی» نام گرفته است. در بخش ششم کتاب، مؤلف با ارائه مطالبی درباره مراسم «حسی»، بحث خود را به پایان می‌رساند. ■

پی‌نوشت:

۱. مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

Korom, Frank J., *Hosay Trinidad Muharram Performances in an Indo-Caribbean Diaspora*, Pennsylvania, University of Pennsylvania Press, 2002, 320 p.

۲. برای مشاهده تصاویری از مراسم حسی در ترینیداد همراه با توضیحاتی درباره جزئیات این مراسم به خبرگزاری خیمه (Kheimehnews.com) بخش گزارش‌های تصویری یا بخش جامعه/مردم‌شناسی مراجعه کنید.

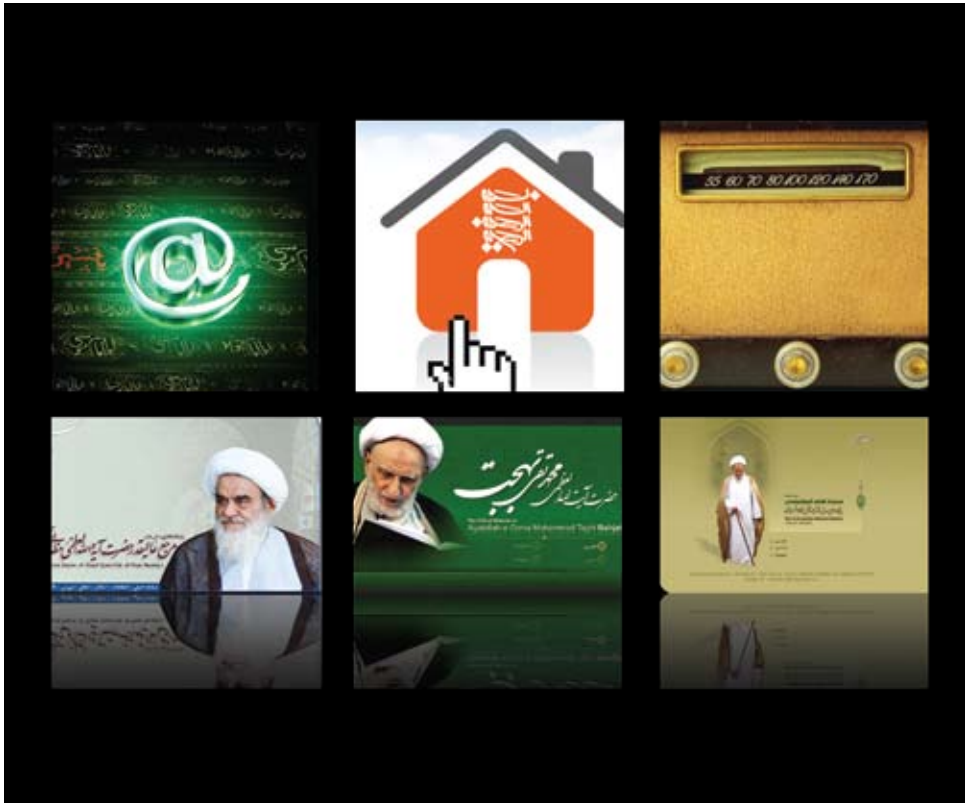
۳. مطالب این بند ترجمه‌ای است از:

<http://www.upenn.edu/pennpress/book/13848.html>

خیمه

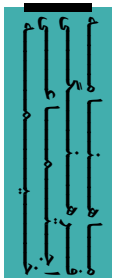
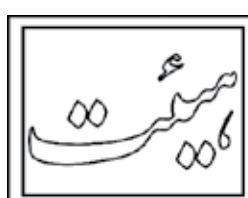
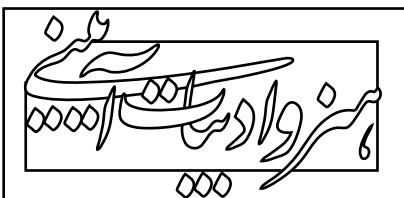
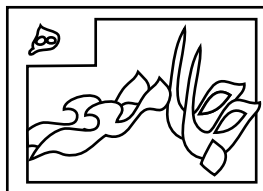
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



رسانه‌های نوین و تکنولوژی‌های جدید نوع جدیدی از ارتباطات را پدید آورده‌اند که شناخت و به‌کارگیری آنها در حوزه انتقال مفاهیم دینی و ارزشی ضروری است. در این شماره به بررسی وبلاگ‌ها، وبسایت‌های عاشورایی، مراجع عظام و همچنین واتیکان پرداخته‌ایم. در شماره بعدی از بازی‌های رایانه‌ای و تلفن همراه سخن خواهیم گفت.

KHEIMEH
Cultural - Social
Monthly



انتشار مطالب عاشورایی در وبلاگستان؛ کمیت آری، نوآوری خیر!

الهام عبادتی*

وارد شدن در فضای پیچیده مجازی نه تنها پدیده‌ای جذاب است، بلکه بسیار فراتر از آن به دلیل کاربردهای فراوان و چه بسا آسان کردن بسیاری از امور به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با زندگی بشر امروز پیوند خورده است. فضای مجازی، زمان و مکان نمی‌شناسد. همه‌جایی و همه‌مکانی است؛ مرزها را به سهولت در می‌نوردد و در چند لحظه رموزی را آشکار می‌کند که به‌چنگ آوردن آنها در عالم واقعیت مستلزم صرف انرژی، زمان و هزینه بسیار است و گاه حتی غیر ممکن به نظر می‌رسد.

در این میان تمام معارف بشری مناسبات خاص خود را با این فضا تعریف می‌کنند و قلمروهای خاص خود را مطابق با ماهیت این فضا تغییر می‌دهند و گاه حتی قلمرو و تعریف مفاهیم نیز در این فضا معنی خود را از دست می‌دهند.

فضای مجازی همچنین نوعی ارتباط نمادین است که استعداد بسیار تکامل یافته انسان در برقراری این ارتباط و اکتساب عقاید دینی، باورها و سنن را آسان و انتقال آن را به افراد ممکن ساخته است. افزایش اهمیت این فضا موجب شده تا نهادهای سنتی دین به این فضا منتقل شوند و تمامی مناسبات خود را در مکان مجازی جدید شبیه‌سازی کنند؛ چرا که اینترنت امکانات جدیدی را در اختیار دین، سازمان‌های دینی و دینداران قرار داده است. مناسک و شعائر دینی در این فضا به گونه‌ای دیگر شبیه‌سازی می‌شوند و دینداران می‌توانند خارج از محدودیت‌های مکانی و زمانی و در قالب اجتماعات مجازی به اجرای مناسک دینی بپردازند.

عاشورای حسینی به عنوان یکی از مهم‌ترین شعائر و مناسک شیعی نیز در این فضا متبلور شده است. هر ساله در آستانه ایام سوگواری حسینی فضای مجازی نیز به موازات فضای واقعی سیاهپوش می‌شود و عزاداران در قالب

رسانه‌های فردی و جمعی این آیین دینی را انجام می‌دهند. علقه‌های مذهبی در این ایام اگرچه به اندازه فضای فیزیکی مستحکم و قوی نیست، ولی به واسطه جغرافیای فرامکانی و فرازمانی نوع دیگری از تجربه عزاداری را برای هم‌باوران دینی به نمایش می‌گذارد. حسینی‌ها و عزاداران مجازی در فضای مجازی با فعالیت گسترده و منسجم سعی در نزدیکی هر چه بیشتر هم‌باوران دینی در این فضا دارند. وبلاگستان به عنوان یکی از شاکله‌های اصلی فضای مجازی نقش اصلی



**انحصاری نبودن فضای وبلاگستان
تعداد و تنوع گسترده کاربران دینی
می‌تواند پتانسیلی برای ارتقای کیفیت
و البته کمیت مطالب
در راستای نشر فرهنگ عاشورا
محسوب شود که تاکنون به لحاظ کیفی
بیشتر مغفول مانده است**

در نشر فرهنگ عاشورا ایفا می‌کند. انتشار پست‌های فراوان از سوی بلاگران دینی فعال این فضا و تغییر رنگ‌ها و قالب‌های وبلاگ به

سمت و سوی عاشورایی، فضای وبلاگستان را در این ایام دیگرگونه می‌کند.

اما خارج از نکات مثبت فراوان، اجرای این مراسم در فضای مجازی و سیستم انتشار اطلاعاتی که در این مقطع به تولید محتوای دینی با رنگ و بوی عاشورایی می‌پردازد، آسیب‌شناسی عاشورا در وبلاگستان با آسیب‌شناسی این موضوع در خارج از اینترنت تفاوتی نمی‌کند.

یک‌سویه‌نگری، سطحی‌نگری و تحلیل عوامانه، رده سنی پایین وبلاگ‌نویسان و مشکلات اطمینان به مطالب وبلاگ‌ها از جمله عوامل مهم در آسیب‌شناسی مفاهیم عاشورایی در وبلاگ‌هاست. اگرچه مطالب بسیاری در این حوزه از سوی بلاگران منتشر می‌شود، ولی بیشتر دچار موازی‌کاری و تکرار است. بسیاری از پست‌های منتشر شده به اصطلاح کپی‌پیستی بوده و حاوی نگاه یا روایت جدیدی از عاشورا و نهضت حسینی نیست!

انحصاری نبودن فضای وبلاگستان، تعداد و تنوع گسترده کاربران دینی می‌تواند پتانسیلی برای ارتقای کیفیت و البته کمیت مطالب در راستای نشر فرهنگ عاشورا محسوب شود که تاکنون به لحاظ کیفی بیشتر مغفول مانده است.

به این ترتیب، متولیان فرهنگی و دینی باید توجه جدی‌تری را به فضاهای علمی و دینی در شبکه اینترنت به منظور تبدیل شدن چالش‌ها به فرصت‌ها، داشته باشند و با رقابتی کردن این فضا و برگزاری جشنواره‌ها و سمینارهای مختلف در تشویق بلاگران نقش مهمی را ایفا کنند؛ آنچنان که برگزاری جشنواره «وبلاگ‌نویسی و لاء» با موضوع فرهنگ عاشورا در سال گذشته توانست تا حدی در این فضا راهگشا باشد. پس پیگیری چنین سیاست‌هایی می‌تواند در این حوزه تأثیرگذار بوده باشد و نیازمند توجه هر چه بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد دینی و به‌ویژه سازمان‌های رسمی است. ■

* دبیر سرویس فضای مجازی خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)

وبلاگ‌نویسی حسینی، چرا و چگونه؟

محمد هاشم نعمت‌اللهی

با نگاهی کوتاه و جست‌وجویی اندک به راحتی می‌توان به این نکته پی برد که رویکرد وبلاگ‌نویسان و دست‌اندرکاران مقولات مذهبی در دنیای مجازی به موضوع نهضت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا بسیار ضعیف است و کمبودهای بسیاری مشاهده می‌شود. نوشتار حاضر نگاهی کوتاه به این کمبودها دارد.

وبلاگ، امروزه به صورت رسانه‌ای پویا مورد استقبال همه نسل‌ها به‌ویژه نسل جوان قرار گرفته است. وبلاگ عبارت است از صفحه‌ای که در آن نویسنده، دل‌نوشته‌ها، دغدغه‌ها و در حقیقت هر چیزی که فکر می‌کند برای خود و دیگران مفید است، قرار می‌دهد.

امروزه با حضور افراد مذهبی، به‌ویژه روحانیان، با پدیده‌ای به نام وبلاگ‌نویسی مذهبی روبه‌رو هستیم که در نوع خود قابل بررسی و ارزیابی است. حضور افراد مذهبی، آگاه، متعهد و قابل اعتماد به‌ویژه روحانیان جوان و خوش‌ذوق تأثیر بزرگ و قابل توجهی در جذب و جلب جوانان به مسائل مذهبی دارد. با توجه به صرف وقت طولانی جوانان در دنیای مجازی به‌ویژه در اتاق‌های گفت‌وگو، حضور این افراد همراه با آگاهی و مطالعه، استفاده از شیوه‌های جدید ارتباط، استفاده از زبان ساده و رایج امروزی و قالب‌ها و ساختارهای جدید و نو، می‌تواند نقش مؤثری در تبلیغ دین و بیان معارف اسلام داشته باشد.

ضعف‌ها و کمبودها

به صورت خاص، در بررسی وبلاگ‌ها و وب‌سایت‌های مذهبی که به موضوع نهضت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا پرداخته‌اند، کمبودها و ضعف‌های زیر قابل مشاهده است:

۱- ضعف در محتوا

چون اکثر نویسندگان وبلاگ‌ها، جوان هستند و مطالعه و اطلاع دقیقی از نهضت امام حسین

(ع) ندارند، رو به سوی نوشتن دل‌نوشته یا گذاشتن عکس و مداحی در وبلاگ می‌آورند، یا در نهایت از منابع محدودی که در اختیار دارند و در اختیار دیگران نیز هست، کپی‌برداری کرده و در وبلاگ خود قرار می‌دهند. اگرچه هدف این دوستان خیر است، این نوع وبلاگ‌نویسی نه تنها سودی ندارد، بلکه باعث نشر تکراری و گسترده مطالب غیر واقعی و گاهی غیر متقن می‌شود.

۲- ضعف در قالب و ساختار

ضعف عمده‌ای که در این گونه از وبلاگ‌ها دیده می‌شود، نوع چینش، قالب، رنگ و خط این وبلاگ‌هاست. در این وبلاگ‌ها به طور عمده از رنگ‌های تیره، خط‌های به هم ریخته، عکس و مداحی‌های افراطی و سنگین استفاده می‌شود. این نوع چینش، باعث کند شدن سرعت نمایش وبلاگ و عدم رغبت خواننده می‌شود؛ به صورتی که فرد در روبه‌رو شدن با این وبلاگ به سرعت صفحه را بسته و به سراغ وبلاگ‌های دیگر می‌رود.

۳- ضعف در ادبیات

برگزاری دوره‌های آموزشی وبلاگ‌نویسی، قالب‌نویسی و ساخت کدهای جاوا به صورت مجازی یا حضوری و شرکت در این دوره‌ها از سوی وبلاگ‌نویسان می‌تواند به بهتر شدن ساختار وبلاگ‌های مذهبی کمک کند

ادبیات بعضی از این وبلاگ‌ها سنگین، غیر امروزی و خشن است و مانع از ارتباط مخاطب با وبلاگ می‌شود.

۴- تعداد

رویکرد جوانان به این موضوع و موضوعات دیگر مذهبی بسیار کم است و این کمبود در مقایسه با موضوع مهدویت و موضوعات دیگر مذهبی بسیار مشهود است.

راهکارها و پیشنهادها

۱- در اختیار گذاشتن محتوا و منبع مناسب

تأسیس پایگاه‌های جامع و انتشار دانشنامه‌های موضوعی، به طور مثال تأسیس پایگاه دانشنامه امام حسین (ع) و دانشنامه عاشورا، تبدیل کتاب‌های موجود در این موضوع به کتاب‌های الکترونیک با خاصیت تبدیل به متن.

۲- برگزاری و حضور در دوره‌های آموزشی وبلاگ‌نویسی مذهبی

برگزاری دوره‌های آموزشی وبلاگ‌نویسی، قالب‌نویسی و ساخت کدهای جاوا به صورت مجازی یا حضوری و شرکت در این دوره‌ها از سوی وبلاگ‌نویسان می‌تواند به بهتر شدن ساختار وبلاگ‌های مذهبی کمک کند. در اینجا می‌توان به برگزاری این کلاس‌ها از سوی دفتر توسعه وبلاگ‌های دینی اشاره کرد.

۳- برگزاری و حضور در دوره‌های آموزش نویسندگی و ویراستاری

برگزاری دوره‌های آموزش نویسندگی و ویراستاری و حضور در این گونه کلاس‌ها به زیبانویسی، ساده‌نویسی و روان‌نویسی در وبلاگ‌ها کمک می‌کند. کلاس‌هایی که انجمن قلم حوزه برگزار می‌کند، نمونه مناسبی از این کلاس‌هاست.

۴- برگزاری مسابقات وبلاگ‌نویسی

یکی از راه‌های جذب جوانان به موضوعات مذهبی، برگزاری مسابقات وبلاگ‌نویسی و تشویق گروه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه جوانان به سوی نوشتن مطالب مذهبی است؛ برای مثال برگزاری مسابقات وبلاگ‌نویسی «بوی سیب» از سوی رادیو معارف، به گسترش وبلاگ‌نویسی مذهبی با موضوع امام حسین (ع) و نهضت عاشورا کمک کرده است.

پرداختن به موضوعات مذهبی در دنیای مجازی نیازمند آگاهی، مطالعه، تخصص و تعهد است و نیاز است که ارگان‌ها، پایگاه‌ها و نهادهایی جهت آموزش، تهیه محتوا و جذب و تشویق افراد به این نوع وبلاگ‌نویسی تأسیس و راه‌اندازی شود یا ارگان‌هایی که تاکنون نقش داشته‌اند، تقویت شوند.



واتیکان و دروازه‌های الکترونیکی آن

حضور اینترنتی واتیکان با نگاهی به سایت رسمی کلیسای کاتولیک رم

پیمان اسحاقی

سایت رسمی واتیکان با نام Vatican.va بزرگ‌ترین مرجع ارتباطی واتیکان با پیروان کلیسای کاتولیک روم در سراسر جهان است. سایت واتیکان که در نام و پسوند اشاره تامی به خود دارد، مطالب خویش را به زبان‌های متعددی عرضه می‌دارد. این سایت به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، اسپانیایی، فرانسه، ایتالیایی، پرتغالی، لاتین و چینی مطالب خود را منتشر می‌کند. تعدد زبان‌ها و انتخاب آنها که به نظر می‌رسد با توجه به اهداف و برنامه‌های بلندمدت کلیسای کاتولیک برگزیده شده باشند، دارای نوعی پیام نمادین است که از آن جمله می‌توان به «جهان‌وطن‌گرایی» با ارائه مطالب به زبان انگلیسی، «سنت‌گرایی» با ارائه مطالب به زبان لاتین، «بومی‌گرایی» با ارائه مطالب به زبان ایتالیایی و «حمایت از اقلیت‌های کاتولیک» با ارائه مطالب به زبان چینی اشاره کرد.

سایت واتیکان اساساً نمادگراست و در جای‌جای آن با نمادهایی یادآور مذهب و کلیسای کاتولیک مواجه‌ایم. سایت کلیسای کاتولیک روم که اساساً به هدف معرفی «مقر مقدس اسقفی» (The Holy See) طراحی شده، تصویر رایج و اروپایی شده مسیح را

در بالاترین بخش خود (در زمان بررسی پایگاه) دارد که به طرز نمادینی آغوش خود را احتمالاً به سمت پیروان کلیسای کاتولیک گشوده است. تصویر و نام پاپ نیز به عنوان بالاترین شخصیت مذهبی کلیسای کاتولیک رم در این سایت به چشم می‌خورد. این

طراحی شبکه پیچیده‌ای برای جمع‌آوری کمک‌های مالی پیروان که امکان پرداخت اینترنتی مبالغ به کلیسای کاتولیک رم را فراهم می‌آورد و نیز خبررسانی مستمر و چندرسانه‌ای درباره فعالیت‌های کلیسای کاتولیک نوعی ارتباط و اهمیت‌بخشی دوسویه را با پیروان این فرقه باعث شده است.

سایت وظایف متعددی را برای خود تعریف کرده که آنها را بیش از همه می‌توان در آشنایی مراجعان با سنت و میراث مادی و غیرمادی کلیسای کاتولیک، ایجاد ارتباط با پیروان و علاقه‌مندان و تلاش مستقیم و غیر مستقیم برای ترویج آیین کلیسا مشاهده کرد. این سایت با معرفی چندرسانه‌ای آرشیو محرمانه، کتابخانه، موزه‌ها و مرکز چاپ و نشر واتیکان که شامل حجم عظیمی از

اطلاعات به زبان‌های گوناگون است، در عمل امکان ارتباط پیروان خود را با سنت مادی و غیرمادی خویش فراهم آورده است. طراحی شبکه پیچیده‌ای برای جمع‌آوری کمک‌های مالی پیروان که امکان پرداخت اینترنتی مبالغ به کلیسای کاتولیک رم را فراهم می‌آورد و نیز خبررسانی مستمر و چندرسانه‌ای درباره فعالیت‌های کلیسای کاتولیک، نوعی ارتباط و اهمیت‌بخشی دوسویه را با پیروان این فرقه باعث شده است. معرفی ویژه اعیاد کاتولیک و ارائه مفصل و دقیق برنامه‌های کلیسا، نمونه‌های خوبی از این رویکرد است. اختصاص بخش خاصی به نامه‌های پاپ خطاب به مسئولان کلیسای کاتولیک چین می‌تواند بهترین نمونه از فعالیت‌های ترویجی سایت واتیکان در نظر گرفته شود. این امر که گویای سرمایه‌گذاری مذهبی کلیسای کاتولیک در پرجمعیت‌ترین کشور جهان است، نمونه‌ای از تلاش مستقیم و غیرمستقیم واتیکان در ترویج کاتولیسیسم و حمایت از اقلیت‌های کاتولیک در سرزمین‌هایی دورتر از مقر اصلی پاپ است.

به هر صورت به نظر می‌رسد این سایت توانسته باشد، نیازهای مذهبی زیادی از پیروان خود را برآورده کند و از اینترنت به عنوان ابزاری قدرتمند برای نیل به اهداف خویش استفاده کند. ■

فن‌آوری‌های نوین، راه‌های جدید به خدا رسیدن

مطهره آخوندی

ویدیوهای به اشتراک گذاشته ایرانیان در زمینه‌های مذهبی بعضاً همراه با تمسخر و طرح برخی اتهامات در مورد مبلغین مذهبی و یا مداحی‌های برخی مداحان خاص است. برخی از ویدئوهای موجود نیز بحث ادعاهای دروغین افراد راجع به پیامبری و امامت را دربرمی‌گیرد. همان‌گونه که مراجع عظام ما به لزوم حضور در فضای مجازی پی برده‌اند، شناخت اجتماعات مجازی جوان‌پسند و سخن‌گفتن از این کانال پیشنهاد می‌شود. ■

واتیکان سایت خود را به آدرس www.vatican.va در سال ۱۹۹۵ راه‌اندازی کرد و در سال گذشته ابزاری را که در آن کتاب دعای روزانه کشیشان قابل استفاده در آیفون بود، ارائه کرد.

دو ماه قبل نیز با رایزنی با گوگل که صاحب بزرگترین سایت اشتراک ویدئو «یوتیوب» است قراردادی مبنی بر تشکیل شبکه اختصاصی واتیکان در این سایت امضاء شد.

در نخستین ویدئویی که واتیکان روی یوتیوب قرار داد، این سایت راه تازه‌ای برای سخن‌گفتن با خدا قلمداد شده بود.

این درحالی است که در اقدامی نیز پاپ تلفن همراه و اینترنت را وسیله مضری که انسان را از معنویت دور می‌کند، اعلام کرده بود که به ناگزیر خود برای سخن‌گفتن با پیروانش از این ابزار بهره گرفته‌است.

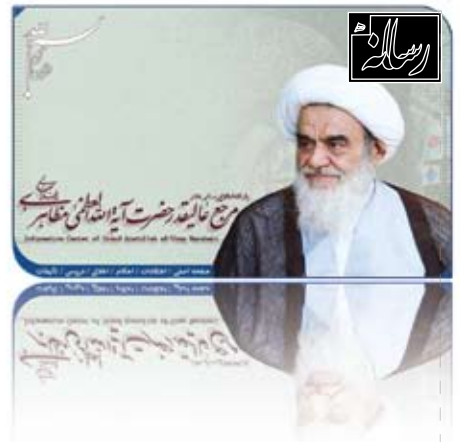
در حال حاضر کانال واتیکان در یوتیوب، ۱۵۰ ویدئو، بیشتر از ۱۵ هزار مشترک دارد و ویدئوهایش بیشتر از یک میلیون بار دیده شده‌اند.

امسال شعار اصلی روز جهانی ارتباطات کلیسای کاتولیک، «فناوری‌های جدید، روابط جدید» بوده‌است و واتیکان به سمت استفاده از نرم‌افزارها و سایت‌های اجتماعی مورد علاقه کاربران، برای ترویج آموزه‌های خود روی آورده است.

تاکنون کلیسا از اینترنت برای تقدیس پاپ ژان پل دوم استفاده کرده که از طریق ایمیل از مردم دنیا خواست که کلیسای این شهر را در اثبات دو مورد از معجزاتی که پس از مرگ پاپ رخ داده کمک کند، تا در صورت اثبات، پاپ را آمرزیده اعلام کنند.

اما در مقابل در سایتهایی چون یوتیوب





مراجع آنلایین

احمد نجمی*

۱- استفاده صحیح و گسترده از چندرسانه‌ای، تولید سریع و کامل خبر توسط سایت (که این مورد خلاء جدی سایت مراجع به‌شمار می‌رود و بیشتر سایت‌های مراجع به جای تولید خبر منتظر کپی‌برداری خبر خود از سایت‌های خبری هستند) پیشنهاد می‌شود. ارتباط آنلایین با مخاطبان به معنای واقعی نه کلیشه‌ای از جمله مواردی است که باید مورد توجه مدیران سایت‌های مراجع قرار گیرد.

۲- اگرچه در بیشتر صفحات اولیه سایت‌های مراجع با زبان‌های مختلفی حتی تا ده زبان مواجه می‌شویم، اما به جز زبان فارسی سایر زبان‌ها به شدت فقر محتوایی یا حالت ایستایی دارند. آیا تنها ارائه آمار از تعداد زبان‌های سایت کافی است و نباید حداقل به اندازه نیمی از زبان فارسی، به زبان‌های اصلی مانند عربی و انگلیسی نیز پرداخته شود؟

۳- استفاده از نیروهای ماهر فنی در برنامه‌نویسی سایت بسیار مهم است. متأسفانه بیشتر سایت‌های مراجع یا از برنامه‌های آماده استفاده می‌کنند و یا اینکه در برنامه‌نویسی مستقل دارای ضعف‌های عمده‌ای هستند. هک شدن سایت یک مرجع تقلید خاطره تلخی است که به این زودی‌ها از اذهان پاک نمی‌شود!

۴- ایجاد «دیتا سنتر» مستقل داخلی برای سایت‌های مراجع تقلید، از دیگر ضرورت‌ها به حساب می‌آید. مرکز آل‌البیت در سال‌های نخستین تلاش زیادی کرد تا به این مهم دست یابد، اما به علت عدم پشتیبانی صحیح

زمانی که در سال ۱۳۷۴ مؤسسه «آل‌البیت» وابسته به دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی نخستین آی‌اس‌پی‌کم و یکی از اولین آی‌اس‌پی‌های کشور را راه‌اندازی کرد، هیچ‌کس تصور نمی‌کرد تا این اندازه مراکز و مؤسسات اسلامی از اینترنت استفاده کنند، تا جایی که هم‌اینک بر اساس آمارهای موجود شهر قم بالاترین سرانه استفاده از اینترنت را در کشور دارد. راه‌اندازی یک سایت اینترنتی برای بسیاری از مؤسسات و شخصیت‌های قمی از ضروریات و شاید هم در بسیاری از موارد کلاس کار محسوب می‌شود. از سوی دیگر مراکزی مانند مرکز کامپیوتری علوم اسلامی هستند که به صورت بسیار گسترده در زمینه رایانه فعالیت می‌کنند. اگرچه درباره ضعف بسیار شدید چنین مؤسسات رسمی و دولتی در زمینه جذب مخاطب در اینترنت درد و دل زیاد وجود دارد، اما باید گفت در مقایسه با مراکز دانشگاهی، حوزه‌های علمیه در زمینه آی‌تی و فن‌آوری‌های رایانه‌ای بسیار جلوتر هستند.

چند سالی است که از مرحله ضرورت راه‌اندازی سایت برای مراجع تقلید عبور کرده‌ایم و کم‌وبیش همه مراجع تقلید، سایت مناسبی دارند و از این طریق به پرسش‌های مخاطبان پاسخ داده و مقلدان به راحتی می‌توانند نظرات مرجع خود را به دست آورند. در شرایط فعلی مدیران سایت‌ها باید قدمی فراتر برداشته و به ارتقای کیفی کار بپردازند. پیشنهادهایی که ارائه می‌شود:

و نارضایتی مراکز در عمل، این طرح با شکست مواجه شد. حسین نخلی مدیر فنی سایت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی در عین حال که قبول دارد باید سرور سایت‌های مراجع، داخلی باشد، می‌گوید: «سرورهای داخلی هنوز اطمینان ما را جلب نکرده‌اند. در اوایل راه‌اندازی سایت از مرکز آل‌البیت فضا را اجاره کردیم که متأسفانه مشکلات عدیده فنی باعث شد، فضای سایت را از کشورهای دیگر خریداری کنیم.»

ارتباط آنلایین با مخاطبان به معنای واقعی و نه کلیشه‌ای از جمله مواردی است که باید مورد توجه مدیران سایت‌های مراجع قرار گیرد ایجاد «دیتا سنتر» مستقل داخلی برای سایت‌های مراجع تقلید از دیگر ضرورت‌ها به حساب می‌آید

چندی پیش مستندی از شبکه الجزیره انگلیسی با عنوان «آیت‌الله... آنلایین» پخش شد که یک روز از زندگی آیت‌الله... صانعی را به تصویر کشیده بود. نکته بسیار تأکید شده در این مستند که از اسمش هم پیداست، استفاده دفتر آیت‌الله... صانعی از اینترنت برای پاسخگویی به سؤالات شرعی و بیان دیدگاه‌های وی بود و این ویژگی به شدت مورد توجه تهیه‌کننده مستند قرار گرفته بود. البته همه می‌دانیم که بسیاری از علما و همه مراجع، سایت‌های به روز و حتی فعال‌تر از آیت‌الله... صانعی دارند و علت دیگری پشت این ماجراست، اما بدانیم که چنین فعالیت‌هایی برای مخاطبان غیر مسلمان بسیار جالب توجه است. بهتر است مخاطب خود را فقط بومی فرض نگیریم و پی جذب سایرین باشیم. ■

* معاون ارتباطات دفتر توسعه وبلاگ‌های دینی

در اطلاعیه مندرج در روزنامه اطلاعات به طور صریح آمده است:

در بخش سوم، همه روزه در ساعت نوزده و ده دقیقه (هفت و ده دقیقه) بعد از ظهر اذان گفته می‌شود.^۶

نکته جالب توجه در این اطلاعیه این است که اذان به وقت شرعی پخش نمی‌شد.

به تدریج بر شمار سخنرانان مذهبی رادیو افزوده شد. «سید حسن صدر شیرازی» از جمله کسانی بود که در سال ۱۳۳۰ در رادیو سخنرانی مذهبی ایراد می‌کرد.^۷

افزایش شمار سخنرانان مذهبی در رادیو باعث شد که علاوه بر شخصیت‌هایی که از آنها نام برده شد، طی سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ افراد دیگری هم به فراخور دسته‌بندی‌های موجود در رادیو و بسته به اینکه رئیس اداره انتشارات و تبلیغات چه طرز تفکر و سیاستی داشت، پای سخنرانان مذهبی کم‌مایه را به رادیو باز کردند. این امر موجب گرفتاری‌هایی شد.

به طور کلی برنامه‌های مذهبی رادیو تا سال ۱۳۲۶ خط مشی خاصی نداشت تا آنکه در آن سال در نخستین کمیسیون تجدید نظر در برنامه‌های رادیو، چارچوب این برنامه‌ها چنین تعریف شد که در برنامه‌های رادیو نباید با گفتن موهومات ملت و مملکت را عقب نگه دارند، بلکه باید سبب پیشرفت کشور شوند. نباید مطالبی بگویند که باعث رنجش پیروان فرقه‌ها و مذاهب دیگر که در ایران شمار آنها به هجده دسته می‌رسد، شود. هر آدم ناشی نباید درباره دین و مذهب سخن بگوید.^۸

از همین رو بود که رفته‌رفته علاوه بر آقای راشد سخنرانانی چون آیت‌ا... مطهری، آیت‌ا... طالقانی و بهبهانی در زمره سخنرانان رادیو قرار گرفتند.^۹

منابع

- ۱- یادداشت، ش ۱۱، خرداد ۱۳۸۴، تهران: اداره کل پژوهش معاونت صدا، ۱۳۸۵، ص ۲
- ۲- اطلاعات، ۱۳۲۳/۱/۲۳، ص ۱
- ۳- اطلاعات، ۱۳۲۴/۱۰/۲، ص ۲
- ۴- استاد شهید مرتضی مطهری به روایت اسناد، تهران
- ۵- اطلاعات، ۱۳۲۳/۱۱/۱۱، ص ۴
- ۶- مصاحبه با دکتر ناصرالدین شاه حسینی، ۱۳۸۶/۵/۶
- ۷- اطلاعات، ۱۳۲۶/۴/۲۹، ص ۳
- ۸- اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۱۰۲
- ۹- مختاری اصفهانی، اسناد تاریخ رادیو، تهران، ۱۳۸۱، ص ۶۹



گیتی کاوه

در قسمت‌های پیشین درباره نحوه ورود برنامه‌های مذهبی به رادیو با سخنرانی استاد راشد در ماه محرم ۱۳۲۰ و همچنین اولین اذان پخش شده توسط پدر رحیم مودن‌زاده اردبیلی گفتیم. حال ادامه:

از آن پس شاهد اطلاعیه‌های قطع موسیقی رادیو، در ایام مذهبی هستیم که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

«اطلاعیه: قطع موسیقی ۱۳۲۳: رحلت حضرت رسول (ص)، شهادت امام حسن مجتبی (ع)»^۱
در اطلاعیه دیگری که محرم ۱۳۲۳ در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده، عناوین و نام سخنرانان مذهبی در ایام محرم آمده است:

یکشنبه ساعت ۲:۱۵ بعد از ظهر «دین اسلام با اصول تکامل بشر موافقت دارد.»

دوشنبه ساعت ۷:۴۵ بعد از ظهر «زندگانی و فضایل امام حسین (ع)»

سه‌شنبه ساعت ۷:۴۵ بعد از ظهر «فلسفه شهادت امام حسین (ع)»

چهارشنبه ساعت ۷:۴۵ بعد از ظهر «پیروی از قرآن سبب صلح جهان است.»

پنج‌شنبه ساعت ۷:۴۵ بعد از ظهر «بانوانی که در اسلام تربیت شده‌اند.»^۲

چنانچه از عناوین سخنرانی‌ها برمی‌آید، با گذشت حدود پنج سال از افتتاح رادیو در ایران، جریانات و موضوع‌های مذهبی جای خود را در رادیو باز کرده بودند و دولت نیز چاره‌ای جز تسلیم نداشت؛ چراکه مخاطبان تنها رسانه شنیداری کشور، مردمی بودند که با وجود همه تلاش رضاشاه در جهت دین‌زدایی، خواهان دین و دیانت بودند. این جریانات سعی

می‌کردند در مناسبت‌های مذهبی به تقویت مبانی دینی مخاطبان رادیو بپردازند.

اگرچه این تفکر و خط مشی محل مناقشه جریانات و شخصیت‌های مذهبی آن زمان بود، اما گروهی هر گونه همکاری و تبلیغات مذهبی از رادیو را به دلیل حاکمیت رژیم پهلوی نفی می‌کردند. اما گروهی دیگر مانند استاد شهید مطهری، خطیب توانا «محمد تقی فلسفی»، استاد شهید مرتضی مطهری رویه و نظر دیگری در این باره داشتند.

شهید مطهری که از سال ۱۳۲۸ به دعوت دکتر «ناصرالدین شاه حسینی»، رئیس شورای نویسندگان رادیو، در این رسانه به سخنرانی پرداختند که در زمره گروه دوم قرار داشتند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در مسجد هدایت که در تاریخ ۱۳۵۱/۱/۱۰ ایراد کردند؛ سه شرط را برای تبلیغ قائل شدند که شرط سوم آن را استفاده از امکانات روز مانند رادیو، تلویزیون، میکروفن و سلاح روز می‌دانند. در ادامه نیز می‌فرمایند که در زمانی که دشمنان ما از تمام این امکانات استفاده می‌کنند، باید ما هم بهتر از آنها بتوانیم سلاح مدرن تهیه کنیم و از تمام امکانات برای تبلیغ یا دفاع استفاده کنیم.^۳

در زمان وزارت سید محمد تدین وزیر فرهنگ، سلسله سخنرانی مذهبی از رادیو برای دانش‌آموزان دبیرستان‌ها و دانشجویان دانشسرای تهران برگزار شد. سخنرانان مذهبی عبارت بودند از آقایان: راشد، فلسفی، صدر ابلاغی، ابن‌الدین.^۴

آیت‌ا... «سید محمود طالقانی» از دیگر سخنرانانی بودند که در سال ۱۳۲۸ به دعوت دکتر شاه حسینی در روزهای چهارشنبه بعد از ظهر در رادیو سخنرانی داشتند.^۵

پخش اذان مغرب در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۲۶ قدم دیگری بود که رادیو در جهت تقویت حضور مذهب در رسانه برداشت.

نشست هیئت تحریریه خیمه با دکتر اعظم راودراد و استاد محمد رضا هزاوه‌ای



سری دوم از سلسله نشست‌های عاشورا پژوهی با محور بحث و بررسی درباره موضوع «امام حسین (ع) در عصر حاضر» که به منظور بازخوانی و مذاقه در مفاهیم دینی جهت فهم و استفاده بهتر از آموزه‌های دینی به ویژه آموزه‌های عاشورا و دستیابی به یک راهبرد عملی برای بهره‌بری از مفاهیم دینی در جامعه، در دفتر ماهنامه برگزار می‌شود.

عزاداری ایام فاطمیه در هیئت جوانان بنی هاشم تهران





عرضه محصولات فرهنگی-مذهبی در نمایشگاه کتاب

مراسم اختتامیه رسانه‌های عاشورایی





چند خبر امنیتی از عراق

انفجار تروریستی در بغداد جان ۷۸ نفر را گرفت تا پنجشنبه سوم اردیبهشت، خونین‌ترین روز عراق در سال گذشته باشد. در یکی از خون‌بارترین حملات انتحاری علیه زائران ایرانی در عراق، دست کم ۱۰۵ ایرانی کشته و زخمی شدند. تروریست عامل این فاجعه کمر بند انفجاری خود را در غذاخوری‌ای منفجر کرد که ایرانی‌ها در آن حضور داشتند. انفجار تروریستی مشابهی در بغداد نیز جان ۷۸ نفر را گرفت تا پنجشنبه خونین‌ترین روز عراق در سال گذشته باشد. انفجاری که هدف آن ایرانی‌های حاضر در یک رستوران بودند، در شهر مقدادیه در استان دیاله روی داد. این استان هم‌مرز با مرز خسروی ایران است و در شمال شرقی بغداد قرار دارد. تا ساعات پایانی روز پنجشنبه مسئولان سازمان حج و زیارت تعداد شهدای ایرانی این انفجار را ۵۳ نفر، ۲۶ زن، ۲۶ مرد و یک کودک، اعلام کردند. آسیب‌دیدگان از میان زائرانی بودند که از شهرهای تهران و تبریز راهی زیارت عتبات عالیات شده بودند.



همچنین در ۲۱ اردیبهشت ماه شبکه العربیه با اعلام خنثی شدن عملیات انفجاری تروریست‌ها در مسجدی شیعی در کرکوک عراق گزارش داد که خطر طرح‌های تندروها همچنان مراکز دینی و عبادی این کشور را تهدید می‌کند. اما در سومین حادثه، واژگونی اتوبوس حامل زائران ایرانی در بصره که منجر به درگذشت دو زائر ایرانی و زخمی شدن ۱۸ تن شد. این اتوبوس در نزدیکی فرودگاه بصره واژگون شد. اتوبوس این کاروان که از استان اصفهان و از کاروان‌های انفرادی بود در مسیر برگشت از مرز شلمچه واژگون شد.

هم‌اندیشی کشورهای اسلامی برای توسعه گردشگری

سومین کنفرانس خصوصی سازی و سرمایه گذاری و دومین مجمع گردشگری کشورهای اسلامی دهم اردیبهشت در جزیره کیش برگزار شد.

سخنرانان و ارائه‌کنندگان مقاله، اشتراکات دینی و فرهنگی میان کشورهای اسلامی را مهمترین زمینه رشد همکاری در حوزه گردشگری دانستند.

رئیس اتاق بازرگانی ایران در این همایش که با حضور جمعی از رؤسای اتاق‌های بازرگانی کشورهای اسلامی، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی برگزار شد، توانمندی بالقوه و بالفعل کشورهای اسلامی را مطلوب و قوی ارزیابی کرد و گفت: کشورهای اسلامی باید یک بخش خدمات، متناسب با سرمایه‌گذاری‌های خود شکل دهند.

در این کنفرانس محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز تشکیل امت واحد اسلامی را در راستای ایجاد اتحاد مسلمانان و افزایش تعامل کشورهای اسلامی ضروری خواند.

هم‌چنین اسفندیار رحیم‌مشایی رئیس سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خواستار استفاده حداکثری از همبستگی‌های اسلامی برای مقابله با مدیریت جهانی در تغییر ساختارهای جهانی شد.

در این کنفرانس، پیام دکتر اکمال الدین احسان اوغلو دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) توسط نماینده وی قرائت شد. پیام شیخ صالح عبدال... کامل رئیس اتاق بازرگانی و صنعت اسلامی (ICCI) دومین پیامی بود که در این اجلاس قرائت شد.

ئی پینگ ژو رئیس واحد ویژه همکاری‌های جنوب - جنوب برنامه توسعه سازمان ملل متحد نیز با ارسال پیامی به کنفرانس خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری ضمن با اهمیت قلمداد کردن همکاری‌های چندجانبه میان کشورهای اسلامی برای توسعه اقتصادی خواستار گسترش همکاری‌های جنوب - جنوب شد.



حضور استادان دانشگاهی

در مرکز مطالعات راهبردی خیمه

در فروردین و اردیبهشت ماه سال جاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه میزبان دو تن از استادان دانشگاه بود.

سلسله نشست‌های عاشوراپژوهی در فروردین و اردیبهشت سال جاری با حضور دکتر هزاوه‌ای در مرکز مطالعات راهبردی خیمه برگزار شد.

استاد هزاوه‌ای مدرس کلام، فلسفه و حقوق در مراکز تربیت معلم و مؤسسات آموزش عالی است و در مجموعه اول نشست‌های عاشوراپژوهی نیز در سال ۱۳۸۶ در مرکز مطالعات راهبردی خیمه نیز حضور یافت. همچنین دکتر «اعظم راود راد»، مدرس ارتباطات دانشگاه تهران، با حضور در مرکز مطالعات راهبردی خیمه به سؤالات هیئت تحریریه نشریه و سایت خیمه درباره دین و رسانه پاسخ گفت.

سلسله نشست‌های استاد هزاوه‌ای همچنان در مرکز مطالعات راهبردی خیمه هر چهارشنبه ساعت ۱۴ الی ۱۶ دایر است. برای آگاهی کامل از بحث‌های ارائه شده به سایت خبری kheimhnews.com مراجعه کنید.



مسابقه رسانه‌های عاشورایی

برای زدودن خرافه از کربلا برگزار شد

معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هدف از برگزاری مسابقه رسانه‌های عاشورایی را زدودن خرافه از واقعه کربلا عنوان کرد.

«علیرضا ملکیان» در مراسم اختتامیه مسابقات «رسانه‌های عاشورایی» ویژه تولیدات دیجیتال در سالن رسول مهر گفت: «برگزاری نخستین مسابقات رسانه‌های عاشورایی حرکت بسیار مؤثر در جهت تبلیغ فرهنگ عاشورایی به روش نوین در جامعه به‌ویژه در بین نسل جوان است.»



پست جواب قبول

نیازی به چسباندن تمبر ندارد

هزینه پست بر اساس قرارداد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

ما به عاشقان سیدالشهدا اعتماد داریم

مشخصات فرستنده: نام و نام خانوادگی:

استان: شهرستان:

آدرس دقیق پستی:

.....

.....

تلفن: کد / صندوق پستی:

شماره و تاریخ فیش واریزی:

فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهیانه خیمه

پست سفارشی

پست عادی

شش شماره ۷۵۰۰۰

شش شماره ۵۱۰۰۰

دوازده شماره ۱۵۶۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۱۰۲۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیبا (بانک ملی)

۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱ به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در کلیه شعب سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل نموده، و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

وی افزود: «ستاد عاشورایی فجر آفرین در سال ۸۵ با هدف زدودن خرافات در مراسم عزاداری امام حسین (ع) در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد که تاکنون حرکت‌های خوبی انجام داده است.»

دبیر مسابقه رسانه‌های عاشورایی نیز هدف از برگزاری این مسابقه را ترویج آثار برگزیده در مورد رسانه‌های عاشورایی، ارزیابی و رده‌بندی مناسب از تولیدات دیجیتال درباره قیام امام حسین (ع) دانست.

مهدی صرامی شاخصه‌های ارزیابی تولیدات رسانه‌ای این مسابقه را سخنان مقام معظم رهبری در دیدارهایشان با مداحان عنوان کرد.

معاون مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «فراخوان مسابقه رسانه‌های عاشورایی در بخش‌های مختلفی از جمله وبلاگ، پایگاه‌های خبری و اطلاع رسانی، تم و نواهای تلفن همراه، نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای و پویانمایی صورت گرفت.» دبیر مسابقه رسانه‌های عاشورایی، اثرات شرکت داده شده در مسابقه را ۱۴۶۴ عنوان ذکر کرد که از این مجموع ۶۵۴ سایت و وبلاگ اینترنتی، ۳۹۶ تم و نوای تلفن همراه، ۳۱۵ عکس تلفن همراه، ۷۵ نرم‌افزار چند رسانه‌ای، ۲۷ نرم‌افزار تلفن همراه و ۷ پویانمایی بوده است.

عیسی زارع‌پور برگزار کننده مسابقات را راهی بومی و فرهنگی برای دفاع در مقابل تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی قلمداد کرد و افزود: «در جریان ناتوی فرهنگی بستر سازی و جریان سازی فرهنگی نیاز است تا در این فضا حضور یابیم و با پشتوانه تاریخی و با ابزارهای جدید رسالت تاریخی خود را ایفا کنیم.» وی قیام عاشورا را دارای پتانسیل بالایی برای سرمایه‌گذاری فرهنگی عنوان کرد.

رئیس مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار خروج از حالت انفعالی در زمینه واردات محصولات فرهنگی دیجیتالی شد و دانسته‌های فرهنگ حسینی را در تولید رسانه‌های دیجیتال ارزشمند ارزیابی کرد.

در پایان از نفرات برگزیده بخش‌های مختلف جشنواره «رسانه‌های عاشورایی» با اهدای جوایزی تجلیل شد.

دومین همایش حضرت زینب (س) برگزار شد

دومین همایش حضرت زینب (س) هفتم اردیبهشت ماه سال جاری، به همت شورای فرهنگی-پژوهشی بانوان هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات فرهنگ و اندیشه دینی و معاونت فرهنگی این دانشگاه برگزار شد.

در همایش حضرت زینب (س)، از ۷۰ مقاله رسیده به دبیرخانه همایش، ۲۰ مقاله پذیرفته و تعدادی از آنها از سوی نویسندگان آنها در همایش ارائه شد.

مقالات «بررسی گوشه‌هایی از جایگاه علمی و مقام روایی حضرت زینب (س)» از سوی مهدی مؤمنی، «صبر و پایداری حضرت زینب (س)» از سوی زهرا مهدیزاده، «حضرت زینب (س) الگوی زنان مسلمان در تاریخ اسلام» از سوی مرتضی اشرفی، «زیباشناسی واقعه کربلا از دیدگاه حضرت زینب (س)» از سوی خانم دکتر شاد عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، «شخصیت زن در قرآن و حدیث با تأکید بر روش زندگی حضرت زینب (س)» از سوی خانم دکتر عبدالباقی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، «نقش حضرت زینب (س) در ارتقای عزت نفس بازماندگان قیام عاشورا» از سوی ایرج شاکرنیا، «ارائه تصویری از ویژگی‌های شخصیتی حضرت زینب (س)» از

سوی سعید پورطهماسبی و «تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (س)» از سوی دانش‌محمدی در این همایش یک روزه ارائه شد. شناخت ویژگی‌های شخصیتی حضرت زینب (س) در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نقش تربیتی حضرت زینب (س) در ابعاد خانوادگی، اجتماعی، تحلیل محتوایی خطبه‌های حضرت زینب (س)، حضرت زینب (س) الگوی زنان مسلمان در تاریخ اسلام و تحلیل خطبه‌های آن حضرت از جمله محورهای این همایش بود.



① معارفه رئیس جدید اداره کل سازمان تبلیغات اسلامی قم
خاموشی: بدعت و خرافات توسط حوزه‌ها شناسایی شود

حجت‌الاسلام عباس اسکندری جانشین مرحوم حجت‌الاسلام ایرانی رئیس فقید این سازمان شد. اسکندری پیش‌تر معاون فرهنگی سازمان تبلیغات بود.

در مراسم معارفه رئیس سازمان تبلیغات اسلامی قم دکتر سیدمهدی خاموشی با اشاره به اینکه «رقیب مردم در هیچ حرکتی نیستیم، بلکه حامی آنها هستیم»، گفت: «بدعت‌ها و خرافات مراسم و عزاداری‌ها توسط حوزه‌های علمیه، شناسایی می‌شوند و ما برای رفع آن در هیئت‌های مردمی اقدام می‌کنیم.»

وی با بیان اینکه «وقتی هیئتی شکل می‌گیرد، باید خطیب داشته باشد و خطیب نیز باید پشتیبانی فرهنگی داشته باشد»، افزود: «عمق بخشی محتوا و رساندن به مبلغان توسط سازمان تبلیغات اسلامی انجام می‌شود که یکی از این راهکارها استفاده از ۴۰ فروشگاه زنجیره‌ای موجود در کشور است.» رئیس سازمان تبلیغات اسلامی بیان کرد: «سازمان تبلیغات به عنوان نهادی پیشرو در عرصه فرهنگی از فعالیت‌های مردمی در حوزه دین پشتیبانی می‌کند.»

خاموشی با بیان اینکه «چند سال پیش تعداد خانه عالم ۲۰۰ تا ۳۰۰ عدد در کشور بود»، تصریح کرد: «در سال گذشته ۱۲۰۰ خانه عالم در حال ساخت بود و در حال حاضر نیاز به عالم داریم نه خانه.» وی با تأکید بر اینکه اگر قم تقویت شود، سازمان تبلیغات نیز تقویت می‌شود، گفت: «با وجود روحانیون، قم به عنوان اصلی‌ترین قرارگاه فرهنگی کشور در حال فعالیت است.»

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی افزود: «قم و تهران پایتخت چاپ قرآن در جهان هستند و ما از عربستان جلوتر هستیم.»

رئیس جدید سازمان تبلیغات اسلامی قم نیز بیان کرد: «وجود حوزه‌های علمیه قم فخر اسلام است و با تکیه بر آن می‌توانیم سر در برابر جهانیان بلند کنیم و برای تعجیل در ظهور امام زمان (عج) تلاش کنیم.» حجت‌الاسلام عباس اسکندری تصریح کرد: «مراجع، نور هستند و حوادث جهان را می‌شناسند و در جهت‌گیری‌های مقام معظم رهبری همراه ایشان هستند.»

وی خاطر نشان کرد: «اگر از فرصت‌های پیش آمده استفاده نکنیم، ظهور به تأخیر می‌افتد.» همچنین در این مراسم با پخش کلیپ و تقدیم لوح به فرزند مرحوم حجت‌الاسلام ایرانی، رئیس پیشین سازمان تبلیغات اسلامی قم از زحمات ایشان تقدیر شد. ■

خبرگزاری

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی خیمه

ماهنامه خیمه با حمایت مرکز مطالعات راهبردی خیمه با رویکرد مذهبی، علمی، توصیفی، ترویجی، فرهنگی و با موضوع تخصصی امام حسین (ع)، عاشورا و مناسک آیینی و کلیه موضوعات مرتبط انتشار می‌یابد.

مخاطبان: تمام علاقمندان به مباحث عاشورایی به‌ویژه: محققان، پژوهشگران، نویسندگان عرصه عاشورا، مدیران و مسئولان تشکل‌های دینی، وعاظ، منبری‌ها، مداحان، مدیران و مسئولان فرهنگی کشور؛

تهران، صندوق پستی: ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵، تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰-۲۱
قم، صندوق پستی: ۴۴۹-۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

